

فصل نامه «مشرق موعود» براساس نامه شماره ۳/۱۱/۱۴۳۳ مورخه ۱۳۸۸/۹/۱ کمیسیون نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از شماره نهم تا بیستم و براساس نامه شماره ۳۱/۵۷۸۱ مورخه ۱۳۹۱/۱۲/۵ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه، از شماره بیستم به بعد دارای درجه علمی - پژوهشی است.

هیئت تحریریه براساس حروف الفبا:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر اکبریان، رضا

استاد دانشگاه تربیت مدرس تهران

حجت الاسلام والمسلمین دکتر بهروزی لک، غلامرضا

استاد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر پارسنیا، حمید

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران

حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقای، سیدمسعود

استاد حوزه علمیه قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، جواد

استاد حوزه علمیه قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر خسروپناه، عبدالحسین

استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سهرابی، صادق

عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجارزادگان، فتح الله

استاد دانشگاه تهران (پدیس قم)

حجت الاسلام والمسلمین هادی زاده، محمدتقی

استاد حوزه علمیه قم

مدیرمسئول و سردبیر:

سیدمسعود پورسیدآقای

مدیر داخلی و دبیر تحریریه:

مجتبی خانی

ویراستار:

گروه ویرایش مؤسسه آینده روشن

حروف نگار:

ناصراحمدپور

صفحه آرا:

علی جواد دهقان

طراح جلد:

ابوالفضل بیگدلی نسب

چاپخانه:

بوستان کتاب

همکاران این شماره:

استاد سیدمسعود پورسیدآقای، دکتر

سعید بخشی، دکتر نصرت الله آیتی و

دکتر مصطفی ورمزیار

دفتر نشریه: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۰۰۸۰ دوزنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۳۳۴۶

صندوق پستی: ۴۷۱ - ۳۷۱۸۵ کدپستی: ۴۵۶۵۱ - ۳۷۱۳۷

مرکز پخش: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۲

شمارگان: ۱۰۰ قیمت: ۲۹۵۰۰۰ ریال

پست الکترونیک ارسال مقالات: mashreq110@gmail.com - mashreq110@yahoo.com

سایت های دسترسی به مقالات: www.magiran.com - www.noormags.ir

وبسایت نشریه: mashreqmag.sinaweb.net

«این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می شود»



اگر شما بتوانید این عشق و محبت و سوز و گدازی را که مردم ما به طور طبیعی نسبت به حضرت دارند، در سطح عموم مردم، به خصوص جوانان، با یک نگاه عالمانه و آگاهانه همراه کنید، برکات این کار، لاتعد و لاتحصی خواهد شد.

مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

فهرست عناوین

-
- دانشگاه تراز اسلامی، قلب تپنده تمدن اسلامی و زمینه سازی ظهور ۷
محمد رضا حسنی آهنگر، حامد نجاران طوسی، محمد علی برزنونی
- نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد در مسیر تربیت انسان تراز مهدویت در هندسه نظم نوین جهانی ۳۹۰
محمد علی برزنونی، مهدی فاتح راد
- ارزیابی عملکرد نظام در رابطه با جوانان ۷۷
پرویز جمشیدی مهر
- ظرفیت های اندیشه مهدویت در ایجاد کارآمدی، اقتدار و ثبات تمدنی با تکیه بر انقلاب اسلامی ۹۵
جعفر علی نقی، احمد رهدار
- بررسی چرایی پیروزی انقلاب اسلامی براساس گفتمان مقاومت و چالش پیش رو (با نقدی بر نظریه مقاومت شکننده جان فوران) ۱۱۷
مجید احمدی کجایی
- صهیونیسم چالش جدی در برابر انقلاب اسلامی ایران با رویکرد حکومت زمینه ساز ۱۳۳
سعید بخشی، حسن شم آبادی، محمد کاظمی بنچاری
- ارکان نرم افزاری هندسه نظم جهان در عصر مهدویت مبتنی بر بیانات امامین انقلاب اسلامی ۱۶۱
محمد شمس الدینی، محمد رضا عرب بافرانی
- تبیین گام های نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران در راستای تحقق قیام مهدوی؛ با تأکید بر اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه ۱۸۳
ایوب پورقیومی، میثم رضائی

فصل نامه «مشرق موعود» از مقالات پژوهشی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع امامت و مهدویت با تمامی رویکردهای تخصصی استقبال می‌کند.

راهنمای تدوین مقالات

الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله به‌طور همزمان به دیگر مجلات ارسال نشده و یا در جای دیگر منتشر نشده باشد.
۲. مقاله با مباحث امامت و مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای محتوای پژوهشی (مسئله‌محور و دارای نوآوری) باشد.
۴. نویسنده مقاله دارای درجه دکتری یا سطح چهار حوزوی (حداقل استادیار) باشد، یا از راهنمایی شخصی با این شرایط بهره گیرد.
۵. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل و پرینت آن به دفتر نشریه ارسال گردد. (حداکثر ۷۵۰۰ کلمه)
۶. ساختار مقاله باید دربرگیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (چکیده فارسی و انگلیسی، حداقل یکصد و حداکثر دویست کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، مباحث تفصیلی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا بر اساس نام خانوادگی نویسنده).

۷. درج نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا ...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا ...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.

ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش APA (درون متنی) باشد و از درج پاورقی یا پی نوشت پرهیز شود. آدرس دهی به کتاب ها و نشریات در متن، پس از پایان مطلب در داخل پرانتز و بدین صورت انجام می پذیرد: نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار کتاب، صفحه. مانند: (نعمانی، ۱۴۰۸: ۲۵۳). روش آدرس دهی به کتاب های چند جلدی نیز بدین شکل است: (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۷۴). ممکن است در کتب روایی «باب» و «حدیث» نیز به آن افزوده گردد که به شکل: (...، ب ۴، ح ۹) ذکر می شود. آدرس دهی به نشریات نیز مانند کتاب هاست و ابتدا نام خانوادگی نویسنده، سپس سال انتشار نشریه و بعد شماره صفحه مطلب مورد اشاره نوشته می شود. همچنین، در آدرس دهی به آیات قرآن، تنها نام سوره و شماره آیه بدین شکل می آید: (انبیاء: ۱۰۵)

۲. فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می آید:

برای درج مشخصات کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال نشر (داخل پرانتز)، نام کتاب، ترجمه یا تصحیح یا تحقیق: نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح یا محقق، شهر محل انتشار، انتشارات، نوبت چاپ.

برای درج مشخصات نشریات: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال نشر (داخل پرانتز)، «نام مقاله»، نام نشریه، شماره، محل نشر، سازمان یا مؤسسه یا ارگان منتشر کننده.

ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاما بیان گر دیدگاه های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.

۲. مجله در ویرایش، تلخیص، تقطیع، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.

۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی شوند و نویسنده محترم می تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.

۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلامانع است.

۵. از نظریات اندیشه وران، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می شود.

Standard Islamic University, the beating heart of Islamic civilization and the foundation of emergence

Dr. Mohammad Reza Hasni Ahangar ¹

Dr. Hamed Najaran Toosi ²

Dr. Mohammad Ali Barznouni ³

Abstract

The rule of Islam over the world, the realization of Islamic civilization and the foundation for the emergence of Hazrat Hojjat As the final perspective, it has always been emphasized by the Imams of the Islamic Revolution. Achieving these lofty ideals will be possible only with the special role of the University of the Imams of the Islamic Revolution, which in this article is referred to as the Islamic Balance University, as a beating heart that is responsible for the intellectual and scientific nutrition of the society. In this article, the role and role of Taraz Islamic University in the realization of Islamic civilization and the foundation of its emergence is explained, based on the statements and measures of the Imams of the Islamic Revolution. To achieve this goal, the qualitative method of "theme analysis" was used and by extracting 1932 primary themes, a model consisting of two dimensions, eight components and 36 indicators was developed. This model has two basic dimensions of "human education" and "production and expansion of wisdom". "Human education" has 4 components of "general characteristics", "intellectual and religious education", "cultural and moral education" and "scientific and skill training" and "production and expansion of wisdom" includes 4 components of "general characteristics", "production Thought", "production of science" and "technology and innovation". Under each of these components, there are indicators that explain the role of Taraz Islamic University as the heart of modern Islamic civilization.

Keywords: Taraz Islamic University, Islamic civilization, human development, education, wisdom, production of thought, production of science, technology and innovation

1. Assistant Professor of Imam Hossein University

2. Assistant Professor of Imam Hossein University (Responsible Author)

3. Assistant Professor of Imam Hossein University



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفناد و یکم / بهار ۱۴۰۳

دانشگاه تراز اسلامی، قلب تپنده تمدن اسلامی و زمینه سازی ظهور*

محمدرضا حسنی آهنگر^۱

حامد نجاران طوسی^۲

محمدعلی برزونی^۳

چکیده

حاکمیت اسلام بر جهان، تحقق تمدن اسلامی و زمینه سازی ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه به عنوان چشم انداز نهایی، همواره مورد تأکید امامین انقلاب اسلامی بوده است. رسیدن به این آرمان های والا تنها با نقش آفرینی ویژه دانشگاه مطلوب امامین انقلاب اسلامی که در این مقاله از آن با عنوان دانشگاه تراز اسلامی یاد می شود، به مثابه قلبی تپنده که تغذیه فکری و علمی جامعه را بر عهده دارد، میسر خواهد شد. در این مقاله، جایگاه و چگونگی نقش آفرینی دانشگاه تراز اسلامی در تحقق تمدن اسلامی و زمینه سازی ظهور، مبتنی بر بیانات و تدابیر امامین انقلاب اسلامی تشریح می گردد. برای رسیدن به این هدف از روش کیفی «تحلیل مضمون» استفاده شده و با استخراج ۱۹۳۲ مضمون اولیه، الگویی مشتمل بر دو بعد، هشت مؤلفه و ۳۶ شاخص، تدوین گردیده است. این الگو دارای دو بعد اساسی «پرورش انسان» و «تولید و گسترش حکمت» است. «پرورش انسان» دارای ۴ مؤلفه «ویژگی های کلی»، «تربیت فکری و اعتقادی»، «تربیت فرهنگی و اخلاقی» و «تربیت علمی و مهارتی» بوده و «تولید و گسترش حکمت» شامل ۴ مؤلفه «ویژگی های کلی»، «تولید فکر»، «تولید علم» و «فناوری و نوآوری» است. در ذیل هرکدام از این مؤلفه ها نیز شاخص هایی وجود دارد که نقش دانشگاه تراز اسلامی را به عنوان قلب تمدن نوین اسلامی، تبیین می نماید.

واژگان کلیدی

دانشگاه تراز اسلامی، تمدن اسلامی، پرورش انسان، تربیت، حکمت، تولید فکر، تولید علم، فناوری و نوآوری.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام (mrhasani@ihu.ac.ir).

۲. استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام (نویسنده مسئول) (kpnajaran@ihu.ac.ir).

۳. استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام (mbrznoni@ihu.ac.ir).

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی، سرآغاز حرکت پرشتاب و عظیمی است که با سرنگونی رژیم ستم‌شاهی و برپایی نظام مقدس جمهوری اسلامی، امیدهای فراوانی را برای تحقق آرمان بلند تمدن نوین اسلامی پدید آورد. این تمدن در میانی، ارزش‌ها، فرهنگ و سبک زندگی، تفاوت‌های عمیقی با تمدن مسلط غربی دارد که استکبارستیزی و مبارزه با نظام سلطه از ویژگی‌های بارز آن است. دستیابی به این آرمان بلند، نیازمند طی مراحل مختلف و ساختن مسیر جدیدی است که برای این منظور بخش‌های مختلف جامعه و نهادهای حاکمیتی باید به صورت منسجم، نقش‌آفرینی نمایند. در این میان، نقش دانشگاه در ریل‌گذاری و هدایت قطار پیشرفت و رشد جامعه در مسیر صحیح انقلابی، بی‌بدیل و بی‌جایگزین است.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی رحمته‌الله علیه همواره بر اهمیت دانشگاه و نقش آنها در سرنوشت ملت‌ها تأکید داشته‌اند؛ مثلاً در جمع استادان و دانشجویان دانشگاه شیراز فرموده‌اند:

دانشگاه، مبدأ همه تحولات است. از دانشگاه، چه دانشگاه علوم قدیمه چه دانشگاه علوم جدید، از دانشگاه، سعادت یک ملت و در مقابل سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه می‌گیرد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۸، ۶۴).

امام خامنه‌ای نیز خواستار تعریف و تبیین چگونگی ایفای نقش دانشگاه در تمدن‌سازی نوین اسلامی شده‌اند. به عنوان نمونه، معظم‌له در سال ۱۳۹۴ در دیدار با دانشگاهیان به صراحت بیان نمودند:

ما چه کار کنیم که از این دانشگاه ... بتوانیم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی بهره ببریم؟ ... دانشگاه [در این زمینه] چه نقشی می‌تواند ایفا کند و چه کار باید بکند؟ اولاً نقش‌آفرینی دانشگاه لازم است، ثانیاً سؤال این است که: چه باید کرد؟ ما چه کار کنیم که بتوانیم به این جا برسیم؟ (۱۳۹۴/۰۸/۲۰ در دیدار با رؤسای دانشگاه و مسئولان آموزش عالی کشور).

بدین جهت می‌توان عنوان نمود که دانشگاه مطلوب از منظر امامین انقلاب اسلامی، یک هدف مهم را دنبال می‌کند و آن نقش‌آفرینی در تمدن‌سازی نوین اسلامی است. بی‌شک این امر، بدون شناخت دقیق چگونگی و نحوه اثرگذاری آن در ایجاد این تمدن امکان‌پذیر نخواهد بود. یکی از مهم‌ترین منابع شناخت این موضوع، بیانات و تدابیر تفصیلی و عمیق امامین انقلاب اسلامی است که از ابتدای شروع نهضت اسلامی تا امروز مانند چشمه‌ای جوشان



هدایتگر راه و نشانگر مسیر انقلاب بوده و هست.

دانشگاه مطلوب انقلاب اسلامی، دانشگاهی است که با وجود مشترکاتی که باعث می‌شود نام دانشگاه بر آن نهاده شود اما تفاوت‌های بنیادی با دانشگاه مرسوم غربی دارد. صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی، از دیدگاه خود، توصیف‌های مختلف و متعددی از این دانشگاه بیان نموده‌اند؛ اما این نظرها با وجود اشتراک‌های فراوان و برشمردن ابعاد قابل پذیرش عمومی، در برخی زمینه‌ها همسو نبوده و خواص ناخواسته متأثر از پیش‌زمینه‌های ذهنی و سلیقه‌های فردی آنها بوده است. مفهوم «دانشگاه اسلامی» حتی در میان دلسوزان و خواص کشور نیز با برداشت‌های گوناگون در عرصه نظر و عمل، مواجه است (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۰۸-۲۰۹). در این میان می‌توان ادعا نمود که معتبرترین قرائت و روایت از دانشگاه مطلوب، مربوط به رهبران معظم انقلاب اسلامی است که آن را باید بی‌واسطه از نظرها و اندیشه‌های ایشان استخراج نمود. امام خمینی رحمته‌الله علیه به عنوان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و امام خامنه‌ای به عنوان رهبر کنونی انقلاب اسلامی، دیدگاه‌ها و نظرهای مفصلی را نسبت به دانشگاه و مسائل مرتبط با آن بیان داشته‌اند. در این مقاله با بهره‌گیری از روش کیفی تحلیل مضمون با رویکرد استنباطی - اجتهادی، دانشگاهی که واجد تمام ویژگی‌های مدنظر امامین انقلاب اسلامی باشد، با عنوان «دانشگاه تراز اسلامی» تعریف شده و به تحلیل آن از منظر تمدن‌سازی پرداخته می‌شود.

تمدن‌سازی نوین اسلامی در نگاه امامین انقلاب اسلامی و نقش دانشگاه در آن

فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی به پنج مرحله: ۱. پیروزی نهضت و انقلاب اسلامی؛ ۲. برقراری نظام اسلامی؛ ۳. تشکیل دولت اسلامی؛ ۴. ایجاد جامعه اسلامی؛ ۵. تشکیل تمدن و شکل‌گیری امت اسلامی تقسیم می‌گردد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴)؛ مرحله اول با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و مرحله دوم با استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸، به انجام رسیده است؛ اما مراحل بعدی یعنی تحقق کامل دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت تشکیل تمدن و امت اسلامی، هنوز در حال تکمیل بوده و البته در این مسیر با چالش‌های زیادی نیز مواجه شده است. تشکیل دانشگاه تراز اسلامی، در عین اینکه یکی از غایات و اهداف این انقلاب در مراحل دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی است، وسیله‌ای برای رسیدن به این اهداف نیز به شمار می‌رود.

شکل‌گیری حکومت مردم‌سالار دینی برآمده از مشروعیت شرعی و مقبولیت مردمی،

گفتمان‌های جدیدی را فراروی بشر جدید نهاده که یکی از مهم‌ترین آنها، احیا و بازسازی تمدن نوین اسلامی است. یکی از الزام‌های اصلی برای تحقق این تمدن، «نظام فکری، معرفتی و تولید دانش و فناوری» است که محفل اساسی آن دانشگاه‌ها به عنوان تولیدکنندگان فکر، علم و فناوری و جامعه تربیت‌شدگان و تعلیم‌یافتگان این مراکز هستند. بدین ترتیب دانشگاه‌ها هم وظیفه «تولید، تبیین و تعمیق تفکر، علم، معرفت و فرهنگ» را بر عهده دارند و هم به واسطه تربیت نیروی انسانی فعال جامعه، نقشی تأثیرگذار در شکل‌گیری و رشد تمدن ایفا می‌کند. کیفیت تحقق اهداف و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی نیز ریشه در چگونگی کارکرد این نهاد مهم و اساسی دارد؛ چراکه تحقق تمدن نوین اسلامی درگرو پیشرفت در «عرصه‌های چهارگانه فکر، علم، زندگی و معنویت» است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲) که دانشگاه‌ها در این زمینه، مسئولیت مستقیم دارند. تمدن نوین اسلامی در حال شکل‌گیری است و انقلاب اسلامی، پرچم‌دار آن در جهان محسوب می‌شود.

در این مسیر دانشگاه، نیازمند بازتعریف نقش، مأموریت، رسالت و کارکرد خود است تا هم در تحقق اهداف مراحل مختلف انقلاب اسلامی، نقش مهم خویش را ایفا نموده و هم بستر ساز توسعه و ساخت ابعاد مفهومی این تمدن برای ارائه در عصر جدید باشد. بسیاری از اندیشمندان جهان نیز به کارکرد مهم تمدن‌سازی برای دانشگاه‌ها قائل هستند. سده‌های متوالی است که فعالان حوزه‌های علمی و فرهنگی در سراسر جهان تمدن یافته، مناسبت تمدن و آموزش را دریافته‌اند و همگان در این رأی هم‌آوازند که مدنیت درگرو آموزش انسان‌هایی است که در زمان مکان مدنی زیست می‌کنند (سفیدخوش، ۱۳۹۶ش: ۹). دانشگاه، وظیفه تعمیق، بسط و گسترش آموزش و دانش را بر عهده دارد؛ لذا در شکل‌گیری، رشد و نمو هر تمدنی اثرگذار بوده و کانون انباشت علم برای تمدن‌سازی محسوب می‌شود و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر هنر، فن، اقتصاد، سیاست، ادبیات، فلسفه، اخلاق، حقوق، دین و بالأخره علم در مفهوم خاص آن تأثیرگذار است (خرمشاد، ۱۳۹۰).

شالوده‌های تمامی ویژگی‌ها و مشخصه‌های تمدنی به خوبی در کارکردهای دانشگاه دیده شده است؛ بنابراین در صورتی که دانشگاه به رسالت خود، آگاهی داشته و به وظایف و کارکردهای خویش به خوبی عمل کند، می‌تواند سازنده تمدنی پویا و مستحکم باشد. دانشگاه‌ها، فرهنگ عمومی کشور را می‌سازند و بالنده می‌کنند؛ این بالندگی در برون‌داد دانشگاه به صورت خرده‌فرهنگ‌ها در حوزه‌های مختلف صنعتی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دیده می‌شود؛ سپس همه اینها از مجرای فرهنگ عمومی در درازمدت، تمدن را

محقق می‌سازند (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸).

روش پژوهش

برای تبیین نقش‌آفرینی دانشگاه به عنوان قلب تپنده تمدن‌سازی و زمینه‌سازی ظهور مبتنی بر اندیشه‌های امام خمینی رحمته‌الله علیه و امام خامنه‌ای، از روش «تحلیل مضمون» با رویکرد استنباطی - اجتهادی استفاده شد. این روش به دنبال استخراج مضامین برجسته متون در سطوح مختلف است و برای شناسایی و تشریح چرایی و چیستی یک پدیده می‌توان از آن استفاده نمود. «تحلیل مضمون» شامل جستجو در مجموعه‌ای از داده‌ها برای یافتن الگوهای تکرارشونده از معانی است که البته شکل و محصول آن، ممکن است متفاوت باشد. از این رو مهم است که سؤال‌های تحقیق، قبل، بعد و هنگام «تحلیل مضمون»، مورد توجه و بررسی قرار گیرند. فرایند کلی انجام این روش را می‌توان به مراحل کلی زیر تقسیم نمود:

- جمع‌آوری و یافتن متون مرتبط با موضوع؛
- تقلیل و کاهش متون با انتخاب جملات مرتبط در بین متون جمع‌آوری شده؛
- یافتن و شناسه‌گذاری مضامین اولیه جملات و عبارت‌های منتخب؛
- ترکیب مضامین اولیه برای رسیدن به مفاهیم فراگیرتر.

همه مراحل فوق با تفسیر و تحلیل همراه بوده و به صورت رفت و برگشتی، اصلاح و تکمیل می‌گردد. با توجه به این که «تحلیل مضمون» یک نوع پژوهش کیفی است، بدیهی است برخی از مراحل آن، مشابه سایر روش‌های تحقیق کیفی باشد. این فرایند می‌تواند در زمان جمع‌آوری داده‌ها آغاز شود اما نقطه پایان این فرایند، تهیه گزارشی از محتوا و معانی الگوها و مضامین در داده‌هاست. این نوع تحلیل، فرایندی است که طی زمان شکل می‌گیرد و نیازمند صبر و حوصله فراوان است (شیخ‌زاده، ۱۳۹۴ ش: ۲۱-۲۳).

مرحله اول؛ جمع‌آوری آرا و نظرهای امامین انقلاب اسلامی در خصوص موضوع تحقیق بود. دیدگاه‌های حضرت امام از نسخه رایانه‌ای صحیفه امام (مجموعه بیانات، پیام‌ها و نامه‌های ایشان از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۶۸)، منتشرشده در پایگاه گسترش آرا و اندیشه‌های امام خمینی رحمته‌الله علیه استخراج گردید. کلیه مطالب ثبت شده در این کتاب، بررسی و مواردی که در آنها کلیدواژه‌هایی شامل دانشگاه، تمدن و موارد مرتبط بود به علاوه تمامی مطالب ایشان خطاب به حوزویان، دانشجویان، اساتید دانشگاه و ستاد انقلاب فرهنگی انتخاب گردید. مجموع این موارد به علاوه وصیت‌نامه الهی سیاسی معظم‌له، مشتمل بر ۷۶ سخنرانی و پیام شد که از این میان ۲۲

عنوان مطلب، مربوط به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و ۵۴ عنوان مطلب مربوط به پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. پس از این کار، نظرها و دیدگاه‌های امام خامنه‌ای بالغ بر ۴۰۶ عنوان سخنرانی، مصاحبه، حکم، پیام و... جمع‌آوری شد. منبع اصلی در این زمینه، پایگاه اطلاع‌رسانی و نرم‌افزار حدیث ولایت ایشان بود؛ اما برخی مطالب و بیانات منتشر نشده همچون ۹ دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال‌های مختلف، پس از جستجو در منابع دیگری همچون سایر پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و گزارش‌ها و کتاب‌های منتشر شده، به دست آمد. پس از جمع‌آوری آرا و نظرهای امامین انقلاب اسلامی، شناسایی مضامین اولیه و شناسه‌گذاری، آغاز گردید. در نهایت ۱۹۳۲ مضمون اولیه (شناسه) استخراج شد. با عنایت به اهداف و سؤال‌های تحقیق، مضامین اولیه، در قالب ۳۵ مضمون سازمان‌دهنده (شاخص) ترکیب و این مضامین پس از دسته‌بندی در سطوح مختلف در نهایت در ۸ مضمون فراگیر (مؤلفه) طبقه‌بندی شد که در ادامه به طور تفصیلی، تشریح خواهد گردید.

یافته‌های پژوهش

با توجه به کثرت اطلاعات جمع‌آوری شده و حجم فراوان عملیات شناسه‌گذاری، تحلیل، ترکیب مفاهیم و مضامین، ابتدا نمونه کوچکی از تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول (۱) ارائه شده و سپس نتایج آن تشریح خواهد شد.

جدول ۱ - نمونه نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

شناسه	تاریخ	متن منتخب	مضمون اولیه	مضمون سازمان‌دهنده (شاخص)	مضمون فراگیر (مؤلفه)	بعد
۵۱۱	۱۳۸۵/۱۱/۱۴	دانش‌اندوزی را با اندیشه‌ورزی و این هر دو را با پرهیزکاری و پاکدامنی بیامیزید؛ در این صورت هیچ اندوخته‌ای برای کشور با ثروت وجود جوانانی چون شما برابری نخواهد کرد.	اندیشه‌ورزی، دانش‌اندوزی و پرهیزکاری و پاکدامنی	تربیت هدفمند و همه‌جانبه	ویژگی‌های کلی	پرورش انسان
۷۸۷	۱۳۸۵/۰۶/۱۰	هدف این است که کشور به دست انسان‌های صالح از لحاظ علمی و فکری، در جهت هدف‌های خودش حرکت کند؛ و این نخواهد شد، مگر آن‌وقت که این انسان‌ها خودشان، آن هدف‌ها را شناخته و قبول داشته باشند.	شناساندن اهداف انقلاب	تبیین مبانی فکری و اهداف انقلاب اسلامی	تربیت فکری و اعتقادی	پرورش انسان

شناسه	تاریخ	متن منتخب	مضمون اولیه	مضمون سازمان دهنده (شاخص)	مضمون فراگیر (مؤلفه)	بعد
۱۷۳۳	۱۳۵۹/۹/۲۷	مهم این است که دانشگاه یک کسی که از آن بیرون بیاید بفهمد که من با بودجه این مملکت تحصیل کرده‌ام، متخصص شده‌ام، به مقامات عالیه علم رسیده‌ام، و باید برای این مملکت خدمت بکنم. و برای استقلال این کشور باید خدمتگزار باشم (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۴۱۲).	متعهد به خدمت به مملکت	افزایش نشاط، امید، خودباوری، انگیزه، تعهد، مطالبه‌گری و پیگیری	تربیت فرهنگی و اخلاقی	پرورش انسان
۲۵۷	۱۳۷۸/۹/۲۹	قشر دانشجو باید از فرصت موجود کشور استفاده کند و معلومات خود را زیاد نماید. بی‌سوادی، کم‌عمقی و بی‌اعتنائی به دانش و برنامه‌های درسی پذیرفته نیست.	توجه به علم و برنامه‌های درسی	خودسازی علمی	تربیت علمی و مهارتی	پرورش انسان
۱۷۷۲	۱۳۵۸/۴/۱۳	فرق بین دانشگاه‌های غربی و دانشگاه‌های اسلامی باید در آن طرحی باشد که اسلام برای دانشگاه‌ها طرح می‌کند. دانشگاه‌های غربی - به هر مرتبه‌ای هم که برسند - طبیعت را ادراک می‌کنند، طبیعت را مهار نمی‌کنند برای معنویت... تمام علومی که شما اسم می‌برید و از دانشگاه‌های خارجی تعریف می‌کنید - و تعریف هم دارد - اینها یک ورق از عالم است؛ آن هم یک ورق نازل‌تر از همه اوراق (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۴۳۳).	مهار طبیعت برای معنویت	معنویت و اخلاق	ویژگی‌های کلی	حکمت
۱۱۰۴	۱۳۸۴/۱۰/۱۴	پایه علم هم بر فلسفه است؛ فلسفه نباشد، علم وجود ندارد. اگر استنتاج فلسفی نباشد، اصلاً علم می‌شود بی‌معنا. ... خب، فلسفه مال ماست؛ مهد فلسفه، کشور ماست. آنچه که در کشور ما به نام فلسفه وجود دارد، به عنوان فلسفه و به معنای فلسفه بسیار نزدیک‌تر است تا آنچه که در اختیار غربی‌هاست، که امروز فلسفه آنها سر و صدایش دنیا را پر کرده. خوب، کار کنند. حوزه‌های ما مرکز فلسفه است؛ پرورش یافتگان حوزه‌ها، اساتید بزرگ فلسفه هستند؛ در دانشگاه‌ها هم خوشبختانه این معنا رسوخ پیدا کرده؛ بنابراین در زمینه تولید فکر - که منبعث از نگاه فلسفی است - باید کار شود.	تولید فکر مبتنی بر نگاه فلسفی بومی و اسلامی	تحول در علوم انسانی بر مبنای اندیشه اسلامی	تولید فکر	حکمت
۱۵۷	۱۳۸۴/۵/۱۷	مرزهای دانش را بشکنید. این که من می‌گویم نهضت نرم‌افزاری، انتظار من از شما جوان‌ها و اساتید این است. تولید علم کنید.	شکستن مرزهای دانش	نهضت نرم‌افزاری، پیشرفت جهشی و مرزشکنی علمی	تولید علم	حکمت

شماره	تاریخ	متن منتخب	مضمون اولیه	مضمون سازمان دهنده (شاخص)	مضمون فراگیر (مؤلفه)	بعد
۱۸۴	۱۳/۵/۸۸	آنچه که پیشرفت هست، این است که ما از هر که و هر جور، همه دانش‌های مورد نیازمان را فراگیریم؛ این دانش را به مرحله عمل و کاربرد برسانیم، تحقیقات گوناگون انجام بدهیم، برای این که دامنه علم را توسعه بدهیم، تحقیقات بنیادی انجام بدهیم، تحقیقات کاربردی و تجربی انجام بدهیم، تا فناوری را به وجود آوریم یا فناوری جدیدی را به وجود بیاوریم یا فناوری را تکمیل کنیم؛ تصحیح کنیم و انجام بدهیم.	فراگیری دانش و توسعه دادن و کاربردی کردن آن	پژوهش‌های هدفمند و کاربردی	فناوری و نوآوری	حکمت

تمدن‌سازی نوین اسلامی به ابعاد و مؤلفه‌هایی نیاز دارد که در مجموعه بیانات امام خامنه‌ای به آنها اشاره شده است و با توجه به رسالت و فلسفه وجودی دانشگاه‌ها، آنها متولی مهم و کلیدی در این زمینه هستند:

برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان (۱۳۷۹/۰۷/۱۴).

اگر این کشور توانست... علم و فناوری و صنعت پیدا کند... این اولین کشور و دولتی خواهد بود که توانسته است پیشرفت مادی را در زیر روشنی چراغ برافروخته فضیلت و معنویت به دست آورد؛ این می‌شود یک تمدن جدید (۱۳۸۳/۰۳/۲۱).

تمدن اسلامی به ابعاد و مؤلفه‌هایی نیاز دارد که در مجموعه بیانات امامین انقلاب اسلامی به آنها اشاره شده و می‌توان آنها در دو مؤلفه «پرورش انسان» و «تولید و گسترش حکمت» دسته‌بندی کرد. مطابق شکل (۱)، نقش‌آفرینی دانشگاه به عنوان قلب تپنده تمدن اسلامی را می‌توان در یک الگوی مبتنی بر شبکه مضامین با ۲ بعد و ۸ مؤلفه شامل مؤلفه‌ها و شاخص‌های جداول (۲ و ۳) ارائه نمود.

نقشه

سال هجدهم، شماره ۷، بهار ۱۴۰۳

شکل ۱- الگوی «نقش آفرینی دانشگاه تراز اسلامی به عنوان قلب تپنده تمدن اسلامی و زمینه ساز ظهور»



الف) پرورش انسان

بی شک، مهم ترین نقش دانشگاه در تمدن سازی، تربیت و پرورش انسان های متعهد و متخصص است و این موضوع به دفعات در کلام امامین انقلاب اسلامی تکرار شده است. «دانشگاه ها در هر کشوری ... نقش شان این است که انسان درست کنند. مأمور ساختن انسان هست دانشگاه. ... همه انبیاء برای آدم سازی آمده اند. ... قطب دانشگاه مأمور آدم سازی هست و قطب روحانیت مأمور آدم سازی، کارشان شریف ترین کارهاست برای این که همان کار انبیاست؛ و هم مسئولیت شان بالاتر از همه مسئولیت هاست، برای این که در این جا همه چیز درست می شود» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۸، ۶۱).

این بعد، شامل سه مؤلفه تربیتی و یک مؤلفه تحت عنوان «ویژگی‌های کلی» به شرح جدول (۲) است. اعداد داخل پرانتز میزان تکرار مضامین را در بیانات امامین انقلاب اسلامی نشان می‌دهد.

جدول ۲- شاخص‌ها و مؤلفه‌های بعد «پرورش انسان»

پرورش انسان (۱۲۱۲)	
ویژگی‌های کلی (۱۷۷)	تربیت فکری و اعتقادی (۲۶۳)
تربیت همه‌جانبه و هدفمند (۹۰) استعدادیابی و پذیرش هدفمند دانشجو (۳۷) الگوی تربیتی مبتنی بر هویت ملی و اسلامی (۳۲) مدیریت علمی انقلابی (۱۲) استادمحوری (۶)	ایجاد بصیرت و قدرت تحلیل (۱۶۷) تبیین مبانی فکری و اهداف انقلاب اسلامی (۵۲) توسعه مهارت‌های تفکر و نظریه‌پردازی (۴۴)
تربیت فرهنگی و اخلاقی (۶۲۴)	تربیت علمی و مهارتی (۱۴۸)
خودسازی معنوی و اشاعه فرهنگ دینی و انقلاب اسلامی (۲۷۴) ترویج فضایل اخلاقی و سبک زندگی اسلامی (۲۱۳) افزایش نشاط، امید، خودباوری، انگیزه، تعهد، مطالبه‌گری و پیگیری (۷۱) هدایت مرشدانه و مصونیت بخشی فرهنگی (۶۵)	خودسازی علمی (۷۰) فراگیری علم و مهارت اداره زندگی و جامعه (۳۸) ترویج ابتکار، خلاقیت و نوآوری (۲۱) آموختن و آزمون در میدان عمل (۱۹)

۱. ویژگی‌های کلی

تربیت و آموزش دانشگاه تراز اسلامی دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان آنها را مبتنی بر کلام امامین انقلاب اسلامی شاخص‌های کلی به این شرح دسته‌بندی نمود:

تربیت هدفمند و همه‌جانبه: دانشگاه تراز اسلامی، انسان‌هایی شایسته و کارآمد را برای رفع نیازهای مختلف و متنوع جامعه و در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی تربیت می‌کند. امامین انقلاب اسلامی بر هدفمند بودن دانشگاه برای رفع نیازهای کشور و تحقق اهداف عالی انقلاب اسلامی تأکید داشته و دارند. به طور نمونه امام خمینی رحمه‌الله‌تعالیه می‌فرمایند:

دانشگاهی‌ها و خود علمای حوزه‌ها برنامه‌ها را تنظیم کنند، که یک آموزش موافق با احتیاج مملکت، نه یک چیزهایی را بخوانند که اصلاً به درد ما نمی‌خورد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۱۲، ۳۲۹).

یا امام خامنه‌ای تأکید دارند که:

خصوصیت جمهوری اسلامی این است که دستگاه انسان‌سازی‌اش بایستی صحیح حرکت بکند و انسان باب هدف‌های جمهوری اسلامی بسازد (۱۳۷۰/۰۹/۲۰).

همچنین این دانشگاه، مسئولیت پرورش همه‌جانبه و جامع‌الاطراف را نیز بر عهده دارند. انسان تک‌بعدی و تک‌ساختی برای تمدن‌سازی مناسب نیست. بر همین اساس این دانشگاه، متکفل تربیت نسلی است که علاوه بر تخصص، دارای ایمان و روشن‌بینی نیز باشد. «دانشگاه

اسلامی، علم و ایمان، علم و معنویت، علم و اخلاق را باهم همراه می‌کند. علم را می‌آموزد و جهت‌گیری علم را از اخلاق و ایمان می‌گیرد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹). «در دانشگاه اسلامی؛ علم با دین، و تلاشگری با اخلاق، و تضارب افکار با سعه صدر، و تنوع رشته‌ها با وحدت هدف، و کار سیاسی با سلامت نفس، تعمق و ژرف‌نگری با سرعت عمل، و خلاصه دنیا با آخرت همراه است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۰۷/۰۳).

استعدادیابی و پذیرش هدفمند: در دانشگاه تراز اسلامی، دانشجو، هدف و مقصود اصلی است؛ لذا گزینش حقیقی و جذب هدفمند دانشجوی مستعد باکیفیت، متناسب با نیاز و ظرفیت در مرکز توجه قرار داشته و هدایت استعدادها با محوریت علاقه دانشجو و متناسب با نیازمندی‌های کشور انجام می‌پذیرد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۱۹، ۱۸۷؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۹/۲۰، ۱۳۷۴/۰۸/۱۷، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ و ۱۳۷۱/۰۸/۱۹).

الگوی تربیتی بومی مبتنی بر هویت ملی و اسلامی: الگوی تربیتی دانشگاه تراز اسلامی، متناسب با شرایط و نیازهای جامعه و با توجه به تاریخ غنی و زمینه‌های فرهنگی بومی طراحی شده است. «الآن مدرسه‌هایی که دانشگاه‌ها و دانشسراها، اینها که ما داریم، فرم‌هایش همه فرم غرب است. ... همه چیز را از غرب گرفته‌اند. فرهنگ به این غنی‌ای کنار زده شده است و چسبیده‌اند به فرهنگ غرب. آن هم نه فرهنگ اصیل غرب، فرهنگ استعماری غرب» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۱۲، ۴). در این راستا سنت‌های حسنه حوزه‌های علمیه مثل «انتخاب آزادانه استاد»، «تفکر و مطالعه»، «پیش مطالعه قبل از درس»، «مباحثه بعد کلاس»، «تقریر درس استاد»، «اشکال کردن به درس استاد و قبول نکردن تعبدی»، «احترام به اساتید، بزرگ‌ترها و پیشکسوت‌ها»، در این دانشگاه رایج است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹ و ۱۳۶۹/۰۸/۰۱). لذا تحولی بنیادین در نظام تربیت و آموزش فعای، ایجاد شده است؛ البته باید در نظر داشت که در این جا تحول معنای حقیقی خود را داشته و به مفهوم اصلاح و بهبودهای جزئی نیست (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۱۲، ۲۴۸؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۳/۲۳ و ۱۳۷۵/۰۲/۲۹).

نکته مهمی که در این زمینه نیاز به توجه جدی دارد، بحث پویایی، ارزیابی و اصلاح مستمر این دانشگاه است که در آن قابلیت‌های خوداصلاحی نیز در نظر گرفته شده است. بدیهی است هر نظام تربیت و آموزشی مبتنی بر نیازهای جدید محیطی و همچنین نواقص طراحی اولیه که عمدتاً هنگام اجرا مشخص شده یا پیامدهای آن در طول زمان بروز و ظهور می‌یابد نیازمند، ارزیابی‌های دوره‌ای و مستمر و روزآمدسازی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۹).

۱۳۸۳/۱۰/۱۷ و ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

مدیریت علمی و انقلابی: مدیریت دانشگاه تراز اسلامی در اختیار کسانی است که از یک سو، متخصص بوده و عاشق پیشرفت علمی کشور بوده و جامعه علمی آنها را از لحاظ دانشی به عنوان رئیس پذیرفته‌اند؛ از طرف دیگر دارای اعتقاد عمیق به اسلام و انقلاب هستند تا بتوانند نقش اساسی در هدایت صحیح این دانشگاه در راستای اهداف انقلاب اسلامی ایفا نمایند (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۸/۰۱، ۱۳۸۰/۱۰/۰۸ و ۱۳۹۳/۰۴/۱۱).

استاد محوری: نقش محوری و اصلی را در دانشگاه تراز اسلامی، استاد و معلم ایفا نموده و می‌تواند کمبود و نقص بخش‌های دیگر را در صورت لزوم پوشش دهد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۲/۱۴ و ۱۳۹۴/۰۲/۱۶).

۲. تربیت فکری و اعتقادی

دانشگاه تراز اسلامی، ابزار و وسایل لازم را برای هدایت فکری نسل جوان دانشجو، به قدر وافر و کافی ایجاد می‌نماید تا از نظر تفکر انقلابی، عمق و پختگی لازم را پیدا کنند تا مثلاً اگر کسی نسبت به انقلاب اسلامی، هیچ معرفت یا اعتقادی نداشت وقتی وارد دانشگاه شد، پس از فارغ‌التحصیلی، به فردی انقلابی و مؤمن تبدیل شده و به نظام جمهوری اسلامی و مسئولانش کمک کند (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۶/۱۱، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵ و ۱۳۸۶/۰۹/۰۸). بدین منظور این دانشگاه در برنامه‌های خود اقدام‌های زیر را پیش‌بینی و اجرا می‌کند:

ایجاد بصیرت و قدرت تحلیل: یکی از اهداف مهم تربیت و آموزش، افزایش روشن‌بینی، روشنفکری و توان فهم و تشخیص صحیح مسائل جامعه و جهان است (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳ و ۱۳۷۹/۰۷/۲۶). در نتیجه دانشگاه تراز اسلامی برای بصیرت‌افزایی و ارتقای آگاهی، قدرت تحلیل و بینش سیاسی، برنامه دارد (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۸/۰۴ و ۱۳۶۹/۰۶/۱۱)؛ قدرت تحلیلی که بتواند از واقعیت‌های جامعه یک جمع‌بندی ذهنی برای فرد به وجود آورده و آن را بشناسد. هر ضربه‌ای که مسلمانان در طول تاریخ خورده‌اند، از ضعف قدرت تحلیل بوده است. نباید گذاشت دشمن از بی‌بصیرتی‌ها و ناآگاهی‌ها استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشمان جلوه دهد (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳). دشمن‌شناسی و آشنایی با تاریخ و مناسبات نظام سلطه می‌تواند به این امر کمک کند. شناخت ماهیت دشمن، طرح‌ها و برنامه‌های او برای نفوذ و ضربه زدن به انقلاب اسلامی، باعث افزایش عمق نگاه‌ها شده و توان تحلیل و تصمیم‌گیری را در مناسبات اجتماعی و سیاسی ارتقا خواهد بخشید (امام خامنه‌ای،

۱۳۷۴/۰۸/۱۹؛ ۱۳۹۰/۰۵/۱۹ و ۱۳۹۴/۰۸/۲۰).

تبیین مبانی فکری و اهداف انقلاب اسلامی: متأسفانه دستگاه‌های مرموز استکباری از طریق دانشگاه‌ها، مانع توجه طبقه تحصیل کرده به احکام مقدس اسلام، به ویژه قوانین تشکیلاتی و اجتماعی و اقتصادی آن شده‌اند و با تبلیغات گوناگون این‌طور وانمود می‌کنند که اسلام جز احکام عبادی مطلبی ندارد؛ در صورتی که قواعد سیاسی و اجتماعی اسلام ناب بیشتر از مطالب عبادی آن است. لذا در دانشگاه تراز اسلامی، قوانین آسمانی اسلام که برای تمام شئون زندگی از مبدأ وحی نازل شده و عملی‌تر و سودمندتر از تمام آموزه‌های دیگر است، تبیین می‌گردد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۲، ۸۷). همچنین با توجه به نیاز آشنایی نسل جوان با ریشه‌ها، مبانی فکری و اهداف انقلاب اسلامی برای درک نقش‌ها و وظیفه‌های انقلابی در طول زمان و عمل متناسب با آن به نحو احسن، فعالیت می‌کند (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۹/۲۰ و ۱۳۶۸/۰۸/۱۰).

توسعه مهارت‌های تفکر و نظریه‌پردازی: خروجی‌های مطلوب دانشگاه تراز اسلامی، کسانی هستند که می‌توانند در دنیای علم‌آموزی، پیشرفت علم و بنای علمی کشور، تحرک ایجاد کرده و صاحب نظرانی اندیشمند، فکور، عالم، محقق، پژوهشگر و دلیر در میدان علم و پژوهش باشند و دنیا از نظریه‌هایشان استفاده کند. این امر مستلزم آن است که افراد علاوه بر دانش و دانایی، روش‌ها و مهارت‌های اندیشیدن و تفکر را نیز بیاموزند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹، ۱۳۸۵/۰۹/۰۴). اگر کسی دارای تفکر بود، این روحیه موجب می‌شود که بتواند مسائل مهم را کشف کند. اگر جوان عالم و دانشمند، متفکر بار آمده باشد، از آن ذخیره دانشی که در اختیار او است، ده‌ها و صدها مسئله جدید مطرح می‌کند و پاسخ می‌گیرد؛ یعنی استفاده از علم هم با تفکر ممکن است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۲/۱۷).

۳. تربیت فرهنگی و اخلاقی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای دانشگاه تراز اسلامی برای پرورش انسان‌های متعالی، «تربیت فرهنگی و اخلاقی» است که نتیجه آن مشخصاً در رفتار و سبک زندگی متجلی می‌شود. بیشترین تأکید از لحاظ تکرار مضامین در بیانات امامین انقلاب اسلامی نیز در همین زمینه مشاهده می‌شود که این مضمون‌ها در چهار مؤلفه به شرح زیر قابل دسته‌بندی است:

خودسازی معنوی و اشاعه فرهنگ دینی و انقلاب اسلامی: تعمیق معرفت و نگاه توحیدی با تبیین جهان بینی الهی و افزایش آگاهی و دانش دینی، ایمان و تعهد را تقویت نموده و باعث

ارتقای دینداری می‌گردد. در این‌جا توجه به باطن و عمق اعمال در کنار حفظ ظواهر اسلامی و پایبندی به تعبد دینی همراه با دانایی، مطلوب و مورد نظر است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳ و ۱۳۸۴/۰۳/۰۵). بسیاری از خطاها، به علت شناخت ناقص و سطحی از اسلام به وجود می‌آید لذا آشنا نمودن افراد با معارف دینی و انقلاب اسلامی و هدایت صحیح ایشان در صراط مستقیم، اهمیت ویژه می‌یابد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۳، ۳۲۲؛ ج ۱۹، ۳۱۶). ترویج خودسازی معنوی، تأدیب، تزکیه و تهذیب نفس با ترویج و آگاهی بخشی این مسائل و همچنین ایجاد فضا و محیط مناسب از طریق رفع موانع و مزاحمت‌ها، کمک قابل توجهی در این مسیر به حساب می‌آید. در این زمینه تذکر نکات اخلاقی در کلاس‌ها و برگزاری دروس عقاید و اخلاق می‌تواند مفید واقع شود. یکی از توصیه‌های همیشگی امامین انقلاب اسلامی به دانشجویان، توجه جدی به مقوله خودسازی، تهذیب نفس و تزکیه بوده و هست (همان: ج ۱۳، ۲؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۲۴ و ۱۳۷۷/۰۲/۲۴). تعظیم شعائر و برگزاری آگاهانه و هوشمندانه مراسم دینی اعم نماز جماعت، اعتکاف، احیاء، توسل، روضه خوانی، دعا و مناجات با محوریت مسجد، نیز کارا مورد تأکید قرار داشته است (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۸/۱۳، ۱۳۷۴/۰۸/۱۷ و ۱۳۸۴/۰۳/۰۵). در این مسیر، ایجاد زمینه «آشنایی و انس با قرآن» و در مرحله بعد *نهج البلاغه* و *صحیفه سجادیه*، تأثیر به سزایی در تربیت فرهنگی و اخلاقی خواهد داشت (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۹/۱۷ و ۱۳۷۸/۰۹/۰۱).

ترویج فضایل اخلاقی و سبک زندگی اسلامی: دانشگاه تراز اسلامی در ترویج فضائل اخلاقی مانند ادب، انضباط، وقت شناسی، امانت داری، صبر، قناعت، چشم پوشی، انصاف و تقویت وجدان کاری، روح تلاش، سخت کوشی، مسئولیت پذیری، فرهنگ کار جمعی و تعاون در امور خیر و در مجموع سبک زندگی اسلامی به عنوان یکی از ابعاد مهم پیشرفت و نماد و جلوه تمدن نوین اسلامی، فعالانه مشارکت و نقش آفرینی می‌کند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳، ۱۳۹۱/۰۷/۲۰ و ۱۳۹۱/۰۵/۲۲). در این دانشگاه، هدف از درس خواندن، معطوف به گرفتن مدرک تحصیلی، کسب درآمد، موقعیت اجتماعی یا سیاسی نیست و این خود علم است که ارزش دارد؛ البته علمی که در جهت اهداف عالی و سعادت حقیقی بشریت باشد. لذا تزریق روحیه پارسایی و وجدان علمی و ایجاد علاقه به تحقیق و علم آموزی از کارکردهای اصلی این دانشگاه محسوب می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۸، ۲۴۸؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۱۰/۰۱).

افزایش نشاط، امید، خودباوری، انگیزه، تعهد، مطالبه‌گری و پیگیری: هویت بخشی، ایجاد

اعتماد به نفس و ارتقای انگیزه ها و باورهای ملی و دینی همراه با حس افتخار و سربلندی یکی دیگر از جنبه های مهم و اصلی در تربیت فرهنگی و اخلاقی به شمار می رود (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۲۱، ۷۴؛ امام خامنه ای، ۱۳۸۵/۰۷/۱۳). این موضوع دارای ویژگی هایی است که اولین آن تقویت خودباوری و شجاعت و ریشه کن نمودن فرهنگ غلط «ما نمی توانیم» است (امام خامنه ای، ۱۳۹۳/۰۳/۱۹؛ ۱۳۸۰/۰۸/۲۰ و ۱۳۷۸/۰۳/۱۲). یادآوری سوابق درخشان تاریخی و زنده کردن و تقویت حس افتخار و اعتزاز ملی و دینی، حساسیت و تعهد به اسلام و کشور و بیزاری از وابستگی به بیگانگان، در هویت بخشی و ایجاد انگیزه بسیار مؤثر است (امام خامنه ای، ۱۳۷۰/۰۹/۲۰؛ ۱۳۸۲/۰۲/۲۲ و ۱۳۸۶/۱۰/۱۳). افزایش نشاط و ایجاد امید به آینده کشور و انقلاب اسلامی نیز تأثیر به سزایی در تقویت هویت و ایجاد انگیزه دارد (امام خامنه ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۰). گسترش روحیه کنجکاوی، مطالبه گری و پیگیری همراه با عقلانیت و انصاف در بین جوانان نیز از دیگر ضرورت های تحقق تمدن نوین اسلامی است که در این دانشگاه به آن توجه می گردد. دانشجویان دانشگاه تراز اسلامی، همواره انگیزه طرح مسئله، سؤال یا درخواست را دارند. البته ممکن است به همه آن مطالبات نتوان پاسخ داد؛ لیکن یقیناً آینده خوب و افق روشنی با چنین مطالباتی جلوی چشم خواهد بود. جوان باید مطالبه کند و احساس نماید که این مطالبه سودمند و ثمربخش است و تشویق بشود بر این مطالبه و باید احساس کند که او فقط مسئولیتش طرح سؤال و پرتاب کردن یک شعار نیست، که بگوید خب، ما کار خودمان را کردیم؛ نه، پیگیری کردن، مطالعه کردن، درباره مسئله اندیشیدن، آن را پخته کردن، راه کار اجرایی را برای آن جستجو کردن، برای طرحش با مراکز دست اندرکار و مجری تلاش کردن و فعالیت کردن و بالأخره خود وارد میدان کار شدن، اینها جزء وظایف و تکالیف اوست که این را هم در کنار آن مطالبه و طلبکاری و مدعا داشتن، درک می کند (امام خامنه ای، ۱۳۸۶/۰۷/۱۷ و ۱۳۹۳/۰۵/۰۱).

هدایت مرشدانه و مصونیت بخشی فرهنگی: عمده هدف این بخش، «ایجاد مصونیت در برابر فرهنگ غربی و اندیشه های انحرافی» است تا در مقابل تهاجم و شبیخون فرهنگی دشمن بتوان از فرهنگ و ارزش های انقلاب اسلامی محافظت نمود. بدیهی است این کار از طریق ابزار فرهنگی نظیر روشنگری و پاسخ به شبهات با تکیه بر تفکر ناب اسلامی قابل انجام است (امام خامنه ای، ۱۳۶۸/۰۸/۱۰؛ ۱۳۷۷/۰۹/۰۹؛ ۱۳۸۷/۰۹/۲۴ و ۱۳۷۶/۰۶/۲۵). برای این منظور، در دانشگاه تراز اسلامی، حضور و هدایتگری مرشدانه علما و اساتید برجسته معارف و اخلاق ضروری است (امام خامنه ای، ۱۳۶۵/۰۹/۱۶ و ۱۳۶۸/۰۷/۱۵). حوزه وسیع تربیت فرهنگی و

اخلاقی، از حساسیت بالایی برخوردار بوده و نیاز به سیاست گذاری، برنامه ریزی و مدیریت صحیح و دقیق و پیش بینی برنامه های سالم با توجه به آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی دارد. فضای فرهنگی، تحمیل کننده خود بر همه رفتارها و روش هاست، چه رفتارها روش های فردی، چه جمعی و چه حکومتی و چه کلان جامعه. لذا باید آن را مهندسی کرد؛ یعنی باید با اصلاح عیوب فرهنگ موجود، انسان هایی رشید، آزاد، موحد، عدالت طلب، پرکار، پرنشاط، پرامید، پیشرو، دارای اعتماد به نفس، دارای توکل به خدا، دارای روح ایثار و مجاهدت و در همه ابعاد به طور کامل، تربیت نمود. باید مشکل ها و ریشه های آن را شناخت و برای رفع آن ریشه ها، برنامه ریزی و زمان بندی کرده و پیش رفت. در این راستا در دانشگاه تراز اسلامی، جریان های صحیح فرهنگی کمک و هدایت می شوند. آن جایی را نیز که دشمن برنامه ریزی کرده است، شناخته شده و علاج فرهنگی - نه علاج سیاسی و پلیسی - می گردد. با برنامه ریزی صحیح و عمل به آن، می توان انتظار داشت که فرهنگ کشور چه فرهنگ عمومی؛ چه فرهنگ نخبگانی، دانشگاه ها و... بهبود یافته و پیش می رود (امام خامنه ای، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳؛ ۱۳۸۶/۰۹/۱۷؛ ۱۳۷۵/۰۹/۲۰ و ۱۳۹۲/۰۹/۱۹).

۴. تربیت علمی و مهارتی

با وجود تأکید ویژه بر جنبه های فکری، اعتقادی، فرهنگی و اخلاقی تربیت، اما دانشگاه هم چنان که از نامش پیداست، محل علم و دانش است و تربیت علمی و مهارتی مهم ترین وجه ممیزه آنها نسبت به سایر مراکز و دستگاه ها است. این، علم و دانش است که خواهد توانست دست برتر را در مناسبات جهانی برای تحقق اهداف و آرمان های بلند انقلاب اسلامی ایجاد نماید (امام خامنه ای، ۱۳۹۶/۰۳/۱۷ و ۱۳۹۱/۰۹/۲۱). بیانات امامین انقلاب در این زمینه را می توان در چهار موضوع به شرح زیر دسته بندی نمود:

خودسازی علمی: اهمیت تحصیل و فراگیری دانش و خودسازی علمی در دانشگاه تراز اسلامی به گونه ای است که دانشجویان و اساتید آن را وظیفه اصلی و فریضه ای واجب دانسته و با تحمل سختی ها و محرومیت ها، بخش عمده ای از وقت و تلاش خود را در این زمینه صرف می کنند. این موضوع به حدی جدی است که امام خمینی رحمته الله علیه، مسامحه در آن را خیانت به اسلام و کشور برمی شمارند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۸، ۲۴۸). امام خامنه ای نیز فلسفه حضور و کار اول دانشجو را درس خواندن می دانند و معتقدند اگر کسی درس نخواند، بلاشک ذمه اش مشغول مردم است و باید در روز قیامت پیش خدای متعال جواب دهد (۱۳۷۷/۱۲/۰۴).

فراگیری علم و مهارت اداره زندگی و جامعه: یکی از اهداف مهم دیگر دانشگاه تراز اسلامی، تربیت نیروی کار مناسب و کارآمد برای جامعه است؛ لذا علوم، فنون و مهارت های مختلف اداره جامعه و زندگی اجتماعی و شخصی در این دانشگاه فراگرفته می شود؛ چراکه برای رسیدن به آینده های مطلوب، احتیاج به نسل جوان باهمت پرانگیزه مؤمن تلاشگر کاردان راه بلد است (امام خامنه ای، ۱۳۶۵/۰۹/۱۶ و ۱۳۸۵/۰۷/۲۵).

ترویج ابتکار، نوآوری و کارآفرینی: در دانشگاه تراز اسلامی، ابتکار و زنده نگه داشتن روح خلاقیت، نوآوری علمی و کارآفرینی، ترویج گردیده و دانشجو به جای فراگیری تقلیدی و پذیرفتن صرف، به وادی ابتکار سوق داده می شود (امام خامنه ای، ۱۳۸۵/۰۹/۰۴؛ ۱۳۷۹/۱۲/۰۹؛ ۱۳۹۰/۰۶/۰۲ و ۱۳۹۳/۰۲/۱۷).

آموختن و آزمون در میدان عمل: دانشگاه تراز اسلامی، افراد را برای نیازهای جامعه تربیت می کند؛ لذا برای حضور و تعامل آنها در دستگاه های گوناگون اجرایی، فکر و برنامه ریزی می نماید. در این زمینه از روش هایی مثل کارگاه های آموزشی، اردوهای علمی، ارتباط دانشگاه و صنعت استفاده می شود (امام خامنه ای، ۱۳۷۲/۰۷/۲۸؛ ۱۳۷۰/۰۶/۳۱ و ۱۳۸۶/۰۲/۲۵). در همین راستا، «هدایت صحیح و کاربردی نمودن پایان نامه ها» در مقاطع تحصیلات تکمیلی برای استفاده مؤثر آنها در نیازمندی های کشور نیز در محور توجه قرار دارد (امام خامنه ای، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶ و ۱۳۹۴/۰۴/۱۳).

ب) تولید و گسترش حکمت

دومین نقش دانشگاه در ایجاد تمدن اسلامی، تولید و گسترش حکمت شامل منظومه فکر، علم، فناوری و نوآوری در سایه سار ایمان به غیب و معنویت است (نجاران طوسی و همکاران، ۱۳۹۸ ش: ۲۹۰).

«حکمت، بالاتر از این علم معمولی ماست. حکمت، آن دانسته های عظیمی است که چرخ زندگی انسان را می چرخاند. ... در حکمت، اخلاق هست، تیزبینی، عمق بینی و ژرف بینی هست؛ معنویت و ارتباط با خدا و فهم صحیح مسائل هست؛ آشنا شدن با حقیقت این عالم وجود و طبیعت این عالم، از انسان و غیر انسان، با یک دید انسانی و والا - نه صرفا دید آزمایشگاهی هست - که البته آن هم لازم است؛ اما این بالاتر از آن است اینها همه در معنای حکمت هست» (امام خامنه ای، ۱۳۷۷/۰۲/۲۴).

این بعد، شامل سه مؤلفه «تولید فکر»، «تولید علم» و «فناوری و نوآوری» و یک مؤلفه تحت

عنوان «ویژگی‌های کلی» به شرح جدول (۳) است. شایان ذکر است اعداد داخل پرانتز میزان تکرار مضامین را در بیانات امامین انقلاب اسلامی نشان می‌دهد.

جدول ۳- مؤلفه‌ها و شاخص‌های «تولید و گسترش حکمت»

تولید و گسترش حکمت (۷۲۰)	
ویژگی‌های کلی (۲۷۷)	تولید علم (۲۳۶)
جهاد علمی (۱۰۱) آزاداندیشی و نوآوری روشمند و خردمندانه (۸۵) سخاوت علمی و فراگیری تجارب بشری (۳۸) معنویت و اخلاق (۳۴) همبستگی و به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها (۱۱) اعتباربخشی و بهره‌گیری درست از نتایج فعالیت‌های علمی (۸)	نهضت نرم‌افزاری، پیشرفت جهشی پرشتاب و مرزشکنی علمی (۱۳۰) عزت و مرجعیت علمی (۴۶) درون‌زایی و خودکفایی علمی (۲۲) هدفمندی در تولید علم (۲۲) توسعه علوم پایه (۱۱) تقویت بنیه علمی کشور (۵)
تولید فکر (۱۱۸)	فناوری و نوآوری (۸۹)
نظریه‌پردازی و الگوسازی فکری و عملی (۵۰) تحول در علوم انسانی بر مبنای اندیشه اسلامی (۴۹) برگزاری کرسی‌های نقد و نظریه‌پردازی (۱۳) رصد دائمی جریان‌های فکری و علمی (۶)	پژوهش‌های هدفمند و کاربردی (۴۱) حمایت از کارآفرینی دانش‌بنیان (۴۱) اکتساب فناوری (۷)

۱. ویژگی‌های کلی

مبتنی بر کلام امامین انقلاب اسلامی، تولید فکر، علم، فناوری و نوآوری دارای ویژگی‌ها و شرایطی است که در دانشگاه تراز اسلامی، می‌توان آنها را ملاحظه نمود. این ویژگی‌ها و شرایط در شش شاخص کلی به این شرح دسته‌بندی می‌شود:

جهاد علمی: کار فکری، علمی و فناورانه دانشگاه تراز اسلامی یک تفاوت اساسی با کارهای متداول «تولید فکر» و «تولید علم» و «فناوری و نوآوری» در سایر دانشگاه‌ها دارد چراکه این عرصه به‌خاطر اهمیت آن در کسب قدرت و اقتدار، به یک کارزار جدی مقابله و منازعه با دشمن تبدیل شده است و موفقیت در آن، نیاز به کار و مدیریت جهادی وجود دارد تا این امر به‌عنوان یک فریضه و مضمونی تأثیرگذار مورد توجه ویژه قرار گیرد (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۳/۱۲ و ۱۳۷۸/۰۷/۰۶). جهاد علمی به معنای داشتن اراده و عزم راسخ، پشتکار، پیگیری و تلاش جدی، بی‌وقفه، دلسوزانه، منظم، با برنامه و هدف‌دار در برابر دشمن قدرتمند و قوی پنجه برای مقابله و توقف پیشرفت علمی و فناوری، است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۷/۰۷؛ ۱۳۸۵/۰۶/۲۵؛ ۱۳۸۰/۰۸/۰۹؛ ۱۳۸۹/۰۷/۱۴؛ ۱۳۸۶/۰۴/۲۵ و ۱۳۷۸/۰۵/۱۴). در این مسیر، «شناخت، مبارزه و مواجهه با چالش‌ها، موانع داخلی و دشمنان خارجی» ضرورت دارد. از جمله این چالش‌ها و موانع، خست صاحبان علم و فناوری دنیا، تلاش برای توقف یا آلوده و بدنام کردن حرکت علمی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۶/۱۴ و ۱۳۹۵/۰۷/۲۷). یکی از ابزارها و حیل‌های

دشمن در عرصه علم، ایجاد رعب از پیشرفت های علمی است تا خطرپذیری، جرئت نوآوری و نزدیک شدن به مرزهای دانش را از ملت ها بگیرد. میدان جهاد علمی برای شکستن سلطه تفکر غربی و پیشروی و مرزشکنی علمی است (امام خامنه ای، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶؛ ۱۳۹۴/۰۷/۲۲؛ ۱۳۷۹/۱۲/۰۹ و ۱۳۸۵/۰۶/۲۵). موفقیت در این کارزار، نیازمند داشتن «روحیه بسیجی، جهادی و انقلابی» است. مردمی بودن، تلاش مخلصانه و جرئت و شجاعت، مهم ترین ویژگی های بارز این روحیه است (امام خامنه ای، ۱۳۷۹/۱۱/۲۴؛ ۱۳۹۴/۰۷/۲۲ و ۱۳۹۵/۰۸/۱۲). دیگر خصوصیتی که در «جهاد علمی» ملاحظه می شود؛ «عشق به کار علمی، پارسایی و ایثار» است؛ کسانی که در این وادی قدم می گذارند، از بسیاری تمتع های مادی چشم پوشیده و با از خودگذشتگی بسیاری از فرصت های شخصی و مناصب اجتماعی را فدای اهداف مقدس خود می کنند. تاریخ علم، نشانگر این واقعیت است که مهم ترین پیشرفت های علمی بشر نیز مرهون چنین نگاهی بوده است (امام خامنه ای، ۱۳۷۸/۱۲/۲۳؛ ۱۳۸۴/۰۲/۱۴؛ ۱۳۶۹/۰۹/۱۹ و ۱۳۸۹/۰۹/۱۰). کار علمی و تحقیقی، در سایه ایمان، تقوا و توکل به خدا و یاری خواستن از پروردگار، برکت پیدا کرده و به موفقیت ویژه ختم خواهد شد (امام خامنه ای، ۱۳۸۳/۱۲/۲۴؛ ۱۳۸۳/۰۴/۰۱ و ۱۳۸۴/۰۱/۳۰ و ۱۳۸۴/۰۱/۲۵).

آزاداندیشی و نوآوری روشمند و خردمندانه: یکی از عیوب قابل مشاهده در فضای علمی کشور، وابستگی ذهنی به متون علمی غربی و تعلیم و تعلم براساس آنهاست؛ در حالی که علم باید در روند تعالی خود، با روح های قوی و استوار و کارآمدی که جرأت پیشبرد علم را داشته باشد، همراه شود تا بتواند رشد داشته و پیشرفت کند؛ انقلاب های علمی در دنیا این گونه به وجود آمده است. البته بدیهی است که این به معنای لازم نبودن مطالعه متون علمی و فراگرفتن دانش نیست اما نمی توان به این مقدار قناعت کرد و برای پیشرفت باید جرأت نوآوری وجود داشته باشد تا استاد و دانشجو از قید تفکر ترجمه ای، تبعد علمی و زنجیره جزمی گری تعریف های علمی القا شده و دائمی دانستن آنها خلاص شوند (امام خامنه ای، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹). در دانشگاه تراز اسلامی خلاقیت، نوآوری و نظریه پردازی به صورت یک ارزش ویژه مطرح بوده و سخنان نوآوران و نظریه پردازان شنیده شده و از آنان تقدیر به عمل می آید. بدین ترتیب ایده ها در چارچوب منطق و اخلاق و در جهت رشد اسلامی با یکدیگر رقابت می کنند (امام خامنه ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶). البته ابتکار، نواندیشی و نوآوری نیز باید در یک چارچوب منطقی، منضبط و خردمندانه صورت گیرد تا دچار بی نظمی و هرج و مرج فکری نشده و به اصطلاح به آنارشیزم و مهمل گویی علمی منتهی نگردد (امام خامنه ای، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹ و

سقاوت علمی و فراگیری تجارب بشری: علم و فناوری امروز جهان، میراث بشریت است و تعلق به هیچ گروه، نژاد و ملیتی ندارد و نباید در انحصار بخش محدودی از جهان قرار گرفته و ابزار نظام سلطه شود؛ لذا یادگیری از دیگران نه تنها لازم بلکه واجب و ممدوح است. فراگیری و استفاده از علوم و تجارب متراکم بشری به شرط آنکه اولاً از تأثیرهای منفی فرهنگ‌های ممنوع است ناخواسته به همراه علم فراگرفته شود، مراقبت گردد و ثانياً مقدمه‌ای برای سبقت و پیش افتادن از صاحبان فعلی آن شود، مورد تأکید قرار دارد (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۳/۱۱؛ ۱۳۸۴/۰۲/۱۹؛ ۱۳۸۷/۰۲/۱۲ و ۱۳۸۱/۰۷/۰۳). در دوران اسلامی که مسلمان‌ها پرچم علم را در دنیا در دست داشتند، هم‌چنان که تحصیل علم را لازم و واجب می‌دانستند، تعلیم علم را هم لازم می‌دانستند. لذا در دانشگاه‌های اسلامی، از همه کشورهای، دانشجویانی حضور داشتند که می‌آمدند و به طور رایگان از مسلمین علم می‌آموختند. آن دانشگاه‌ها، علم را منتشر می‌کردند و کتاب‌های علمی را در اختیار دیگران می‌گذاشتند. در اسلام، عالمی که علم خود را کتمان می‌کند، مورد شتمان و سرزنش قرار گرفته است. این فقط مخصوص علم دین نیست که البته حساب جداگانه و اهمیت ویژه‌ای دارد بلکه به طور مثال هر پزشکی که علم خود را به شاگردانش تعلیم ندهد؛ مهندسی که علم خود را کتمان کند؛ کارگر خبره‌ای که تجربه و علم خود را در انحصار خویش قرار دهد، و هر کس دیگر که علم خود را مخفی کند، لعنت شده است؛ مگر وقتی که ارائه علم و افشای مطلب علمی، به طور عام مفیده‌ای داشته باشد. به هر حال باید محیط جامعه، محیط تعلیم و تعلم و یاد گرفتن و یاد دادن شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۳/۱۸ و ۱۳۷۱/۰۲/۰۹) و دانشگاه تراز اسلامی در این زمینه نماد و الگوی این حرکت محسوب می‌شود.

معنویت و اخلاق: علم باید در خدمت انسانیت، عدالت، صلح و امنیت باشد. اسلام علم را با ایمان، با کتاب و سنت، با تهذیب اخلاقی، با اخلاق و معنویت می‌خواهد. آن وقت این ذخیره عظیم علم در خدمت دفاع از انسانیت، امنیت، عدالت، صلح و صفای انسان‌ها و جوامع بشری به کار می‌افتد؛ علمی که جامعه را به معنویت، به انسانیت، به خدا، به بهشت نزدیک کند؛ لذا جهت‌گیری‌های کار علمی، باید درست، معنوی و الهی باشد (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲ و ۱۳۸۷/۰۶/۰۵). در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کند، هدف این است که دانش همراه با معنویت پیش برود. اینکه دنیای غرب نسبت به پایبندی به معنویت، حساس است؛ به خاطر آن است که این روش، ضد روش

آنهاست. آنها علم را جدای از اخلاق و معنویت پیش بردند و شد آنچه شد. دانشگاه تراز اسلامی همچنان که مرکز علم است، مرکز دین و معنویت هم محسوب می شود (امام خامنه ای، ۱۳۷۶/۰۶/۱۹).

همبستگی و به کارگیری همه ظرفیت ها: برای پیشرفت علمی، همبستگی و به کارگیری همه ظرفیت ها و استعدادها، نیازی ضروری است. در سیاست های کلی علم و فناوری (۱۳۹۳/۰۶/۲۹)، مشخصاً بر «استفاده از ظرفیت های علمی و فنی ایرانیان مقیم خارج و جذب متخصصان و محققان برجسته سایر کشورها به ویژه کشورهای اسلامی حسب نیاز» تأکید شده است. بدیهی است بدون همدلی و جلب مشارکت بخش ها و افراد مختلف و استعدادهای داخلی و خارجی، نمی توان به پیشرفت های بزرگ دست یافت (امام خامنه ای، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱؛ ۱۳۸۳/۱۲/۲۴؛ ۱۳۸۴/۰۱/۳۰ و ۱۳۸۴/۰۱/۲۵).

اعتباربخشی و بهره گیری درست از نتایج فعالیت های علمی: در دانشگاه تراز اسلامی، نتایج فعالیت های علمی به صورت مناسب ارائه شده و مورد استفاده اثربخش قرار می گیرد. مثلاً در خصوص سمینارهای علمی، صاحب نظران مختلف پس از مطالعه و بررسی علمی موضوع، جمع می شوند و درباره موضوع واحد مورد علاقه خود بحث و تبادل نظر می کنند و مجموعه نظرها پس از جمع بندی به شکل صحیح و کارآمد مورد بهره برداری قرار می گیرد (امام خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). از طرف دیگر نحوه اعتباربخشی محصول های علمی از قبیل کتاب، مقاله و... نیز از ویژگی های دیگری است که نسبت به آن، دقت ویژه نموده و تمهید سازوکار نیازمحور شدن آنها مدنظر قرار دارد (امام خامنه ای، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷ و ۱۳۸۸/۰۶/۰۸).

۲. تولید فکر

تولید فکر و اندیشه های اصیل و جدید مبنایی برای پژوهش های علم و فناوری آتی قرار گرفته و اداره امور زندگی بر این اساس شکل می گیرد. اساسی ترین کاری که دانشگاه تراز اسلامی بر عهده دارد چه به صورت جمعی و چه به صورت فردی، تولید فکر اسلامی و تبیین و تحکیم این مبنای قویم اسلامی است. البته این کار با توجه به آسیب هایی که بیشتر متوجه نخبگان فکری است و نخبگان علمی کمتر در معرض آن آسیب ها قرار می گیرند، کار دشواری بوده و نیاز به مراقبت بیشتری در این خصوص وجود دارد (امام خامنه ای، ۱۳۸۹/۰۶/۱۴؛ ۱۳۸۰/۰۶/۱۹ و ۱۳۹۰/۰۶/۰۲).

نظریه پردازی و الگوسازی فکری و عملی: غربی ها با کارهای تبلیغاتی توانسته اند این باور را

در بسیاری از ذهن‌ها به وجود بیاورند که توسعه‌یافتگی مساوی با غربی شدن است و هر کشوری بخواهد کشور توسعه‌یافته‌ای محسوب شود، بایستی غربی بشود! اما پیروی از مدل‌های توسعه و پیشرفت غربی، امر غلط و خطای خطرناکی است. دانشگاه تراز اسلامی با ایجاد الگوهای علمی و عملی، این باور نادرست را اصلاح نموده است. مدل‌سازی و الگوسازی، کار نخبگان دانشگاهی است که در تحقیقات علمی باید آن را دنبال کرده و بحث کنند و در نهایت مدل پیشرفت را برای ایران اسلامی، برای این جغرافیا با این تاریخ، با این ملت، با این امکانات، با این آرمان‌ها، ترسیم و تعیین نمایند و بر این اساس، حرکت عمومی کشور به سوی پیشرفت در بخش‌های مختلف شکل می‌گیرد. اندیشه‌ورزی و کار عمیق نظری در مقولات زیربنایی (تاریخی، اخلاقی و ...) و کلامی انقلاب و مسائل مورد نیاز برای اداره نظام اسلامی (مانند بانکداری، نظام سلامت، جهاد اقتصادی، مسائل سیاسی و ...)، از اولویت‌های اصلی در این زمینه به حساب می‌آید (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵ و ۱۳۹۰/۰۵/۱۹). «تدوین تجربیات متراکم انقلاب اسلامی» و «ایجاد منظومه‌های فکری و عملی البته با هندسه بومی»، یکی دیگر از مسائل اساسی و مبنایی در حوزه اندیشه‌ورزی و تولید فکر محسوب می‌شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۰۳ و ۱۳۶۴/۰۹/۱۶). اگر بتوان گوهر اسلام ناب و آن درخشندگی‌ها را، به آن شکلی که بتواند در جامعه آراسته علم، خودش را نشان بدهد، ارائه داد، کار بزرگی انجام شده و راه را برای ورود نخبگان در این میدان‌ها باز خواهد کرد (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹).

تحول در علوم انسانی بر مبنای اندیشه اسلامی: علوم انسانی برای جامعه، جهت‌دهنده و فکرساز است؛ حرکت، مسیر و مقصد یک جامعه را مشخص می‌کند. علوم انسانی احتیاج به نظریه‌سازی دارد. بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظر صاحب نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه؛ آنها هستند که شاخص‌ها را مشخص می‌کنند. تولید علوم انسانی در دانشگاه تراز اسلامی با کار عمیق اجتهادی، نظریه‌پردازی‌های بومی بر مبنای اندیشه ناب اسلامی - ایرانی متناسب با زمان و پرهیز از التقاط و تأویل‌های شخصی صورت می‌پذیرد چرا که کارهای نظری تقلیدی از تئوری‌های غربی در حوزه علوم انسانی که مبنای متفاوتی با جهان‌بینی توحیدی دارند، نه تنها کمکی به حل مشکل‌های جامعه اسلامی نمی‌کنند بلکه بسیار خطرناک و آسیب‌زا هستند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱۱/۰۲؛ ۱۳۸۵/۰۷/۱۳؛ ۱۳۸۷/۰۲/۱۴؛ ۱۳۹۰/۰۵/۱۹؛ ۱۳۹۰/۰۶/۰۲؛ ۱۳۹۵/۰۳/۲۹؛ ۱۳۷۱/۰۹/۱۹ و ۱۳۷۹/۰۷/۱۴ و ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

برگزاری کرسی‌های نقد و نظریه‌پردازی: یکی از ملزوم‌های اندیشه‌ورزی و تولید فکر، ایجاد

زمینه تضارب آرا با برگزاری کرسی های نقد و نظریه پردازی با مباحثات قوی، شجاعانه، محترمانه، بدون پیش داوری و البته قانون مند است (امام خامنه ای، ۱۳۸۱/۱۱/۰۷؛ ۱۳۸۶/۰۲/۲۵ و ۱۳۹۰/۰۲/۲۷). در دانشگاه تراز اسلامی، فضایی ایجاد شده است که در آن، «آزادی بیان»، مقید به «منطق، اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران» تبدیل به فرهنگ اجتماعی و حکومتی می گردد و آزادی، تعادل، عقلانیت و انصاف، سکه رایج می شود تا همه اندیشه ها در همه حوزه ها فعال و برانگیخته گردند و «زادوولد فرهنگی» که محصول «تضارب آرا و عقول» است، عادت ثانوی نخبگان و اندیشه وران گردد. برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره ای جز مشاوره و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفتگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علما و صاحب نظران»، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن سازی و جامعه پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود (امام خامنه ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶).

رصد دائمی جریان های فکری و علمی: همواره باید از پیشرفت ها و تحول های جهانی در همه مفاهیم و مسائل فکری و علمی از قبیل فلسفه، جامعه شناسی و... مطلع و هماهنگ شد تا با رویکردی فعال با مسائل مواجه گردید «رصد دائمی جریان های فکری و علمی»، هم برای نظریه پردازی و تولید فکر و هم برای نقد و پاسخ به شبهات روز ضروری است. در دانشگاه تراز اسلامی، این کار برای حفظ جریان نوآوری در حوزه علم و فناوری صورت می پذیرد (امام خامنه ای، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱؛ ۱۳۷۰/۱۲/۰۱؛ ۱۳۹۵/۰۶/۱۶ و ۱۳۹۲/۰۷/۱۷).

۳. تولید علم

آنچه در درجه اول در ایجاد قدرت ملی مهم است، علم و ایمان است. دانش، همواره در طول تاریخ، مایه عزت، اقتدار و ثروت بوده و قدرت نظامی و سیاسی ایجاد کرده است. غرب و امریکا در برهه ای از زمان به برکت علم، توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یعنی یکی از ابزارهای مهم آنها علم بود؛ ثروت را هم با علم به دست آوردند. اگر کشوری علم داشت، می تواند سخن برتر را بگوید و دست برتر را داشته باشد، اما اگر فاقد آن بود تحت سلطه دیگران خواهد بود. حقیقتا کشوری که دستش از علم تهی است، نمی تواند توقع عزت، استقلال، هویت و شخصیت، امنیت و رفاه داشته باشد. طبیعت زندگی بشر و جریان امور زندگی این گونه است. پیشرفت علمی و فراگیری، نیاز اول کشور و یک ضرورت مضاعف و مؤکد است؛ چون در طول صد سال از بهترین زمان ها از اواسط دوران قاجار که نهضت علمی و نهضت صنعتی دنیا اوج

گرفته و شکوفا شده بود، حرکت علمی به دلایل گوناگون از جمله حاکمیت استبداد و طواغیت دست نشانده، تعطیل و متوقف شده بود لذا تلاش مضاعفی باید صورت گیرد تا این عقب ماندگی تاریخی جبران شود. (امام خامنه ای، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳؛ ۱۳۸۶/۰۶/۱۲ و ۱۳۹۱/۰۹/۲۱). این امر، یکی از مأموریت های اساسی دانشگاه تراز اسلامی محسوب می شود. موضوع «تولید علم» در کلام امامین انقلاب اسلامی جنبه هایی دارد که می توان آنها را در قالب شش محور به شرح زیر دسته بندی نمود:

نهیضت نرم افزاری، پیشرفت جهشی پرشتاب و مرزشکنی علمی: جبران عقب ماندگی های علمی، به عزم و اراده جمعی برای سرعت بخشی به جریان علمی، «جنبش نرم افزاری» عمیق و همه جانبه؛ نواندیشی، نوآوری و «تولید علم» و پیگیری این مسائل تا فرهنگ سازی و تبدیل شدن آن به گفتمان عمومی غالب نیاز دارد. البته با توجه به فاصله بسیار زیاد از دیگران و نقاط آرمانی هدف گیری شده، نه تنها توقف به هیچ وجه جایز نیست بلکه علاوه بر سرعت گرفتن رشد علمی، حفظ و افزایش این سرعت نیز مورد نیاز است. در این مسیر، «یافتن راه های میان بر در تولید علم و فناوری»، از ملزوم های اساسی برای مرزشکنی و افق گشایی جدید علمی به حساب می آید. قاعدتاً رفتن در همان راهی که دیگران قبلاً طی کرده اند، هیچ موقع نمی تواند کشور را به پیشتازی در عرصه دانش برساند. بدیهی است دانشگاه تراز اسلامی، نقشی اساسی و تعیین کننده در این نهضت نرم افزاری و حرکت جهشی مستمر و پرشتاب علمی دارد (امام خامنه ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴؛ ۱۳۷۹/۰۹/۲۰؛ ۱۳۷۹/۱۲/۰۹؛ ۱۳۸۲/۰۵/۱۵؛ ۱۳۸۳/۱۰/۱۷؛ ۱۳۸۵/۰۷/۱۳؛ ۱۳۸۷/۰۶/۰۵؛ ۱۳۸۸/۰۱/۲۶؛ ۱۳۸۸/۰۲/۲۷ و ۱۳۹۱/۰۷/۱۲).

عزت و مرجعیت علمی: برای تمدن سازی، کشور باید به عزت و مرجعیت علمی در دنیا برسد؛ توقع از جامعه علمی کشور این است که تا ۵۰ سال دیگر در رتبه بالای علمی دنیا قرار داشته باشد و یکی از مراجع عمده و درجه اول علمی دنیا باشد؛ یعنی همان طور که امروز همه ناچارند برای علم و دستیابی به محصول علمی دانشمندان و کتاب های آنان در کشورهای دیگر مراجعه کنند، جوینده دانش و طالب علم مجبور باشد به سراغ دانشمندان و کتاب های علمی ایران بیاید و مجبور شود زبان فارسی یاد بگیرد تا بتواند با تازه های دانش آشنا شود و از آن استفاده کند. هدف باید این باشد. این، یک آرزو است؛ یک قله است که نگاه کردن به آن، هیجان انگیز بوده و شوق رسیدن به آن را در دل همه به وجود می آورد؛ البته آرزوی خامی هم نیست و با نقش آفرینی دانشگاه تراز اسلامی کاملاً دست یافتنی است (امام خامنه ای، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸، ۱۳۸۴/۰۱/۲۵، ۱۳۸۶/۰۷/۰۹، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵).

۱۳۹۵/۰۳/۲۹، ۱۳۸۴/۰۱/۳۰، ۱۳۸۴/۰۲/۱۴، ۱۳۸۴/۰۷/۰۳، ۱۳۹۲/۰۷/۱۷ و...). اگر امروز کشور و ملت ایران توانست بر قله علم و فناوری بنشیند، سخن حق او در دنیا که همان استقلال امت اسلامی است، در بین مسلمان ها و در جوامع اسلامی جایگزین خواهد شد و ذهن ها بیشتر آن را قبول خواهد کرد (امام خامنه ای، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴ و ۱۳۸۳/۰۴/۰۱). هدف گذاری حرکت علمی کشور افزایش دانش جهانی از طریق تولید فرآورده های جدید و ناشناخته دانش بشری در چارچوب ارزش های انسانی است. باید به دنبال تولید محصول های جدید علمی باشیم که دانش بشری تاکنون نتوانسته است آنها را به دست آورد و دارای آثار مخربی هم برای بشریت نباشند. باید بر ثروت علمی بشر افزود و در مجموعه سرمایه علمی دنیا، به عنوان یکی از شرکای ذی دخل در مجموعه مسائل جهانی، سهم قابل توجهی یافت تا کشور بتواند به مثابه یک ملت و یک مجموعه انسان شریف، در دنیا شناخته شود (امام خامنه ای، ۱۳۹۳/۰۳/۱۹، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹، ۱۳۷۲/۱۰/۰۱).

درون زایی و خودکفایی علمی: یکی از زمینه های سلطه غرب بر جوامع، تسلط و انحصار علمی است که سرمنشأ تسلط بر حوزه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... شده است. شکستن این انحصار ظالمانه و رسیدن به خودکفایی علمی از طریق توجه دانشگاه تراز اسلامی به علم درون زا و بومی حاصل می آید. با پرورش استعدادها باید از درون جوشید نه مانند استخری که هرگونه آب آلوده ای در آن سرازیر می کنند و هر وقت هم خواستند، آب را می کشند بلکه مثل چشمه جوشان که از درون خود جوشش دارد. این که صرفاً از فرآورده های علمی دیگران بدون آن که عمقی به دست آید فقط کلمات و اصطلاح ها فراگرفته شود، به پیشرفت کشور کمکی نخواهد کرد علاوه بر آن که درهای بسیاری از دانش ها بر روی کشورها و غیردارندگان بسته است و وقتی اجازه می دهند دانش منتقل شود که کهنه و دستمالی شده و از نویی و طراوت افتاده است (امام خامنه ای، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱، ۱۳۸۲/۰۸/۰۸، ۱۳۸۶/۰۴/۲۵، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵، ۱۳۸۳/۰۸/۱۰، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹).

هدفمندی در تولید علم: ازجمله عواملی که ارزش علم را بیشتر می کند، این است که علم با غایت و هدف های مشخصی که طبق نیازها تنظیم شده باشد، به طرف پیشرفت، توسعه و کمال سیر کند. برجستگی های یک جامعه در زمینه های ذهنی، فکری و علمی باید در خدمت تعالی و معنویت انسان قرار بگیرد (امام خامنه ای، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲؛ ۱۳۷۷/۰۲/۲۴ و ۱۳۹۰/۰۷/۲۶).

توسعه علوم پایه: هدفمندی و نیازمحوری در تولید علم به معنای غفلت از علوم پایه نیست؛ چراکه این علوم، سرمایه بلندمدت محسوب شده و مانند یک گنجینه پرازش، سرمنشأ

تحول، پشتوانه سایر علوم و پایه نظری هر تحرک علمی و فناوری پیشرفته است. آن چیزی که کشورها را به اوج و قله می‌رساند، ریاضی، فیزیک، شیمی و علوم زیستی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۲۹، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴، ۱۳۸۵/۰۵/۲۳، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳).

تقویت بنیه علمی کشور: امروز در کشور، یکی از فرایض حتمی، تقویت بنیه علمی کشور است. اگر علم نباشد، اقتصاد، صنعت، حتی مدیریت و مسائل اجتماعی عقب خواهد ماند. دانشگاه تراز اسلامی بیشترین استفاده را از استعداد موجود جوانان و اساتید، برای افزایش علوم و تحقیقات در میدان ابتکار و اختراع و گسترش رشته‌های متعدد علمی و تحقیقی و فراگیری تحصیلات عالی می‌کند (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹، ۱۳۷۸/۰۳/۱۲، ۱۳۷۱/۰۸/۱۹).

۴. فناوری و نوآوری

کار دانشگاه تراز اسلامی با تولید علم پایان نمی‌پذیرد و برای پیشرفت واقعی، چرخه ایده تا مصرف را تکمیل می‌کند. نگاه به علم، بدون توجه به فایده علم برای کشور، مطلوب نهایی نیست. کار و تلاش علمی، مقدمه عمل است؛ علم نافع عبارت است از آن علمی که به کار کشور بیاید و مفید برای حل مشکل‌های کشور باشد. به عبارت دیگر علم باید ناظر به فناوری باشد و در صنایع و بازار خودش را نشان بدهد (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۴/۱۷، ۱۳۹۳/۰۵/۰۱، ۱۳۹۱/۰۷/۱۳). این موضوع را می‌توان در سه سرفصل به شرح زیر تبیین نمود:

پژوهش‌های هدفمند و کاربردی: تحقیق و پژوهش در دانشگاه تراز اسلامی با توجه به نیازهای آن، بر مبنای نیازهای مردم و کشور، هدف‌دار می‌شود. لازمه تحقق این هدف، وجود بانک اطلاعات و مرکزی است که همه بتوانند بدانند چه کارهایی انجام شده و چه فعالیت‌هایی برای تکمیل یک مجموعه پژوهش، لازم است تا بتواند این قطعات گوناگون در کنار هم جمع بشود. باید به دنبال علمی بود که برای کشور در حال و آینده، لازم و نافع است. در این خصوص لازم است نیازسنجی انجام بگیرد و نیازهای امروز و فردا هم مورد ملاحظه قرار گیرند تا دانشجویی و دانش‌آموزی و فراگیری علم و تعلیم آن، بر مبنای نفع و نیاز باشد. عمل‌گراتر شدن و کارآمدتر شدن پژوهش و تحقیق در کشور؛ چه از سوی استادان و برگزیدگان و چه از سوی دانشجویانی که در دانشگاه، پایان‌نامه‌هایی را می‌نویسند در همین راستا پیگیری می‌شود. اصرار بر قرار گرفتن پیشرفت‌های علمی در خدمت نیازهای کشور، به علت محدودیت منابع ظرفیت‌های انسانی، مالی و مادی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹، ۱۳۸۵/۰۵/۲۳، ۱۳۹۴/۰۸/۲۰، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶، ۱۳۸۵/۰۷/۱۳، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵).

حمایت از کارآفرینی دانش بنیان: هماهنگی، حمایت و پشتیبانی از شرکت‌های دانش بنیان (از روش‌های مختلف نظیر برنامه‌ریزی و تسهیل اشتغال دانشجویان در مشاغل علمی و...) یکی دیگر از وظایف و مسئولیت‌های دانشگاه تراز اسلامی است. یافته‌های علمی و صنعتی بایستی بتوانند در کشور تولید ثروت کنند لذا مشارکت فعالانه در «تجاری‌سازی و ترویج محصولات دانش بنیان» از همان ابتدای تعریف پروژه‌های علمی، مورد توجه قرار می‌گیرد. «پشتیبانی و هدایت صحیح پارک‌های علم و فناوری و شهرک‌های تحقیقاتی»، مسئله دیگری است که به نقش آفرینی فعال دانشگاه تراز اسلامی نیاز دارد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴ و ۱۳۸۰/۰۹/۱۹، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴، ۱۳۹۵/۰۳/۲۵).

اكتساب فناوری: در سیاست‌های کلی کشور ابلاغی مقام معظم رهبری در موضوع‌های مختلف مانند انرژی، خودکفایی دفاعی - امنیتی، علم و فناوری و... همواره بر موضوع دستیابی به علوم و فناوری‌های پیشرفته تأکید شده است که در این زمینه نیز جامعه علمی کشور می‌بایست نقش مؤثر خود را ایفا نماید (سیاست‌های کلی برنامه پنجم، سیاست‌های کلی نظام در زمینه انرژی، سیاست‌های کلی بخش معدن، سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه، سیاست‌های کلی نظام در موضوع خودکفایی دفاعی و امنیتی، سیاست‌های کلی علم و فناوری).

نتیجه‌گیری

دانشگاه تراز اسلامی به عنوان قلب تپنده تمدن اسلامی و زمینه‌سازی ظهور، دارای دو مأموریت اساسی پرورش انسان و تولید و گسترش حکمت است. البته تولید و گسترش حکمت نیز با تربیت انسان‌های حکیم در جهت خلق، نشر و تعالی فرهنگ علم و فناوری تحقق می‌یابد و این انسان است که هسته اصلی و مهم تمدن نوین اسلامی را شکل می‌دهد. اساس پیشرفت، داشتن انسان‌های تربیت یافته براساس مبانی دینی است. دانشگاه تراز اسلامی علاوه بر داشتن مزیت‌های دانشگاه‌های متداول، به بعد تربیتی انسان نیز پرداخته و براساس کارکرد افراد، گروه‌ها و مراکز و با تکیه بر ارزش‌های دینی در چارچوب خوشه‌های علم و فناوری از هم‌افزایی، خودسازماندهی و معماری علم و ثروت، در سطح ملی و فراملی پشتیبانی می‌کند. دانشجویان در این دانشگاه، مسئله‌یابی و حل مسئله را فرا گرفته و با انجام رساله و پایان‌نامه، نحوه تحقیق و پژوهش را به صورت عملی می‌آموزند. همچنین این دانشگاه، دارای رابطه تعاملی هم‌افزا، مؤثر و سازمان‌یافته‌ای با محیط خود (انسان‌ها، نهادها، طبیعت و...) بوده و با

افراد گوناگون ارتباط دارد.

علاوه بر این که رابطه با صنعت نیز در آن قوی است و چرخه ایده تا مصرف، رعایت می‌گردد و در نهایت هم مجموعه‌ای از مسائل معنوی، اخلاقی و عدالت‌محور در آن دیده می‌شود. با اجرایی شدن این کار، از حالت دنباله‌روی از دانشگاه‌های دیگر جهان، خارج و نقش پیش‌روندگی و پیش‌برندگی واگن اول قطار پیشرفت علمی را پیدا خواهد کرد. در این راستا چه بسا براساس نیازهای تمدن نوین اسلامی و مبانی اسلامی فلسفه علوم، طبقه‌بندی جدیدی از علوم و معارف نیز تعریف گردد. برای ایجاد این نوع دانشگاه در کشور، به همکاری نزدیک با حوزه‌های علمیه نیاز است؛ همان‌گونه که امام خمینی می‌فرمایند:

فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیر حوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت‌ها بیشتر عادت کرده تا فرهنگ نظری و فلسفی، باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد (صحیفه امام، ج ۲۱، ۹۹).

از این رو شاید بتوان گفت در دانشگاه تراز اسلامی، حوزه و دانشگاه در یکدیگر ذوب شده و قلب تپنده تمدن اسلامی متولد می‌گردد که ان شاء الله زمینه‌ساز ظهور خواهد شد. این امر می‌تواند زمینه تلفیق ایمان با علم و عمل را فراهم و با گسترش حکمت باعث خیر کثیر و برکات فراوان گردد.

پیشنهادهای

در این مقاله ابعاد، تصویری شفاف از چگونگی نقش‌آفرینی دانشگاه تراز اسلامی در تمدن‌سازی و زمینه‌سازی ظهور با تعیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن مبتنی بر نظرهای امامین انقلاب اسلامی ارائه گردید که براساس شاخص‌های به‌دست‌آمده می‌توان پیشنهادها را زیر را برای استفاده مؤثر از این الگو و البته تکمیل آن مطرح نمود.

گفتمان‌سازی و ترویج ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های نقش‌آفرینی دانشگاه در تمدن‌سازی می‌تواند به شکل‌گیری الگوی ذهنی مشترک برای مسئولان، اساتید، دانشجویان، پژوهشگران دانشگاهی و مدیران حاکمیتی و همچنین ایجاد خواست عمومی و مطالبه اجتماعی کمک نموده و در تصمیم‌سازی‌های حاکمیتی نقش‌آفرین باشد؛

ارزیابی وضع موجود نقش‌آفرینی دانشگاه‌ها با توجه به شاخص‌های ارائه شده به عنوان معیار سنجش می‌تواند به تعریف برنامه‌های تحولی در آموزش عالی کشور بیانجامد؛

الگوبرداری و یادگیری تجربه های موفق در زمینه نقش آفرینی دانشگاه ها در تمدن سازی و توسعه فرهنگی در سطح کشور و جهان، زمینه را برای شتاب دهی به حرکت های تحولی فراهم خواهد نمود.

مطالعه روابط بین مؤلفه ها و شاخص های به دست آمده و پیشنهاد الگوی عملیاتی نقش آفرینی با تعیین عناصر اهرمی و کلیدی آن، در تدوین نقشه راه عملیاتی ساخت دانشگاه تراز اسلامی، اثرگذار است.

منابع

۱. احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۸۵ ش)، *دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir
۳. جمعی از طلاب و محققین حوزه علمیه (۱۳۹۰ ش)، *روشنای علم: مروری بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون دانش و تولید علم*، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. حسنی آهنگر، محمدرضا؛ تولایی، روح الله؛ نجاران طوسی، حامد (۱۴۰۲ ش)، *الگوی تربیت و تعالی مطلوب و تبیین الزامات تحول در آن در راستای نقش آفرینی مؤثر در هندسه نظم جدید جهانی*، تهران: همایش بین المللی هندسه نظم جدید جهانی.
۵. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۰ ش)، «دانشگاه تمدن ساز»، *روابط فرهنگی*، شماره ۲.
۶. خرمشاد، محمدباقر؛ آدمی، علی (۱۳۸۸ ش)، «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن ساز»، *تحقیقات فرهنگی*، شماره ۶.
۷. دبیرخانه تحول و تعالی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام (۱۳۹۴ ش)، *طرح راهبردی تحول علمی و تعالی معنوی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام*، تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.
۸. دبیرخانه تحول و تعالی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام (۱۳۹۵ ش)، *منشور دانشگاه امام حسین علیه السلام در بیان و بنان ولایت*، تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، سوم.
۹. سفیدخوش، میثم (۱۳۹۶ ش)، *ایده دانشگاه*، ترجمه: جمعی از مترجمان، تهران: حکمت.
۱۰. شیخ زاده، محمد (۱۳۹۴ ش)، *سبک رهبری خدمتگزار الگویی متعالی برای فرماندهان و مدیران*، تهران: مرکز باقرالعلوم علیه السلام.
۱۱. مخبر دزفولی، محمدرضا؛ آژینی، محسن (۱۳۸۹ ش)، *منشور فرهنگی انقلاب اسلامی (مجموعه رهنمودها و دیدگاه های رهبر معظم انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگ، علم و فناوری)*، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۱۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹ش)، صحیفه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۱۳. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۹۲ش)، *شورای عالی انقلاب فرهنگی: رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار با شورای عالی انقلاب فرهنگی*، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۴. نجاران طوسی، حامد؛ فاتح‌راد، مهدی؛ برزنونی، محمدعلی (۱۳۹۸ش)، *دانشگاه تراز انقلاب اسلامی*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.

Wisdom-based education and training system in the path of human education compared to Mahdism in the geometry of the new world order

Dr. Mohammad Ali Barznouni 1

Dr. Mehdi Fateh Rad 2

Abstract

The existing global order is rooted in the evolution of its most important drivers; It has science and technology which, with the goal of turning man into "God - Man", organizes the desired dynamics and realizes the western ideal of man. The current education and training system of the ruler, by educating the domineering human being, lowers the dignity of human servitude to an imaginary self-sufficiency, which ends in a disjointed and chaotic nowhere. From the point of view of the religion of Islam, an ideal man is the result of a proper system of cultivation, education and training, a "wise man" is at the level of Mahdism, and in the last lasting sermon of Nahj al-Balagha Sharif by Imam Ali? With the explanation of Imam Zaman?AJ? In the realization of human beings and wise human groups from the point of view of macro analysis, the three components of "individual - collective, appearance - interior and opinion - action" reach unity and consistency by emphasizing the integration of "view - action" and appropriate leadership. From a hybrid point of view, the logic of lordship manifests itself in the network of centers as a connected logic, against the logic of the global domination system. This new logic, with levels of self, levels of caliphate, levels of will and levels of lordship, tends towards simplicity and perfects the worship of the truth for man. The system of Lordship explained is defined by the integration of the house, school, mosque (the centers of Hikmatbanian) and the university (the network of centers of Hikmatbanian), at the center of which is the University of Hikmatbanian, the goal of which is the system of Hikmatbaniyad and human being equal to Mahdism in the new world order. In this article, with a fundamental approach and an ijthadi analytical method, Hekmat-Banayad education and training system is introduced in the path of human education compared to Mahdism in the geometry of the new world order.

Keywords: Islamic revolution, Imam Khomeini, the discourse of resistance, the challenge ahead

-
1. Assistant Professor of Imam Hossein University, Faculty and Research Institute of the Great Prophet Tehran, Iran(Responsible Author)(mbrznouni@ihu.ac.ir)
 2. Assistant Professor, Sharif University of Technology, Tehran Policy Institute, Iran



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفتاد و یکم / بهار ۱۴۰۳

نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد در مسیر تربیت انسان تراز مهدویت در هندسه نظم نوین جهانی*

محمدعلی برزنونی^۱

مهدی فاتح راد^۲

چکیده

نظم موجود جهانی، ریشه در تحولات مهم ترین پیشران آن؛ علم و فناوری دارد که با غایت تبدیل انسان به «خدا - انسان»، پویایی مدنظر خود را سامان دهی می کند و انسان آرمانی غربی را به واقعیت می رساند. نظام تعلیم و تربیت فعلی حاکم، با تربیت انسان سلطه پذیر، شأن عبودیت انسان را به خودبسندگی و همی فرو می کاهد که سرانجام آن، ناکجا آبادی ازهم گسیخته و سرسام آور است. انسان آرمانی ازمنظر دین مبین اسلام، حاصل نظام تزکیه، تعلیم و تربیت متناسب، «انسان حکیم» در تراز مهدویت است و در آخرین خطبه ماندگار نهج البلاغه شریف از امام علی (علیه السلام) با تبیین امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) ظهور بنیادین یافته است. در تحقق انسان و گروه های انسانی حکیم از نگاه تحلیل کلان، مؤلفه های سه گانه «فرد - جمع، ظاهر - باطن و نظر - عمل» با تأکید بر یکپارچگی «نظر - عمل» و راهبری متناسب به اتحاد و قوام می رسد. از منظر ترکیبی، منطق ربوبیت به عنوان منطق وصل، در برابر منطق فصل نظام سلطه جهانی، خود را در شبکه کانون ها متجلی می کند. این منطق جدید، با مراتب نفس، مراتب خلیفگی، مراتب اراده و مراتب ربوبیت، به سوی بساطت میل می کند و عبودیت حق را برای انسان به کمال می رساند. منظومگی ربوبیت تبیین شده، با یکپارچگی خانه، مدرسه، مسجد (مراکز حکمت بنیان) و دانشگاه (شبکه مراکز حکمت بنیان) معین می شود که در کانون آن، دانشگاه حکمت بنیان قرار دارد که غایت آن، منظومه حکمت بنیاد و انسان تراز مهدویت در نظم نوین جهانی است. در این مقاله با رویکردی بنیادین و روشی تحلیلی - اجتهادی، نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد را در مسیر تربیت انسان تراز مهدویت در هندسه نظم نوین جهانی معرفی می کند.

واژگان کلیدی

انسان تراز مهدویت، حکمت، نظام تعلیم و تربیت، ربوبیت، دانشگاه حکمت بنیان، هندسه نظم

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم (علیه السلام)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
(mbrznoni@ihu.ac.ir).

۲. استادیار دانشگاه صنعتی شریف، پژوهشکده سیاست گذاری تهران، ایران (fatehrm@sharif.ir).

جهانی.

مقدمه

نظام تعلیم و تربیت حاکم بر جهان، منطقی گسسته را دنبال می‌کند که حاصل آن، تربیت انسان سلطه‌پذیر است. این نظام، باید به هم بخورد و نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد، با منطقی پیوسته در منظومهٔ ربوبیت در دانشگاه حکمت‌بنیان، جایگزین آن شود تا در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، با تربیت و پرورش انسان تراز مهدویت و تولید دانش و فناوری نافع و دستیابی به مرجعیت حکمی، عصر ظهور، رقم بخورد و به تعبیر قرآن حکیم ﴿لیظهره علی الدین کله﴾ (فتح: ۲۸)، تحقق یابد و مستضعفان زمین، وارث آن گردند (قصص: ۵).

منطق مورد نظر در این مقاله، هم‌افزایی علوم انسانی، پزشکی، مهندسی و علوم پایه را در یک منظومهٔ ترکیبی حکمت‌بنیاد با شأن هنری ممکن می‌کند. نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد حاصل در هندسهٔ نظم نوین جهانی، با حضور فعال و خلاق، در کانون خود، پرورش فکر را نهاده که غایت آن، پرورش انسان اخلاقی تراز مهدویت در مسیر فلسفهٔ خلقت او؛ اوج خلافت الهی و نیز گروه‌های انسانی حکیم و شبکهٔ حاصل در تراز تمدن نوین اسلامی است که تحقق آن در بیانیهٔ گام دوم، تأکید شده است.

دانشگاه حکمت‌بنیان در منظومگی ربوبیت، متولی طراحی و تحقق این منطق است که در سیر آرمان‌گرایی واقع‌گرایانهٔ مربوط، معرفی می‌شود. در این سیر، حرکت از الگوی تحلیل کلان تا ترکیب، بیان می‌گردد و زمینه برای معرفی سطح بساطت، فراهم می‌شود سطح بساطت، با حکمت بالغه عجین است که الگوی حکمت در سطح ترکیب محسوب می‌شود و حکمت، خود الگوی نفع (نوآوری - فناوری - علم/ نظر - عمل - فناوری) در سطح تحلیل است.

مقاله‌های مهدویت و اصول نظام تربیتی اسلام، از صالحی (۱۳۸۶)، سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفهٔ تربیتی انتظار، از مرزوقی (۱۳۸۷)، الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور، از حسین بقایی و همکاران (۱۳۹۲)، تحلیل‌های تربیتی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت، از کریمی عقدا و اشکذری (۱۴۰۰)، آینده‌پژوهی تعلیم و تربیت مهدوی با رویکرد همگرایی فناورانه از کارگر شورکی و پاک‌نژاد (۱۴۰۰)، از جمله مقاله‌هایی است که به نوعی ارتباط موضوعی با این مقاله پیدا می‌کنند، اما هیچ‌کدام به این موضوع، نگاه حکمت‌بنیاد نداشته‌اند و از این منظر، مقاله، واجد نوآوری است. این مقاله با رویکردی بنیادین و روشی تحلیلی - اجتهادی، تلاش می‌کند نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد را در مسیر تربیت انسان تراز مهدویت در هندسهٔ نظم نوین

جهانی معرفی کند.

از انسان گرایی تا فرانسان گرایی

نظم موجود جهانی، ریشه در تحول های مهم ترین پیشران آن؛ علم و فناوری دارد که با غایت تبدیل انسان به «خدا - انسان»^۱ (انسان نوع ۲) پویایی مدنظر خود را سامان دهی می کند و انسان آرمانی غربی را به واقعیت می رساند.



از انسان گرایی تا فرانسان گرایی

از منظری اجمالی، «اصطلاح اومانیزم^۲ از کلمه لاتین humanitas به معنی انسانیت و انسان دوستی به عنوان پایه اندیشه و عمل آمده است. اصطلاح اومانیزم را انسان گرایی و مکتب اصالت انسان ترجمه کرده یا در مقام ترجمه آن عباراتی مشابه به کار برده اند (فاتح راد و برزنونی، ۱۴۰۱ ش: ۱۶-۱۷). انسان، «موجود معناتطلب» است (برزنونی، ۱۳۹۶ ش: ۸۱). از منظری دیگر، نظریه انسان، حیوان ناطق، مردود شمرده شده و به جای آن، انسان «حی متأله» (زنده الهی) معرفی شده (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ش: ۱۶-۲۰؛ همو، ۱۳۸۴ ش: ۱۵۰) و صفت مائت (میرا) نیز بر آن افزوده شده است (همو، ۱۳۸۴ ش: ۱۵۰). تمدن غرب در تقابل با کلیسای منحرف شده از آموزه های حضرت مسیح (علیه السلام)، به اومانیزم رسید و در ادامه به فرانسان گرایی رسیده است.

در عرصه همگرایی علوم و فناوری ها در سطح جهانی با زبان مختص خود؛ هوش مصنوعی، زمینه ساز است و توسعه آن، نقش اساسی بازی می کند، اما باید به ابعاد تاریک آن نیز توجه داشت. هوش مصنوعی که هوش ماشینی هم می توان به آن اطلاق کرد، شبیه سازی فرایندهای هوش انسانی شامل ادراک، یادگیری، کشف دانش، استدلال، خوداصلاحی و توجه برای حل مسائل توسط ماشین ها و سیستم های رایانه ای است. این شبیه سازی پیچیده، گذشته از الزام های مسئولیت پذیرانه، پیامدهای قابل توجهی نیز خواهد داشت که موجب بروز پاره ای نقدهای جدی بر آن شده است. دریفوس در نقد هوش مصنوعی و پردازش زبان

1 deo - sapien
2 Humanism

طبیعی معتقد است «اگرچه رویکرد پردازش نمایه در حوزه منطق صوری و ریاضیات است» اما در قلمروهایی نظیر فهم زبان طبیعی، هوش مصنوعی کلاسیک، الگوی مناسبی از ادراک و استدلال روزمره ارائه نمی‌کند (دوسک، ۱۳۹۳: ۸۹).

همچنین تکنیکی فناوری^۱ مورد توجه و هشدار برخی صاحب نظران، براین پیش فرض اساسی مبتنی است که در زمانی بین ۲۰۴۰ تا ۲۰۵۰ میلادی، هوش ماشینی بر هوش انسانی پیشی می‌گیرد و ما با انفجار هوشمندی مواجه خواهیم شد. عوامل هوش مصنوعی، به صورت ابرهوشمند در خواهند آمد و قدرت آنان، جوامع انسانی را به کنترل خود در خواهد آورد (سرل، ۱۳۹۶). این توسعه فراگیر، به دیکتاتوری دیجیتال و تخلیه اطلاعاتی جسمی و ذهنی کامل انبای بشر و نهایتاً عدم استقلال آنها منجر می‌شود که هم‌گرایی علوم و فناوری‌ها^۲ نیز به این امر، یاری می‌رساند. در این راستا گذشته از حکمرانی ویژه بر آن، حکمرانی هوشمند یا حکمرانی از طریق هوش مصنوعی نیز، به طور خاص باید مورد بررسی قرار گیرد.

مسئله بقا و چگونگی سلطه بر محیط پیرامونی، یکی از مسائل بسیار مهم بشر در طول تاریخ بوده است. با پیشرفت چشمگیر فناوری‌های اطلاعات در عصر مدرن، انسان به این تلقی رسید که می‌توان با به‌کارگیری ابزار فناوری و ادغام آن با قابلیت‌های انسانی، از محدودیت‌های زیستی جسم خود فراتر رفته (فرانسان) که توانایی فائق آمدن بر هر مشکلی را داشت.

«فرانسان گرایی»^۳، نخستین بار توسط جولیان هاکسلی^۴ زیست‌شناس انگلیسی در سال ۱۹۵۷ در کتاب دین بدون مکاشفه،^۵ مطرح شد (تفنگچی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۲۹). چند سال بعد، ناتاشا ویتامور،^۶ مانیفست فرانسان را نگاشت که اساس اعلامیه ترانس اومانستی قرار گرفت (مادوران، ۲۰۱۹: ۱). چندی بعد، نظریه فرانسان گرایی توسط نیک باستروم،^۷ ناتاشا ویتامور و مکس مور^۸ در سال ۱۹۹۸ ارائه شد (تفنگچی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۲۹).

جنبش فرانسان گرایی با عمر کمتر از چند دهه، با اعتقاد به این که انسان می‌تواند کنترل تکامل نوع بشر را به دست بگیرد، به فناوری نقش محوری می‌دهد و با اندیشه دسترسی به «ابرانسان» به دنبال قدرت‌های فراابشری با استفاده از فناوری با رشد پرشتاب آن، برای

1 Technology Singularity
2 Science & Technology Convergence
3 Trans-Humanism
4 Sir Julian Sorell Huxley
5 Religion Without Revelation
6 Natasha Vita-Mor
7 Nick Bostrom
8 Max Mor

کنترل تکامل بشر، افزایش طول عمر و بالا بردن کیفیت زندگی انسان و تبدیل شدن به ابرقهرمان جاودانه در آرمان شهر خود ساخته است. مطابق این باور، ما به خدا «نیازی نداریم؛ خود بدل به خدایان خود خواهیم شد!»

فراانسان‌گرایان با مطالعه فواید و مضرات بالقوه ظهور فناوری که می‌تواند بر محدودیت‌های انسان فائق آید، به بررسی موضوع‌های اخلاقی مرتبط با توسعه و استفاده از فناوری می‌پردازند. حتی از امکان تبدیل انسان به موجودی با توانایی‌های گسترده سخن می‌گویند که توجیه‌گر وضعیت «پسانسانی» در هستی و ارتقای آن است (مک‌نامی و ادواردز، ۲۰۰۶م: ۱۶). این جنبش، در جستجوی دائمی برای بازآرایی بیولوژیکی گونه‌های انسانی ناراضی در مواجهه با محدودیت‌ها خود است (مور، ۱۹۹۰م: ۷).

نیک باستروم، ناتاشا ویتامور و مکس مور، به عنوان اولین نظریه‌پردازان فراانسان‌گرایی، تأکید کرده‌اند که انسان برای بقا و حیات، نیاز به تکامل دارد و با قراردادن فناوری در ساختار بدن خود، می‌تواند به شکل جدیدی از انسان تکامل یافته تبدیل شود (سانتائلا، ۲۰۰۳م: ۲۳؛ مک‌نامی و ادواردز، ۲۰۰۶م: ۱۵؛ براون، ۲۰۲۱م: ۱؛ حسن بولوت، ۲۰۲۱م: ۱). فراانسان‌گرایی به کمک هوش مصنوعی، موجب بازنگرش نقش اجتماعی و کارکردی بدن می‌شود، به گونه‌ای که بدن به عنوان رسانه اصلی فعالیت‌های انسان به یک رسانه ثانویه برای انجام فعالیت‌های روزمره، تبدیل خواهد شد و هویت نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت (تفنگچی و دیگران، ۱۴۰۱ش: ۲۳۰).

توسعه بدون مرز، خوددگرگونی، خوشبینی پویا، فناوری هوشمند، تبشیر اهداف انسان ساز، نظم خودانگیخته، آینده پایدار، تثلیث دیجیتالی،^۱ تکنوانسان محوری، آرمان شهر فناورانه،^۲ هک بدن با واقعیت مجاری و هوش مصنوعی، سایبورگ‌های فوق هوشمند، از جمله واژه‌ها و مفاهیمی است که در ادبیات این عرصه آمده است (مک‌نامی و ادواردز، ۲۰۰۶م: ۱۷؛ کریمی و اردلانی، ۱۳۹۶ش: ۷۷، ۸۳ و ۸۴؛ هاردی، ۲۰۱۸م: ۱؛ گیسن، ۲۰۱۸م: ۴۳؛ لاترز، ۲۰۲۲م: ۳۴۰؛ میلر، ۲۰۲۲م: ۱).

در نگاه غالب فراانسان‌گرایان، همراه با رشدنمایی فناوری، فناوری اطلاعات، به هوش «ناب» دست خواهد یافت، هوش مصنوعی بر هوش بشری تفوق پیدا خواهد کرد و

1 Digital Trinity
2 Techno-Utopian

بشریت با این هوش برتر ادغام خواهد شد. در فرانسان گرایی به کمک هوش مصنوعی،^۱ فیزیولوژی یا هوش انسان، مورد اصلاح یا افزایش قرار می‌گیرد تا بدین سبب، یک انسان پیشرفته جدید ظهور پیدا کند، انسانی که از نظر فرانسیس فوکویاما، خطرناک‌ترین انسان تاریخ بشریت است (ربیعی، ۱۴۰۱ ش: ۱۴۲). انسان در عصر فرانسان، چه جایگاهی دارد و آینده با وجود ترکیب این دو، چگونه خواهد بود.

تجلی همگرایی در فرانسان گرایی غرب

در فضای علوم و فناوری‌های همگرا، غایت برخی از متفکران، بر تحقق فرانسان گرایی (لیوینگستون، ۲۰۱۵ م) یا انسان نوع ۲ (ایزرو، ۲۰۱۶ م) در ادامه اومانیزم رنسانس به بعد و در تقابل با استیلای کلیسای دورشده از آموزه‌های مسیحیت اصیل، جایگاه بنیادینی در تمدن غرب پیدا کرده و با عصر روشنگری تداوم یافته و به اوج تسلط و اشراف رسیده است. تمرکز بر فرانسان گرایی، یادآور ابرمرد نیچه^۲ است. «چه با فناوری ساده و چه با فناوری بالا، انسان آینده، بیشتر به ابرانسان شبیه است تا یک روح شناور آزاد. میراث فرهنگی چشمگیر فردریش نیچه، خودتباهی خلاق او را در جستجوی آرمان ابرانسانی برانگیخت» (فولر، ۱۳۹۳ ش: ۹۸). همچنین در این فضا، فوکو معتقد است که نیچه به ما نشان داد که مرگ خدا، به معنای ناپدید شدن انسان و تولد فرانسان است (ضمیران، ۱۳۹۰ ش: ۲۱). شأن فرانسان گرایی به فناوری‌های همگرا و رسیدن انسان به آمیزه‌ای «خدایی - نفسانی» و بی‌مرگی سایبری به منزله نوعی مذهب عصر جدید می‌انجامد که امری فراتر از داروین گرایی است و در ورطه «صنع هوشمند» گام نهاده (فولر، ۱۳۹۳ ش: ۲۶۵-۲۶۷) و به سمت صفر رفتن بیماری‌ها و ایجاد تغییرهای ژنتیک، حتی از دوران جنینی است که بحث از آن، خود نگارش مستقلی را می‌طلبد. پدیدار شدن پسانسان گرایی^۳ و فرانسان گرایی، به نوعی درمقابله با اومانیزم روشنگری غرب مدرن است که با مخالفت با مفروض‌های اروپایی محور، مردسالارانه، عقل‌گرایانه و انسان‌محورانه اومانیزم، این نگرش را مانع از حیات سایر اشکال زندگی بر روی کره می‌داند که آینده انسان را به خطر می‌اندازد (کول - ترنر، ۲۰۲۲ م: ۳۸). هر دو دیدگاه پسانسان گرایی و

1 Artificial intelligent

۲. ابرانسان یا فوق‌بشر یا ابرمرد، مفهومی در فلسفه فردریش نیچه است که ازسوی وی به عنوان هدفی برای انسان، در کتاب «چنین گفت زرتشت» بیان شده است. واژه ابرانسان برای انتقال سه مفهوم فلسفه نیچه؛ «انسان» (Mensch)، ابرانسان (Übermensch) و واپسین انسان (der letzte Mensch) به کار رفته است. مفهوم موردنظر نیچه از نام‌گذاری «ابرانسان»، «انسان کامل» است که به زعم او، پس از اعلام مرگ خدا! آزادی راستین دریافته است.

3 Posthumanism

فراانسان گرایی، دیدگاه ذات گرایانه طبیعت هنجاری انسان را رد می کنند (همان: ۳۹). برخی فراانسان گرایی را متمایز از پسانسان گرایی دانسته اند که در برابر ایده حاکمیت سلسله مراتبی انسان بر سیاره زمین بحث کرده و به جای آن، شبکه ای سیال، افقی و برابری طلبانه از روابط بین انسان ها و محیط پیرامون را پیشنهاد می کنند. در نگاه فراانسان گرایی، انسان های فانی، در نهایت بی ارزش بوده و بشریت، در شرف پایان دادن به نقش تکاملی خود بر روی زمین است (ترنر و برمن، ۲۰۲۲م: ۱۸).

فراانسان گرایی در دوران حیات مصنوعی

در ابروادی/ پارادایم حیات مصنوعی، هوش انسانی بریده از محیط پیرامونی اش در نظر گرفته نمی شود، بلکه انسان و محیط با یکدیگر و به مثابه یک کل، سامانه ای هوشمند را تشکیل می دهند. سه گرایش در خصوص حیات مصنوعی متصور است (محمدعلی خلج، ۱۳۹۳ش: ۱۱۸):

رویکرد خیس:^۱ پژوهش ها برای رفتار هوشمند بر روی بافت زنده انجام می شود و پیوند بسیار عمیقی با رشته بیولوژیک دارد.

رویکرد سخت:^۲ به دنبال ساخت ربات هایی با توانایی های زیستی است. ربات و محیط با یکدیگر و به عنوان یک کل در نظر گرفته می شوند.

رویکرد نرم:^۳ به شبیه سازی نرم افزاری رفتار جاندار در عرض کل محیط زیست و طول تکامل می پردازد و رفتار هوشمندانه^۴ را نتیجه درآمیختگی و داد و ستد جانداران با این محیط در حال تکامل می داند.

به عقیده جانسون (۲۰۰۸م: ۷۵)، مفهوم حیات مصنوعی بیش تر برای رویکرد سوم در نظر گرفته شده است. با توجه به این سه گرایش، در حال حاضر، فناوری های فراانسان گرایانه شامل موارد زیر است (جوستین، ۲۰۲۲م: ۱):

تعلیق کرایوژنیک:^۵ انجماد بدن یا مغز؛^۶

1 Wet
2 Hard
3 Soft

۴. در نگاهی پدیدارشناسانه برگرفته از نگاه دریفوس، رفتار هوشمندانه، حاکی تعادل درونی و بدنی با جهان بیرونی است. برهم خوردن این تعادل و تسلط بر محیط پیرامون، تلاش حس درونی را به متعادل سازی و تسلط بر محیط بیرون، برخواند انگیزت.

5 Cryogenic Suspension

۶. این ایده، در کتاب چشم انداز جاودانگی از رابرت اتینگر (۱۹۶۲) آمده است. جیمز بدفورد استاد روان شناسی در سال

بارگذاری محتویات ذهن/^۱ شبیه‌سازی کل مغز/^۲ بارگذاری مغز و انتقال ذهن: امکان اسکن محتویات ذهن و بارگذاری آن بر روی رایانه با هدف شبیه‌سازی دوباره آنها و دستیابی انسان به جاودانگی دیجیتال؛

ابرهوش: فرار از محدودیت‌های هوش انسانی در شلیک نوروها با فرکانس ۲۰۰ هرتز، انتقال سیگنال‌ها در سیستم عصبی با سرعت ۱۰۰ متر در ثانیه و محدود شدن اندازه مغز با جمجمه به سوی هوش مصنوعی با شلیک ترانزیستورها با یک گیگاهرتز، سرعت انتقال سیگنال‌ها با سرعت نور در رایانه و نبود محدودیت؛

ربات‌ها و سایبورگ‌ها:^۳ ناوابسته به بدن بیولوژیک؛^۴

ذهن به مثابه کندو:^۵ اتصال مغزها در یک گروه، مغز انسان و هوش مصنوعی به یکدیگر متصل شده تا یک مغز یا آگاهی جمعی به واسطه ترکیب فناوری‌ها و افزایش ظرفیت‌های مغز، پدیدار شود.

در عصر هوش مصنوعی و داده‌گرایی کلان، انسان در قالب مادی‌گرایان تصور می‌شود و ترجیح‌های انسان از قبیل غذا، لباس، سیاست، سرگرمی، ورزش، اتومبیل و...، هویت انسان را تشکیل می‌دهند و هوش مصنوعی، آدمی را بهتر از خودش می‌شناسد! از طریق این دگم‌گرایی داده‌گرایانه، فرسایش اساسی انسانیت رخ می‌دهد که با بت‌پرستی اطلاعات، جایگزین شده است. در دین داده‌گرایی کمی‌گرایی ماده‌گرا، آگاهی کیفی، تجربه ذهنی و ادراک قلب به عنوان تجربیات معنادار زندگی از توصیف واقعیت حذف شده است. فرایمان‌گرایی، نشان‌دهنده تمایل به فراتر رفتن از هرنوع دیدگاه محافظه‌کارانه‌ای از انسان، به چالش کشیدن آدمی و کشف راه‌هایی برای تبدیل شدن به چیزی بهتر بوده و هویت انسان، بانک اطلاعاتی از خاطرات و توانایی‌های هر فرد است. انسان‌ها در نگاه دنیل دنت^۶ فیلسوف توتالیست

۱۹۶۷ بر اثر سرطان درگذشت و اولین نفری بود که به درخواست خودش، با امید به زنده شدن دوباره، در نیتروژن مایع، منجمد شد. هال فینی دانشمند رایانه، تد ویلیامز بازی‌کن بیس بال و فریدون اسفندیاری، نویسنده ایرانی، از جمله افرادی بودند که این فناوری را درخواست کردند و منجمد شدند.

1. Mind Uploading

2. WBE

3. Robots & Cyborgs

۴. دارپا؛ بخش نوآوری دفاعی در آمریکا در سال ۱۹۹۹، با مدیریت مایکل گلبلات، برنامه‌های پژوهشی ترکیبی زیستی با هدف ایجاد تلاقی بین موجودات زنده و ماشین‌ها را آغاز کرد و وجود سربازانی بدون ناتوانی جسمی، فیزیولوژیکی یا شناختی، برای بقا و تسلط بر عملیات نظامی در آینده را ضروری دانست.

5. Hive Mind

6. Daniel Dennet

سایبرنتیک،^۱ صرفاً رایانه‌هایی متخصص اند که توهم آگاهی ایجاد می‌کنند؛ توگویی آدمی، صرفاً یک پردازش‌گر اطلاعات و داده‌هاست و مرگ، یعنی از دست دادن اطلاعات. حفظ این خاطرات، موجب جاودانه شدن فرد می‌شود (کورزوویل، ۲۰۲۱م: ۴۳؛ ربیعی، ۱۴۰۱ش: ۱۴۳؛ تفنگچی و دیگران، ۱۴۰۱ش: ۲۳۵).

در نگاه هلمینسکی، انسانیت، طیفی از تجربه از امر شخصی تا کیهانی است؛ اما انسانیت واقعی را باید در چهارچوب یک واقعیت بزرگ‌تر درک کرد و آن، آفریده شدن آدمی در تصویر خالق است. تمامی سنت‌های معنوی از هندوئیسم گرفته تا یهودیت، مسیحیت و برتر از همه و جامع‌ترین آن؛ اسلام، بیان می‌کنند که انسان، موجودی است با زندگی درونی و معنوی آغشته با آگاهی، وجدان، اراده و عشق. بودیسم که تمایلی به ادعای گزاره‌های متافیزیکی مانند خود، روح و خدا ندارد، خرد، شفقت و دلسوزی را هدف عمل خود می‌داند (هلمینسکی، ۲۰۱۸م: ۱).
فراانسان‌گرایی، درمراحل بالاتر، فردیت را نیز به چالش می‌کشد؛ به دنبال حفظ اطلاعات فرد در یک دستگاه یا بدن به روش زیست‌شناسانه یا غیرزیست‌شناسانه است که این امر، ضمن خطر برای فرد، سبب تبعیض و نابرابری گسترده و افسار گسیخته و نیز مشکلات غیراخلاقی متعدد می‌شود (گراهام، ۲۰۰۲م: ۶۵؛ داودآبادی و خزاعی، ۱۳۸۷ش: ۱۱۳) و هویت حقیقی انسان را نابود می‌سازد. فراانسان‌گرایی، آخرت و پایان دوران زندگی انسان بر روی کره زمین را، ناشی از فناوری می‌داند که به طور جبرگرایانه توسط انسان، ایجاد شده است؛ غافل از آن که پایان دوران در تمامی کتب الهی توسط یک امر متعالی الهی، به وجود خواهد آمد.

در نگاه آکسو (۲۰۱۹م: ۱۵۷)، امروزه فناوری از هر نظر بر زندگی اجتماعی، ظرفیت‌های ارتباطی و همدلی تأثیر گذاشته و به بی‌شخصیت‌سازی و گسستگی منجر شده است. مردم زمان بیش‌تری را در حوزه روابط اجتماعی مجازی با هویت اجتماعی صرف می‌کنند. در فضاهای عمومی، شاهد حضور افراد زیادی هستیم که با گوشی هوشمند خود، ارتباط برقرار می‌کنند و به دنبال رضایت از آن‌اند تا افرادی که با آنها هستند! در نتیجه، خلأ همدلی به‌ویژه در نسل‌های کمسن‌تر، بیشتر دیده می‌شود. این انقلاب فناورانه در روابط اجتماعی، تنها آغازی برای ادغام هویت انسانی و هوش مصنوعی است (ربیعی، ۱۴۰۱ش: ۱۴۴؛ تفنگچی و دیگران، ۱۴۰۱ش: ۲۳۶). هوش مصنوعی به تدریج، ناملوس و بسیار پرشتاب، از آدمی پیشی می‌گیرد و وارد عرصه حکمرانی خواهد شد و او را وابسته به فرایندهایی می‌کند که ممکن است، خود

1. Cybernetic Totalist

توسط هوش مصنوعی، طراحی شده باشد. با فرو رفتن در اعماق اقیانوس هوش مصنوعی، تحت تأثیر جریان اطلاعاتی موجود، انتخاب‌ها نیز صرفاً بر مبنای روایت‌هایی خواهد بود که واقعیت را شکل می‌دهند و نه آن چیزی که در بطن آن وجود دارد. با اجازهٔ انسانی، به شرکت‌هایی قدرت داده می‌شود تا بر اطلاعات و داده‌های انسانی دسترسی پیدا کنند و این رشته، سر دراز دارد. کرامت انسانی در دنیای فراانسان‌گرایی، چه معنایی خواهد داشت، زمانی که کارکرد اصلی او به عنوان مصرف‌کننده در نظر گرفته می‌شود؟ بنابر اندیشهٔ اصیل اسلامی و اندیشه‌های حکمی فلاسفه و عرفایی مانند ملاصدرا، علامه طباطبایی و امام خمینی رحمه‌الله‌تعالیه، خداوند سبحان، منزله از بخل و خساست است و در مقام بذل تمام صفات و کمال‌های خود به انسان به عنوان خلیفه‌اش قرار گرفته و در صورت وجود ظرفیت در هر انسانی، صفاتی از جمله علم، قدرت، بخشش و... را به حد بی‌نهایت به او می‌بخشد. تنها ویژگی مستثنای از این جرگه، ویژگی قائم به ذات بودن خداوند در آفرینش است که آن هم به دلیل محال عقلی از قاعدهٔ لطف خداوند استثناء شده است. این اندیشه، بیانگر همان وعدهٔ خلیفه اللهی خداوند به انسان است که در جای جای قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به آن اشاره شده است. آنچه در اندیشهٔ اسلامی به انسان در جهت خداگونگی وعده داده شده، بسیار فراتر از چیزی است که در جنبش‌های فراانسان‌گرایی طلب می‌شود.

کثرت‌گرایی ارزشی ناشی از فراانسان‌گرایی، بشر را به دامان نسبیت‌گرایی پیچیده‌ای سوق خواهد داد و کمال مطلوب انسانی، با پرسش‌های هستی‌شناختی روبرو خواهد شد. تکثیرپذیری هوش مصنوعی و در مقابل منحصر به فرد بودن انسان‌ها، همانند شدن آفریدهٔ هوشیار الهی را با آفریدهٔ هوشمند بشری، با چالش مواجه خواهد ساخت، بگذریم از این که به تعبیر هانکینز^۱ نمی‌توان موقعیت اخلاقی آدمی را با یک فناوری، یکسان انگاشت (مازاریان، ۱۳۹۸: ۱۷۹). شکاف نابرابری اقتصادی ناشی از فراانسان‌گرایی، معضلی جدی است؛ تو گویی به تعبیر ماتیو گافسو^۲، تنها ثروتمندان می‌توانند از این قابلیت فراحیات بهره‌مند شوند (هاردی، ۲۰۱۸: ۱).

چگونه فراانسان‌گرایی سامان یابد تا بافت اجتماعی جامعهٔ انسانی، آسیب نبیند و امنیت همه‌جانبهٔ انسان و جهان، خدشه‌دار نشود. روی‌آوری به اخلاق فناوری، ضرورتی ویژه خواهد داشت تا در پرتو آن، آزادی و انتخاب آدمی در چارچوب فناوری نابود نشود، انسانیت‌زدایی^۳

1 Hankins
2 Matthieu Gafsou
3 Dehumanization

نظام مند صورت نگیرد. در هوشمندی، ممکن است ابزارها پیش بروند، که با شأن و هم انسان، عجین است، اما حوزه عقل فراتر از این عرصه گام برمی دارد و حکمت، فوق فناوری قلب است که عرصه دیگری را فراروی بشر قرار می دهد.

نظام تعلیم و تربیت حاکم بر جهان

در مسیر تحقق آرمان های بلند انقلاب اسلامی (جامعه اسلامی، دولت اسلامی و تمدن اسلامی)، نقش اساسی مراکز تعلیم و تربیت برای تحقق آرمان ها، در دو عرصه، کاملاً برجسته و متمایز است: پرورش انسان و تولید فکر، علم و فناوری. اما سوگمندان باید گفت این نظم و نظام تعلیم و تربیت فعلی حاکم در دنیا، شأن عبودیت انسان را به خودبسندگی و همی فرو می کاهد که سرانجام آن، ناکجاآبادی از هم گسیخته و سرسام آور است.



به تصریح حضرت امام خمینی رحمته الله علیه:

دانشگاه ها باید تغییر بنیانی کند و باید از نو ساخته بشود که جوانان ما را تربیت کنند به تربیت های اسلامی. اگر تحصیل علم می کنند، در کنار آن تربیت اسلامی باشد، نه آن که این ها را تربیت کنند به تربیت های غربی (۱۳۵۹/۰۱/۰۲).

مقام معظم رهبری نیز در بیان صریحی آورده اند:

آموزش و پرورش کنونی کشور ما، ساخته و پرداخته فکر ما و برنامه های ما و فلسفه ما نیست؛ این یک امر واضحی است؛ این هم جزء مسلمات است، منتها به آن توجه نمی کنیم (۱۳۸۶/۰۳/۰۵).

در عصر حاکمیت الگوهای تربیتی غربی ضد دین و مغایر با اهداف انقلاب اسلامی که در نتیجه نفوذ علمی، به عنوان خطرناک ترین نوع نفوذ (برزنونی، ۱۳۹۵) در ارکان نهاد تعلیم و

تربیت، پدید آمده، نیاز به تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت با جایگزینی الگوی نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد مبتنی بر اندیشه های انقلاب اسلامی، کاملاً مشهود است.

انسان آرمانی در ادوار تاریخ بشر

در یک برداشت اجمالی، نگاه آرمانی به انسان در طول تاریخ، خود را در عباراتی؛ چون اسطوره (یونان قدیم)، قدیس (قرون وسطی)، مهندس (تکنسین) افزارساز (از رنسانس به بعد) به ظهور می‌رساند (داوری اردکانی، ۱۳۷۹؛ همو، ۱۳۸۴؛ همو، ۱۳۸۹؛ صانع‌پور، ۱۳۹۱). بر این اساس، تأملی اجمالی در تاریخ بشریت، الگوهای مشخصی را برای انسان آرمانی متبادر می‌کند. انسان آرمانی در یونان قدیم، اسطوره بود و مصادیق آن، زئوس، هرکول، آشیل و نظیر آنها، معرفی شده بود.

انسان آرمانی در قرون وسطای مسیحی، قدیس بود که در سنت آگوستین، سنت آکویناس و سنت آنسلم، تبلور یافت.

انسان آرمانی در تمدن جدید غرب، مهندس افزارساز است که با بروز اراده معطوف به قدرت و تغییر جهان، همراه می‌شود و انسان‌های کمی‌گرای صرف معطوف به قدرت و تغییر جهان را تحویل جامعه انسانی می‌دهد.

انسان آرمانی در غایت تمدن غرب نیز، انسان نوع ۲ است که از آن تحت عنوان خدا-انسان یاد شده و به فراانسان‌گرایی منجر می‌شود.

جدول زیر از انسان آرمانی در دوره‌های تاریخی سخن می‌گوید.

انسان آرمانی در دوره‌های تاریخی

دوره تاریخی نوع انسان	یونان قدیم	قرون وسطای مسیحی	تمدن جدید غرب	غایت تمدن غرب
انسان آرمانی	اسطوره	قدیس	مهندس افزارساز و بروز اراده معطوف به قدرت و تغییر جهان	انسان نوع ۲ (خدا-انسان)
مصادیق	زئوس، هرکول، آشیل و...	سنت آگوستین، سنت آکویناس و سنت آنسلم	انسان‌های کمی‌گرای صرف معطوف به قدرت و تغییر جهان	فراانسان‌گرایی

منطق حکمی، مبنای حکمروایی حضرت امام علیه السلام

در بیان مقام معظم رهبری:

امام یک حکیم به معنای واقعی بود؛ یعنی واقعا پشت دیوار و پشت حجاب را می‌دید که ماها قادر نبودیم آن را ببینیم. ایشان چیزهای خیلی ریزتری از آنچه که در حد دید ما بود و هست، می‌دید (۱۳۷۰/۰۹/۰۴).

ایشان در وصف حضرت امام رحمته الله علیه فرمودند:

امام بزرگوارمان این تعبیر و مفهوم را از قلب حکیم عارف و ملهم از ارشادات الهی صادر کردند (۱۳۶۸/۰۹/۲۹).

انقلاب اسلامی، محدود به ایران نیست بلکه نقطه شروع ایجاد حکومت جهانی اسلام است (امام خمینی؛ ۱۳۶۸/۰۲/۰۲). خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی (امام خامنه‌ای؛ ۱۳۷۹/۰۷/۱۴) و ایجاد حاکمیت اسلامی است (همو؛ ۱۳۹۴/۰۸/۲۰) و باید حوزه (همو؛ ۱۳۷۹/۰۹/۱۴) و دانشگاه (همو؛ ۱۳۹۴/۰۸/۲۰) نقش آفرینی کنند؛ چراکه دانشگاه مبدأ همه تحول‌ها است (امام خمینی؛ ۱۳۵۸/۰۳/۱۶) و انتخاب درست ریل تمدن نوین اسلامی یا سراب توسعه بر مبنای تمدن جاری غرب، با ایفای نقش سوزن بانی دانشگاه‌ها (امام خامنه‌ای؛ ۱۳۸۶/۰۲/۲۵) میسر است و گام درست و نهایی، ذوب حوزه و دانشگاه است (امام خمینی؛ ۱۳۶۷/۰۴/۲۹) و باید در این عرصه، مکاتب، الگوها، منشورها و دستورالعمل‌ها تدوین شود که مکتب دانشگاهی برای تربیت انسان تراز مهدویت در عصر ظهور و رسیدن به مرجعیت حکمی، فراتر از مرجعیت علمی، یکی از آنهاست.

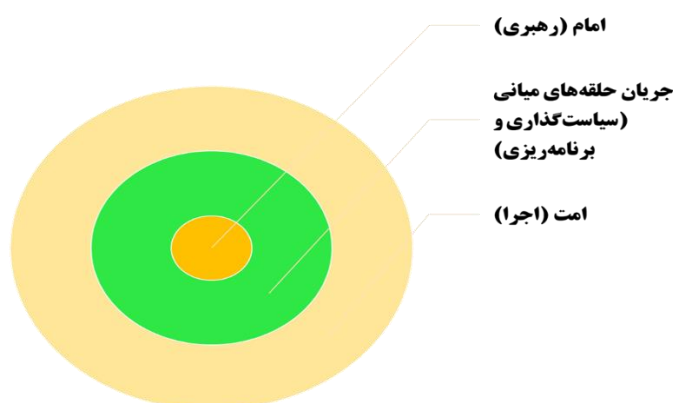
باید طرحی نو از مواجهه با واقعیات جهان ارائه داد و در کانون آن، به دانشگاه حکمت بنیان و بنیادها و ابعاد عملیاتی کلان آن پرداخت تا پیش‌زمینه‌ای بنیادین برای ارائه الگوی مکتب دانشگاه تراز اسلامی؛ یکپارچگی نظر - عمل به عنوان مهم‌ترین الگو و کانون آن، در دستیابی به تمدن نوین اسلامی باشد که نظام تعلیم و تربیت برآمده از آن، وظیفه سترگ تربیت انسان تراز مهدویت را برعهده دارد. باید تحول علمی و تعالی معنوی دانشگاه‌ها و مدارس و مراکز آموزشی و پژوهشی در تمامی سطوح، مورد توجه صاحب نظران محترم حوزه و دانشگاه و پرورش و آموزش، قرار گیرد.

منطق فصل یا منطق وصل؟

در این راستا باید با تبیین و ارائه منطق جدید (وصل) با منظومگی ربوبیت درمقابل منطق هرمی استکبار و نظام سلطه (فصل) با تربیت سلطه‌گر و سلطه‌پذیر، منظومگی بنیاد نظام، نظام یا شبکه مسایل و مسایل متبلور شود. بدین منظور، علم - هنر فن/ نفع کاوی^۱ ما را یاری می‌کند که منطق کلی - جزئی را به بار می‌آورد و با نسبت کل - جزء اتحاد برقرار می‌کند. از منظر

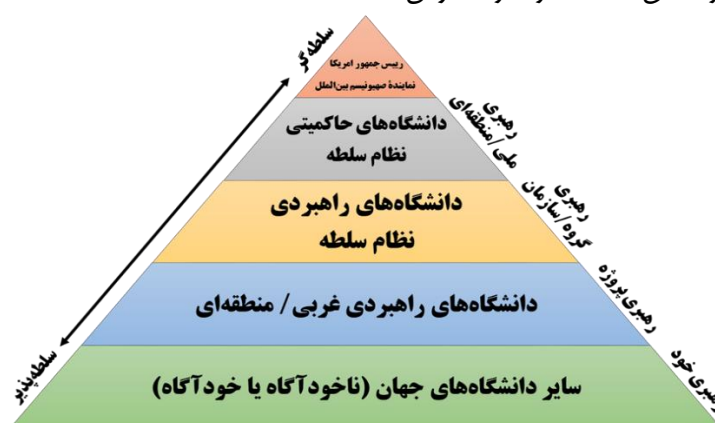
۱. نفع، ترکیب حروف اول نوآوری - فناوری - علم/ نظر - فناوری - عمل است؛ برای تبیین بیشتر رک: فاتح‌راد و برزنجونی (۱۴۰۱).

ترکیبی، منطق ربوبیت به عنوان منطق وصل، در برابر منطق فصل نظام سلطه جهانی، خود را در شبکه کانون‌ها متجلی می‌کند. مکاتب رایج دانشگاهی برای ساماندهی جامعه بشری، با بهره‌گیری از منطق فصل، تفاوت بنیادینی با مکتب دانشگاهی تراز اسلامی مبتنی بر منطق وصل دارد.



مراتب منظومگی ربوبیت: منطق وصل

شان نظام اسلامی، ظهور منطقی جدید با منظومگی ربوبیت برای حصول نظام مسائل و تحقق بلوغ/پیشرفت متعالی است که در برابر منطق هرمی نظام سلطه (منطق فصل) قرار می‌گیرد؛ دو منطق کاملاً متفاوت و متعارض.



منطق هرمی استکبار؛ منطق فصل

منطق هرمی استکبار: منطق فصل

در یک مقایسه اجمالی و عمیق می‌توان تمدن غربی را که بر مبنای منطق فصل شکل گرفته، صدای عالم برزخ نامید؛ اما شأن انقلاب اسلامی که برپایه منطق وصل پدید آمده، صدای عالم ملکوت بوده و الگوی تحول توحیدی را به منصه ظهور خواهد رساند. این منطق، منجر به شکل‌گیری یک سیر تکاملی از نهاد دانشگاه حکمت بنیان تا الگوی «اسلامی - ایرانی» پیشرفت خواهد شد. در گام دوم انقلاب اسلامی، به عرصه علم و پژوهش اشارتی ویژه شده و بدین معنا است که در تداوم مسیر، باید منطق نوینی درکار آید. در این حرکت، به نسبت بین هفت توصیه نهایی با منطق وصل توجه می‌شود که اگر چنین نشود و منطق کنونی تغییر نیابد، چیزی جز بازتولید دانشگاه‌های غربی، حاصل نشده و آینده چنان رقم نخواهد خورد که هدف آرمانی انقلاب را تحقق بخشد و این منطق نوین، از دانشگاه حکمت بنیان در جامعه متبلور خواهد شد. این منطق جدید، با مراتب نفس، مراتب خلیفگی، مراتب اراده و مراتب ربوبیت، به سوی بساطت میل می‌کند و عبودیت حق را برای انسان به کمال می‌رساند.



مراتب مواجهه / نفس متناوب با مراتب خلیفگی و مراتب اراده و ربوبیت (فاتح‌راد و برزنونی، ۱۴۰۱)

مواجهه حکمت بنیاد و الگوی حکمروایی

منظومه مواجهه با واقعیت؛ منطق یا شیوه توجهی است که آدمی با ابتدای بر حقیقت، واقعیات و نظام آنها را ادراک یا متبلور می‌کند. در تعامل با پروردگار، جهان هستی، دیگر انسان‌ها و خویشین در سطح کلان، از سه مواجهه می‌توان سخن گفت:

الف) مواجهه کنش‌پذیرانه؛ مبین شأن انفعالی بشر در برابر طبیعت و باطن آن (یونان، روم و قرون وسطی).

ب) مواجهه بیش‌کنشی؛ حاکی شأن فعال بشر و پیشرفت مبتنی بر عقل خودآئین و تغییر جهان (مدرن و پسامدرن).

ج) معماری مواجهه معناگرا؛ مبین هم‌افزایی آدم و عالم در جهت رجوع به رب و رب‌الارباب با مراتب معرفتی حسی (عملی)، عقلی (حلقه واسطه بین نظر - عمل) و قلبی (نظری - عملی) و مراتب وجودی الله، فطرت و طبیعت که مواجهه مرتبه‌مند وجودی - معرفتی با غایت عینیت آنها را دنبال می‌کند.

مواجهه حکمت‌بنیاد، مبین مواجهه مرتبه‌مند کشف - خلق معنا است که در دل خود، یکپارچگی نظر - عمل را دارد و متجلی عدالت، زیبایی و منطق یکپارچه کل - جزء است و بلوغ تمدنی را به ظهور می‌رساند. برخلاف تمدن غرب، پیشرفت مرسوم، اصالت ندارد بلکه معماری منظومه‌گون این بلوغ و در قلب آن، دانشگاه حکمت‌بنیان، کانون تحول انسان و جوامع انسانی است. نخ تسبیح این مواجهه، حکمت است که غایت خود را در حکمت بالغه می‌یابد و این منظومگی، بلوغ و پیشرفت را به اتحاد می‌رساند و بلوغ حکمت‌بنیان، متولد می‌شود.

مراتب مواجهه با واقعیت، در سه سطح قابل تبیین است:

- در سطح تحلیل، دستگاه زمینه، ساختار و محتوا، قابل مطالعه و تحلیل است.

- در سطح ترکیب، ثمره، شبکه و استعاره، باید واکاوی شود.

- در سطح بسیط، ربوبیت به ظهور می‌رسد.

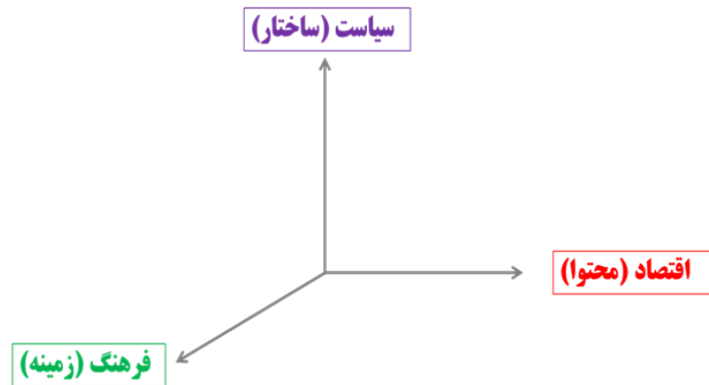
این مراتب در تصویر زیر آمده است:



مراتب مواجهه با واقعیت

در تحلیل کلان، باید از الگوی تحلیل کلان «اقتصاد - سیاست - فرهنگ» که در شکل زیر

آمده، سخن گفت.



الگوی تحلیل کلان «اقتصاد - سیاست - فرهنگ»

اقتصاد و سیاست، نظام یافتگی فرهنگ را نتیجه می‌دهد و در ادامه باید از منظومگی معدلت - معرفت - عبودیت، پرده برداشت. انسان با تمرکز بیشتر بر اقتصاد، به سوی معدلت حرکت می‌کند. با تمرکز بیشتر بر سیاست، به سوی معرفت گام برمی‌دارد و با تمرکز بیشتر بر فرهنگ، به سوی عبودیت، عروج می‌کند و در سیر کمالی خود، در ربوبیت غرق می‌شود.



از نظام یافتگی در فرهنگ تا منظومگی در عبودیت

اینک باید از منظومه بلوغ حکمت بنیان سخن گفت که مبین الگوی حکمروایی کلان است. منظومگی تحلیل - ترکیب - بساطت که در مراتب مواجهه با واقعیت از آن سخن گفتیم، ما را

به منظمگی ربوبیت می‌رساند.

منظمه بلوغ حکمت بنیان مبین الگوی حکمروایی کلان

مکتب اسلام برای دنیا و آخرت انسان کفایت می‌کند و همه اموری را که بشر برای موفقیت و سعادت دنیوی و اخروی نیاز دارد، در اسلام هست که باید آن را شناسایی و استخراج نمود. حضرت امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید:

اسلام، همه چیز است. قرآن، همه چیز است. قرآن «انسان درست‌کن» است، کتاب انسان‌سازی است. قرآن همه چیز دارد: سیاست دارد، فقه دارد، فلسفه دارد، همه چیز دارد. انسان همه چیز است و باید همه احتیاجاتش را قرآن تأمین بکند. انسان یک اعجوبه‌ای است که همه عالم است، و قرآن یک اعجوبه‌ای است که اداره انسان را به همه اقشار می‌کند. در عین حالی که فقیه درست می‌کند، حکیم درست می‌کند، فیلسوف درست می‌کند، شمشیرزن درست می‌کند، جنگجو درست می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ ش: ج ۶، ۲۸۱-۲۸۹).

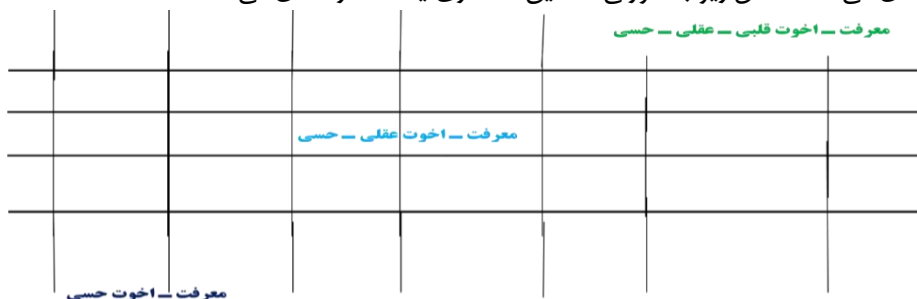
ما مطیع اسلام هستیم و احکام اسلام را می‌خواهیم جاری بکنیم.... ما اسلام را می‌خواهیم. غیر اسلام را نمی‌خواهیم (همان: ج ۱۳، ۴۶-۵۲). اسلام،... دارای سیاست و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است، که برای تمامی ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی، قوانین خاصی دارد، و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد (همان: ج ۵، ۳۸۹).

از جمله مسائل مهمی که اسلام به آن پرداخته است، موضوع حکمروایی و الگوی مطلوب آن است. منطق حکمی حضرت امام رحمته الله علیه، برای این موضوع نیاز به واکاوی مفهومی دقیق «حکمت» دارد. حکمت؛ جامع نظر - عمل یکپارچه و هم‌افزا و شروع با راهبری نظر و غایت اشراف نظر - عمل یکپارچه است. ساختار ظهور آن، تمدن است که صورت و وجه ساختاری و زبان آن محسوب می‌شود. معماری مرتبه‌مند (معنوی، فکری و مادی) حقایق یقینی و باورهای واقع‌گرایانه آرمانی که در ادراک‌های شهودی، عقلی، حسی، تصمیم‌ها و رفتارهای سعادت‌بخش معنوی و مادی انسان و جوامع انسانی، در تمدن و مصنوع‌های آن پدیدار می‌شود. حکیم با التزام تام به مقدمات، ملازمات و مؤخرات قول و فعل خود و توازن در این ارکان سه‌گانه، برخاسته از توازن درون و قوای نفس، اندیشه و گفتاری متقن در ساختار و محتوای قول و فعل خود را به ظهور می‌رساند و توازن در ساخت‌های نگرش - بینش؛ گرایش - کشش؛ کنش - واکنش - توانش را بروز می‌دهد.

بنیاد حکمی، نظام یافتگی فرهنگ - سیاست - اقتصاد ما را به منظمگی عبودیت - معرفت

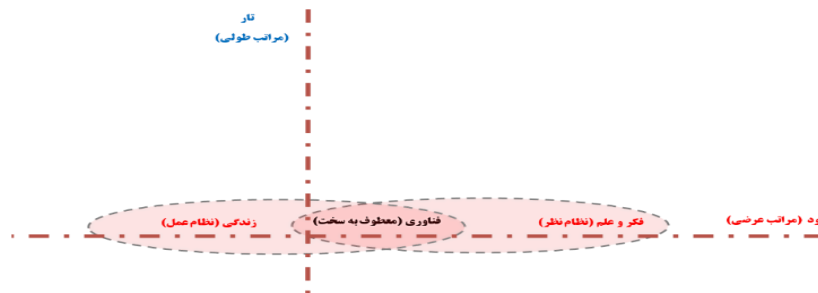
– معدلت فرا می برد که از عینیت نظر – عمل و یکپارچگی هست – باید، گذشته – حال – آینده، فرد – جمع، ظاهر – باطن سخن می گوید و با کشف – خلق معنای جدید، دنیا – آخرت را یکپارچه می کند و سامان می دهد.

محور حکمت، تصمیم درست است و اوج هم افزایی نظر – عمل در آن به ظهور می رسد که مشتمل بر تاروپود است. تار، بیانگر مراتب طولی و گسترش معارف حسی، عقلی و قلبی، متناسب با وجوه سه گانه آدمی است و پود، نمایانگر مراتب عرضی و گسترش اخوت و برادری مبتنی بر شئون حسی، عقلی و قلبی است. این هردو، حس تمدن و حس تدین را بازنمایی می کند. معماری حکمت، امتزاج مرتبه مند تاروپود از مراتب پایین حسی تا مرتبه بالای قلبی را نشان می دهد. شکل زیر به صورتی نمادین، معماری یاد شده را نشان می دهد:



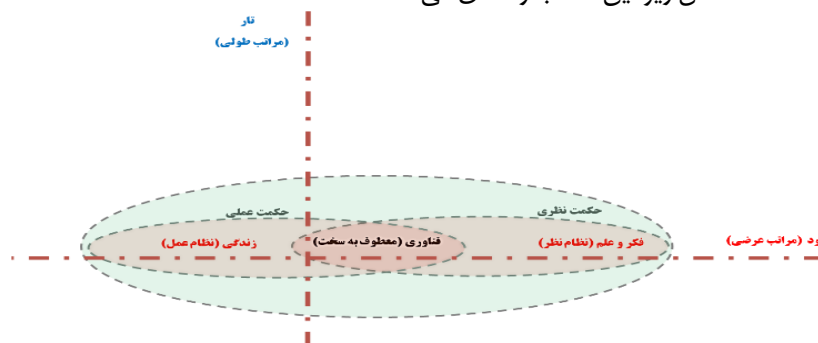
معماری تار در پود (فاتح راد و برزنونی، ۱۴۰۱)

اخوت با پیوستن قلوب و ارتباط دل ها و تجلی آن در رفتارهای حسی و ظاهری و ارتباط عقلی بروز می یابد و تمهید جمهوری اسلامی و مردم سالاری دینی از آن برمی آید و حاصل نهایی آن، تمدن نوین اسلامی است. در تحقق انسان و گروه های انسانی حکیم در سطوح ملی، فراملی و به تعبیر دقیق تری از نگاه تحلیل کلان، مؤلفه های سه گانه «فرد – جمع، ظاهر – باطن و نظر – عمل» با تأکید بر یکپارچگی «نظر – عمل» و راهبری متناسب به اتحاد و قوام می رسد. شأن مورد نظر ما «معرفت – اخوت قلبی – عقلی – حسی» است که در تداوم خود، معماری جدیدی را با نام، معماری همدلی به ثمر می رساند. البته، این نگاه به معنای نفی «معرفت – اخوت» عقلی و حسی نیست بلکه معماری آنها و هدایت مرتبه مند آنها به وسیله معرفت – اخوت قلبی در نظر است. تار، بیانگر مراتب طولی و پود، نمایانگر مراتب عرضی است. در مراتب عرضی، فکر و علم به عنوان نظام نظر و زندگی به عنوان نظام عمل است. در این عرصه، باید از فناوری معطوف به سخت سخن گفت. شکل زیر این عرصه را نشان می دهد:



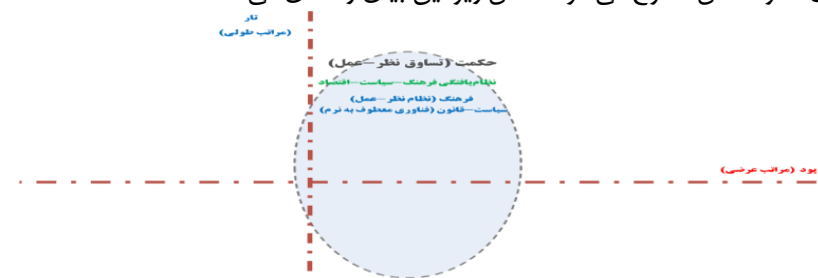
نظام نظر و نظام عمل در مراتب بود

در همین عرصه، می‌توان در یک نگاه، نظام نظر را حکمت نظری و نظام عمل را حکمت عملی دانست. شکل زیر این مطلب را نشان می‌دهد:



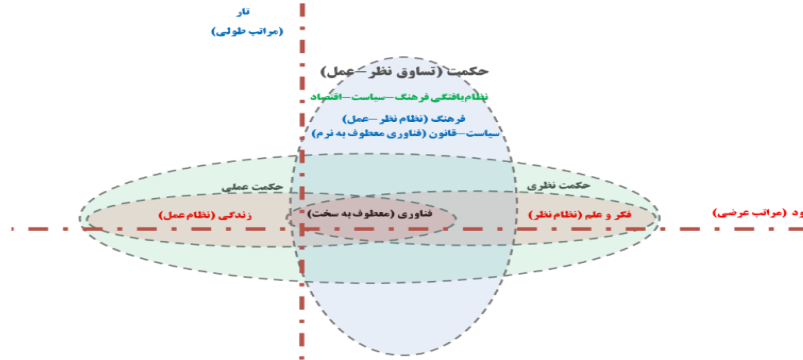
حکمت نظری و حکمت عملی در نظام نظر و عمل

در مراتب تار باید از فناوری معطوف به نرم سخن گفت که حاکی سیاست - قانون است. اندکی بالاتر از آن، فرهنگ از نظام نظر - عمل سخن می‌گوید که باید در نگاه متعالی‌تری از نظام یافتگی فرهنگ - سیاست - اقتصاد پرده برداشت. در مراتب بالاتر از آن، موضوع حکمت؛ تساوق نظر - عمل مطرح می‌شود. شکل زیر این بیان را نشان می‌دهد:



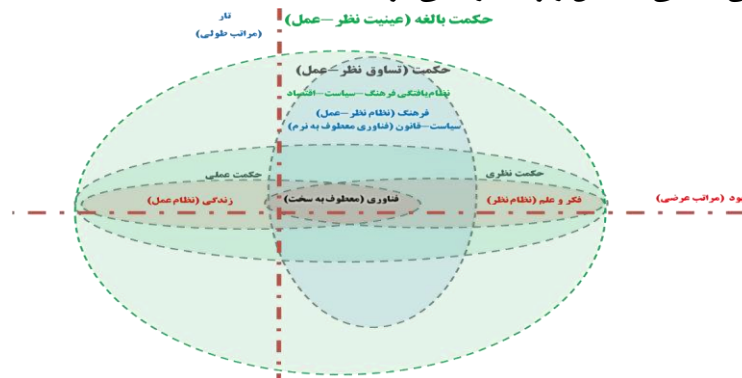
فرهنگ، سیاست و اقتصاد در مراتب تار

منظومه کامل مراتب تار و پود و یکپارچگی نظر - عمل در شکل زیر آمده است:



مراتب تار در پود

در نظر ما، تار یا بسط معارف الهی، شأن مبنای گرای؛ پود یا معدلت، شأن کارآمدگرایی؛ تاردردپود، مبین انسجام گرایی کل است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، منظومه ای است که با یکپارچگی و توازن معنویت، فکر، علم و زندگی آرمان های انقلاب اسلامی ایران را به واقعیت تبدیل می کند. شأن انقلاب اسلامی بر پایه منطق وصل، صدای عالم ملکوت بوده و الگوی تحول توحیدی را به منصه ظهور خواهد رساند. مواجهه این دو منطق، صحنه نبردی هوشمند، پیچیده و ترکیبی را در ابعاد مختلف اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... رقم می زند. در این صحنه، هرگونه نگاه تک بعدی و غیرجامع، محکوم به شکست خواهد بود. در نهایت منظومه مبین الگوی حکمروایی^۱ کلان حضرت امام رحمته الله علیه تحت هدایت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، از دیدگاهی اجمالی به شکل زیر معماری می شود:



این منظومه ارتباطی با در نظر گرفتن تنوع و مراتب الگویی، به صورت اجمالی، معرف هویتی فطرت بنیان و پیشرفت متعالی «فردی - اجتماعی» و در تکاپوی امتزاج مرتبه مند تار؛ شامل فناوری، «سیاست - قانون»، فرهنگ، حکمت و حکمت بالغه و در مراتب پود، شامل فکر، ایده، علم، فناوری و زندگی و گسترش مرتبه مند و متوازن حکمت یا بلوغ حکمت بنیان است. منظومه تارد ریود، شأن ربوبیتی دارد و در حقیقت «باطنی - ظاهری» مرتبه مند فرهنگ، حکمت و حکمت بالغه به تعالی می رسد. حاصل منظومگی تار - پود، بنیاد انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی رحمته الله علیه و آرمان حاکمیت اسلام بر جهان، نقطه شروع انقلاب جهانی حضرت حجت (ارواحنافده) است. این منظومه در پائین ترین سطح کارکرد خود، امکان هضم تمدن های موجود و نهایتاً ارائه یک الگوی تمدنی جدید را دارد. فرهنگ و تفکر جهادی یکی از پیامدهای به کارگیری حکمت است، که به دلیل سر و کار داشتن با تفکر، فرهنگ، باورهای دینی و دارا بودن قدرت فوق العاده، به دلیل اتصال و توکل به قدرت لایزال الهی و توسل به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، نیز قابلیت بسیج متعهدانه مردمی، کارکردی ویژه می یابد که بروز جدی آن، در حل بحران های قومیتی، اغتشاش ها، ترورها و اوج آن دوران دفاع مقدس قابل مطالعه است. سهم پیروزی در جنگ ها از قدرت نرم اعم از قدرت روحی، اراده سربازان، ایمان به هدف، پشتوانه واقعی مردم بصیر و هدایت ویژه امام حکیم بوده و هست. پس از تأمل در شیوه مواجهه با واقعیات براساس دستگاه وجودی - معرفتی حکمت بنیاد، معماری مواجهه حکمت بنیاد، از نوعی معماری همدلی با تار ایمان (اخلاق حاکمیت) در پود عمل صالح (اخلاق اجتماع) و معرفت - اخوت با ضرب ایلافی پرده برمی دارد. نتیجه معدلت (عمل) در معرفت (واسط نظر - عمل)، عبودیت (اتحاد نظر - عمل) یا حکمت است که با اکمال - اتمام اخلاقی، حیات طیبه و دین قیم را نشانه می رود. در گام بعدی، باید بنیاد و اصول مواجهه و مسائل، نظام مسائل و بنیاد نظام مسائل و نهاد مورد نظر؛ دانشگاه حکمت بنیان را به واکاوی نشست. در این عرصه، حکمرانی؛ شأن حرکت مدیریتی کلان و خرد بالا به پایین دارد و حکمروایی؛ شأن راهبری عمیق و گسترده مبتنی بر مواجهه که جریان ها و حرکت مدیریتی کلان و خرد را از بالا به پائین و پائین به بالا به اتحاد می رساند و مردم در کانون آن اند.

توسعه حکمت در منظومه ربوبیت

منظومگی ربوبیت تبیین شده، با یکپارچگی خانه، مدرسه، مسجد به عنوان مراکز حکمت بنیان و دانشگاه و حوزه به عنوان شبکه مراکز حکمت بنیان معین می شود که در کانون آن، دانشگاه حکمت بنیان قرار دارد و از ذوب حوزه و دانشگاه درهم پدید می آید و ترکیبی جدید رخ می نماید و انسان حکیم، حاصل آن است که تراز انسان مهدویت است. این منظومه، الگوی «بلوغ - پیشرفت» در انقلاب اسلامی است که الگوی توسعه حکمت محسوب می شود.



الگوی «بلوغ - پیشرفت» حکمت بنیان

منظومگی ربوبیت تبیین شده، هم افزایی علوم انسانی، پزشکی، مهندسی و علوم پایه را در یک منظومه حکمت بنیاد ممکن می کند و این ترکیب، شأن هنری دارد.



الگوی هم افزایی علوم و فناوری ها

نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد حاصل در هندسه نظم نوین جهانی، با حضور فعال و

خلاق در شبکه پویا، در کانون خود، پرورش فکر را نهاده است که غایت آن، پرورش انسان اخلاقی تراز مهدویت در مسیر فلسفه خلقت او؛ اوج خلافت الهی و نیز گروه‌های انسانی حکیم و شبکه حاصل در تراز تمدن نوین اسلامی است که تحقق آن در بیانیه گام دوم، تأکید شده است.

علوم و فناوری‌ها در سطح جهانی به سوی همگرایی سیر می‌کنند که زبان مختص خود را دارد. برای مثال، تمرکز بر علوم و فناوری‌های شناختی و در نهایت، NBICS (روکو و دیگران، ۲۰۰۲م) یا دیگر ترکیب‌های فناوری‌های همگرا و تأمل تطبیقی مربوط راهگشاست. در این عرصه باید E را که معرف ETHICS یا اخلاق است، به آغاز ترکیب یادشده افزود و به ENBICS و مراتب منظومگی متناسب دست یافت. از نظر نباید دور داشت که اخلاق در این ترکیب، مشرف بر دیگر مؤلفه‌ها است نه در کنار آنها و کاملاً شأن ترکیبی دارد.



سیر همگرایی در جهان (فاتح‌راد و برزنونی، ۱۴۰۱)

نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد

سخن گفتن در باب نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد، فرصت مناسب دیگری را می‌طلبد. مقام معظم رهبری، هدف دانشگاه را دانشجوپروری می‌دانند: در دانشگاه، هدف دانشجو است؛ یعنی استاد و تحقیق و آزمایشگاه و همه اینها، برای دانشجوست. آن تحقیقی که در محیط دانشگاه انجام می‌گیرد، برای این است که این نیروی انسانی رشد کند و صلاحیت کاری را که برعهده یک نیروی انسانی عالم و کارآمد است، پیدا نماید، تا بتواند آن کار را انجام دهد (۱۳۷۰/۰۹/۲۰).

در این مقاله، تنها به سه موضوع در باب نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد، اشاره‌ای زیبنده است:

الف) اصول

اصول نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد به شرح زیر است:

استادمحوری حکیمانه؛

جهت گیری حکمی؛

تربیت همه جانبه؛

مدیریت حکمی؛

شاگردپروری حکیمانه.



اصول نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد

ب) ارکان

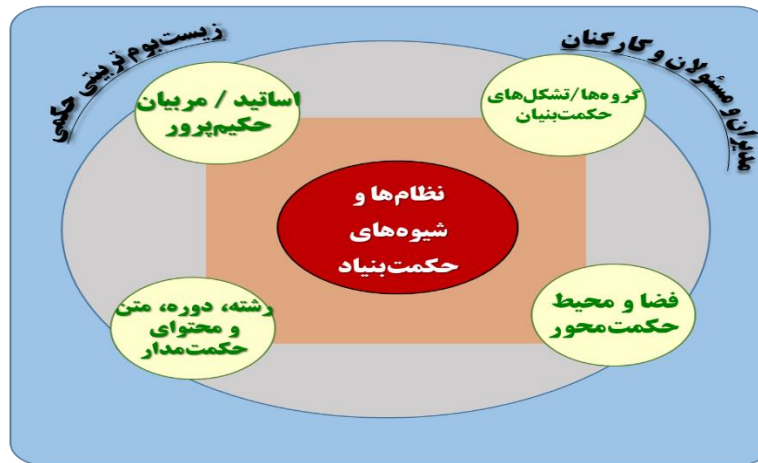
ارکان نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد در زیست بوم تربیتی حکمی، به شرح زیر است:

اساتید / مربیان حکیم پرور؛

گروه ها / تشکل های حکمت بنیان؛

فضا و محیط حکمت پرور؛

رشته، دوره، متن و محتوای حکمت مدار.



ارکان نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد

ج) ساخت‌ها

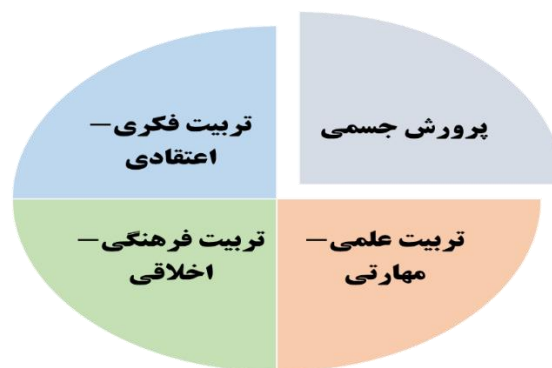
ساخت‌های نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد به شرح زیر است:

تربیت فکری - اعتقادی؛

تربیت فرهنگی - اخلاقی؛

تربیت علمی - مهارتی؛

پرورش جسمی.



ساخت‌های نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد

تشریح و تفصیل مباحث فوق، از عهدهٔ این مقاله خارج است و به فرصت مناسب دیگری احاله می‌گردد.

نتیجه‌گیری

آینده تمدن غرب مبتنی بر فصل، از هم‌گسیختگی و تقابل پایدار است. انسان حاصل از این تمدن در نظام تعلیم و تربیت آن، مبتنی بر همگرایی علوم و فناوری‌ها، انسان نوع ۲ (خدا - انسان) است. در این نظام، عبودیت حق، حداکثر به فرهنگ فرو کاسته می‌شود. در نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد مبتنی بر منظومگی ربوبیت، با اصول (استادمحوری حکیمانه؛ شاگردپروری حکیمانه؛ مدیریت حکمی؛ تربیت همه‌جانبه؛ جهت‌گیری حکمی)، در زیست‌بوم تربیتی حکمی، با ارکان اساتید/ مربیان حکیم‌پرور؛ گروه‌ها/ تشکلهای حکمت‌بنیان؛ فضا و محیط حکمت‌محور؛ رشته، دوره، متن و محتوای حکمت‌مدار، در ساحت‌های فکری - اعتقادی؛ فرهنگی - اخلاقی؛ علمی - مهارتی؛ جسمی، انسان حکیم پرورش می‌یابد و دانش حکمی پدید می‌آید و زمینه‌سازی تحقق تمدن نوین اسلامی را با حضور فعال و متعالی در هندسه نظم نوین جهانی فراهم می‌سازد.

ارکان عبودیت، فراتر از اقتصاد و سیاست مرسوم؛ معدلت و معرفت است که حاصل ضرب ایلافی آنها، اوج خلیفگی حق و تحقق عبودیت/ ربوبیت است. انسان و گروه‌های انسانی حکیم و شبکه مرتبط حاصل از نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد، جامعه - فرد را به بلوغ متناسب با آن و اوج اخلاق (اکمال - اتمام) می‌رساند. مراتب این بلوغ از منظر غایی در نسبت نفع، حکمت و حکمت بالغه قابل تبیین است.



منظر غایی: نسبت نفع، حکمت و حکمت بالغه

در سطح نفع (نوآوری - فن‌آوری - علم/ نظر - فن‌آوری - عمل)، خیر و شر نسبی درآمیخته

است و این مسئله خود را در همراهی رفاه و آسایش با بمب‌های اتمی، تخریب محیط زیست، بی‌عدالتی، فروپاشی خانواده و... نشان می‌دهد. در اوج حکمت یا حکمت بالغه، عینیت نظر و عمل یا خیر مطلق وجود دارد و ما با مطلق خیر (کوثر) روبه‌رو هستیم.

با توجه به شکل، تا در سطح نفع هستیم، خیر و شر نسبی با هم عجین است. با عروج به مرتبه حکمت، خیر؛ کثیر و شر نسبی، قلیل می‌گردد. نهایتاً خیر مطلق یا مطلق خیر نیز، شأن حکمت بالغه است. تلاش ما، حرکت به سوی حکمت با الگوی حکمت بالغه است که لازمه آن، حرکت از مرجعیت علمی/ نفعی به سوی مرجعیت حکمی است؛ که با پرورش انسان‌های تراز مهدویت در نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد، در هندسه نظم نوین جهانی، عصر ظهور را رقم خواهد زد.

مراحل عملیاتی تحقق آرمان، در سه فصل قابل تفصیل است که در نوشتارهای دیگری، باید پیگیری شود:

۱. ارائه معانی و مفاهیم عرصه دانشگاه تراز اسلامی و ارائه الگوی اولیه آن و پس از آن، طراحی نمونه آزمایشگاه‌های ترن (توسعه راهبردی نفع)، نفع‌کاوی و زمینه تحقق آن و تمرکز بر ترکیب معیارها برای تحقق اخلاق در اجتماع (پود) و سپس حرکت به سوی همگرایی نظر، فناوری و عمل (نفع) همراه با استخراج نظام مسائل آن.

۲. راه‌اندازی و فعالیت چند نمونه آزمایشگاه و بررسی خروجی آن، تمرکز بر ترکیب معیارها برای تحقق اخلاق در حاکمیت (تار) و سپس فراهم‌شدن زمینه و مقدمات «سیاست - قانون» کاوی همراه با استخراج نظام مسایل آن.

۳. حاصل ضرب ویژه «سیاست - قانون» کاوی در نفع‌کاوی و ظهور منطق جدید متناسب با زبان و فرهنگ خویش در آزمایشگاه/ رزمایشگاه تمدن، بنیان‌گذاری هسته حکمروایی و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی با الگوی جدید حاصل از ذوب حوزه و دانشگاه و سپس پرده‌برداری از پود؛ اتمام اخلاقی و تاردرپود؛ اکمال اخلاقی.

این مراحل عملیاتی در شکل زیر آمده است.

مراحل تحقق آرمان



مراحل تحقق آرمان

تصویر فوق، مراحل تحقق آرمان را در معرض دیدگان ناظر حکمت جو قرار می دهد. کمال دین، تمام نعمت و تسلیم در مقام رضا را در این آیه می توان مشاهده کرد:

«الیوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً» (مائده: ۳).

در همین راستا، حدیث شریف نبوی از اتمام مکارم اخلاقی به واسطه بعثت، پرده برمی دارد:

إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۳۸۲؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰: ۳۲۳، ح ۱۹۰۹۶).

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۵ش)، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، تهران: طرح نو.

۲. ابن بطریق، یحیی (۱۴۰۷ق)، عمدة العیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار (العمده)، قم: جامعه مدرسین.

۳. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، مسند، بیروت: الرسالة.

۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۳ش)، شفا (الهیات)، تهران: ناصر خسرو.

۵. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ق)، کتاب الشفاء: المنطق، تحقیق: ابوالعلاء العفیفی، قاهره: وزارة التربية و التعليم.

۶. ابن عربی، محی الدین (۱۳۸۶ ش)، *انسان کامل*، ترجمه: گل بابا سعیدی، تهران: جامی.
۷. ابن عربی، محی الدین (۱۳۸۳ ش)، *کشف المعنی عن سر الاسماء الحسنی*، ترجمه: علی زمانی قمشه‌ای، تهران: مولی.
۸. ارسطو (۱۳۸۵ ش)، *مابعد الطبیعه (متافیزیک)*، ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران: طرح نو.
۹. استیونسون، ل؛ هابرم، د. ل؛ رایت، د؛ متیوز، پ (۱۳۹۴ ش)، *دوازده نظریه درباره طبیعت بشر*، ترجمه: میثم محمدامینی، تهران: نور.
۱۰. آشتیانی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۶ ش)، *تفسیر سورة فاتحه الكتاب*، قم: بوستان کتاب.
۱۱. آملی، سیدحیدر (۱۳۹۲ ش)، *ساحت ربوبی، شرح رساله نقد النقود فی معرفه الوجود*، شرح: منصوری لاریجانی، بی‌جا: نشر علم.
۱۲. برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۱ ش)، «معنویت؛ نیاز پایای انسان و رمز ماندگاری جوامع انسانی در کتاب معنویت در مکتب امیرالمؤمنین (علیه السلام)»، *مجموعه مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و مقالات چهارمین همایش نیایش*، تهران: دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، اول.
۱۳. برزنونی، محمدعلی (۱۳۹۵ ش)، *نفوذ علمی، خطرناک‌ترین نفوذ؛ نیم‌نگاهی نقادانه به سند آموزش ۲۰۲۰*، اولین همایش ملی نظام سلطه و جریان نفوذ، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام).
۱۴. برزنونی، محمدعلی (۱۳۹۶ ش)، «معنویت در آخر الزمان؛ نگاهی آسیب‌شناسانه»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی مشرق موعود*، سال یازدهم، شماره ۴۴.
۱۵. برزنونی، محمدعلی؛ نجاران طوسی، حامد؛ فاتح‌راد، مهدی (۱۳۹۸ ش)، *دانشگاه تراز انقلاب اسلامی در گام دوم، اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب، الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز*، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام).
۱۶. بورکهارت، یاکوب (۱۳۸۹ ش)، *فرهنگ رنسانس در ایتالیا*، ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران: طرح نو، دوم.
۱۷. بینای مطلق، محمود (۱۳۸۵ ش)، *نظم و راز*، تهران: هرمس.
۱۸. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴ ق)، *السنن الکبری*، بیروت: دارالکتب العلمیه، سوم.
۱۹. تراتیلوا، یانا (۱۳۹۵ ش)، *انسان‌شناسی شناختی: گزیده‌ای از مباحث*، تهران: علمی و فرهنگی، اول.

۲۰. تفنگچی، سینا؛ شکرخواه، یونس؛ خانیکی، هادی و سلطانی فر، محمد (۱۴۰۱ش)، «بدن به مثابه رسانه نوین یا فراانسان گرایی در عصر هوش مصنوعی»، پژوهش های فلسفی، دوره ۱۶، شماره ۴۰.
۲۱. جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۹۰ش)، آفرینش و انسان، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری رحمته الله علیه.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ش)، تفسیر انسان به انسان، تنظیم و تحقیق: محمدحسین الهی زاده، ویرایش: سعید بندپی، قم: اسراء، اول.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ش)، حیات حقیقی انسان در قرآن کریم، تنظیم و تحقیق: غلامعلی امین دین و سعید بندپی، قم: اسراء، سوم.
۲۴. حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (۱۳۸۹ش)، دیوان، تصحیح: منصور مهرنگ، بی جا: انتشارات دستان.
۲۵. حسنی آهنگر، محمدرضا (۱۳۹۹ش)، هوش محاسباتی، تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، دوم.
۲۶. داودآبادی، مرضیه؛ خزاعی، زهرا (۱۳۸۷ش)، «بررسی مسائل اخلاقی در سیستم های هوشمند»، فصل نامه پژوهش های فلسفی کلامی، شماره ۱۰.
۲۷. داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۹ش)، اتوبی و عصر تجدد، تهران: ساقی.
۲۸. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۴ش)، رساله درباره سنت و تجدد، تهران: ساقی.
۲۹. دلیر، بهرام (۱۳۹۷ش)، وجوه سیاسی در اسماء حسنی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. دوسک، وال (۱۳۹۳ش)، درآمدی بر فلسفه تکنولوژی، ترجمه: مصطفی تقوی، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳۱. ربیعی، محمد (۱۴۰۱ش)، فراانسان گرایی؛ الگویی برای زیست آینده، فرهنگ دوماهنامه امریکاشناسی، شماره ۱۸.
۳۲. روحی، مهدی؛ فیروزکوهی، مهدی؛ کریم زاده، علی؛ برزنونی، محمدعلی؛ حمزه پور، علی؛ صفری، ابراهیم (۱۴۰۱ش)، «چیستی نفوذ فکری - فرهنگی»، نشریه علمی آفاق امنیت، سال پانزدهم، شماره ۵۴.

۳۳. سجادی، سیدجعفر (۱۳۸۰ش)، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: کومش، چهارم.
۳۴. سرل، جان (۱۳۹۶ش)، فلسفه در قرن جدید، ترجمه: محمد یوسفی، تهران: ققنوس.
۳۵. شاه‌آبادی، میرزا محمدعلی (۱۳۸۶ش)، رشحات البحار، ترجمه: زاهد ویسی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۶. شمس، مرادعلی (۱۳۸۴ش)، با علامه درالمیزان، قم: اسوه.
۳۷. صانع‌پور، مریم (۱۳۹۱ش)، اسطوره‌شناسی یونانی و مدرنیته غربی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۸. صدر، موسی (۱۳۹۱ش)، روح تشریع در اسلام، ترجمه: موسی اسوار و احمد ناظم، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر رحمته الله علیه، اول.
۳۹. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، محقق و مصحح: محسن بن عباسعلی کوچه‌باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم.
۴۰. ضیاءشهابی، پرویز (۱۳۸۳ش)، «پابه پای ارسطو به جستجوی دانش برین»، فلسفه تحلیلی، دوره ۱، پیاپی شماره ۱.
۴۱. ضیمران، محمد (۱۳۹۰ش)، میشل فوکو: دانش و قدرت، تهران: هرمس، ششم.
۴۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳ش)، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر مؤسسه امیرکبیر.
۴۳. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۹۱ش)، اخلاق ناصری، ترجمه: مجتبی مینوی، و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی.
۴۴. فاتح‌راد، مهدی، برزنونی؛ محمدعلی (۱۴۰۱ش)، مواجهه حکمت بنیاد؛ بن‌لایه‌های پیشرفت، توسعه و حکمرانی دانشگاه حکمت بنیان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.
۴۵. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۷۳ش)، موضع علم و دین در خلقت انسان، بی‌جا: مؤسسه فرهنگی آرایه.
۴۶. فولر، استیو (۱۳۹۳ش)، علم، ترجمه: محمد ابراهیم محبوب، تهران: گمان، دوم.
۴۷. قرشی، باقر شریف (۱۴۲۹ق)، موسوعة الإمام أمير المؤمنين علی بن أبی طالب علیه السلام، محقق: مهدی باقر القرشی، قم: مؤسسه الکوتر للمعارف الإسلامية.

۴۸. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق)، *ینایع الموده لذوی القربی*، تحقیق: سیدعلی جمال اشرف الحسینی، الطبعة الأولى، بی جا: دار الأسوة للطباعة والنشر.
۴۹. قونوی، صدرالدین (۱۳۸۷ش)، *مرآة العارفين*، ترجمه: محمد خواجوی، تهران: مولی.
۵۰. کدیور، محسن (۱۳۸۷ش)، «ابن سینا و طبقه بندی حکمت»، *دوفصل نامه جاویدان خرد*، سال پنجم، شماره ۱۱، دوره جدید.
۵۱. کریمی، یاشار؛ اردلانی، حسین (۱۳۹۶ش)، «بدن زیسته مرلوپونتی و جایگاه بدن در فلسفه ترابشریت»، *دوفصلنامه علمی هستی و شناخت*، شماره ۲ (۴).
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۴ق)، *اصول کافی*، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، تهران: دفتر مطالعات و تاریخ معارف اسلامی.
۵۴. کیانی‌راد، مریم (۱۳۹۰ش)، «طبقه بندی در تاریخ»، *ماهنامه سوره*، آذر و دی، شماره ۵۴ و ۵۵.
۵۵. مازاریان، علیرضا (۱۳۹۸ش)، «تحلیل انتقادی استدلال عدم تفاوت مربوط در دفاع از حقوق هوش مصنوعی»، *فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی*، شماره ۲۱.
۵۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.
۵۷. محمدعلی خلیج، محمدحسین (۱۳۹۳ش)، «دریفوس و تاریخ فلسفی هوش مصنوعی»، *دوفصلنامه غرب شناسی بنیادی*، شماره (۱) ۵.
۵۸. مخبر، عباس (۱۳۹۳ش)، *اومانيسم*، تهران: مرکز، پنجم.
۵۹. ملایوسفی، مجید؛ رضایی مستقیم، رضا (۱۳۹۳ش)، «نگاهی به نظریه اصلاح نژاد فرانسیس گالتن»، *دوفصلنامه پژوهش‌های علم و دین*، شماره (۱) ۵.
۶۰. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۰)، *مصباح الهدایه الی خلافة والولایه*، ترجمه: سیداحمد فهری، بی جا: پیام آزادی.
۶۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۳ش)، *تفسیر سوره حمد*، تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۶۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه.
۶۳. نجاران طوسی، حامد؛ حسنی آهنگر، محمدرضا و برزنونی، محمدعلی (۱۳۹۶ش)،

- شاخص‌های کلیدی استحکام درونی (پیش‌روندگی) دانشگاه جامع امام علیه السلام، دانشگاه در تراز انقلاب اسلامی، همایش شاخص‌سازی عملکرد در پیش‌روندگی سپاه، تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.
۶۴. نجاران طوسی؛ حامد، فاتح‌راد؛ مهدی، برزنونی؛ محمدعلی (۱۳۹۸ش)، *دانشگاه تراز انقلاب اسلامی*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، سوم.
۶۵. نجاران طوسی؛ حامد، فاتح‌راد؛ مهدی، برزنونی؛ محمدعلی، حسنی‌آهنگر؛ محمدرضا و محمدی، ابوالفضل، (۱۳۹۶ش)، «الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مدیریت اسلامی*، شماره ۲۵ (۳).
۶۶. نصری، عبدالله (۱۳۷۳ش)، *مبانی جهان‌شناسی در قرآن*، تهران: امیرکبیر.
۶۷. نوری، محمدعلی (۱۳۹۶ش)، «نسبت حکمت عملی با شاخه‌های آن در اندیشه فارابی»، *دوفصلنامه هستی و شناخت*، دوره ۴، شماره ۲.
۶۸. نیچه، فردریش (۱۳۷۹ش)، *حاشیه‌های ترجمه، چنین گفت زرتشت*، ترجمه: داریوش آشوری، تهران: نشر آگه.
۶۹. هجویری، ابوالحسن بن علی بن عثمان (۱۴۰۰ق)، *کشف المحجوب*، تهران: سروش، سیزدهم.
۷۰. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، Khamenei.ir.
۷۱. پایگاه جامع استاد شهید مرتضی مطهری، mortezamotahari.com.
72. Aksu, Okan (2019) Artificial Intelligence in the Era of Transhumanism Smart Phones, in S. Sisman-Ugur; G. Kurubacak (Eds), Handbook of Research on Learning in the Age of Transhumanism (pp. 157-170) IGI Global. <https://doi.org/10.4018/978-1-5225-8431-5.ch010>
73. Badmington, Neil (2000) Posthumanism (Readers in Cultural Criticism). Palgrave Macmillan. ISBN 0-333-76538-9.
74. Barad, Karen. (2007) Meeting the Universe Halfway: Quantum Physics and the Entanglement of Matter and Meaning. Durham, North Carolina: Duke University Press. ISBN 9780822339175.
75. Bostrom, Nick (2005) "A history of transhumanist thought" (PDF). Retrieved 2006-02-21.
76. Bostrom, Nick. (2005) Transhumanist Values, [in Ethical Issues for the 21st Century, ed. Frederick Adams (Philosophical Documentation Center Press, 2003); reprinted in Review of Contemporary Philosophy, Vol. 4.

77. Brown, Warren. (2021) *A. I. and Transhumanism*, <https://medium.com/illumination/a-i-and-transhumanism-1115f9309662> published at 9 February 2021.
78. Chalmers, A. (1990). *Science and its Fabrication*. 1st Edition, University of Minnesota Pres.
79. Cole-Turner, Ron. (2022) *Posthumanism and Transhumanism*. in *Encyclopedia of Religious Ethics*, W. Schweiker (Ed.). <https://doi.org/10.1002/9781118499528.ch122>
80. Esposito, Roberto (2011) "Politics and human nature" (PDF). doi:10.1080/0969725X.2011.621222. Retrieved 2013-06-06.
81. Ferrando, Francesca (2013) "Posthumanism, Transhumanism, Antihumanism, Metahumanism, and New Materialisms: Differences and Relations" (PDF). ISSN 1932-1066. Retrieved 2014-03-14.
82. Giesen, Klaus-Gerd. (2018) *Transhumanism as the dominant ideology of the fourth industrial revolution*, *Journal international de bioéthique et d'éthique des sciences*, Issue 3.
83. gigadeath – the characteristic number of people that would be killed in any major late 21st century war, if one extrapolates up the graph of the number of people killed in major wars over the past 2 centuries Garis, Hugo de. "The Artilect War - Cosmists vs. Terrans" (PDF). agi-conf.org. Retrieved 14 June 2015.
84. Graham, Elaine. (2002) *Nietzsche gets a modem': transhumanism and the technological sublime*, *Literature and Theology*, 16(1): 65-80. Oxford University Press.
85. Hardy, Michael. (2018) *Meet the Transhumanists Turning Themselves into Cyborgs*, <https://www.wired.com/story/transhumanism-cyborg-photo-gallery/> published in 17 September 2018.
86. Hasan Bulut, Mehmet. (2021) *Transhumanism and future of humanity towards digital slavery*, *dailysabah*, available in: <https://www.dailysabah.com/life/history/transhumanism-and-future-of-humanity-towards-digital-slavery> published in 24 January 2021.
87. Hayles, N. Katherine (1999) *How We Became Posthuman: Virtual Bodies in Cybernetics, Literature, and Informatics*. University Of Chicago Press. ISBN 0-226-32146-0.
88. Helminski, Kabir. (2018) *The Spiritual Challenge of AI, Trans - Humanism, and the Post-Human World*, <https://www.tikkun.org/the-spiritual-challenge-of-ai-trans-humanism-and-the-post-human-world/> published in 21 December 2018.
89. Hugo de Garis (2002) "First shot in Artilect war fired". Archived from the original on 17 October 2007.

90. Isserow, Lee (2016). Human 2. (4 Book Series), Kindle.
91. J. Childers/G. Hentzi eds. , (1995) The Columbia Dictionary of Modern Literary and Cultural Criticism.
92. Johnston, J. (2008) *The Allure of Machinic Life: Cybernetics, Artificial Life, and the New AI*, MIT Press.
93. Joostin, Peter (2022) *Transhumanism Technology: current examples*, <https://www.peterjoosten.org/transhumanism-technology/> published in 17 March 2022.
94. Latzer, Michael. (2022) The Digital Trinity - Controllable Human Evolution - Implicit Everyday Religion. Köln Z Soziol 74: 331–354. <https://doi.org/10.1007/s11577-022-00841-8>
95. Livingstone, D. (2015) Transhumanism, The History of a Dangerous Idea. Creatspace Independent Publishing Platform.
96. Machines Like Us interviews: Hugo de Garis". 3 September 2007. Archived from the original on 7 October 2007. Retrieved 23 July 2017.
97. McNamee MJ, Edwards S. D. (2006) Transhumanism, medical technology and slippery slopes. *Med Ethics*; 32(9):513-8. Doi: 10.1136/jme.2005.013789. PMID: 16943331; PMCID: PMC2563415.
98. Miller, Joe. (2022) *Eugenics, Transhumanism, And Artificial Intelligence*, <https://mindmatters.ai/2022/01/eugenics-transhumanism-and-artificial-intelligence/> published in 13 January 2022.
99. More, Max. (1990) Transhumanism: towards a Futurist Philosophy. *Extropy*, 6: 6-12.
100. Roco, M. C., and Bainbridge, W. S. (2002) Converging Technologies for Improving Human Performance. National Science Foundation (NSF).
101. Santaella, L. (2003) Da cultura das mídias à cibercultura: o advento do pós humano, *Famecos*, 23: 23-32.
103. The Darkness Before the Right. Archived from the original on 17 May 2016. Retrieved 23 July 2017 .

Evaluation of the performance of the system in relation to the youth

Dr. Parviz Jamshidi Mehr ¹

Abstract

The purpose of the current research is to investigate the performance of the system in relation to the youth after the victory of the revolution. In order to achieve the goal of the above article, descriptive-analytical methods have been used, relying on the discourse of the revolution, as well as Inglehart's theory of generational changes. The findings of this research show that many researches in the country are trying to analyze the generational changes of our society using Inglehart's method and theory, which has examined 80 countries of the world. But the discourse of the revolution is fundamentally inconsistent with this method. The results of this article have come to the point that the discourse of the revolution has emphasized innate and non-material values along with material ones. The experiences of fighting the Pahlavi regime, Iraq's eight-year imposed war against Iran, and the big and small achievements in various fields with the maximum presence of young people, which cannot be explained by Inglehart's theory

Keywords: Revolution, youth, system, change, generation

1. A Teacher of education courses at Farhangian University of Isfahan (parvizjamshidi1366@gmail.com)



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفتاد و یکم / بهار ۱۴۰۳

ارزیابی عملکرد نظام در رابطه با جوانان*

پرویز جمشیدی مهر^۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی عملکرد نظام در رابطه با جوانان پس از پیروزی انقلاب می باشد. به منظور دستیابی به هدف مقاله فوق از روش های توصیفی - تحلیلی با تکیه بر گفتمان انقلاب و همچنین نظریه تغییرات نسلی اینگلههارت استفاده شده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که بسیاری از پژوهش های کشور در تلاش هستند تا از روش و نظریه اینگلههارت که ۸۰ کشور جهان را مورد بررسی قرار داده است، تغییرات نسلی جامعه ما را مورد واکاوی قرار دهند. اما گفتمان انقلاب با این روش ناهمخوانی بنیادین دارد. نتایج این مقاله به این نکته رسیده است که گفتمان انقلاب از ابتدا بر ارزش های فطری و غیرمادی در کنار مادیات تأکید داشته است. تجربه های مبارزه با رژیم پهلوی، جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران و دستاوردهای کلان و خرد در عرصه های گوناگون با حضور حداکثری جوانان بوده که قابل توضیح با نظریه اینگلههارت نیست.

واژگان کلیدی

انقلاب، جوانان، نظام، تغییر، نسل.

مقدمه

از موضوعات بسیار مهم در کشور ما و در ارتباط با انقلاب اسلامی، جوانان و جایگاه آنها در متن تحولات جامعه است. بحث مهم این است که انقلاب اسلامی در برابر نسل های مختلف چه دادوستدی داشته است. آیا تغییرات نسلی باعث شکاف نسلی و به تبع آن دورشدن جوانان از اصول و ارزش های انقلاب شده است. طبیعتاً تفاوت های نسلی وجود دارد. این تفاوت ها اموری به شمار می آیند که از یک برجستگی و گستره قابل توجهی برخوردارند. شاید تعبیر شکاف یا گسست نسلی را نتوان به کار برد یا حتی اگر خواسته باشیم به کار ببریم هم برای یک جمعیت محدود موضوعیت داشته باشد زیرا اگر این جمعیت محدود روی یک طیف قرار بگیرد، نقاط انتهایی یک همانندی و همگرایی را نشان می دهد و باز سمت دیگر طیف

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

۱. مدرس دروس معارف دانشگاه فرهنگیان اصفهان (parvizjamshidi1366@gmail.com).

شامل کسانی می‌شود که تفاوت‌هایشان بسیار است. طبق نظر برخی از متفکران شاید بتوان از وضعیت کنونی با عنوان گسست نسلی یاد کرد اما همان‌طور که گفتم این گسست، جمعیت بسیاری را شامل نمی‌شود. اکنون یک تجربه زیسته متفاوت را برای نسل جدید نسبت به نسل‌های قبلی شاهدیم و آن هم به این دلیل که از اساس زیست جهان این افراد با زیست جهان نسل‌های پیش از خود متفاوت است.

افراد این نسل تجربه زیسته خاص خود را دارند و دلایل این است که در یک محیط، شرایط، زمانه و زمینه متفاوتی نسبت به افراد نسل پیش از خود قرار دارند. در نتیجه مطالبات، نوع توقع‌ها و انتظارات‌های شان متفاوت و چه بسا دور از انتظار نسل گذشته است. مطالباتی که این جوانان دارند، از ناحیه‌ای و ایستگاه‌هایی سرچشمه می‌گیرد که نسبت به نسل قبل تفاوت دارد. در نسل قبل، نهاد خانواده و آموزش و پرورش تعیین‌کننده‌های بسیار مهمی در فرهنگ‌پذیری و دریافت معناهای زندگی بودند اما امروزه ایستگاه‌ها و ابزارهای دیگری جای آنها را گرفته که در این بین مهم‌ترین آن رسانه‌ها هستند؛ رسانه‌هایی که در فضای مجازی و در قالب شبکه‌های اجتماعی تعیین‌کننده رفتارهای جوانان و نوجوانان شده‌اند. این مجموعه از رسانه‌ها از نوعی مدیریت و کنترل به دور هستند و از ویژگی پویایی و سیالیت (روان بودن) برخوردارند.

بنابراین جوانان نسبت به آنچه دریافت می‌کنند، پابیندی لازم را ندارند. خیلی زود اموری را اخذ می‌کنند، مدتی آن را نگه می‌دارند و دوباره به سراغ ابژه‌های دیگر می‌روند. بنابراین یک پویایی مضاعف در بین نوجوانان امروزی وجود دارد و همین سبب می‌شود هویت‌های آنها به صورت هویت‌های چندگانه و زودگذر مشاهده شود. باید توجه داشت که رسانه‌ای شدن به عنوان پدیده‌ای فراگیر ابعاد مختلف حیات انسان اعم از فردی و اجتماعی را دربر گرفته است. این موضوع آثار و پیامدهای گوناگونی از جمله در سبک زندگی افراد داشته است. زندگی امروز جوامع با عملکرد رسانه‌های مداوم معنا یافته و بر ایده اتصال قدرت تأثیر تعیین‌کننده‌ای پیدا کرده و وارد حوزه فرهنگ نیز شده است؛ بنابراین رسانه‌ای شدن بیش‌ازپیش یک فرایند فناورانه صرف باقی نمانده و تبدیل به مسئله فرهنگی اجتماعی شده است.

در همین ارتباط، مطلب دیگری که باعث تشدید ساخت معناها شده است، بحث انقلاب‌های صنعتی سوم و چهارم هست. امری که باعث شده برخی بر این باور باشند که امروزه جوانان مسلمان در بین مدرنیته و سنت گرفتار باشند. چراکه، فناوری اطلاعات و ارتباطات قادر است یک مسلمان را به سمت یک شیوه زندگی مدرن، مبهم و در عین حال

کنجکاو در هویت خود بکشاند. از برخی جهات، جوانان مسلمان با هدف فاصله گرفتن از افراد مسن و روش‌های سنتی در حال استفاده از فناوری بوده و از طرف دیگر، عده‌ای از آنان هستند که مدل‌های غربی را به چالش می‌کشند. چگونه باید آموزش فناوری اطلاعات و ارتباطات در دنیای تکنولوژیکی که به طور فزاینده‌ای دیجیتالی است، توسعه پیدا کند؟ (Faizuddin, 2017:89) اینگلهارت بر این باور است که کشورها با گذر از فرایند نوسازی به پسانوسازی دچار تغییرات نسلی و گرایش به ارزش‌های پسامادی خواهند شد. عملکرد نظام پس از انقلاب اسلامی اصولاً با نظریه اینگلهارت ناهمخوانی دارد. باتوجه به آنچه آمد فرض ما در این مقاله این است که مدل تغییرات نسلی رونالد اینگلهارت نمی‌تواند عملکرد نظام را در ارتباط با جوانان کشور توضیح دهد.

چارچوب نظری

نظریه پردازی که در این مقاله سعی شده است از آن استفاده شود رونالد اینگلهارت هست که در مورد تغییرات نسلی و ابعاد آن فلم فرسایبی کرده است. ارائه تصویری واحد از فرهنگ جوامع مختلف کاری سخت است؛ زیرا هر جامعه‌ای الگوهای ویژه‌ای از ارزش‌ها، رسوم، عادات، باورها و مهارت‌ها را دارد که آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهد. در واقع فرهنگ به عنوان وجه تفاوت و تمایز است که در جوامع گوناگون وجود دارد. از سوی دیگر گرایش به تغییر، اصلی بنیادی در هر فرهنگ است. اما باید به این نکته توجه داشت که این تغییرات آنی و دفعی نمی‌باشند بلکه تدریجی‌اند و بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است. چون فرهنگ رویکرد تطابق با محیط را نشان می‌دهد، بنابراین در حال دگرگونی است. فرهنگ‌ها در پاسخ به دگرگونی‌های محیط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در حال تغییر هستند و متقابلاً به محیط نیز شکل می‌دهند. در دهه‌های گذشته جوامع پیشرفته صنعتی به علت پیشرفت‌های اقتصادی که در آنها صورت گرفته در مسیری افتادند که آن را پسانوسازی می‌نامند. پسانوسازی مرحله فرامادی به عنوان مرحله متأخر در توسعه است که با باورهای ویژه نوسازی یا مرحله مادی سر و کار دارد. این نظام باورها صرفاً از دگرگونی‌های اقتصادی اجتماعی ناشی نشده‌اند بلکه باورهای جدید بر اوضاع و احوال اجتماعی اقتصادی تأثیر گذاشته و در مقابل از آنها تأثیر می‌پذیرند. دگرگونی فرهنگی در جامعه ما بیشتر از طریق جایگزینی یک نسل به جای نسل دیگر صورت می‌پذیرد. اینگلهارت بر این باور است ما نمی‌توانیم پیشگویی‌هایی را در ارتباط با تغییرات نسلی انجام

دهیم. هیچ کس نمی‌تواند سیر دگرگونی اجتماعی را دقیقاً پیش بینی کند؛ با این وجود برخی از نشانه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به صورت جریان‌های منسجم و موازی ظاهر می‌شوند و البته برخی از جریان‌ها محتمل‌تر از دیگرانند. در درازمدت وقتی جریان‌های مشخص در جوامع گوناگون ظاهر شوند احتمال ظهور دگرگونی‌های مهم نیز قوت می‌گیرند. اینگلههارت بر اهمیت فرهنگ نسبت به امور اقتصادی در بررسی‌هایش بیشتر تأکید کرده است. ریشه تفکرات او به آرای وبر برمی‌گردد (آزاد برمکی، ۱۳۸۰ ش: ۲۰).

ایران به عنوان یک جامعه با جهان بینی مخصوص به خود حداقل در ۱۳۰ ساله اخیر یعنی از انقلاب مشروطه در معرض کشاکش دو نیروی متضاد قرار گرفته است. نیرویی که مردم را به طرف تغییر می‌کشاند و دیگر نیرویی که آنان را به حفظ وضع موجود وامی‌دارد. هرچند که ما در طول‌های پس از انقلاب مشروطه با حوادثی روبرو شده‌ایم که هر کدام می‌توانست ما را وارد عرصه‌ای کند که با زمان قبل تفاوت دارد با این حال می‌بینیم که قبل از انقلاب مشروطیت تاکنون نتوانستیم از دوران گذر خارج شویم. در حقیقت در طول این سال‌ها مردمی که در آن زمان تاریخی بودند و مردمانی که در این زمان تاریخی هستند، تفاوتی با هم ندارند؛ چون دغدغه‌ها و سؤالات یکی می‌باشند. همین تغییرات فرهنگی در میان توده‌ها و حتی سرآمدان دیده نمی‌شود.

ثروت پس از جنگ جهانی دوم منجر به تغییر بین نسلی از ارزش‌های ماتریالیستی به ارزش‌های پساماتریالیستی در میان عموم مردم غربی شد. و پیامدهای عدم اطمینان اقتصادی حاکم از سال ۱۹۷۳ را تحلیل می‌کند. جوانان بیش از قدیمی‌ها بر ارزش‌های پسامتریالیستی تأکید می‌کنند. داده‌های سری زمانی نشان می‌دهد که این تغییر نسل را به مراتب بیشتر از اثرات پیری منعکس می‌کند، اما رکود اقتصادی اواسط دهه ۱۹۷۰ نیز اثرات دوره‌ای قابل توجهی را ایجاد کرد. با افزایش سن پست ماتریالیست‌ها، آنها از محله یهودی‌نشین دانشجویی خارج شدند و به یک نفوذ غالب در میان تکنوکرات‌های جوان تبدیل شدند و به ظهور «طبقه جدید» کمک کردند. آنها ایدئولوگ‌ها و حمایت اصلی از جنبش‌های زیست محیطی، رشد صفر و ضد هسته‌ای را فراهم می‌کنند. و مخالفت آنها با کسانی که اولویت اصلی را به صنعتی سازی مجدد و تسلیح مجدد می‌دهند، بعد متمایز و پایدار شکاف سیاسی را تشکیل می‌دهد (Inglehart, 1981: 75).

مدرنیزاسیون دو مرحله اصلی را طی می‌کند که هر یک تغییرات مشخصی را در جهان بینی مردم ایجاد می‌کند. انقلاب صنعتی با تغییر ارزش‌های سنتی به ارزش‌های سکولار- عقلانی

همراه بود که بوروکراتیزه شدن، تمرکز، استانداردسازی و سکولاریزاسیون اقتدار را به همراه داشت. در مرحله مدرنیزاسیون فراصنعتی، تغییر از ارزش‌های بقا به ارزش‌های ابراز وجود، رهایی‌فزاینده‌ای را از اقتدار دینی و سکولار - عقلانی به همراه دارد. افزایش تأکید توده‌ها بر ارزش‌های ابراز وجود،^۱ احتمال ظهور دموکراسی را افزایش می‌دهد. اگرچه میل به آزادی یک آرزوی جهانی بشری است، اما وقتی مردم با این احساس که بقا نامطمئن است بزرگ می‌شوند، اولویت اصلی نیست. اما زمانی که بقا امن به نظر می‌رسد، تأکید فزاینده بر ارزش‌های ابراز وجود، ظهور دموکراسی را در جایی که هنوز وجود ندارد، محتمل‌تر می‌کند و دموکراسی را در جایی که از قبل وجود دارد، مؤثرتر می‌سازد (Inglehart, 2006: 115).

با تأیید پیش‌بینی اینگلهارت (۱۹۷۱) مبنی بر تغییر بین نسلی به سمت ارزش‌های پسامادتریالیستی، یک تحلیل سری زمانی^۲ که اثرات مشترک تورم و بیکاری را کنترل می‌کند نشان می‌دهد که یک روند آماری معنی‌دار به سمت پسامتریالیسم در هر هشت کشور اروپای غربی وجود دارد که داده‌های مربوط به آن در دسترس است. دو دهه گذشته شواهد حاصل از بررسی‌های ارزش‌های جهانی ۱۹۸۱-۱۹۸۳ و ۱۹۹۰-۱۹۹۱ نشان می‌دهد که این تغییر ارزش در هر جامعه‌ای رخ می‌دهد که در دهه‌های اخیر رشد اقتصادی کافی را تجربه کرده است، به طوری که تجارب پیش از بزرگسالی همگروه‌های تولد جوان‌تر به طور قابل توجهی امن‌تر از همگروه‌های مسن‌تر بوده است. تفاوت‌های بزرگ بین نسلی معمولاً در جوامعی یافت می‌شود که رشد سریع سرانه تولید ناخالص ملی را تجربه کرده‌اند و در جوامعی که رشد کم یا بدون رشد داشته‌اند ناچیز است. بر این اساس، پسامتریالیسم در ۱۸ جامعه از ۲۰ جامعه در پنج قاره که ما داده‌های قابل مقایسه‌ای برای آنها در دهه گذشته داریم افزایش یافته است (Inglehart, 1994: 336).

مدرنیته و جوانان

بدون تردید به منظور شناخت تغییرات زندگی امروز بشر باید مدرنیته و مؤلفه‌های آن را مورد واکاوی قرار داد. به هر حال مدرنیته را باید به عنوان یک لحظه خاص در تاریخ با یک پیکربندی اجتماعی خاص نام برد که مشخصه اروپا از حدود ۱۵۰۰ تا اوایل قرن بیستم

۱. ارزش‌های ابراز وجود در بردارنده تأکید فرامادی گرایانه بر آزادی فردی و سیاسی، فعالیت‌های معترضانة شهروندان، تساهل نسبت به آزادی دیگران و تأکید بر رفاه ذهنی هستند که در رضایت از زندگی منعکس می‌شود.

۲. هدف اصلی در تحلیل سری زمانی در مورد یک پدیده، ایجاد یک مدل آماری برای داده‌های وابسته به زمان براساس اطلاعات گذشته آن پدیده است. با این کار امکان پیش‌بینی در مورد آینده پدیده مورد بحث میسر می‌شود.

است (Friedman, 2006: 428). در ارتباط با این مفهوم، از آن جا که تجدد ترجمه واژه لاتینی مدرن است و این مقوله در آن حوزه جغرافیایی کره خاکی زاده شده است که به غرب معروف است. باید برای تاریخچه تاریخی این واژه دقت نمود. این واژه در زبان انگلیسی از ریشه modo مشتق شده است به معنی اخیرا و همزمان بودن است. بدین ترتیب می توان واژه ای modo را به روزآمد بودن، به هنگام بودن، با زمان بودن تعبیر کرد. مدرنیته در دوران جدید یا تجدد به سکه رایج تبدیل و اعتبار فراوانی برخوردار شده است و مذهب مختار اندیشه و عمل در زمان حاضر تلقی می شود. این واژه تا آن جا همه شمول و گسترده است که در شناخت شناسی جدید، برداشت های امروزی و الگوهای رفتاری غالب و چارچوب فرهنگی را از طریق و در ارتباط با آن باید دریافت. این مقوله جدید تجدد به این دلیل به اسوه غالب شیوه تولید تمدن تبدیل شد که ساختار غالب گذشته دیگر جوابگو نبود و به تدریج هم کارآمدی عملی و هم مشروعیت نظریه خود را ازدست داده بود (رجایی، ۱۳۹۵: ۱۸۳).

هورکهایمر و آدورنو از اعضای این مکتب به کمک نظریه انتقادی به این نتیجه می رسند که اگرچه انسان ها به کمک دانش خود بر مشکلات طبیعی غلبه نموده اند، لیکن خاطر آنان ناخرسند است و از آرامش طبیعی برخوردار نیستند. به طور کلی از منظر مکتب انتقادی فرانکفورت، عقلانیتی که زمانی نقش روشنگری داشت در جهان مدرن به نوعی عقلانیت ابزاری تبدیل شده است و به دنبال از دست رفتن روزافزون فردیت در جریان صنعتی شدن جامعه، انسان ها در دنیایی با فرایندهای فزاینده سازمانی - اداری تبدیل به ابزارهایی برای سیطره علمی - تکنیکی بر طبیعت خواهند شد. آدورنو نیز به بحث فرهنگ این عصر، با نگاهی انتقادی پرداخته است. وی مفهوم صنعت فرهنگی را زاینده سرمایه داری می داند که خودش خارج از سرمایه داری رشد کرده و یک فرهنگ توده ای غیرحیاتی و بی قاعده ایجاد نموده است. آدورنو بر این باور است که افکار توده ها به طور سیستماتیک دستکاری می شود و توده ها به طور فزاینده ای قدرت نقادی مؤثر جامعه شان را از دست می دهند. در واقع صنعت فرهنگی عامل اصلی این وضعیت است. تنها مردمی که برای آدورنو ارزشمند می مانند کسانی هستند که هنوز قادرند ایده های روشنگرانه سرمایه داری از صنعت فرهنگی را مورد نقد قرار دهند (آدورنو، ۱۳۹۲: ۴۹).

در ادامه نقادی به فرهنگ مدرن، به نظر می رسد از جمله مهم ترین نقدهایی که بر مدرنیته وارد می شود، فقدان معنویت باشد. در همین رابطه، برژینسکی بر این باور است نتیجه سردرگمی های اخلاقی موجود در قرن بیستم، بحران جهانی معنویت است که در اثر این

بحران، حصارهای محکم ایمان جای خود را به شعارهای روز داده و آموزه‌های جامع راه را برای باورهای پوچ و نامفهوم می‌گشاید (برژینسکی، ۱۳۷۹ ش: ۷۰).

با جهانی شدن فزاینده رسانه‌های ارتباط جمعی، ارائه اطلاعات می‌تواند راه‌های تازه‌ای برای انتخاب در برابر شخص باز نماید و انتخاب‌های تازه‌ای را فراهم کنند. از طرفی بین سکونت‌گاه‌هایی که در گذشته به کلی از یکدیگر مجزا و بی‌خبر بوده‌اند، ارتباط‌هایی برقرار شده است. در دنیایی آکنده از امکانات گوناگون برای گزینش شیوه زندگی، برنامه‌ریزی استراتژیکی برای نوع زندگی از اهمیتی خاص برخوردار است. انتخاب شیوه زندگی و برنامه‌ریزی برای آن تأثیراتی کم‌وبیش عام داشته و چندان ارتباطی با موقعیت‌ها و محدودیت‌های ویژه آنها ندارد. برنامه‌ریزی زندگی مستلزم اتخاذ روش و شیوه‌ای برای سازماندهی زمان است. چون ساخت بازتابی هویت شخصی افراد متأثر از انتخاب متعددی است که در عصر کنونی برای وی فراهم شده است. گیدنز بر این امر تأکید دارد که برای همه افراد و گروه‌ها انتخاب شیوه زندگی مشروط به شانس‌ها و فرصت‌هایی است که نصیبشان خواهد شد (گیدنز، ۱۳۸۸ ش: ۱۷۵).

بنابر آنچه ذکر شد مبارزه‌ها، کشمکش‌ها، نزاع‌ها و مخالفت‌ها بر سر فرهنگ‌های بومی و خودی در برابر فرهنگ‌های غیربومی و غالباً غربی هست که از طریق فرایند جهانی شدن در حال توسعه است. نگرانی و بحث اصلی بیشتر سردمداران و مسئولین کشورهای غیرغربی گسترش سریع محتوای فرهنگ غربی در کشور خودشان هست. از طرف دیگر شاهد افول نظام ارزشی و فرهنگ جامعه خود در بین مردم به‌ویژه جوانان بوده و از سوی دیگر پیشرفت روزافزون ارزش‌های غربی را در جامعه خود مشاهده می‌کنند. در واقع، نسل‌های جوان‌تر کشورهای غیرغربی کمتر تحت تأثیر نظام ارزش‌ها، اخلاقیات، دین، آداب و رسوم و رفتارهای جامعه خود بوده و بیشتر به سمت باورها، ارزش‌ها و رفتارهای غربی گرایش دارند. این تغییرات را می‌توان در زندگی روزمره آنها، در شیوه زندگی کردن، لباس پوشیدن، نوع موزیک، حتی غذا خوردن مشاهده نمود. مفهوم جهانی شدن هم به درهم فشردن جهان و هم تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل اشاره می‌کند. در واقع جهانی شدن به بیان ساده به معنای گسترش مقیاس رشد اندازه سرعت یافتن و تعمیق تأثیر فراقاره‌ای جریان‌ات و الگوهای تعامل اجتماعی می‌باشد. جهانی شدن حاکی از جابه‌جایی یا دگرگونی در مقیاس سازماندهی انسانی است که جامعه‌های دوردست را به یکدیگر متصل می‌کند و دسترسی به روابط قدرت را در مناطق و قاره‌های دنیا گسترش می‌دهد (Hallett, 2003: 132).

این آمارها به‌طور روزانه و هفتگی در حال افزایش است. تغییر سبک زندگی و گسترش

دسترسی به گوشی‌های اندروید این روند را شتاب بخشیده است. البته در ایران در طی سال‌های گذشته یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های مسئولین و اکثر گروه‌ها و افراد جامعه، گسترش رو به رشد استفاده از ماهواره و اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و پیامدهای آسیب‌زایی آن برای همه گروه‌ها به‌ویژه نوجوانان و جوانان است. تا جایی که گسترش هدفمند شبکه‌های ماهواره‌ای را یکی از مهم‌ترین ابزارهای ناتو فرهنگی برای تهدید نظام امنیت اجتماعی می‌دانند. برخی افراد پیام‌ها و محتوای انتشار این رسانه‌ها را با فرهنگ دینی و عرفی جامعه ما ناسازگار دانسته و آن را با برنامه‌ریزی‌های عاقدانه برای مسخ فرهنگ دینی - اسلامی جامعه قلمداد می‌کنند. به نظر آنها منطق فرهنگی کنونی در عرصه جهانی تقابل اسلام و سرمایه‌داری است. این تقابل در عصر اطلاعات و ارتباطات جدی‌تر شده است. اگر به این فرایند - همان‌طور که در قسمت قدرت نرم توضیح داده شد - تغییر ارزش‌ها و فرهنگ را هدف قرارداده باشد، این تقابل قابل فهم‌تر خواهد بود. از طرف دیگر براساس گزارش بیشترین کلیدواژه مورد جستجو ایرانیان کلمه جنسی بوده و در همین راستا در میان کشورهای مختلف پاکستان، مصر و ایران در بین کشورهای جهان رتبه‌های اول تا سوم را دارند. براساس گزارش ارتش سایبری سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران در خصوص مراجعه کاربران سایت‌های غیراخلاقی کاربران تهرانی در بین ۱۸۲ شهر جهان مقام نخست را به خود اختصاص دادند و این وضعیت نه تنها در باره پایتخت که درباره کاربران اینترنتی شهرهای یزد و اصفهان نیز صدق می‌کند. برای نمونه در فضای اینستاگرام فرد بهتر می‌تواند عقاید خود را به نمایش گذاشته و با دست‌کاری و ایجاد تغییر در شیوه‌های نمود و خود، ارزش‌ها، باورها و جذابیت‌های جهان ذهنی خود را به نمایش گذارد. در واقع، این فضا صنعت نمایش کامل‌تری نسبت به صحنه نمایش رودرو می‌باشد. چرا که کنترل بیشتری بر شیوه‌های نمود و خود وجود دارد؛ بنابراین، می‌توان این صحنه را جای مناسب‌تری برای دریافت شیوه‌های بروز خود و ارزش‌های جوانان قلمداد کرد. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد ۷۵ درصد از زنان تمایل دارند در فضای بسته از خودشان عکس گرفته تا راحت‌تر بتوانند خود را مطابق با نظر شخصی‌شان به نمایش گذارند. این مقدار برای مردان ۴۸ درصد است که تقریباً برابر با تعداد عکس‌ها در محیط باز است (هاشمی منفرد، ۱۳۹۵: ۱۶۹).

افراد از زمانی که به عنوان عضوی از جامعه مدرن فرصت انتخاب پیدا کردند، سبک زندگی آنها معرف درک آنان از خویشتن تلقی شده است. به گونه‌ای که انتخاب سبک زندگی متفاوت به عنوان بخشی از منشأ تفسیر هویت انسان مدرن به حساب می‌آید. از طرف دیگر رسانه‌ای

شدن عرصه‌های مختلف زندگی به‌ویژه در قالب مجازی شدن باعث بروز و ظهور سبک‌های متنوعی به زندگی در رسانه‌های مجازی به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی شده است (بیچرانلو، ۱۳۹۷ش: ۱۲۰). این وضعیت باعث شکل‌گیری هویت جدید به عنوان هویت بصری در جامعه شده است که از متن این هویت خواسته‌ها، تمایلات و علایق متعددی ایجاد شده است. هویت مذکور به دنبال ایجاد نوع جدیدی از سبک زندگی افراد بوده که خواهان خوانشی متفاوت و متمایز از خوانش مسلط هست.

به هر حال شبکه‌های اجتماعی جدید ظهور کاربران را از طریق تولید محتوا و به اشتراک گذاشتن آن فراهم ساخته است. در میان اشکال و گونه‌های مختلف تولید محتوا که شامل متن، تصویر، ویدئو و عکس هستند، با استقبال ویژه روبرو شده‌اند. جایگاه عکس‌ها باعث شده تا امروزه شاهد فعالیت شبکه اجتماعی عکس محور باشیم که برای مثال اینستاگرام با بیش از یک میلیارد کاربر از پرطرفدارترین آنها به حساب می‌آید. کاربران شبکه اجتماعی مجازی نه تنها از فرصت تماشا و غرق شدن درون اقیانوسی از عکس‌ها برخوردار هستند؛ بلکه می‌توانند هزاران نفر را در لذت تماشای عکس خود شریک کنند. این فرایند خود موجبات ایجاد شکل نوینی از هویت یابی را فراهم نموده است که نسل‌های جدید از رهگذر آن به تعریف خود و دیگری می‌پردازند. در همین ارتباط، کسانی که در جنبش‌های نوین اجتماعی شرکت دارند، محروم و بیگانه نیستند؛ بلکه هویت جمعی آنها براساس شبکه‌های وابستگی پیشینی ایجاد می‌شود. در برابر مدل بروکراتیک، سازمان‌های جنبش اجتماعی بر جنبه‌های غیررسمی شبکه‌های اجتماعی و کارایی آنها به‌ویژه در جوامع بسته و پرخطر، پیوندهای مبتنی بر اعتماد و همبستگی را در ورای کنترل حکومتی فراهم می‌کنند. در جوامعی که دولت حوزه عمومی، سازمان‌های آزاد و مستقل از کنترل حکومتی را نابود و حذف می‌کند، پیوندهای غیررسمی اهمیتی حیاتی دارند. شبکه‌های اجتماعی نه تنها محدود به بسیج معترضین و تخصیص منابع به آنان هستند؛ بلکه فضاهای تولید معنا نیز می‌باشند. به عبارتی مبارزه بر سر معانی است که هم جنبش‌ها و هم دولت‌ها به گونه پیوسته درگیر آن هستند. گفتمان خود محصول مفصل‌بندی است و به هر عملی گفته می‌شود که میان عناصر پراکنده ارتباط برقرار می‌کند به گونه‌ای که هویت و معنایی عناصر در نتیجه این عمل اصلاح و تعدیل شود (رئسی‌نژاد، ۱۳۹۷ش: ۱۱).

به اعتقاد میلان کوندرا مذهب جای خود را به فرهنگ داد و باعث تحقق ارزش‌های متعالی انسان اروپایی گردید که خود را با آن درک تعریف و شناسایی می‌کند. واقعیت این است

جهانی شدن در تلاش است تا مدرنیته و در کنار آن ارزش ها و هنجارهای فرهنگی غرب را گسترش دهد. ابزارهای فرهنگی وسیله خوبی برای گسترش اصول غرب بوده و بسیاری معتقدند که پیشرفت های تکنولوژیکی به گسترش غرب کمک کرده است. از طرف دیگر فلسفه سکولار که در اواخر قرن هجدهم و نوزدهم، رایج شدن مکاتب فلسفی به ویژه لیبرالیسم و سوسیالیسم این امکان وجود دارد که شرایط فرهنگی را تقریباً در همه جوامع دنیا درهم آمیخته و متحول کند. شیلر در سیستم آمریکایی و نظریه پرداز رسانه تاکید کرده است که نظام جهانی سرمایه داری از طریق ابزارهای اصلی اش یعنی شرکت های فراملی در تلاش است تا تمام جوامع را به دایره نفوذ خود الحاق کند (محمدی، ۱۳۸۳، ش: ۵۰). از مباحث بسیار مهم در این حوزه قدرت نرم هست که در دهه های اخیر مورد توجه غرب بوده است. از آن جایی که مخاطبان شبکه های اجتماعی بیشتر افراد نوجوان و جوان می باشند و مؤلفه های مهم این دوره زندگی بحث هویت یابی هست، توجه به ابعاد و جنبه های مختلف تأثیرات این شبکه ها حائز اهمیت است.

بدین ترتیب، در جهان مدرن زندگی انسان ها هر روز در حال تحول، تنوع و تغییر است و به هر حال زندگی مدرن، روش و شیوه پیچیده، چندلایه و تحول پذیر است که به مهارت های فراتر از آنچه که خانواده و مدرسه به انسان می آموزد نیاز دارد. مثلاً نیازهای انسان فراتر از تأمین بهداشت، تأمین رفاه مادی، فراهم کردن امکانات وسائل پیشرفته و... نیست بلکه تأمین بهداشت روانی و ایمن کردن فرد در برابر آسیب های روانی و اجتماعی است. به عبارتی به او بیاموزد که چگونه از زندگی لذت ببرد و چه کار کند تا زندگی ایده ال داشته باشد و این هدف و توان زندگی در دنیای مدرن بسیار مهم و گرانبهاست. دنیای مدرن تمام حوزه های زندگی را تحت تأثیر قرار داده است. انسان امروزی که خود را در برابر یک دنیای تحول یافته می بیند و روزه روز بر نیازهایش افزوده می شود، ناگزیر است برای زندگی بهتر و سعادت مند مهارت هایی را به دست آورد تا از پیچ و خم این بستر پر از تغییر و غیرثابت بگذرد.

در همین ارتباط و از مواردی که ضرورت بحث از هویت را مشخص تر می کند به شرایط فعلی جهانی برمی گردد که در آن زندگی می کنیم. باید توجه داشت که جهان جدید عصر یک تمدن چندفرهنگی است؛ زیرا میدان بروز هویت های متفاوت را امکان پذیر می کند. به همین دلیل فروپاشی نظام جنگ سرد و امپراتوری روسیه را نباید از میان رفتن یک ساختار سیاسی تلقی نمود؛ بلکه باید بشارت دهنده این روند باشد که بشریت را با جهان دیگری روبرو کرده است. در دو دهه گذشته سپهرهای اصلی تولید تمدنی حوزه های سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ در

گستره جهانی دچار نوسان و دگرگونی‌های فراوان شده است. نمی‌توان منکر این امر شد که هماهنگ شدن قدرت عظیم و فناوری برای انتقال اطلاعات و توانایی بیش از حد رایانه‌ها برای پردازش اطلاعات مرحله تازه‌ای از تولید تمدنی براساس شیوه تولید اطلاعاتی را به وجود آورده است. این مرحله تازه در عرصه سیاست این است که دل مشغولی عمده را از امنیت نسبی سلاح‌های هسته‌ای هدف‌گیری شده و جنگ سرد جای خود را به مباحثی مانند هویت و قومیت، جنسیت، جامعه مدنی، محیط زیست و مقولات مشابه بدهد (رجایی، ۱۳۹۵: ۱۳). تغییر و دگرگونی‌ها در عرصه صنعت تولید کالا و خدمات و به‌طور کلی وجه تولید چنان دچار تغییرات شده است که برخی از آن به عنوان موج سوم یاد کرده و آن را رویگردانی انسان از کوشش برای سلطه بر طبیعت و روی آوردن به صورت تازه‌ای از زندگی همدلانه با طبیعت تلقی می‌کنند (همان: ۵۸).

البته باید توجه داشت که از نظر فرهنگ رجایی از مهم‌ترین منبع تحول هویت و فرهنگ ایرانی که بیشترین دل مشغولی ایرانیان نیز بوده است، تجدد است. اولین بار است که پدیده‌ای یا روندی همه اوضاع جغرافیایی بشر و همچنین همه ابعاد زندگی انسان را درنور دیده و در واقع کل تاریخ بشر را شکل می‌دهد. نکته مهم درباره ارتباط آن با ایرانیان این است که تجدد نیز مانند اسلام از جهت غرب به ایران آمد و بازهم مثل اسلام، ایرانیان در شکل‌گیری اولیه آن نقش بارزی ایفا نکردند، در شکل دادن به تجدد نیز نقشی نداشتند و در واقع دریافت‌کننده آن بودند. برعکس نقش ایرانیان در سرگذشت اسلام و در قدم‌های بعدی در متحول نمودن و حتی تبدیل آن به تمدنی مولد و جهانی نقش بسیار به‌سزایی داشتند و در حوزه تمدنی اسلام بازیگران عمده تبدیل شدند اما در برابر تجدد به تعبیر برخی به حیرت افتادند و به‌جای تحلیل نامه به نوشتن حیرت نامه اشتغال ورزیدند. به‌جای بازیگر شدن یا به تماشاچی تبدیل شدند و یا مصرف‌کننده صرف شدند؛ اما درعین حال همین مصرف‌کنندگی نیز تمام زندگی آنان را تحت تأثیر قرارداد و دچار تحولات و تغییرات نمود. روابط اجتماعی و اقتصادی زندگی آنها از فرایند تولید و مصرف از سنتی به کشاورزی بیرون آمد. شکل زندگی شهری و روستایی به شکل تازه‌ای در آمد؛ اما در این حالت تطابق فکری نهادی و سازمانی در فرهنگ سیاسی و نظام فکری سیاسی ایرانیان صورت نگرفت. فرهنگ رجایی بر این عقیده است که در پشت تمام دگرگونی‌های ناشی از تجدد به دلیل ناتوانی ساختار سیاسی، فکری و فرهنگی ما برای تطابق با تقاضاهای تجدد قرار دارد و به همین دلیل مهم‌ترین چالش هویتی ایرانیان را ارائه قرائتی بومی از تجدد می‌داند (رجایی، ۱۳۹۵: ۱۷۶). فرهنگ رجایی به عنوان راهکار برای پویایی

هویت ایرانی بر این نکته تأکید می‌کند که مهم‌ترین منابع هویتی ایرانیان یعنی ایران، اسلام و سنت جزئی از میراث گذشته و تجربه شده ایرانیان بود؛ لذا برای پویا نمودن آنها کافی بود ایرانیان به منابع گذشته خود مراجعه کرده و آنها را استخراج کنند. در مورد تجدد کار آنها آن قدر آسان نیست؛ چرا که شناخت ایرانیان از تجدد بسیار ضعیف است (همان: ۱۷۷). پیروزی انقلاب اسلامی با ادعای تلاش برای شناخت هرچه بشتر ابعاد هویتی و استقلال طلبانه با بازگشت به ارزش‌های معنوی و غنی اسلام همراه بود. بازگشتی که بر نگاه‌گزینی به مدرنیته همراه بود و همواره بر فتح قله‌های رفیع علم تأکید داشت.

عملکرد نظام در ارتباط با جوانان

کشور ما از نظر هرم جمعیتی جز کشورهای جوان به حساب می‌آید و دارای پنجره جمعیتی است که در صورت برنامه‌ریزی درست قادر است از ظرفیت به نحو احسن استفاده نماید. نکته اصلی در این مورد وجود ۳۶ میلیون جوان بین ۱۵ تا ۴۰ سال است که یک گنج برای کشور محسوب می‌شود. با این وصف؛ به طور خلاصه می‌توان گفت، مهم‌ترین و در اولویت‌ترین مسائل جوانان کشور عبارت است از بیکاری، ازدواج، مسکن، آسیب‌های اجتماعی، فقدان حل مسئله، فردگرایی، مدرک‌گرایی، عدم توازن بین تحصیلات و بازار کار، فقدان مهارت شغلی، ناامیدی نسبت به آینده، اعتیاد، افسردگی، افزایش رفتارهای ضد اجتماعی، ابهام در مورد آینده، گسست نسلی و عدم درک و پذیرش توسط نهادهای اجتماعی و نهاد قدرت و نسل‌های اول و دوم انقلاب، رهاسدگی توسط ساختار دولتی و اجرایی، فقدان جوان‌باوری در بخش‌هایی از حاکمیت، فضای مجازی، بحران هویت، بحران سلامت روان، بیماری‌های جسمانی (فشارخون، سکته، کبد چرب و...)، اوقات فراغت، فقدان مهارت‌های زندگی، طلاق، کاهش موالید، تغییرات نگرشی، رابطه با جنس مخالف، دین‌گریزی، زیست کافی شاپی، مفاسد اخلاقی، بالا رفتن سن ازدواج، موانع ازدواج (مهریه سنگین) و فقدان درآمد، بخشی از مسائل و مشکلات جوانان کشور است. به لحاظ اولویت‌بندی، ساماندهی امور جوانان در محورهایی همچون اشتغال، سلامت، مهارت‌های زندگی و شغلی، ازدواج و تشکیل خانواده، اوقات فراغت، توانمندسازی در برابر آسیب‌های اجتماعی و فضای مجازی ضروری است. قطعاً بیکاری و عدم اشتغال در رتبه نخست مشکلات اقتصادی جوانان قرار دارد. به علاوه؛ درآمد ناکافی، عدم برخورداری از مسکن یا مسکن مناسب، فقدان شغل متناسب با وضعیت فردی و مدرک تحصیلی، فضای کسب‌وکار نامناسب (ایمنی فیزیکی و روانی؛ امنیت شغلی و تعهدات کارفرما)،

رفتار اقتصادی و اقتصاد رفتاری نامناسب در جوانان (ولخرجی و مصرف‌گرایی)، ضعف در مهارت‌های سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، افزایش احساس نابرابری و فقر و فقدان فرهنگ کارآفرینی و کارایی در رتبه‌های بعدی قرار دارند (عبدالملکی، ۱۴۰۲). موارد فوق نشان می‌دهد که نظام باید کوششی جهادی در این زمینه انجام دهد و با توجه به تأکیدات مهم رهبر معظم انقلاب در بعد اقتصادی و تلاشی که دشمنان انقلاب بر ضعیف کردن و به دنبال آن ناامید کردن مردم، لزوم حل مشکلات این حوزه بیشتر احساس می‌شود.

البته هرگاه نظام بر جوانان تکیه کرده است، موفقیت چشمگیری به دست آورده است. نگاهی به تاریخ مبارزات انقلاب اسلامی که می‌شود، کاملاً روشن است که سهم اصلی در مبارزه با رژیم پهلوی بر دوش نسل جوان بوده است. به تصاویر و پرونده زندانیان سیاسی در ساواک که می‌نگرید، سهم بیشتر برای جوانان مبارز است. کمی بعدتر در دوران انقلاب (سال‌های ۵۶ و ۵۷) نسل جوان بیشترین حضور را در صحنه دارند. با آغاز جنگ تحمیلی نیز این جوانان بودند که بیشترین سهم را در دفاع از سرزمین عزیزمان برعهده داشتند به گونه‌ای که از مجموع ۲۱۳ هزار شهید دفاع مقدس، بیش از ۱۸۰ هزار شهید (حدود ۹۰ درصد) کمتر از ۳۰ سال داشتند. فرماندهان جنگ نیز تقریباً همگی از جوانان این سرزمین بودند. از فرمانده کل سپاه که تنها ۲۶ سال داشت تا نابغه نظامی حسن باقری که ۲۴ ساله بود تا شهید یگانه سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی فقط ۲۵ سال داشت. بزرگان عرصه جهاد و شهادت همگی جوان بودند از همت و باکری و زین الدین تاخرازی و کاظمی و موحد دانش و... بعد از جنگ تحمیلی نیز افتخارات علمی و پزشکی و هسته‌ای و نانو و سلول‌های بنیادی و... همگی با تلاش و همت جوانان این سرزمین به دست آمده است و اکنون نیز همین نسل جوان است که امنیت و آسایش را با مبارزه در مقابل تکفیری‌ها و حامیان‌شان برای ما به ارمغان آورده‌اند (شعبانی، ۱۴۰۲) در صورتی که در دوره پهلوی وضعیت جوانان اسفناک بود:

کشور ما و ملت بزرگ ما و به خصوص طبقه جوان ما آن روز به‌طور عام - فقط استثناء‌ها بیرون بودند - دچار غفلت بود. در میان این غافلین آدم‌های متدین و متورع هم بودند، آدم‌های بی‌دین و لایبالی هم بودند؛ کسانی هم بودند که اهل گناه نبودند، جوان‌های پاکی بودند؛ اما در غفلت عمومی جوان‌ها همه همراه بودند. بزرگ‌ترین کاری که نهضت اسلامی در ایران انجام داد، تلنگر زدن به ما ایرانی‌ها بود تا از خواب غفلت و بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به آینده خارج شویم. سعدی در گلستان - داستان دوم یا سوم باب اول - حکایت مجموعه دزدانی را ذکر می‌کند؛ می‌گوید اینها می‌خواستند به افرادی حمله کنند؛ اما «اولین دشمنی که برایشان تاخت، خواب

بود؛ قبل از این که دشمن بیرونی بیاید، یک دشمن از درون خودشان بر آنها غلبه کرد؛ آن دشمن عبارت بود از خواب. ما خواب بودیم، انقلاب ما را بیدار کرد.

البته این بیداری نباید منجر به غربی شدن و پذیرش بدون قید و شرط فرهنگ غرب شود. رهبر انقلاب در این خصوص می‌فرماید:

باید به زبان، فرهنگ، وطن و گذشته خود افتخار کرد. ما به جای تقلید محض از غرب در عرصه علم، آن را اخذ کرده و هزینه آن را می‌پردازیم. برخلاف غربی‌ها که پول بیشترین ارزش را برای آنان دارد و علم برای تبدیل شدن به پول ارزشمند می‌شود، از نظر اسلام علم شرافت ذاتی دارد (بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳).

ایشان بر لزوم مسئولیت‌پذیری جوانان تأکید کرده و می‌فرمایند:

جوانان باید احساس مسئولیت آگاهانه فراتر از حساسیت‌هایی که نسبت به زندگی، معیشت، اشتغال، ازدواج داشته باشند و نسبت به ملت، تاریخ و بشریت احساس مسئولیت نمایند. چون برای فلج کردن ملت‌ها، بهترین راه تمرکز بر قشر جوان و آلوده کردن آنان به وسیلهٔ سکس، فساد، فحشا و مواد مخدر است. در حقیقت آنها می‌خواهند این سرمایه‌ها را از کشور بگیرند و آن را فلج کنند و بر آیندهٔ روشن و درخشان آن، خط بطلان بکشند و مانع رسیدن به آن شوند (بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستم و بلوچستان، ۱۳۸۱).

از ارزش‌های پسمادی که انقلاب و نظام به جوانان آموخته علم و رشد علمی همراه با اخلاق است. رهبر انقلاب در این زمینه اشاره می‌کند:

عزیزان من، هرچه می‌توانید خودتان را با علم و عمل بسازید. نسل قبل از شما وابستگی به آمریکا را از بین برد و انقلاب را به پیروزی رساند. در جنگ از هویت ملی دفاع نمود. شما هم ارتقای علمی، عملی و اخلاقی جهاد بزرگی را انجام خواهید داد (بیانات در دیدار جمعی از جوانان اهواز، ۱۳۸۲).

در همین ارتباط، ایشان بر سبک زندگی اسلامی ایرانی اشاره کرده و در این خصوص می‌فرمایند:

اما بخش حقیقی، آن چیزهائی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئلهٔ خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئلهٔ خط، مسئلهٔ زبان، مسئلهٔ کسب و کار، رفتار ما در محل

کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.

ایشان همچنی بر نقش بی‌بدیل فرهنگ در رشد ملت‌ها تأکید کرده و در این خصوص اشاره می‌کنند:

فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده فرهنگ‌هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آن جایی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱).

گفتمان انقلاب از همان ابتدا و حتی پیش از پیروزی انقلاب، در فرآیند مبارزه با انقلاب نیز اصول انسانی خویش را بر زمین نگذاشت. تظاهرات مسالمت‌آمیز، عدم اعتقاد به مبارزه مسلحانه، دعوت نظامیان به عدم کشتار و پس از انقلاب هم با مفاهیم ایثار و شهادت در جبهه‌های جنگ تأکید داشت. پس از جنگ نیز بر ارزش‌های عدالت‌طلبانه، مبارزه با استعمار، علم‌گرایی و تمرکز بر اسقلال و هویت کشور ارزش‌هایی پسامادی اند که با مسیر نظریه اینگلهارت همخوانی یکسانی ندارند.

نتیجه‌گیری

کشور ما از نظر هرم جمعیتی جز کشورهای جوان دنیا می‌باشد که در اصطلاح جمعیت‌شناسی مترصد پنجره جمعیتی است. مشکلات اقتصادی مانند بیکاری و تورم از آسیب‌های اصلی این حوزه هست. عملکرد نظام انقلاب اسلامی را نمی‌توان با نظریه غربی رونالد اینگلهارت که جوامع سکولار را بیشتر مدنظر داشته بررسی کرد. این نظریه از فرایند مدرنیزاسیون عبور کرده و به پسامدرنیزاسیون می‌رسد. تجربه مدرنیزاسیون را جامعه ما در عصر پهلوی برنتافت و از نظر هویتی - فرهنگی با آن دچار چالش عمیق گردید. گفتمان انقلاب از دوران پیشامبارزه تا کنون بر لزوم اخذ وجوه مثبت تمدن غرب اشاره و در تلاش هست تا جوانان خود را با هویت و فرهنگ کشور خودش به سوی توسعه همه‌جانبه حرکت دهد. نگاهی

به دانشمندان مؤمن در حوزه‌های گوناگون علمی بر این ادعا مهر تأیید می‌زند که می‌توان تلفیقی از ارزش‌های مادی و پسمادی را با حفظ هویت بومی به دست آورد.

منابع

۱. آدورنو، تئودور (۱۳۹۲)، *مکتب فرانکفورت و جامعه‌شناسی معرفت*، ترجمه: جواد گنجی، تهران: گام نو.
۲. آزادارمکی، تقی؛ مسقطیان، بهمن (۱۳۸۰ش)، «تغییرات فرهنگی در استان مازندران آزمون تجربی نظریه اینگلهارت»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی*، سال اول، شماره سوم.
۳. برژینسکی، زی دو بیگنیو (۱۳۷۲ش)، *خارج از کنترل اغتشاش جهانی در طلیعه قرن بیست و یکم*، ترجمه: عبدالرحیم نوه ابراهیم، تهران: نشر اطلاعات.
۴. بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۴ش)، «تطبیق مدرنیته با بنیان‌های دینی و مفاهیم اسلامی»، *راهبرد توسعه*، شماره ۴۳.
۵. بیچرانلو، عبدالله؛ صلواتیان، سیاوش؛ لاجوردی، آزیتا (۱۳۹۷ش)، «بازنمود سبک زندگی زنان جوان ایرانی در اینستاگرام»، *فصل‌نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال پانزدهم، شماره ۵۶.
۶. حقیقی، مانی (۱۳۹۲ش)، *نمونه‌هایی از نقد پسمادرن؛ سرگشتگی نشانه‌ها*، تهران: نشر مرکز.
۷. رجایی، فرهنگ (۱۳۹۵ش)، *مشکله هویت ایرانیان امروز؛ ایفای نقش در یک تمدن و چند فرهنگ*، تهران: نشر نی.
۸. رئیسی‌نژاد، آرش (۱۳۹۷ش)، «انقلاب و جنبش‌های اجتماعی؛ خوانشی نوین»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۹، شماره ۴.
۹. شیخاوندی، داور (۱۳۸۴ش)، *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعیتی ایران*، تهران: نشر قطره.
۱۰. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹ش)، *عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ (هویت)*، ترجمه: حسن چاووشیان، تهران: انتشارات گام نو.
۱۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸ش)، *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه: اسماعیل قدیمی، تهران: نشر نی.

۱۲. هاشمی منفرد؛ آزاده، ربیعی، علی (۱۳۹۵ش)، «مطالعه موردی شیوه نمایش خود در کاربران صفحه اجتماعی اینستاگرام»، *فصل نامه علوم اجتماعی*، سال ۲۶، شماره ۷۸.
13. Faizuddin, A. (2017). Identifying Salient Issues in Information and Communication
14. Hallett, T. (2003). Symbolic power and organizational culture. *Sociological Theory*, 21(2), 128-149.
15. Inglehart, R. (1981). Post-materialism in an environment of insecurity. *American political science review*, 75(4), 880-900.
16. Inglehart, R. (2006). Mapping global values. *Comparative sociology*, 5(2-3), 115-136.
17. Inglehart, R., & Abramson, P. R. (1994). Economic security and value change. *American political science review*, 88(2), 336-354.
18. Technology Education in The Muslim World. *Cyberspace: Jurnal Pendidikan Teknologi Informasi*, 1(2), 86-93.

The capacities of Mahdism thought in creating efficiency, authority and stability of civilization by relying on the Islamic revolution

Jafar Ali Naghi ¹

Dr. Ahmed Rahdar ²

Abstract

The historical position of the Islamic Revolution, in order to lay the groundwork for the emergence of the last divine proof, is on the threshold of a civilizational rise and demands civilization. Therefore, in order to achieve the new Islamic civilization, it is necessary to bring its main assets to the field in front of its competitors and explore and examine their capacities. The doctrine of Mahdism, as one of the supporting ideas of the Islamic revolution, with the components and indicators that Shia believe in, is considered one of the most important soft and ideological capitals that should be used to build a new Islamic civilization. And its capabilities for efficiency, authority and stability, which are among the important functions of civilization, should be known. The current research aims to produce theoretical literature and reflect the effectiveness of Mahdavi thought in the social direction, in a library way and with an analytical approach. Belief in Mahdi is mobilizing, commitment-creating, responsible, and has a positive effect on the attitude of society's people towards each other and the performance of social duties. In this attitude, ordinary dignity and authority are combined with a soft and spiritual aspect, comprehensive authority is displayed. Belief in the existence of Imam Asr It is the source of strength and hope of the followers for great social movements, and the feeling of support gives a person a sense of power and authority. The category of waiting has become a source of hope and desire and a desire to help and accompany those who are waiting, saving them from emptiness and aimlessness and bringing them to stability and stability

Keywords: Man is equal to Mahdism, Hikmat, education system, Lordship, Hekmatbanian University, geometry of world order

1. A student of the fourth level of Shia studies at the Institute of Higher Education of Imam Reza Seminary and a high level professor of Qom seminary (Responsible Author)
2. Member of the Faculty of Bagheral Uloom University



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفتاد و یکم / بهار ۱۴۰۳

ظرفیت‌های اندیشه مهدویت در ایجاد کارآمدی، اقتدار و ثبات تمدنی با تکیه بر انقلاب اسلامی*

جعفر علی نقی^۱

احمد رهدار^۲

چکیده

موقف تاریخی انقلاب اسلامی جهت زمینه‌سازی ظهور آخرین حجت الهی در آستانه یک خیز تمدنی قرار گرفته و داعیه تمدن‌سازی دارد. از همین رو، جهت نیل به تمدن نوین اسلامی لازم است سرمایه‌های اصلی خود را در مصاف با رقیبان به میدان بیاورد و ظرفیت‌های آنها را مورد کنکاش و مذاقه قرار دهد. دکترین مهدویت به عنوان یکی از اندیشه‌های پشتیبان انقلاب اسلامی با مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی که شیعه بدان معتقد است، از مهم‌ترین سرمایه‌های نرم و ایدئولوژیک محسوب می‌شود که باید برای ساخت تمدن نوین اسلامی ظرفیت‌سنجی و قابلیت‌های آن برای کارآمدی، اقتدار و ثبات که در شمار کارکردهای مهم تمدنی هستند معلوم گردد. پژوهش حاضر به هدف تولید ادبیات نظری و بازتاب میزان کارآمدی اندیشه مهدویت در امتداد اجتماعی، به شیوه کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی به این مهم پرداخته و روشن ساخته است؛ مهدی باوری، تحرک بخش، تعهدآفرین، مسئولیت‌آور و در نوع نگرش افراد جامعه به یکدیگر و ایفای وظایف اجتماعی تأثیری مثبت دارد. در این نگرش، عزت و اقتدار معمولی با وجه نرم و معنوی تلفیق گشته، اقتدار جامعی به نمایش گذاشته می‌شود. اعتقاد به وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه مایه قوت قلب و امید پیروان جهت حرکت‌های بزرگ اجتماعی بوده و احساس پشتیبان داشتن به انسان حس قدرت و اقتدار می‌دهد. مقوله انتظار باعث امید و آرزو و موجب شوق یاری و همراهی منتظران گشته آنها را از پوچی و بی‌هدفی نجات و به ثبات و پایداری می‌رساند.

واژگان کلیدی

ظرفیت، مهدویت، کارآمدی، اقتدار، ثبات، تمدن، انقلاب اسلامی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

۱. دانش‌آموخته سطح چهار شیعه‌شناسی مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام و استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول).

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

کارآمدی، اقتدار و ثبات در شمار کارکردهای مهم تمدنی است؛ یعنی یک تمدن، اعم از این که دینی یا سکولار باشد صورت جامع و طبیعی آن به گونه ای است که اگر در جهت اهداف خود کارآمد و از اقتدار و ثبات حداکثری برخوردار باشد، کامل تر، موفق تر و خروجی اش برای انسان نافع تر خواهد بود. از یک سو، برای این که قابلیت تمدن زایی یک فرهنگ و اندیشه معلوم شود باید نسبت آن با این کارکردهای تمدنی واکاوی و میزان کارایی اش در افزایش هر یک از آنها تبیین گردد. از دیگر سو، از آن جا که موقف تاریخی انقلاب اسلامی در آستانه یک خیز تمدنی قرار گرفته و جهت زمینه سازی ظهور داعیه تمدن سازی دارد، باید جهت نیل به تمدن نوین اسلامی سرمایه های اصلی خود را در مصاف با رقیبان به میدان بیاورد و ظرفیت های آنها را مورد کنکاش و مذاقه قرار دهد. اندیشه مهدویت با مولفه ها و شاخصه هایی که شیعه بدان معتقد است، از مهم ترین سرمایه های نرم و ایدئولوژیک این مذهب حقه محسوب می شود که لازم است برای ساخت تمدن نوین اسلامی ظرفیت سنجی و قابلیت های آن برای کارکردهای تمدنی فوق روشن گردد.

پیشینه شناسی مطالعات تمدنی در اندیشه مهدویت نشان می دهد گرچه آثاری با موضوع کلی ظرفیت های مهدویت برای تمدن سازی سامان یافته، ولی به صورت جزئی، پژوهشی با این موضوع به مرحله تنظیم و تدوین بار نیافته است. ظرفیت سنجی از این جهت ضرورت دارد که زمینه ساز ترسیم و کشف چشم اندازهای توسعه آن در قلمرو فکر و اندیشه بوده، دست یابی به پیشرفت همه جانبه که لازمه رسیدن به تمدنی تراز است نیز جز با تعمیق و توسعه علوم انسانی که از رهگذر این مباحث اتفاق می افتد میسر نخواهد بود از همین رو است که در دکترین علمی انقلاب اسلامی بر اسلامی سازی علوم انسانی تأکید شده است. بر این اساس، تحقیق حاضر در پاسخ به این سؤال سامان یافته که باتوجه به موقف تاریخی انقلاب اسلامی، اندیشه مهدویت با خوانش شیعه، از چه ظرفیت ها و قابلیت هایی برای ایجاد کارآمدی، اقتدار و ثبات تمدنی برخوردار است؟

مفهوم شناسی

از مفهوم کارآمدی با واژگانی همچون اثربخشی و تأثیرگذاری (ر.ک: باطنی، بی تا: ذیل واژه کارآمدی) شایستگی، کردانی، تأمین اهداف (رضاییان، بی تا: ۱۹) تأثیر، توانایی، نفوذ، کفایت، قابلیت و لیاقت (آقابخشی و افشاری راد، بی تا: ۴۴۶) تعبیر آورده اند. در نگاه دقیق تر از آن به

میزان موفقیت در تحقق اهداف یا مأموریت (معینی، بی‌تا: ۲۱۱) تعبیر شده است. پس، کارآمدی در عرصه سیاسی و اجتماعی عبارت است از «توانایی نظام سیاسی برای بسیج منابع در جهت تشخیص و انجام وظایف و کارویژه‌های خود، به طور موفقیت‌آمیز» (نبوی، ۱۳۹۴: ۲۶). بنابر آنچه گفته شد به دست می‌آید کارآمدی، به میزان موفقیت در رسیدن به اهداف یا در مسیر رسیدن به اهداف گفته می‌شود و هر جریانی که باتوجه به امکانات و ابزارهایی که دارد بتواند از مقدمات و داشته‌ها به نتایج مطلوب و مدنظرش نیل پیدا کند در جهت خود کارآمد است.

اندیشمندان در مورد چیستی کارآمدی و شاخصه‌های آن دیدگاه‌هایی ارائه کرده‌اند که نظریه توفیق، نظریه سیستم، نظریه رضایت مردم، نظریه نسبیت و نظریه عمومی عمل، از مهم‌ترین آنهاست (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۵۷-۱۵۹). بررسی و تحلیل این نظریات از گنجایش این تحقیق بیرون است. اما اجمالاً گفتنی است بعضی از این نظریات دچار اشکالات و نقدهایی است که توجه برخی نویسندگان را برانگیخته و نقد و ردهایی بر آن نگاشته‌اند (ر.ک: لاریجانی: ۱۳۷۴: ۷۷-۹۳؛ ذوعلم، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۲۴).

اقتدار در زبان فارسی به معنای توانمند شدن و در اصطلاح علم سیاست، اقتدار، توانمندی همراه با نوعی مشروعیت است. «اقتدار با مفهوم قدرت و نفوذ پیوندی تنگاتنگ دارد. اقتدار، قدرت مشروع و مقبولی است که باید در شرایط مقتضی مورد اطاعت و فرمان برداری قرار گیرد. اقتدار را قدرت مبتنی بر رضایت تلقی کرده‌اند. در اقتدار، توجیه و استدلالی نهفته است که آن را از شکل قدرت عریان خارج ساخته و برای موضوع قدرت پذیرفتنی می‌کند» (عالم، ۱۳۸۶: ۱۰۲). هدف از اقتدار حاکم اسلامی، امنیت، سعادت، عزت، رفاه، عدالت و سیادت جامعه اسلامی بر دیگر جوامع و برافراشتن پرچم دین است (نوروزی، ۱۳۹۴: ۲۰) که اگر نگوئیم اینها از موارد اقتدار است دست کم حاصل اقتدار امام محسوب می‌شود.

ثبات سیاسی از نظر آکه به معنای منظم بودن جریان تعاملات سیاسی و از نظر هانتینگتون به معنای نهادمندی سیاسی است. ایان لاستیک ثبات سیاسی را به معنای قابل پیش‌بینی بودن رفتار سیاسی در آینده می‌داند. از نظر دیوید ساندرز وقوع یا عدم وقوع تغییرها و چالش‌ها جهت تغییر الگوی معمولی یک سیستم حکومتی و میزان چالش در آنها است (موثقی و کرم-زادی، ۱۳۹۰: ۳۲۳ و ۳۲۶). از نظر سریع‌القلم ثبات سیاسی یعنی قاعده‌مندی؛ چون از وجوه مهم تمدن جدید بشری قاعده‌مند کردن رفتارها است. اگر قواعد نباشد انسان‌ها هر کاری که می‌خواهند انجام می‌دهند و سنت و کار و اندیشه از بین می‌رود (ر.ک: سریع‌القلم، ۱۳۷۸: ۱۳۷۸).

۷). به اعتقاد لئون هوروتیز پنج رویکرد نسبت به ثبات سیاسی وجود داشته است که شامل ثبات سیاسی به معنای عدم وجود خشونت، دوام و پایداری، وجود رژیم مشروع و قانونی، عدم وجود تغییرات ساختاری و به معنای اشکال و وجوه چند بعدی اجتماعی می‌شود (موثقی و کرم‌زادی، ۱۳۹۰ش: ۳۲۳).

اختلافات در تعاریف ثبات سیاسی معلول اختلاف در رویکردها نسبت به این مسئله بوده است «تا اواسط دهه ۱۹۶۰ ثبات سیاسی را اصولاً استمرار انواع خاصی از نظام سیاسی یا تداوم آنها تعریف می‌کردند که این‌گونه از تعاریف با رویکرد پایایی و عدم پایایی ارائه می‌شوند» (عادل‌پناهی، ۱۳۸۳ش: ۳۴). ولی در رویکرد تجربی «ثبات عبارت است از عدم وقوع رفتارها یا حوادث بی‌ثبات‌کننده. در علم سیاست به‌طور خلاصه بی‌ثباتی را عدم تداوم نظام و تکرار حوادث بی‌ثبات‌کننده تعریف کرده‌اند» (ساندرز، ۱۳۸۰ش: ۱۰۷). در رویکرد سیستمی «نظم و ثبات سیاسی هر حکومتی مبتنی بر دو دسته از عوامل است: یکی این‌که نظام سیاسی کارویژه‌های خود را به خوبی انجام دهد و با سایر سیستم‌های فرعی جامعه تبادل و روابط متقابلی داشته باشد و دوم این‌که میان حوزه‌های اصلی نظام اجتماعی ناهماهنگی و عدم تعادل شدید پدید نیاید» (عادل‌پناهی، ۱۳۸۳ش: ۳۵).

هر چند تعاریف از ثبات سیاسی، مختلف و متفاوتند ولی بحث اصلی تعاریف مزبور معطوف به ثبات سیاسی حکومت به صورت تداوم آن، عدم وجود چالش‌های گسترده نسبت به آن، ظرفیت از عهده برآمدن نظام در برابر تهدیدات و خطرات، عدم وجود شورش‌ها و جنگ‌های داخلی و دیگر مظاهر بی‌ثبات‌کننده است که نظام سیاسی و حاکمان را با خطر سرنگونی و یا چالش مواجه می‌کند (ر.ک: موثقی و کرم‌زادی، ۱۳۹۰ش: ۳۲۸). هم‌چنین «ثبات سیاسی مفهومی است که به محفوظ بودن یک نظام سیاسی از تهدیداتی که منجر به براندازی آن از طریق انقلاب یا شورش می‌شود، اشاره دارد» (نوروزی، ۱۳۹۴ش: ۱۵).

با تأمل در تعاریف فوق معلوم می‌گردد که در اصل، ثبات سیاسی ناظر به وجود توازن بین خواست‌های مردمی از یک طرف و کارویژه‌های دولتی از طرف دیگر می‌باشد. یعنی درون هر جامعه‌ای چنان‌چه نظام سیاسی حاکم بتواند به خواست‌های متنوع مردم پاسخ درخور دهد و مطابق با ایدئولوژی مورد قبول جامعه باشد و از جانب آن تأیید گردد، آن نظام از ثبات برخوردار خواهد بود (ر.ک: عادل‌پناهی، ۱۳۸۳ش: ۳۶).

ثبات در سپهر سیاسی هر نظامی، جایگاه والایی دارد و موجب پیشرفت و توسعه آن است. قاعده‌مند کردن رفتارها و سنت‌ها و روش‌ها مبنای توسعه یافتگی است و توسعه نسبی سیاسی

در غرب مدیون همین اصل قاعده‌مندی است. هیچ ملتی نمی‌تواند بدون ثروت به اهداف سیاسی و فرهنگی خود دست یابد و مبنای این ثروت‌یابی، ثبات سیاسی و ایجاد نظم پایدار برای ظهور استعدادهای فردی است (ر.ک: سریع‌الْقلم، ۱۳۷۸ش: ۹). بنابر آنچه گفته شد ثبات نیز از مهم‌ترین کارکردهای تمدنی است که برای ظرفیت‌سنجی فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها برای تمدن‌سازی باید لحاظ گردد.

در لغت، تمدن از ریشه مدن برگرفته از «مدینه» به معنای شهرنشینی، آراسته شدن به اخلاق اهل شهر، خوگرفتن با آداب شهریان (دهخدا، ۱۳۴۱ش، ج ۵: ۶۹۷۲؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۱: ۵۸؛ عمید، بی‌تا، ج ۱: ۶۱۵؛ معین، ۱۳۹۱ش، ج ۱: ۱۱۳۹) و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت معنا شده است (دهخدا، ۱۳۴۱ش، ج ۵: ۶۹۷۲).

در اصطلاح، برخی تمدن را به مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی (دورانت، ۱۳۷۰ش، ج ۱: ۵ و ۱۴) و برخی دیگر آن را به مجموعه اعمال و آرای که در هر جامعه، افراد انسانی از بزرگ‌تران فرا می‌گیرند و به نسل جوان تحویل می‌دهند تعریف کرده‌اند (لینتن، ۱۳۳۷ش: ۳). برخی تمدن را حاصل و نتیجه معرفت‌ها و مهارت‌هایی می‌دانند که نسل‌های مختلف در گذر از شرایط بدوی به شرایط طبیعی گرد آورده، حفظ کرده و در زندگی عملی خود به کار بسته‌اند (پهلوان، ۱۳۸۲ش: ۴۹۰) و برخی دیگر، تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت را تمدن می‌گویند (جعفری، ۱۳۹۸ش، ج ۵: ص ۱۶۱). این تعاریف از تمدن مربوط به مطلق تمدن است.

مقصود ما از تمدن، «مجموعه بزرگی از نظام‌های اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی، عبادی و...) است و از نظر جغرافیایی واحد کلانی را در یک قلمرو پهناور در بر می‌گیرد» (آشوری، ۱۳۵۷ش: ۸۲۱) و مبتنی بر اسلام خواهد بود که در ادبیات قرآنی از آن با واژه «امت» تعبیر آورده شده است (ر.ک: بابایی، ۱۳۹۹ش: ۲۴۸) و این مجموعه سترگ، مبتنی بر فرهنگ و معارف اسلامی با خوانش شیعی است. بنابراین، تمدن اسلامی ابرنظامی بر پایه اندیشه اسلامی است که مشتمل بر نظام‌های متعدد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... بوده و به مثابه کلان‌ترین مناسبات انسانی بین افراد مختلف می‌باشد و لازمه این الگوی نظری و عملی، خیزش فکری، فرهنگی و اجتماعی در ابعاد تمدنی و پیریزی نظام‌های متعدد مبتنی بر اسلام جهت گشودن افق‌های نوین در آینده زیستی امت اسلام است که ما آن را تمدن نوین اسلامی می‌نامیم و انقلاب اسلامی زمینه‌ساز این حرکت بزرگ محسوب می‌شود.

وزان تمدنی مهدویت

اعتقاد به منجی و موعودگرایی سابقه‌ای بس طولانی در تاریخ اندیشه‌های دینی دارد (انجیل لوقا، باب ۱۲: آیات ۳۵-۴۰؛ کتاب مقدس، سفر مزامیر داود: مزمور ۳۷؛ اوستا یناها: ۴۶). از دیدگاه اسلام نیز آموزه مهدویت در این راستا از پراهمیت‌ترین مسائل اعتقادی است که ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و تمدنی جوامع بشری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ چرا که به باور شیعه، اندیشه مهدویت اندیشه پیروزی نهایی جبهه حق و عدالت بر جبهه باطل و ظلم است و در ذیل حکومت این شخصیت والا ارزش‌های رفیع انسانی فراگیر شده و جامعه مطلوب آرمانی محقق می‌گردد.

قرآن کریم جامعه بشری را به پیروزی نهایی صالحان و کوتاه شدن دست ظالمان از جامعه بشری نوید داده (انبیاء: ۱۰۵؛ توبه: ۳۳)^۱ و براساس روایات پرشمار، آینده درخشانی در انتظار اهل ایمان و منتظران ظهور آن مصلح کل خواهد بود (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۵؛ ش؛ نعمانی، ۱۳۹۷؛ صافی‌گلپایگانی، ۱۳۷۸؛ ش). این منجی از منظر شیعه هم‌نام پیامبر اسلام ﷺ و از نسل او بوده، دوازدهمین و آخرین امام شیعیان است که هم اکنون زنده و غایب از نظر هاست. به هنگام فراهم شدن شرایط ظهور به اذن الهی ظاهر خواهد شد و با برچیدن ظلم، عدل و داد را بر روی زمین خواهد گستراند.

اندیشه مهدویت دارای جایگاهی رفیعی است که باور به ظهور این منجی کل، تأثیر بسزایی بر سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مهم دنیا داشته و نشان داده وزان این تفکر وزان تمدن-سازی و تأثیرگذاری بر حوادث کلان جوامع انسانی است. یکی از این حوادث کلان، انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران می‌باشد که با رهبری امام خمینی (ره) و همراهی مردم تحقق یافته و یکی از عوامل مهم وحدت و اتحاد در بین آنان گشته است. پیشگامی و نقش‌آفرینی جوانان به عنوان پیشرانان این حادثه بزرگ به پشتیبانی تفکر برحق مهدویت رخ داده و در طول نهضت نیز از ناحیه امت و امام بر آرمان و اندیشه مهدویت تأکید وافر صورت گرفته است؛ زیرا

۱. «ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون» و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد؛ (قصص: آیه ۵)؛ «ونريد أن نمن على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين» و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم؛ «هو الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون» او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

رکن اساسی حکومت، مشروعیت آن از سوی خدای متعال است که بعد از پیامبر اسلام ﷺ این ولایت را به اهل بیت معصوم او موهبت فرموده و در زمان غیبت حضرت مهدی ﷺ، به حاکمیت ولی فقیه مشروعیت بخشیده است. از این رو، شایسته است این ظرفیت نرم و تئوریک که در شیعه برجستگی خاصی دارد مورد واکاوی قرار گرفته و قابلیت‌های آن برای پی‌ریزی و تأسیس تمدن نوین اسلامی تبیین گردد تا در مهندسی کلان سیاسی اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. برای این منظور لازم است ظرفیت‌های این تفکر برای قوام بخشی به کارکردهای تمدنی مهمی همچون کارآمدی، اقتدار و ثبات به بحث گذاشته شود که در مباحث پیش‌رو تبیین خواهد شد.

مهدویت و کارآمدی در جهت اهداف تمدن

یکی از چالش‌های اساسی حکومت‌ها و تمدن‌ها، چالش کارآمدی در جهت اهداف آن نظام و سیستم است که در صورت تشدید، تبدیل به بحران کارآیی و در صورت گسترش دامنه آن، منجر به بحران مشروعیت می‌گردد. در تبیین و تحلیل ظرفیت‌های پرشمار دکتربین مهدویت برای ایجاد کارآمدی در نظام تمدنی گفتنی است: فرآیند حکومت جهانی حضرت مهدی ﷺ، همه تعالی در جهت اهداف الهی و انسانی است. یعنی جهت مفروض است. جهتی که در نظام‌های اجتماعی سیاسی پیشینی هم‌سو، فرضیه بوده و باید اثبات شوند، در حکومت جهانی حضرت مهدی ﷺ مفروض و کف است. به عبارت دیگر کل کنش‌گری در حکومت حضرت مهدی ﷺ در تعمیق جهت است نه ایجاد جهت. در این حکومت که حکومت خوبان و صالحان است، جهت درست است. از این رو، آموزه مهدوی تجلی عینی حکومت جهانی است و ما از طریق مهندسی معکوس آن سایه می‌افکنیم بر زمان اکنون که امتیازات و محسنات حکومت مهدوی هر چه که قرار است باشد در یک سطح پایین‌تر وجود آن در تمدن نوین اسلامی ضروری و تحقق‌یافتنی می‌گردد. به دیگر عبارت، ویژگی‌های مطلوبی که در حکومت امام عصر ﷺ وجود دارد قابل سرمشق‌گیری است و اگر در حکومت مهدوی، اوصاف یک سیستم نرمال و کاملی متصور است که بشر در سایه‌اش به توفیق زیست سعادتمندانه و عاری از ظلم بار می‌یابد، در سیستم و نظام تمدنی که بر پایه تفکر مهدوی بنیان گذاشته می‌شود نیز آن اوصاف الگو گرفته می‌شود تا انسان معاصر نیز تمدنی نزدیک به آن تمدن آرمانی، زیستی نسبتاً سعادتمندانه را تجربه کند.

ما معتقدیم امام، گذشته از غیاب و ظهورش، ضامن اسلامی بودن جامعه و امت بوده و از

عرفی شدن آنها جلوگیری می‌کند. امامت آموزه‌ای دوسویه است. یعنی تا وقتی شأن امامت برای امام وجود دارد، لازم است همه رسالتش درباره امت باشد. بر این اساس، گرچه تمدن اسلامی برآیند تلاش امت اسلامی است، ولی امام، هم در زمان حضور هم در عصر غیبت، به خاطر این که شأن امامت را به همراه دارد دال مرکزی در ساخت این تمدن و راهنما و راهبر مرکزی گفتمان تمدن اسلامی است؛ چون مسئولیت دینی و رسالت ایمانی امام این اقتضا را دارد. از این رو، پذیرش شأن امامت برای امام، در دورانی که پشت پرده غیبت است، همه رسالت‌های امامت را متوجه وی کرده و فقط تکالیفی از روی دوش برداشته می‌شود که با ناشناختگی در تهافت باشد. بر طبق روایت «إنا غیر مهملین لمراعاتکم ولا ناسین لذرکم و لولا ذلک لنزل بکم اللأواء و اصطلمکم الأعداء فاتقوا الله جل جلاله»^۱ (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۹۷). امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به امور شیعیان خود اهمالی ندارند و در امور مهمی همچون خیزش‌های کلان اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... حضرتش نقش‌آفرین بوده و در فرآیند انقلاب اسلامی ایران نیز لطف ایشان شامل مردم انقلابی و رهبر آنان گشته است.

از آن جا که تشکیل حکومت و تمدن، امور کلان با اهمیتی هستند و مهندسی و نقش‌آفرینی در فرآیند ساخت و پرداخت آنها در نوع زندگی - متدینانه یا غیرمتدینانه - انسان‌ها تأثیر مستقیم و شگرفی دارد، هدایت امام در تشکیل نوع حکومت و تمدن به ویژه در ترسیم راهبردها و ریل‌گذاری در مسیر رضایت الهی بایسته و اساسی است؛ زیرا امام راهنمای به سوی دین الهی و سبک زندگی متدینانه است و در تمدن که محل بحث ماست وقتی کلیت آن در جهت اهداف الهی مهندسی شود، خرده نظامات آن نیز به فراخور اهداف الهی شکل خواهد گرفت و پایه‌ای برای سبک زندگی توحیدی خواهد بود که رضایت الهی در آن پررنگ‌تر است. یکی دیگر از ظرفیت‌های تمدنی آموزه مهدویت تأثیر آن در نوع نگرش افراد جامعه به یکدیگر و وظایف و رسالت‌های اجتماعی بسیاری است که بدون آن اصلاح خود و جامعه مشکل می‌نماید. به همین جهت اعتقاد به مهدویت موجب کنترل اجتماعی و نظارت می‌شود و در سایه این عقیده، هر یک از افراد جامعه در برابر سرنوشت هم‌دیگر احساس وظیفه می‌کنند و جالب این که آن را مسئولیتی دینی تلقی می‌کنند. با این گفته معلوم می‌شود باورداشت مهدوی، تعهدآفرین و تحرک‌بخش است و منتظران را به تکاپو و تلاش می‌کشد تا در برابر

۱. «ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، که اگر جز این بود گرفتاری‌ها به شما روی می‌آورد و دشمنان، شما را ریشه کن می‌کردند. از خدا بترسید و ما را پشتیبانی کنید».

جامعه احساس مسئولیت داشته و برای سالم‌سازی محیط اجتماعی زمینه‌های ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم کند (ر.ک: موسوی؛ عبدالعزیز، ۱۳۹۸ش: ۵۶). در حقیقت اعتقاد به دکترین مهدویت منشأ این برکت بوده و این اثر در ساحت اجتماع است که وظایفی را در قبال هم نوعان بر دوش فرد معتقد می‌گذارد.

گرچه نقش‌آفرینی امام در زمان غیبت خیلی ملموس نیست و همین ناشناخته ماندن باعث می‌شود کلامش به مثابه سخن شخصی عادی تلقی شده و جلب توجه نکند، اما این فرصت-ساز نیز هست؛ چون وی بدون این‌که حساسیتی برانگیزد قادر به حضور در مجامع و تأثیرگذاری در برنامه‌ها است و از آن‌جا که ناشناخته است نه ردی از او باقی می‌ماند و نه قابل پیگیری و شناسایی است. حرکت‌های نامرئی مرهون ناشناختگی است. از این‌رو، می‌تواند محاسبات مخالفان را به هم بریزد (ر.ک: غنوی؛ غنوی، ۱۳۹۳ش (الف): ۱۸). این از برکات دوران غیبت و حاکی از میزان نفع‌رسانی و نقش‌آفرینی امام در جهت اهداف الهی است که مطمئناً در فرآیند شکل‌گیری تمدن نیز این نقش‌آفرینی بسیار جدی و به صورت مستمر تداوم دارد. در تراث روایی شیعه با عبارت‌های مختلفی از این نقش‌آفرینی نام برده شده است. مثل «نام بردن از امام با تعبیری که شئون او را در عصر غیبت گوشزد می‌کند؛ مانند خلیفک فی بلادک و الداعی الی سبیلک... الذی یملأ الارض عدلاً و قسطاً...» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۹۲) با تعبیر مضارع، همچنین ذکر القابی از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که از شئون اجتماعی او خبر می‌دهد در کنار تعبیری مانند: المرتقب الخائف که گویای وضعیت امام در عصر غیبت است به این نکته اشاره دارد که او در همین عصر تنهایی و اختفاء، ایفاگر تمامی آن نقش‌های اجتماعی نیز هست» (غنوی، ۱۳۹۳ش «ب»: ۴۴-۴۵) و نسبت به تشکیل نظام چه در عرصه حکومت‌سازی و چه در عرصه تمدن‌سازی بی‌تفاوت نیست و در فرآیند ساخت آنها نقشی بنیادین دارد. مطمئناً با توجه به وظایفی که امام دارد، در مراحل مختلف ساخت تمدن؛ چه در مرحله تثویزه کردن و پی‌ریزی و چه در مدیریت و تداوم آن به گونه‌ای عمل می‌کند که تمدن اسلامی در جهت اهداف خود بیش‌ترین کارایی را داشته باشد.

مهدویت و اقتدار تمدنی

در فرهنگ و تفکر شیعی هر یک از امامان میراث‌دار انبیاء و اوصیای گذشته و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف میراث‌دار همه انبیاء و اوصیاء شمرده شده است. عبارات مختلف و پرشماری است که از وجود مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نام برده شده همچون: آگاه به آیات الهی،

پرچم برافراشته هدایت، کشتی نجات، باب خدا و حاکم سیاست مدار دین او، دعوت کننده به سوی خدا، میثاق (پیمان) و وعده راستین الهی، ولی خیرخواه، نمود و نماد تام خلافة الله، به جا مانده خدا در زمینش، مظهر و مجلای برقراری عدل الهی، زداینده تاریکی، دانش سرریز، فریادرس، روشنی دیدگان مردم، فرزند اولیای الهی (ر.ک: زیارت آل یاسین)، صاحب امر، خاتم اوصیاء (نوری، ۱۴۱۵ق، ج: ۱، ۱۶۵)، حجت خدا بر تمام آفریدگان (ر.ک: زیارت ناحیه مقدسه)، زنده کننده معالم دین، مایه امید و ذخیره الهی، گردآورنده قدرت و اقتدار بر پایه تقوی، صاحب روز پیروزی، عزت بخش، وحدت بخش، خواهنده خون پیامبران و فرزندان آنان (ر.ک: دعای ندبه) و غیره؛ هر یک ویژگی شاخصی محسوب می شود که حکایت از بسط ید او در خلق عزت و اقتدارآفرینی دارد. یعنی آنچه که همگان اعم از پیامبران و امامان در وجه جمعی داشتند او به صورت فردی دارد به گونه ای که خود خدای متعال نیز بر آن مانور داده و بالیده و دوران ظهور آن حضرت را دوره جولان حاکمیت خود و ظهور و تجلی اقتدار همه جانبه الهی معرفی کرده است.

گرچه آنچه گفته شد معطوف به عصر ظهور آن حضرت است و عزت و اقتدارآفرینی او در آن دوران ظهور و بروز خواهد کرد، ولی این، پتانسیل بزرگی جهت الگوگیری از آن دوران شکوفایی و اقتدار تمدنی است جهت طراحی و ساخت تمدنی در تراز جامعه مهدوی تا منتظران به فراخور نیاز روزگار خود از دوران طلایی عصر ظهور دست مایه های خوبی را سرمشق گیرند. همان گونه که جوانان انقلابی در دوران پیش از نهضت در تقابل با حکومت طاغوت از این اقتدار بهره جستند و در دوران پس از آن، چه در تسخیر لانه جاسوسی و چه در دوران دفاع مقدس عزت و اقتدار اسلامی را به نمایش گذاشتند. همچنین، درست است که در زمان حضور امام معصوم علیه السلام سطح تمدنی کامل تری نسبت به عصر غیبت است، اما دوران غیبت نیز باتوجه به قابل طرح بودن نیازهای آموزه های تمدنی، از قابلیت های تمدنی زیادی برخوردار است؛ زیرا در واقع برای اسلامی خواندن یک آموزه در عصر غیبت، صحت مبانی، حجیت روش و حقانیت غایت کفایت می کند و این سهم تمدن اسلامی را در دوران غیبت بالا می برد. در این دوران تکامل اسلامی به معنای به فعلیت رساندن همه ظرفیت های حداقلی است و در عصر ظهور نیز تداوم طبیعی عصر غیبت و صورت تکمیلی آن است (ر.ک: رهدار، ۱۳۹۳ش: ۸۷)؛ در این صورت اگر قدرت و اقتدار و عزتی هست با وجه نرم و معنوی و الهی آن تلفیق گشته اقتدار جامع و تراز را به نمایش می گذارد که تمدن های غیرتوحیدی فاقد چنین ظرفیتی هستند. رهبر کبیر انقلاب اسلامی از همین رو پیوسته جوانان را به ارتباط وثیق با خالق یکتا و گرایش به

معنویت ترغیب و تشویق می‌کردند و بر لزوم تزکیه و تهذیب نفس تأکید داشتند.

نفس اعتقاد به مهدی موعود و زنده، اصلاح‌گر، تحول‌آفرین و فسادزداست و موجب عزت و اقتدار می‌شود. به دیگر بیان؛ مهدی باوری موجب اصلاح فرد و جامعه خواهد شد. از این‌رو در زمان غیبت، آنان که به واقع در انتظار مصلح بزرگ هستند افزون بر این که باید خود صالح و پاک بمانند و درصدد جبران ضعف‌ها برآیند، بلکه بر آنان بایسته است تا نهایت جهد و تلاش خود را در راه اصلاح دیگران نیز به کار بگیرند. چنین افرادی معتقدند که هرچه بر تعداد افراد صالح در جامعه افزوده شده و فساد کمتر شود، زمینه ظهور حکومت حق آماده‌تر می‌شود (ر.ک: موسوی؛ عبدالعزیز، ۱۳۹۸ ش: ۴۶). امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید:

برای ما دولتی است که هر زمان خدا بخواهد، ایجاد خواهد شد. هر کس دوست دارد که از یاران و اصحاب قائم ما باشد باید در انتظار فرج باشد و پرهیزکاری را برگزیند (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۲۰۰).

یقیناً کسی که از این تفکر الهام بگیرد و مسیر پرهیزکاری به معنای واقعی آن را در همه زمینه‌ها به ویژه در ایفای رسالت‌های اجتماعی سرلوحه قرار دهد در حد اصلاح خود چنین عقیده‌ای راه‌گشاست و چنان‌چه تک‌تک افراد جامعه از چنین عقیده‌ای پیروی کنند در پیمودن مسیر درست، وحدت رویه خواهند داشت که اقتدارآفرین و عزت‌زاست و در وجه اجتماعی اگر در جامعه‌ای این رویه سبک ثابتی باشد دست‌آورد مضاعفی خواهد داشت.

باورداشت مهدویت و انتظار فرج موجب متحول شدن منش، کنش و نگرش منتظران در ساحت‌های گوناگون شده و باعث مجاهدت‌های پایدار آنان در مسیر تحقق اهداف اسلامی می‌شود. مقوله انتظار ارتقاء آمادگی‌های منتظران در ابعاد مختلف را در پی دارد و موجب نقش‌آفرینی آنان در خداپرستی و عدالت‌گستری در سطح جهان می‌گردد. شخص منتظر و باورمند به مهدویت، ارتقاء و اصلاح خود را مقدمه تشکیل حکومت مهدوی می‌داند تا با ساختن خود شایستگی شرکت در چنین برنامه بزرگی را به دست آورد؛ زیرا اصل قانون سنخیت اقتضا می‌کند که برای رسیدن به هدف، قرار گرفتن در مسیر و طریق هدف لازم است. یعنی مناسبت میان منتظران و جامعه ایده‌آل مهدوی می‌طلبد تا میان آن دو توازن و هم‌رنگی حاصل شود (موسوی؛ عبدالعزیز، ۱۳۹۸ ش: ۴۸). این تحول و حرکت و تلاش مستمر در جبران کاستی‌ها و ایجاد توازن و آمادگی فراگیر اقتدارآفرین و عزت‌زاست. در انقلاب اسلامی نیز اگر جوان امروز بخواهد به اهداف مقدس و آرمان‌های بزرگ خود نائل آید ناچار است در انتظار امامش قیام کند؛ قیام به ساختن خود و جامعه‌ای در تراز جامعه مهدوی تا آمادگی لازم جهت

میزبانی و در رکاب حضرت بودن را کسب نماید.

افزون بر آنچه گفته شد وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، هم مایه قوت قلب و امید پیروان جهت حرکت های بزرگ اجتماعی است که این احساس پشتیبان داشتن به انسان حس قدرت و اقتدار می دهد، هم ارتباط امام در زمان غیبت با مردم از طرق مختلف موجب روند رو به رشد امورات مختلف در نیل به اهداف الهی می شود. البته ارتباط امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با مردم هر زمان به طرق مختلف ممکن است صورت پذیرد. ارتباط از طریق توقیعات و تعیین و نصب وکیلان، توثیق و مدح برخی از آنان و دستورهای لازم درباره چگونگی ایفای وظیفه، اعلام وصول وجوه شرعی، رفع حاجات، پاسخ به پرسش های مختلف دینی (ر.ک: جباری، ۱۳۸۱ش: ۱۴۵) و غیره. هم چنین ارتباط از طریق تشرفات معتبر که آثار اجتماعی بسیار گسترده ای همچون نجات جان جمع بزرگی از شیعیان یا تضعیف و شکست دشمنان یا رفع گرفتاری از مردم و آموزش نوع سلوک عالمان و حمایت های ویژه جهت خروج از بن بست ها دارد. این ارتباط ممکن است از سایر راه های ممکن ارتباط گیری صورت پذیرد که برملا شدن آنها برخلاف خواست خدا باشد و با امنیت و حفظ جان ولی الهی در تهافت بوده باشد. با این نگرش، دوران «غیبت فرصتی برای نیل به سطحی بالاتر از استقلال و توانمندی و اقتدار است. استقلالی که با نیاز ذاتی او به امام و هدایت گر در تنافی نبوده و اوج آن در اعمال مدیریت پنهان نسبت به او محقق می شود و توانمندی این که بتواند خود و جامعه را به جایی برساند که لیاقت و آمادگی حضور حجت خدا و حکومت او را فراهم کند» (غنوی؛ غنوی؛ لطیفی، ۱۳۹۸ش: ۴۹).

مهدویت و ثبات تمدنی

ثبات و پایداری سیاسی از امور مهم در امر حکومت و تمدن است. از این رو چنان چه یک نظام سیاسی یا تمدنی از ثبات برخوردار نباشد در جهت نیل به اهداف و آرمان های خود با شکست مواجه خواهد شد. به هر میزان یک تمدن پایه مردمی داشته باشد و رضایت توده ها را قرین خود ساخته و مشروع و کارآمد باشد ثبات و استمرار بیشتری خواهد داشت. وقتی به آموزه مهدویت در می نگریم مشاهده می کنیم جایگاه شایسته و اهتمام زیادی به مردم داده شده و در رسیدن به آرمان مهدوی، مردم نقشی اساسی و بنیادین دارند. از این رو می توان ادعا کرد «اولین ظرفیت مهم مهدویت در عرصه تمدنی، چهره دقیق و شفاف است که - برخلاف آینده نگری آکادمیک - به مردم و بشریت ارائه می دهد. اعطای نقش محوری به مردم (منتظران) در تحقق آرمان ظهور و حرکت جهانی آخرالزمان، شکل دهی به جامعه در یک

نقشه جامع از دیگر مزایای خاص مهدویت نسبت به آینده‌نگری غربی است. پس پتانسیل تفکر مهدوی قابل استفاده در نگاه آینده‌پژوهی است» (الویری و برزویی، ۱۳۹۴ ش: ۷۵). ولی تفکرانی که به هر نحوی مردم را در شکل‌گیری یک تمدن به حاشیه برانند نه تنها مشروع نیستند بلکه فاقد پویایی و پایایی (ثبات) لازم جهت کارآمدی و موفقیت در عرصه تمدنی خواهند بود.

این‌که امام خمینی رحمه‌الله پشتیبانی و حضور ملت را در همه صحنه‌های انقلاب امری مهم و شاخص شمرده (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۹۲ ش) و مقام معظم رهبری نیز پیوسته حضور حداکثری مردم در عرصه‌های گوناگون را از عوامل مهم و راهگشا می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات در اجتماع مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰، سایت farsi.khamenei.ir) به جهت آن است که در تفکر شیعه، جایگاه مردم شاخص و نقش‌آفرینی آنان حیاتی است. از همین رو است که «تنفس در چارچوب فرهنگی تشیع، فضای ذهنی خاصی را برای مردم خلق می‌کند که در ذیل آن انسان - ها یاد می‌گیرند هم به رفع نیازهای مادی خود بپردازند و فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی خویش را تدبیر کنند، هم از تقویت جنبه انسانی و نزدیکی به پروردگارشان غافل نشوند. باتوجه به نقشی که مردم در ساخت جامعه آرمانی مهدوی دارند و قابل استفاده در نگاه آینده پژوهی است، یکی از بنیان‌های اصلی فرهنگ سیاسی تشیع، طرح «الگویی آرمانی از آینده» است که در آن همه آرزوهای فروخورده بشری تحقق می‌پذیرد؛ عدالت سراسر گیتی را فراگرفته، حیات دنیوی انسان در همه آرزوهای فروخورده بشری تحقق می‌پذیرد و حیات دنیوی انسان در همه عرصه‌های علمی فرهنگی سیاسی و اقتصادی شکوفا می‌گردد. فرهنگ انتظار شیعی مترادف با علم و عمل و عقیده و تلاش بوده و از عالی‌ترین عناصری است که می‌تواند یک ملت را در راه پیشرفت و تکامل بسیج کند (شجاعی، ۱۳۹۵ ش: ۸۱). وقتی در یک جامعه آرزوهای بشر برآورده شود و با عدالت گستره حیات دنیوی انسان در ساحت‌های گوناگون شکوفا گردد و منجر به هم‌افزایی در راه پیشرفت باشد موجب پایداری و ثبات حقیقی آن جامعه و تمدن می‌شود.

یکی از مقولات مرتبط با دکتترین مهدویت که از مفاهیم پرکاربرد این عرصه محسوب می‌شود مقوله انتظار است. انتظار در شرایط مختلف شوق یاری و همراهی را در منتظرانش ایجاد کرده و او را از پوچی نجات داده و هدف‌دارش می‌کند. قوت و صبری که شخص منتظر به دست می‌آورد موجب می‌شود تا در ناملایمات تاب و توان از دست ندهد (ر.ک: موسوی و عبدالعزيز، ۱۳۹۸ ش: ۵۶). با این گفته می‌توان ادعا کرد انتظار در شمار ظرفیت‌های تمدنی

است که به امت اسلامی هویت بخشی می‌کند و خودآگاهی می‌دهد تا از گفتمان تمدنی رقیبان فاصله گرفته و به گفتمان تشکیل حکومت و تمدن جهانی مهدوی روی آورد. بنابراین، انتظار مقوله‌ای مسئولیت‌آور است که امت مسلمان به ویژه جوانان در پرتو آن به معرفت حداکثری رسیده و موجب خیز تمدنی و نهضت‌های کلان اجتماعی توسط آنها می‌شود. همان‌گونه که انتظار حقیقی انقلابیون که ترکیب جمعیتی آن غالباً جوانان بودند با الهام‌گیری از همین تفکر، انقلاب اسلامی را به سکانداری امام راحل رحمه‌الله به پیروزی رساندند.

بررسی تاریخی تحولات اقوام نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین دلایل لغزش‌های تاریخی اقوام، نبود افق روشن در فراروی آنها بوده است. هم‌چنان‌که یکی از علت‌های انحطاط، جمود و توقف تاریخی آنها نیز نبود امید و نشاط بوده است. تمدن، پیچیده‌ترین شکل تحقق یک جامعه است از این رو، سخن از تمدن اسلامی در حقیقت به معنای تأمل در شکل‌نهایی جامعه‌ای برآمده از آموزه‌های اسلامی خواهد بود که بنابر باورهای شیعی چنین اتفاقی جز در عصر ظهور حجت آخرین محقق نمی‌شود. تدریجی بودن تمدن اسلامی مستلزم نوعی از تحقق آن در عصر غیبت است (ر.ک: ره‌دار، ۱۳۹۳ش: ۹۲-۹۴) که ابتدا با ظرفیت‌سنجی و اصطیاد قابلیت‌ها و سپس با برنامه‌ریزی براساس داشته‌ها و اندوخته‌ها می‌توان برای تئوریزه کردن یک تمدن در تراز دین اسلام اقدامات لازم را عملیاتی کرد تا تمدن با ثباتی در تراز جامعه مهدوی بنیان نهاد.

از دیگر قابلیت‌های اندیشه مهدویت برای تمدن‌سازی ایجاد امید و آرزو است. انسان به امید زنده است و نومی‌دی در هر بعدی از زندگی انسان، او را به بی‌انگیزگی و تاریکی سوق می‌دهد. از همین روست که امید و آرزو داشتن عامل حرکت بخش برای فردایی روشن و بهتر شمرده شده و انسان مایوس به فساد و فحشا متمایل‌تر از کسب فضیلت‌ها و اوصاف نیک انسانی است. انسان منتظر، به آینده روشن امیدوار است و آرزوی برآمدن آن عدالت‌گر بزرگ را در سر دارد. این امید و آرزوی وی را در چارچوب آموزه‌های مهدوی پایدار و تمدن‌برساخته این فرهنگ نیز طبیعتاً از ثبات برخوردار خواهد بود.

انسان معتقد به اندیشه مهدویت با خوانش شیعه امامیه بر این باور است که امام و راهبر او در عصر غیبت زنده است و به اعمال و حرکت‌های فردی و اجتماعی او نظارت دارد و در مسیر انجام رسالت‌های فرهنگی اجتماعی یاور و راهنمای اوست. طی طریق برای انسان بدون راهنما و بدون تجربه و بدون کمک از کسانی که مسیری را رفته‌اند مشکل و سخت است. این ویژگی برای انسان معتقد به مهدویت موجب می‌شود تا در عصر غیبت، حراست‌ها و

حمایت‌های خاصی از سوی امام برای او تدارک دیده شود. بر ساختن تمدنی نو با ابتناء بر فرهنگ اسلامی رویش و حرکت رو به رشد و اثرگذاری است که امام خود را موظف به حمایت و هدایت می‌داند. از این رو، در فرآیند ساخت آن افزون بر جلوگیری از آسیب‌های احتمالی، مؤمنان را در طراحی، ساخت و تدبیر تمدن یاری خواهد کرد تا از ثبات لازم برخوردار باشد و سایر فرهنگ‌ها و تفکرها فاقد چنین ظرفیتی هستند.

برای شناخت بیشتر یک مقوله مقایسه آن با سایر رقیبان راهگشا خواهد بود. در عصر حاضر تمدن نوین اسلامی می‌تواند به مصاف تمدن غربی که جولان بیشتری دارد برود و با آن هم-آوردی کند. از این رو در مقام مقایسه آن دو گفتنی است: از آن جا که تمدن نوین اسلامی مبتنی بر خداگرایی و مبانی توحیدی است همه نیازهای مادی و معنوی آدمی را برآورده می‌سازد و روابط چهارگانه انسان با خود، خدا، جامعه و هستی را دربر می‌گیرد و زمینه زندگی سعادتمندانه دنیوی و اخروی در آن تأمین می‌شود. اما تمدن غرب بر اومانیزم استوار است که بر پایه لذت و تجربه انسان مدارانه تحقق یافته و بیشتر دنبال تأمین این بعد از نیازهای انسان است. تمدن نوین اسلامی تمدن معنویت و کمال‌گرایی است اما اومانیزم تمدن مادیت و بهره‌های مادی لذت جویانه بشر است. برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، پیشرفت همه جانبه علم و صنعت، رشد سلامت، تعالی معنوی، رفاه معیشتی، حکومت عقلانی و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی در جامعه لازم است. این پیشرفت همه جانبه باید در متن زندگی جامعه نمود پیدا کند و سبک زندگی را در حوزه‌های مختلف خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی و غیره را در حد عالی آن بسازد. جهان وطنی، نبود تعصبات جاهلانه و هم‌زیستی اقوام و نژادها و کشورها نیز از نمودهای تمدن نوین اسلامی است (ر.ک: نجفی؛ فقیهی؛ دریسای، ۱۳۹۶: ۱۲). از آن جا که در روایات توصیف جامعه عصر ظهور بر تحقق اعلای این امور تأکید شده است در نحوه تعامل و تدبیر تمدن نوین اسلامی از آن دوران الگوگیری می‌شود و این ظرفیت مهمی برای تحقق هر چه بهتر و برتر تمدن نوین اسلامی در عصر پیش از ظهور خواهد بود. اما در تمدن غربی انتفاع یک بعدی انسان بر همه چیز سایه افکنده و بر طبق همین سنجه و معیار با همه هستی مواجهه می‌کند که تک‌ساختی و یک‌بعدی است و تأمین‌کننده سعادت همه جانبه انسان نیست از این رو ثبات لازم را ندارد.

نارسایی ابزار شناخت بشری (اعم از شناخت حسی که محدود به امور مادی است و عقلی که امور بسیار کلی و اجمالی در قلمرو درک آن هستند) جهت شناختن مسیر کمال در همه ابعاد و شئون و در تمام زمان‌ها و مکان‌ها، عامل مهمی در بایستگی وجود حجت الهی است تا امور

منتهی به سعادت و مسیر نیل به آن توسط او مشخص و معلوم گردد. از سوی دیگر جایگاه انسان در سپهر هستی شاخص و از برترین ظرفیت‌ها برای شناخت برخوردار است. اما پیچیدگی و گستردگی‌های درونی انسان و روابط وسیع او در هستی باعث شده نیازمند خدای متعال و راهنمایان منصوب او در سپهر هستی باشد. نیازی که در عصر غیبت نیز حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و محوریت او در هدایت را ثابت می‌کند (غنوی؛ غنوی؛ لطیفی، ۱۳۹۸: ۳۹). وجود امام در این روزگار پاسخگوی نیاز گسترده معرفتی است و انسانی که در شرف تمدن-سازی یا تدبیر تمدن است چه بسا نیاز بیشتری به راهنمایی از این سنخ دارد تا موجبات کمال و سعادت را در سطح تمدنی تشخیص و جهت نیل به آن از او استمداد جوید و برای آن برنامه-ریزی نماید. وقتی کمال و سعادت قرین یک تمدنی شد آن تمدن برخوردار از ثبات می‌گردد.

گرچه قرآن از نشانه‌هایی می‌گوید که سراسر هستی را پوشانده‌اند؛ نشانه‌هایی در خود ما و زندگی فردی ما (زمر: ۴۲) در فضای اجتماعی (روم: ۲۱، ۲۲ و ۳۷) در گذشته تاریخی (ابراهیم: ۵؛ طه: ۱۲۸؛ عنکبوت: ۱۵) در آسمان و زمین و هر آنچه هماهنگ با نیازهای ما آفریده شده است (بقره: ۱۶۴؛ انعام ۹۹) حتی در انسان‌های خوب و بد که آیه‌هایی است (مؤمنون، ۵۰؛ فرقان، ۳۷) علامت‌هایی که او را و راه او را نشان مان می‌دهند اما همه این هدایت‌های تدارک شده ما را از حضور هدایتگران الهی بی‌نیاز نمی‌کند. از همین رو، هر امتی نیاز به بیم‌دهندگانی دارد (فاطر: ۲۴)؛ بیم‌دهندگانی که راه را نشان داده، تاریکی‌ها را بزدایند. این هدایتگری به انبیای الهی محدود نمی‌شود و به تعبیر قرآن برای هر قومی هدایتگری هست (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۱۳۲)؛ زیرا تداوم این حرکت، نیازمند حضور کسانی است که در میان هر قومی (رعد: ۷)، آن آموزه‌ها را زنده نگه دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۳، ۲-۶۵) و برای رسیدن به سعادت قرین و راهبر او باشد. در ساخت تمدنی بر اساس بنیادهای نظری اسلام و فرهنگ و معارف اسلامی نیز محور و مدار، انسانی است که راهنمای الهی برای بشر امروز است از این رو از مشروعیت و راستی و درستی و در نتیجه از ثبات برخوردار است.

نتیجه‌گیری

امام، ضامن اسلامی بودن جامعه و عامل جلوگیری از عرفی شدن آنهاست. از این رو، راهبر مرکز گفتمان تمدن اسلامی است و مسئولیت ایمانی او با برکنار ماندن منافات دارد. هدایت او در تشکیل تمدن و در ترسیم راهبردها و ریل‌گذاری در مسیر رضایت الهی بایسته و اساسی است و در تمدن، وقتی کلیت آن در جهت اهداف الهی مهندسی شود خرده نظامات آن نیز به فراخور

اهداف الهی شکل خواهد گرفت.

یکی از ظرفیت‌های تمدنی مهدویت تأثیر آن در نوع نگرش افراد جامعه به یکدیگر و وظایف اجتماعی بسیاری است که باعث نظارت و کنترل اجتماعی می‌شود. باورداشت مهدوی، تعهدآفرین، تحرک‌بخش و مسئولیت‌آور است تا زمینه‌های ظهور فراهم گردد. نقش‌آفرینی امام در زمان غیبت ملموس نیست و ناشناختگی فرصتی است تا بدون ایجاد حساسیت در هر جمعی حضور یافته و با سخن و تدابیر مختلف در برنامه‌ها مؤثر باشد. این حرکت نامرئی قابل پیگیری نبوده و محاسبات دشمن را به هم می‌ریزد. در اندیشه شیعی حضرت مهدی عجله الله تعالی میراث‌دار همه انبیاء و اوصیاء شمرده شده و آنچه همه آنها در وجه جمعی داشتند او به صورت فردی دارد طوری که حتی خدای متعال نیز بر آن بالیده و دوران ظهور حضرت را جولان حاکمیت خود و ظهور تجلی اقتدار همه جانبیه الهی معرفی کرده است. این عزت و اقتدار آفرینی در دوران ظهور پتانسیل بزرگی جهت الگوگیری از دوران شکوفایی و اقتدار تمدنی است جهت طراحی و تأسیس تمدنی در تراز جامعه مهدوی تا منتظران از دوران طلایی عصر ظهور دست مایه‌های خوبی را سرمشق گیرند.

اعتقاد به مهدویت اقتدار و عزت معمولی را با وجه نرم و معنوی و الهی تلفیق می‌کند و اقتدار جامعی را به نمایش می‌گذارد. تمدن‌های غیرتوحیدی فاقد چنین وجهی هستند. اعتقاد به مهدی موعود و زنده اصلاحگر، تحول‌آفرین و فسادزداست و موجب حرکت و تلاش‌های مستمری در مسیر تحقق اهداف اسلامی می‌شود. افزون بر این که وجود امام عصر عجله الله تعالی مایه قوت قلب و امید پیروان جهت حرکت‌های بزرگ اجتماعی است و این احساس پشتیبان داشتن به انسان حس قدرت و اقتدار می‌دهد.

تنفس در فضای فرهنگی تشیع فضای ذهنی خاصی را برای مردم می‌آفریند که یاد می‌گیرند به رفع نیازهای مادی خود بپردازند و فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی خود را تدبیر کنند و ضمن تقویت جنبه انسانی از نزدیکی به پروردگارشان غافل نمی‌شوند که این رمز و راز ماندگاری و ثبات در جامعه اسلامی است. هم‌چنین مقوله انتظار در اندیشه مهدویت باعث امید و آرزو و موجب شوق یاری و همراهی منتظران گشته آنها را از پوچی و بی‌هدفی نجات می‌دهد و در ناملایمات تاب و توان از دست نمی‌دهد و این در خودآگاهی دینی کارکرد حداکثری دارد تا به ثبات بیانجامد.

منابع

قرآن کریم

اوستا

انجیل شریف

کتاب مقدس

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیه، دوم.
۲. آشوری، داریوش (۱۳۵۷ش)، *تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ*، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
۳. آقابخشی، علی؛ افشاری‌راد، مینو (بی‌تا)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار، سوم.
۴. بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۹ش)، *تنوع و تمدن در اندیشه اسلامی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۵. باطنی، محمدرضا (بی‌تا)، *فرهنگ معاصر*، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، قم: دارالکتب الاسلامیه، دوم.
۷. پهلوان، چنگیز (۱۳۸۲ش)، *فرهنگ‌شناسی؛ گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن*، تهران: قطره.
۸. جباری، محمدرضا (۱۳۸۱ش)، «نقش و جایگاه توقیعات در عصر غیبت صغری»، *انتظار موعود*، شماره ۳.
۹. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۶ش)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران: فرهنگ اسلامی، اول.
۱۰. حسین، نوری (۱۴۱۵ق)، *النجم الثاقب*، قم: انوار الهدی، اول.
۱۱. دورانت، ویل (۱۳۷۰ش)، *تاریخ تمدن*، ترجمه: حمید عنایت و دیگران، تهران: آموزش انقلاب اسلامی، پنجم.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱ش)، *لغت‌نامه*، زیر نظر: دکتر محمد معین، تهران: شرکت چاپ افست گلشن.
۱۳. ذوعلم، علی (۱۳۸۸ش)، *تجربه کارآمدی حکومت ولایی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، پنجم.
۱۴. رضاییان، علی (بی‌تا)، *مبانی سازمان و مدیریت*، تهران: سمت.
۱۵. رهدار، احمد (۱۳۹۳ش)، «تامل در امکان، مفهوم و ماهیت تمدن اسلامی»، *نقد و نظر*، شماره ۷۵.

۱۶. ساندرز، دیوید (۱۳۸۰ش)، *الگوهای بی‌ثباتی سیاسی*، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۷. سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در اجتماع مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰، سایت farsi.khamenei.ir.
۱۸. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۸ش)، «ثبات سیاسی و توسعه سیاسی»، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۱۴۵-۱۴۶.
۱۹. شجاعی، هادی (۱۳۹۵ش)، «ظرفیت‌های فرهنگی سیاسی تشیع در آفرینش تمدن نوین اسلامی»، *تاریخ درآینه پژوهش*، سال سیزدهم، شماره اول (پیاپی ۴۰).
۲۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۷۸ش)، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، قم: آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام، اول.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، تصحیح: محمدباقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی، اول.
۲۲. عادل پناهی، محمد (۱۳۸۳ش)، «درآمدی بر ثبات سیاسی»، *مجله راهبرد*، شماره ۳۱.
۲۳. عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۶ش)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی، شانزدهم.
۲۴. عمید، حسن (بی‌تا)، *فرهنگ عمید*، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، تهران.
۲۵. غنوی، امیر (۱۳۹۳ش «ب»)، «نظریه مدیریت از فرادست بر پایه مستندات»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۳۲.
۲۶. غنوی، امیر؛ غنوی، مریم (۱۳۹۳ش «الف»)، «مدیریت از فرادست بر پایه مبانی»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۳۰.
۲۷. غنوی، امیر؛ غنوی، مریم؛ لطیفی، میثم (۱۳۹۸ش)، «مدیریت از فرادست از منظر انسان‌شناسی اسلامی»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۵۲.
۲۸. قاسمی، فرج‌الله (۱۳۸۹ش)، «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاخصه‌ها و مکانیزم‌ها از منظر امام خمینی رحمته الله علیه»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، دوره ۷، شماره ۲۲.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۳۰. لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۴ش)، *مشروعیت و کارآمدی*، تهران: سروش، اول.
۳۱. لیتون، رالف (۱۳۳۷ش)، *سیر تمدن*، ترجمه: پرویز مرزبان، تهران: چاپخانه تابان با

- همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین.
۳۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.
۳۳. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دارالکتب العلمیه، سوم.
۳۴. معینی، صغری (بی تا)، *فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان*، تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
۳۵. موثقی، سیداحمد؛ کرم‌زادی، مسلم (۱۳۹۰ش)، «بررسی تأثیر ثبات سیاسی بر توسعه»، *فصل‌نامه سیاست*، دوره ۴۱، شماره ۳.
۳۶. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲ش)، *جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چهارم.
۳۷. موسوی، سیده فاطمه؛ عبدالعزیز، سکینه (۱۳۹۸ش)، «کارکردهای فردی و اجتماعی مهدویت»، *معهودپژوهی*، سال اول، شماره ۱.
۳۸. نبوی، سیدمرتضی (۱۳۹۴ش)، *جمهوری اسلامی و چالش‌های کارآمدی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول.
۳۹. نجفی، حسن؛ فقیهی، علی‌نقی؛ دریس‌اوی، سمیه (۱۳۹۶ش)، «تحلیل جایگاه آموزه‌های مهدوی در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی»، *فصل‌نامه اسلام و مطالعات اجتماعی*، سال پنجم، شماره سوم.
۴۰. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۴۱. نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۴ش)، «شاخص کارآمدی اسلام در بعد ساختاری نظام اسلامی»، *معرفت سیاسی*، سال هفتم، شماره ۱.
۴۲. الویری، محسن؛ برزویی، محمدرضا (۱۳۹۴ش)، «گونه‌شناسی رویکردهای آموزه مهدویت در چارچوب ظرفیت تمدنی»، *فصل‌نامه مشرق‌معهود*، سال نهم، شماره ۳۴.

Investigating the reason for the victory of the Islamic Revolution based on the discourse of resistance and the challenges ahead (with a critique on John Foran's breaking resistance theory)

Dr. Majid Ahmadi Kachaei ¹

Abstract

In this research, it is important to pay attention to the fact that the discourse of resistance based on the adherence of the leader and the people of Iran to the supreme sign (Islam) was the reason for the final victory of the Islamic Revolution and its continuation in the current era, and the foundations of this discourse are based on this alone. This discourse was not derived from popular Western ideas and the leadership of the Islamic Revolution did not pay attention to such discourses, therefore, it tried to advance the revolution with the general belief of the people who had a special belief in the Islamic religion. Meanwhile, John Foran's theory is ineffective in highlighting the economy as the focal point of the victory of the Islamic Revolution. Also, his theory that the Islamic revolution was not fundamentally different from the previous movements in Iran is discussed and the challenge ahead in this revolution is taken into consideration.

Keywords: Islamic revolution, Imam Khomeini, the discourse of resistance, the challenge ahead

1. Academic staff and assistant professor of Islamic Science and Culture Research Institute
(ahmadi.m@isca.ac.ir)



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفتاد و یکم / بهار ۱۴۰۳

بررسی چرایی پیروزی انقلاب اسلامی براساس گفتمان مقاومت و چالش پیش رو (با نقدی بر نظریه مقاومت شکننده جان فوران)*

مجید احمدی کجایی^۱

چکیده

در این پژوهش به این مهم توجه می‌شود که گفتمان مقاومت براساس پیروی رهبر و مردم ایران از دال برتر (اسلام)، سبب پیروزی نهایی انقلاب اسلامی و تداوم آن در دوران کنونی بوده است و پایه‌های این گفتمان تنها بر این امر استوار است. این گفتمان برگرفته از نظریات رایج غربی نبوده است و رهبری انقلاب اسلامی توجه‌ای به این دست از گفتمان‌ها نداشته است از این رو سعی کرد تا با باور عمومی مردم که به دین اسلام اعتقادی ویژه داشتند انقلاب را به پیش ببرد. در این میان نظریه جان فوران در برجسته نشان دادن اقتصاد به عنوان نقطه کانونی چرایی پیروزی انقلاب اسلامی ناکارآمد می‌باشد. همچنین نظریه وی در این که انقلاب اسلامی تفاوت ماهیتی با جنبش‌های پیش از خود در ایران را نداشته است مورد تردید قرار گرفته و چالش پیش رو در این انقلاب مورد توجه قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته الله علیه، گفتمان مقاومت، چالش پیش رو.

مقدمه

در این پژوهش با استفاده از نظریه لاکلا، سعی می‌شود (رک: ارنستو لاکلا، ۱۳۹۰ش) دو سؤال مهم این که انقلاب اسلامی براساس کدام گفتمان توانست به پیروزی دست یابد؟ و تداوم انقلاب اسلامی با رفع چه چالشی به پیش خواهد رفت؟ مورد توجه قرار گرفته و نظریه مقاومت شکننده که متعلق به یکی از متفکران غرب (جان فوران) می‌باشد مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد. نکته مهم پیرامون چالش پیش رو آن است که انقلاب اسلامی ایران براساس رهنمون به دال برتر (اسلام) شکل و تداوم یافته است اما رفتار بخش قابل توجهی از کارگزاران در طی دهه‌های اخیر تناسبی چندی با علت پیروزی انقلاب نداشته است و این امر سبب دلسردی بسیاری از مردم شده است. در صورت ادامه این روند این امکان دور از ذهن نیست که

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸

۱. هیئت علمی و استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (ahmadi.m@isca.ac.ir).

دلسردی به مردم سرایت کرده و نهایتاً به رویگردانی منجر شود. در ادامه با استفاده از نظریات یکی از اندیشمندان غربی علت پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد با این حال این بدان معنی نیست که انقلاب کنونی تنها از رهگذر نظریه لاکلا قابل خوانش است، بلکه این نظریه تنها تسهیل‌کننده برای فهم بهتر در چرایی گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد.

در نظریه ارنستو لاکلا و همسر وی، شنتال موف، با استفاده از نظریه فوکو نظریه گفتمانی را به همه امور اجتماعی و سیاسی گسترش می‌دهند (حقیقت، ۱۳۸۴ ش: ۲۱-۲۲) ارنستو لاکلا و همسرش نظریه گفتمانی خود را برای نخستین بار در کتاب *هژمونی و راهبرد سوسیالیستی* (۱۹۸۵) ارائه کردند (ر.ک: رضایی، ۱۴۰۲ ش). در این کتاب سعی شده تا از طریق بازخوانی و ساختارشکنی نظریه‌های متفکرانی چون مارکس، گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا، لاکان و سوسور، راهبردی جدید برای چپ درهم ریخته اروپای شرقی فراهم شود. به نظر ایشان، چپ نباید در مقابل سرمایه‌داری و نولیبرالیسم موضع انفعالی به خود بگیرد و آرمان‌های خود را فراموش کند و از سوی دیگر اصرار بر مارکسیسم در شکل کلاسیک و یا حتی نظریات اخیر مارکسیستی نمی‌تواند راهبرد مناسبی برای برون رفت ایشان از بحران تلقی شود. آن دو با استفاده از روش گفتمانی برای تبیین جامعه معاصر استراتژی رادیکال دموکراسی را به عنوان راهبردی مطمئن برای احزاب و متفکرین چپ در دنیای معاصر ارائه می‌کنند.^۱ این نظریه، خود نظریه رقیب لیبرال دموکراسی بوده و یک جانبه‌گرایی لیبرال دموکراسی به عنوان گفتمان غالب، یا گفتمان برتر را منتفی می‌داند و چنین تحلیل می‌شود که می‌توان از دریچه‌های غیر هژمونی قالب غرب جامعه را مورد بازخوانی قرار داد. کاربرد این نظریه در انقلاب اسلامی ایران به این صورت می‌باشد که بنیان‌گذار آن انقلاب بزرگ، توجه به غرب و شرق را برای ائتلاف و تداوم انقلاب خود نه تنها مؤثر نمی‌دانست بلکه آن را مخرب و مایه وادادگی در برابر رخداد‌های مهم کشور می‌دانست. بنابراین به دنبال گفتمانی بود که خارج از هژمونی لیبرال دموکراسی غرب یا جریان‌های مارکسیستی شرق، بتواند از آن برای پیروزی و سپس تداوم انقلاب بهره برد.

این مهم از آن جا اهمیت دو چندان می‌یابد که تا پیش از پیروزی و استقرار انقلاب بزرگ اسلامی به رهبری امام خمینی رحمته‌الله، تصور می‌شد که اسلام‌گرایی تنها یک گفتمان حاشیه‌ای است که نباید بر دستیابی به قدرت سیاسی به آن تکیه داشت و چنین توانی در آن دیده نمی‌شود که بتواند خارج از کمند هژمونی غرب یا دست کم شرق دست به تحولی بزرگ در

1. Laclau, E., and Mouffe, C. *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London: Verso, 1985, p xv.

جامعه زند. اما با موفقیت امام خمینی رحمته الله علیه این تصور به تدریج ایجاد شد که راه دستیابی به قدرت سیاسی، لزوماً نیازمند افتادن در قالب گفتمان‌های رایج و مرسوم نیست، بلکه با به قدرت رسیدن اسلام سیاسی به رهبری ایشان، مرکزیت و قطعیت گفتمان غربی مورد تردید فراوان قرار گرفت. امام برای تبیین طرح سیاسی خویش، بی‌آن‌که به نظریه سیاسی غرب متوسل شود، توانست پهلوی دوم، حاکم دیکتاتور و حکومتش را که دلخواه قدرت‌های غربی بود از قدرت ساقط و جمهوری اسلامی را پایه‌گذاری نماید. محمدرضا پهلوی بر همانند پدرش، خصوصاً پس از رویارویی با مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت، اندک محبوبیت خود را از دست داد و در سرکوب نهضت ملی شدن نفت به آمریکا اعتماد کرد عالمان، با توجه به کاهش روزافزون محبوبیت شاه، نزد عامه مقبولیت بیشتری یافتند و بدین طریق انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. نکته مهم آن بود که امام خمینی رحمته الله علیه در راهبرد عملی خود برای در دست گرفتن انقلاب با استفاده از دین، به عنوان امری رایج و مورد پذیرش مردم ایران، افزون بر آن‌که بر مشروعیت انقلاب خود صحنه گذاشت، توانست توده مردم را به خیابان‌ها کشانده و انقلابی از جنس خواسته‌های مردم در جامعه ایجاد کند، طوری که در تمام رخداد‌های بسیار مهم از جمله دفاع از وطن که در تاریخ هزاره ایران کم‌نظیر بود این مردم بودند که با خواسته‌های ایشان همراهی کردند. در این گفتمان، امام خمینی (ره) افزون بر آن‌که به هیچ صورت از نظریه‌های رایج پیروی نکرد، توانست اسلام را به منزله دال برتر و به عنوان نظم سیاسی جدید به دنیا معرفی نماید و در این پدیده مهم مردم نیز با ایشان همراه بودند، امری که توده ایرانیان بر دوگانه مهم دال برتر (اسلام) و پیروی از ایشان به عنوان نمادی از اسلام تأکید داشتند.^۱ از این رو نظریه مذکور تا میزان زیادی بر انقلاب اسلامی قابل تطبیق می‌باشد.

نظریه جان فوران

نظریه دیگر در چرایی پیروزی گفتمان مقاومت در ایران، چارچوب نظری جان فوران می‌باشد. جان فوران (John Foran) متولد ۱۹۵۵، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا است. وی از جامعه‌شناسان نامدار در پژوهش پیرامون زمینه «انقلاب‌های اجتماعی» در جهان است که به ویژه در دهه هشتاد میلادی تحولات سیاسی اجتماعی و انقلاب ایران را مورد مطالعه قرار داده است. فوران برای مطالعاتش در زمینه تحولات سیاسی و

۱. بابی سعید، هراس بنیادین، اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، مترجمان: دکتر غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، ص ۱۷۲.

اجتماعی ایران و انقلاب‌ها به ویژه برای نگارش کتاب *مقاومت شکننده* در ایران شهرت دارد. او کتاب‌های پرشماری پیرامون انقلاب و جنبش‌های اجتماعی ایران و جهان نوشته و ده‌ها مقاله در معتبرترین نشریات جامعه‌شناسی غرب پیرامون انقلاب ایران منتشر کرده‌است (ر.ک: فوران، ۱۳۷۷ش). پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد وی با موضوع «وابستگی و تغییر اجتماعی در ایران؛ ۱۵۰۱-۱۹۲۵» و رساله دکتری وی با موضوع «تغییر اجتماعی در ایران از ۱۵۰۰ تا انقلاب» بوده است که کتاب *مقاومت شکننده* حاصل این دو پایان‌نامه است که به بررسی ویژه در این باره پرداخته است. فوران بیشتر گفتمان مقاومت را براساس یک چالش فراسوی سرزمینی می‌نگرد و چندان باوری به علت پیروزی ایرانیان بر پایه دال برتر (اسلام) ندارد.

فوران در تحلیل تحولات سیاسی - اجتماعی ایران پنج نظریه مطرح نموده و بر این باور است که جهت تحلیل تحولات ایران می‌بایست بر این پنج نظریه تکیه کرد: نظریه نظام جهانی امانوئل والرشتاین (سریع القلم، ۱۳۶۹ش: ۸-۱۲). نظریه وجوه تولید مارکسیستی، توسعه وابسته؛ براساس دیدگاه‌های کاردوسو و فالتو، نظریه دولت سرکوب‌گر، فرهنگ‌های سیاسی مقاومت و مشروعیت، براساس نظریه ماکس وبر (لک‌زایی، ۱۳۸۳ش).

وی بر این باور است که نباید انتظار داشت که یک نظریه به تنهایی بتواند رخدادهای اجتماعی ایران را تحلیل نماید. به همین دلیل فوران نظریه‌های فوق را برای بررسی تحولات ایران طرح و در پایان نظریه خود را تحت عنوان گفتمان مقاومت شکننده ارائه می‌دهد. او در نظریه خود به این نتیجه می‌رسد که ایرانیان هرچند به راحتی در برابر دشمن متحد می‌شوند اما زمانی که پیروز می‌شود، اتحاد موجود سست شده و مقاومت آنان از بین می‌رود.

وی بر این باور است که هر دولتی که مایل است به حیات خود ادامه دهد، نیازمند انجام سه کار ویژه ذیل می‌باشد: ۱. ایجاد اتحاد درونی میان بلوک قدرت حاکم؛ ۲. ایجاد تفرقه در میان مخالفان و دشمنان خود؛ ۳. بسیج مردم در جهت حمایت از قدرت حاکم. امری که دولت ایران از سه گزینه فوق برخوردار است. اگر قدرت‌های خارجی موفق شوند در بین بلوک قدرت در ایران اختلاف و شکاف ایجاد نمایند، ممکن است برخی از نیروها برای تقویت خود با نیروهای بیگانه ائتلاف کنند و تداوم این مسئله مقاومت انقلاب را درهم خواهد شکست، اما تاکنون (سال ۱۳۷۰ سال انتشار کتاب مقاومت شکننده) موفق نشده‌اند. وی تأکید می‌کند سابقه حرکت‌های ایرانیان در گذشته نشان می‌دهد این امکان وجود دارد که بین آنها اختلاف ایجاد کرد. بنابراین اگر نیروهای بیگانه موفق شوند در درون نیروهای انقلاب شکاف ایجاد کنند، مقاومت درهم شکسته خواهد شد.

همان طور که بیان شد فوران نخست با طرح ۵ نظریه از افراد صاحب نام در حوزه مطالعاتی ایران معاصر از همگی آن استفاده کرد و سرانجام طرح مقاومت شکننده را ارائه داده است. فوران با محوریت و بررسی سیاسی، تاریخی سه جنبش مشروطه، صنعت ملی شدن و انقلاب اسلامی ایران، سعی دارد تا درستی نظریه خویش را به اثبات رساند، از این رو بر این باور است که ایرانیان پس از پیروزی در جنبش‌ها عمدتاً واگرا می‌شوند و دل بستگی چندانی برای حفظ اندوخته‌های خود ندارند. همین امر سبب شکست ایشان تا انقلاب اسلامی شده است به گمان وی این امر به همراه وحدت دشمن خارجی می‌تواند انقلاب ایران را نیز از کارآیی بیاندازد. او با ارائه آمارهای فراوان اقتصادی، نگاهی ویژه به اقتصاد در تحولات ایران در ۵ دهه کنونی داشته است به طوری که می‌توان اقتصاد را اساسی‌ترین متغیر در اندیشه او دانست، با این حال به کلی از ابعاد دیگر انقلاب ایرانیان غافل نبوده و انقلاب اسلامی را واجد مضمون‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌داند، اما شکل‌گیری آن را تنها به واسطه رشد این انگیزه‌ها نمی‌پندارد. در حقیقت، فوران مانند برخی پژوهشگران تلاش نداشته تا چگونگی و چرایی انقلاب ایران را تنها در قالب نظریات رایج تئوریزه کند، زیرا از نگاه او، آن را باید به یاری تلفیقی منطقی از نظریه‌های نظام‌های جهانی، نظریه وابستگی، نظریه مشروعیت نظام و ماهیت دولت و فرهنگ‌های سیاسی مخالفان توضیح داد.

او در تحلیل خویش به طور خلاصه مراحل انقلاب اسلامی را چنین برشمرده است که عامل نظام جهانی به همراه ساختار اجتماعی ایران سبب شد تا توسعه‌ای وابسته و ناهمگون در همه زمینه‌ها در ایران رخ دهد. این فرآیند به جابجایی شدید اقتصادی منجر شد، که نتیجه آن این بود که مردم در برابر بسیاری از این وابستگی و ناهمگونی‌ها با سیاست‌های حکومتی به مخالفت برخاستند. دولت سرکوبگر پهلوی به حذف مخالفان دست زد و سرکوب سیاسی گروه‌های اجتماعی پرشمار را تنها راهکار برون رفت از مشکلات دانست. با وضع به وجود آمده فرهنگ‌های سیاسی گوناگون به کار مخالفان آمد و رژیم پهلوی و دولت حامی آن، آمریکا، علت اساسی مشکلات در ایران تلقی شدند. از این رو فرهنگ‌های سیاسی مخالفان، در کنار بازشدن فضایی جدید در نظام جهانی و افت اقتصاد داخلی سبب شد تا ائتلاف چند طبقه‌ای بروز یابد و ائتلاف چند طبقه‌ای سرانجام سبب بروز انقلاب در کشور شد.

نظریه‌ای که فوران ترسیم می‌کند مجموعه‌ای از نظریه‌های بود که هیچ یک از آن‌ها به تنهایی نمی‌توانست موجب انقلاب در ایران شود، اما مجموعه آنها به وقوع انقلابی بزرگ منجر شد. در تبیین این مظریه باید تاکید داشت که نظریه وی تا اندازه‌ای درست به نظر می‌آید اما

پرسش آن است ائتلاف چند طبقه‌ای بر چه اساسی شکل گرفت؟ فوران خود، اشاره‌هایی به دین و همچنین نقش بی‌بدیل رهبری انقلاب در بروز این مهم داشته است. فوران به مقایسه‌ی انقلاب اسلامی با تحولات اجتماعی - سیاسی پیشین در ایران پرداخته و این پرسش را مطرح کرده است که چرا انقلاب اسلامی در رسیدن به هدفش به مراتب موفق‌تر از انقلاب - های پیشین همانند مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت بود؟ وی عوامل این پیروزی را در چند مورد خلاصه می‌کند: انسجام و قدرت بیشتر ائتلاف مردمی، تاکتیک‌های کارآمد انقلابیون، نقش برجسته روحانیت، تعیین هدف اصلی (تغییر دولت از طریق برچیدن نظام شاهنشاهی) و مساعدتر بودن اوضاع نظام جهانی.

همان‌طور که دیده می‌شود بر این اساس، تحلیل فوران از انقلاب اسلامی ایران و به صورت عام، نظریه او در خصوص انقلاب‌های اجتماعی جوامع جهان سوم را نمی‌توان تحلیلی فرهنگی دانست؛ زیرا تحلیل‌های فرهنگی از انقلاب ایران، فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی را در مرکز تحلیل خود قرار می‌دهند و مهم‌ترین علت ایجاد انقلاب را فرهنگ سیاسی تشیع می‌دانند. در مقابل نقطه کانونی نظریه وی همان‌طور که بیان شد این مهم است که ایرانیان هرچند به راحتی در برابر دشمن متحد می‌شوند، اما پس از پیروزی، اتحاد موجود سست شده و مقاومت آنان از میان می‌رود. فوران با محوریت و بررسی سیاسی، تاریخی سه جنبش مشروطه، صنعت ملی شدن و انقلاب اسلامی، سعی در اثبات نظریه خود دارد، از این رو بر باور است که ایرانیان پس از پیروزی در جنبش‌ها بیشتر واگرا هستند و دل بستگی چندانی برای حفظ اندوخته‌های خود ندارند بنابراین مقاومت ایرانیان مقاومتی شکننده است. همین چالش سبب شکست ایشان تا پیش از انقلاب اسلامی شده است و دور از ذهن نیست که این روند در انقلاب اسلامی نیز تکرار شود.

نگارنده با پذیرش عامل اقتصاد به عنوان یکی از ریز متغیرهای تحولات کنونی، آن را مسئله اساسی ملت نمی‌داند. از دیدگاه نگارنده، نظریه رهبری مذهبی با تکیه بر دال برتر (اسلام) علت اساسی پیروزی انقلاب اسلامی بوده است که از این نظر بر دیگر نظریه‌های رقیب چیرگی دارد. براساس این نظریه لازم است بین علل بحران مشروعیت نظام پادشاهی از یک سو و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی از طرف دیگر تفکیک قائل شویم. نظریه مدرنیته به خوبی می‌تواند سست شدن ارکان و پایه‌های حکومت پهلوی را تبیین نماید، اما در بیان چرایی پیروزی انقلاب اسلامی ناکارآمد است. نظریه رهبری مذهبی با مفروض گرفتن نوسازی به عنوان مهم - ترین عامل ایجاد بحران در مشروعیت نظام پیشین، درصدد است مهم‌ترین عامل پیروزی

انقلاب اسلامی را جستجو نماید. براساس این نظریه مهم‌ترین عامل پیروزی، شخصیت چند بعدی رهبر کبیر انقلاب امام خمینی رحمته الله علیه و تکیه ایشان بر دو عنصر بسیار مهم اسلام و توده مردم بوده است و عوامل دیگر همچون استبداد شاهی، اقتصاد و دیگر موارد نیز به این امر کمک کردند. بنابراین مهم‌ترین نقدهای وارد بر نظریه فوران عبارتند از: محوریت بخشیدن به ملاحظات طبقاتی و معیارهای مادی - معیشتی، غفلت از این که اسلام دال برتر جنبش‌ها و انقلاب‌های ایرانی از جمله انقلاب اسلامی است. غفلت از ظرفیت رها بخش جنبش‌ها و انقلاب‌های ایرانی، غفلت از پویایی سنت اسلامی و مقایسه‌ی نابه‌جای آن با سنت غربی، غفلت از بعد اثباتی انقلاب اسلامی و تأکید غیرواقعی بر بعد سلبی و نفی آن، تلاش بی‌اصل در روح بخشیدن به نگاه ساختاری که خود مدعی است از آن گذر کرده است، فقدان نگرش فلسفه تاریخی به انقلاب اسلامی. بنابراین تأکید می‌شود گرچه عنصر اقتصاد می‌تواند بر بسیاری از امور تأثیرگذار باشد اما مسئله اساسی و محرک ایرانیان در این دوران به خصوص در انقلاب اسلامی نبوده است و تنها یکی از ریز متغیرهای تحولات کنونی بوده است.

نظریه مختار

حرکت گسترده مردم به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه، در سال ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۷۹ م. موجب سقوط نظام سنتی حکومت اقتدارگرایی فردی و ایجاد نظام مردمی - جمهوری بر پایه تعالیم اسلام شد. بنیان جمهوری اسلامی، همراه با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی اسلامی ایجاد شد که مدعی پاسخگویی به نیازهای بشر را داشته است، تأکید بر استقلال از دولت‌های سلطه‌گر نیز از شعارهای اساسی این گفتمان شمرده می‌شد، در این جریان روحانیان شیعه سهم بزرگی در هدایت و آگاهی بخشی و رهبری مردم داشتند به طوری که علاوه بر رهبری فردی روحانی، عبارت پر تکرار جمهوری اسلامی که در شعارهای مردمی تکرار می‌شد برگرفته از اندیشه‌های ایشان شمرده می‌شد.

در ابتدای دهه اول انقلاب اسلامی و به دنبال مطالبه امام خمینی رحمته الله علیه مبنی بر ضرورت انتخابات برای تعیین نظام، این انتخابات صورت گرفت. این انتخابات آشکارا نشان داد که تقریباً تمام نیروهای سیاسی، در عدم اعتبار حکومت سلطنتی و روی کار آمدن حکومتی در شکل جمهوری اسلامی موافق بودند و به رغم وجود مشکلات فراوان، ۹۸/۲ درصد مردم به جمهوری اسلامی رای دادند. نکته مهم حضور گسترده مردم در مشارکت اجتماعی و رأی خیره‌کننده ایشان به دال برتر به عنوان جمهوری اسلامی بود و در یک سال چهار انتخاب

بزرگ روی داد و حاکمیت توانست همان طور که پیش از این قانون اساسی خود تأکید کرده بود از مردم در توان مدیریتی خود استفاده کرده و مردم را در همه شئون حکومت دخالت دهد. حضور همیشگی مردم به خصوص با آغاز جنگ تحمیلی به خوبی خود را نشان داد در عین حال مردم هم چنان در عرصه های دیگر حضوری فعال داشتند (احمدی کچایی، ۱۴۰۲ ش). از دیگر موارد همراهی مردم با حاکمیت می توان به تشیع پیکر امام خمینی رحمته الله علیه توسط مردم ایران یاد کرد که برخی از منابع آن را بزرگ ترین تشیع در تاریخ بشریت می دانند.^۱ این در حالی بود که رفتار ملت ایران در مقایسه با چهار شاه آخر کاملاً تحقیرآمیز بود به طوری که در خروج و تبعید محمدعلی شاه و احمدشاه مردم رفتار خونسردی داشتند و این وضع در دوران پهلوی ها با دلشادی فراوان مردم همراه بود. با انتخاب آیت الله خامنه ای و استقبال کم نظیر مردم ایران مواجه شد، انتخاب ایشان به رهبری بدون مناقشه در کشور بوده است در صورتی که در دوره های پیشین تقریباً بدون استثنا درگیرها بیش و کم زیادی برای تغییر هرم قدرت در کشور ایجاد می شد.

در تمام دوران انقلاب اسلامی، به رغم مشکلات فراوان در ایران، هیچ گاه انتخابات در این کشور با تعطیلی یا مشکل تقدم و تأخر مواجه نشده است و در انتخابات ریاست جمهوری همگی داوطلبان از امکانات مساوی و بدون هزینه تلویزیون دولتی ایران استفاده کردند که نشان از اهتمام نظام بر مردم سالاری دینی بوده است.

نکته بسیار مهم در دوران رهبری کنونی، عدم برکناری و یا تعطیلی هیچ یک از نهادهای منتخب مردم اعم از رؤسای جمهور و نمایندگان منتخب برای مجلس شورای اسلامی و خبرگان و شوراهای شهر بوده است در صورتی که این امر به خصوص در دوران محمدرضا پهلوی بسیار متغییر بود و در دوران پادشاهی وی، حدود ۳۰ بار هیات دولت و نخست وزیر توسط شاه ایران تغییر یافت.

در بخش دست یابی به علوم و فنون مورد نیاز و ارتقای آموزش در کشور بسیار چشم گیرتر از دوران سابق بوده است، به طوری که نمی توان با آن دوران سنجید، تأکیدات رهبری ایران و پافشاری ایشان بر این امر دهه های اخیر در رسیدن به این مهم بسیار مهم بوده است.

در ابعاد معنوی که مهم ترین وجه آغاز انقلاب اسلامی بوده است ابعاد گسترده تری یافت و با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران توجه بدان بسیار گسترده تر شد به طوری که می توان

۱. ر.ک: رکورد گزینس: Iran (Tehran)

یکی از نقاط عطف تاریخ تشیع در هزاره اخیر رشد فزاینده و خیره‌کننده المان‌های دینی و معنوی را در جنگ اخیر برشمرد. پس از جنگ نیز هم‌چنان رهبران نظام بر این مهم تأکید ویژه داشتند، گرچه شتاب معنوی دوران دفاع مقدس به‌کندی گرائید اما هم‌چنان ادامه داشت و محدود به آن زمان نشد. این مهم بیشتر بدان دلیل بود که توجه به عبودیت در جنگ تنها برای کارکردگرایی نبوده است بلکه از ویژگی اساسی انقلاب اسلامی برشمرده می‌شد. از دیگر عوامل شکل‌گیری و تداوم تعالی در یک جامعه داشتن ایدئولوژی استوار بر پایه‌های وحی می‌باشد این عنصر از آن جایی دارای اهمیت فراوان می‌باشد، این مهم نیز در باور رهبری ایران انعکاس یافته است (ر.ک: راجی، ۱۴۰۰ ش).

پافشاری رهبری ایران درباره کسب علم همراه با معنویت به عنوان یکی از اصلی‌ترین راه حل‌های خروج کشور از مشکلات می‌باشد و علم بودن پشتوانه معنای گرایی صحیح را یک از آفات تمدن غرب دانسته که نباید در جمهوری اسلامی تکرار شود (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۸/۲۰). به همین دلیل یکی از مهم‌ترین تأکیدات رهبران ایران در دوران پس از جنگ نیز تلاش برای تعمیق باور دینی در میان توده‌های مردمی است امری که در رویداد بسیار مهم پیاده روی اربعین امام حسین (ع) نمودی آشکار داشته است، با این حال تأکید زیادی داشته‌اند که نباید یادگیری علوم به وادادگی در برابر دولت‌های سلطه‌جو تبدیل شود و در علوم مختلف باید به نوع‌آوری توجه ویژه شود. در نتیجه انقلاب اسلامی با تأکید بر گفتمان اصلاح‌گرایانه در همه ابعاد زیستی و اخلاقی جامعه، رژیم پهلوی را به کمک مردم متلاشی کرد. با آغاز جنبش امام خمینی (ره) در دهه ۴۰ شمسی و همراهی مردم با ایشان، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. انقلاب کنونی نیز در دوران نزدیک به نیم سده‌ای خود با مشکلات فراوان داخلی و خارجی مواجه شد که بسیاری از آن محصول دشمنی بیگانگان با ایرانیان بوده است که نمونه آشکار آن جنگ تحمیلی و فشار و تحریم‌های اقتصادی علیه این کشور بوده است. تردیدی نیست که این هجمه از ستیزه‌جویی علیه ایرانیان دست‌کم در تاریخ معاصر ایران بی‌سابقه بوده است. طوری که دولت‌های قاجار و پهلوی نه تنها با چنین مشکلات مواجه نبودند بلکه این امر در دولت پهلوی با هم دلی فراوان بیگانگان با ایشان همراه بوده است. در انقلاب اسلامی به‌رغم همه ستیزه‌جویی‌ها تمامی شاخصه‌ها در رویکردهای گوناگون کشور، با رشد بی‌سابقه‌ای نسبت به دوران پیشین و حتی در برخی از شاخصه‌ها در سطح جهان مواجه بوده است که بیان اجمالی آن بسیار بیشتر از حجم این تحقیق می‌باشد. از این رو دوران نوین در ایران و حکومت متفاوت جمهوری اسلامی،

خواسته‌ها و نگرش مردم نسبت به حاکمیت تغییر بنیادین یافت. با توجه به همگانی بودن این حکومت و اقبال وسیع مردمی به آن، نتایج حاصله این حکومت نیز به میزان قابل توجه‌ای با دوران پیشین خود تفاوت داشته است، همراهی مردم با حاکمیت در همه مناسبات و مناقشات داخلی اعم از مبارزه با تجزیه‌طلبان، حضور در انتخابات، حضور گسترده در جنگ تحمیلی و دیگر موارد همگی گواه بر همدلی و همگرایی مردم با رهبران خود در دوران انقلاب به خصوص دهه اول بوده است. رحلت امام خمینی رحمته الله علیه و حضور میلیونی مردم مشایعت‌کننده ایشان نیز گواه آشکاری بر همراهی مردم با رهبر خود داشته است این در حالی است پیش از رحلت امام و با شهادت برخی از دولت مردان نیز رفتار مردم کاملاً همدلانه بوده است.

در نتیجه می‌توان کارنامه جمهوری اسلامی ایران را به رغم برخی از کاستی‌ها، موفقیت‌آمیز دانست و صداقت لازم در تکیه بر دال برتر (اسلام) را داشته است این امر با حضور قابل ملاحظه مردم در مناسبت‌های ملی نمود آشکاری دارد و همگرایی آشکاری دیده می‌شود.

چالش پیش رو

با این حال پس از رحلت امام خمینی رحمته الله علیه با آمد و شد دولت‌های گوناگون با سلیق بعضاً کاملاً متغایر با یکدیگر در مناسبات مردم با حاکمان فراز و فرودهای زیادی صورت گرفت که این امر بیشتر در حوزه اقتصادی با افزایش نرخ تورم و بیکاری نمود داشته است و به دنبال خود نارضایتی‌های را نیز پدید آورده است، با بیشتر شدن این دست از مشکلات و ناامیدی مردم از دولت‌های گوناگون، انتظارات از رهبری برای رفع مشکلات فزونی یافته است، این امر سبب شده تا نگاه‌های منتقدانه در این باره تقویت شود. ادامه این روند با توجه به برخی از مشکلات لاینحل جامعه تا اندازه قابل توجهی بر روند برخی از اعتراض‌ها افزوده که در برخی از آن به شورش و اغتشاش نیز منجر شده است. در این باره باید توجه داشت، به جهت دوران طولانی پادشاهی در کشور و وجود یک شخص در راس همه تصمیم‌گیری‌ها، این گمان در میان مردم هنوز پس از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی از میان نرفته است. بر این اساس از آن جایی که پادشاه به عنوان محور همه تحولات در ایران شمرده می‌شده است، رویدادها و مشکلات جامعه نیز شاه‌محور بوده است و مردم هرگونه خیر و شری را از آن ناحیه می‌دانستند. این باورداشت پس از پیروزی انقلاب اسلامی تعدیل شد اما به کلی از میان نرفت و برخی از مردم هم‌چنان روش هدایت رهبری در يك جامعه را همانند اعمال قدرت شاه

دانسته‌اند، در حالی که روش رهبران ایران براساس پایبندی به قانون و شریعت بوده است و اعمال قدرت تنها بر همین اساس پیش‌ران بوده است که این امر به کلی با روش استبدادی پادشاهان و اعمال سلیقه فردی تفاوت داشته است. در این روش باید قوای گوناگون در نظام سیاسی کشور که توسط مردم انتخاب شده‌اند پاسخگوی عملکرد خود باشند. همان‌طور که بیان شد تفکیک قدرت در ایران پس از گذشت این سال‌ها هنوز در نگاه بسیاری از مردم شناخته شده نیست، به طوری که کارگزاران کشور را کمتر مسبب در امور می‌دانند که این امر متأثر از فرهنگ شاه‌سالاری می‌باشد که طی سده‌ها شخص پادشاه در همه امور حکومت به دل‌خواه خود دخالت می‌کرد و باور بسیاری نیز چنین می‌باشد که رهبر جانشین شاه است و انتظار رفتار استبدادگونه را از او دارند، در حالی که هر یک از مجریان خود بخشی از حاکمیت هستند و باید به مقدار مسئولیت خود پاسخگو باشند^۱ و رهبری نمی‌تواند بدون توجه به مردم و قانون اعمال قدرت داشته باشد امری که در دوران کنونی تجربه شده است برای نمونه در طی این مدت مردم به هر گرایشی رأی دادند رهبری با تنفیذ رأی مردم، بیشترین کمک را به ایشان داشته است.

افزون بر این، نباید تبلیغات بسیار گسترده علیه رهبری ایران را نادیده گرفت و توجه برخی به این دسته از رسانه‌ها و اخبار توانسته برخی را به خود متوجه کند. بنابراین با توجه به ایده طرح شده می‌توان علت برخی از واگرایی را که در انتخابات یا در برخی از اعتراض‌ها در چند مورد زیر برشمرد:

الف) گسترش رفاه‌گرایی در میان برخی از مسئولان

این امر به رغم بیانات مداوم رهبری و سیره عملی ایشان مبنی بر پرهیز مسئولان در مال‌اندوزی صورت گرفته است و تا آن اندازه پیش رفته است که نمی‌توان به راحتی مقام مهمی را در کشور یافت که در مناطق متوسط شهرهای بزرگ همچون تهران حاضر به زندگی باشند و این سبک از زندگی با شعارهای روزهای نخستین انقلاب ایران تناسب چندانی ندارد و بسیاری از مردم آن را با آرمان‌های اعلان شده در تعارض می‌بینند.

۱. این نگاه سبب شده تا برخی از مسئولان در رده‌های مختلف نظام اسلامی به رغم وجود قدرت در حیطه اختیارات خود، با دامن زدن به این گمانه که برخی دیگر در امور ایشان دخالت می‌کنند و یا آن‌که اختیارات کافی ندارند از امور محوله خود شانه خالی می‌کنند و عجیب آن است با آن‌که چنین ادعای در ناکافی بودن اختیارات دارند اما هم‌چنان اصرار دارند در قدرت باقی بمانند.

ب) توجه به غرب و نگاه به برون

این مورد در سه دهه اخیر، فراز و فرود داشته است و بیشتر رویکرد به غرب غلبه داشته است، در صورتی که تأکید انقلاب اسلامی بر استقلال در همه عرصه‌ها بود و در قانون اساسی نیز به این مهم توجه فراوان شده است. توجه به بیگانگان به رغم توصیه فراوان رهبری به داشته‌های درونی و توجه به دانشگاهیان و توان ایشان برای برون رفت از مشکلات انجام گرفته است، اما هم‌چنان توجه به بیگانگان بر مسند کار مقامات بلندپایه ایران قرار دارد. توجه به بیگانگان به خصوص غرب مدت‌هاست هویت ملی کشور را نشانه رفته است و پیشینه آن را می‌توان از دوران مشروطه به بعد دانست، این نگرش سبب شده تا اندوخته‌های ملی و بومی کمتر دیده شود و در نتیجه مشکلات فراوانی از جمله فرار نخبگان حاصل آید. در صورتی که در دوران جمهوری اسلامی توجه به داشته‌های خودی بسیار بیش از دوران پیشین بوده است و نتایج شگرفی به خصوص در دوران جنگ کسب شده است.

ج) نزاع سیاسی میان مسئولان نظام

حساسیت بالا و روزافزون در انتخابات که به تدریج در حال افزایش و درگیری میان افراد و جناح‌های مختلف است به باور بسیاری از مردم تنها برای دستیابی به موقعیت اجتماعی انتخاب شوندگان تلقی می‌شود و چندان جهت خدمتگزاری نبوده است. این پدیده علاوه بر سرخودگی برای توده مردم، حاکی از فاصله گرفتن روحیه جهاد و کار انقلابی برخی از مسئولان از ابتدای انقلاب تاکنون می‌باشد، این امر به خصوص با افزایش رانت‌های اقتصادی و افشای فساد برخی از مسئولان و وابستگان ایشان سبب دلزدگی بیشتر مردم را فراهم کرده است و مفهوم عدم صداقت و خیانت در بیان و رفتار مقامات حاکمیتی در ذهن مردم تداعی می‌شود، ادامه این روند که نشانه‌ای از بهبود در آن دیده نمی‌شود، عوارض بسیار خطرناکی را در جامعه به دنبال خواهد داشت، عدم اصلاح آن دست‌کم به بی‌تفاوتی مردم در جریان‌ها و مشکلات سیاسی منتهی خواهد شد.

درگیری‌های فراوان میان دولتمردان با یکدیگر در رسانه‌های عمومی و اتهام دروغ و رانت اقتصادی و فساد مالی به یکدیگر، در نگاه بسیاری از مردم در نهایت به همه حاکمیت نسبت داده می‌شود که بی‌شک امری درستی نیست، در این مهم اتفاقات همانند انتخابات مجلس تهران در سال ۱۳۷۸ و ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، نمونه آشکار این درگیری است (ر.ک: فتنه ۸۸ در قلاب دوربین ۱۳۹۵ ش) که البته در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ و ۹۶ نیز با

تنش‌های کمتر دیده شد. این در حالی است که برخی از ارکان حاکمیتی نیز مردم را ترغیب به شورش مدنی می‌کنند. در این میان سخنان رهبری برای اصلاح امور جامعه و پرهیز از هرگونه تنش، بیشتر مورد اقبال مردم قرار می‌گیرد و چندان مورد توجه دولتمردان نبوده است که این امر سبب خدشه دار شدن جایگاه رهبری نیز در میان توده مردم شده است، بنابراین می‌توان در بیان مهم‌ترین مشکلات کشور به این موارد اشاره داشت:

د) عدم کنترل بازار و تورم فزاینده

کاهش اعتبار پول ملی و پیامد آن تورم فراوان و عدم کنترل بر بانک‌های ربوی، بخشی از مطالبات مردم می‌باشد در این میان حساسیت درباره بانک‌ها بیشتر می‌باشد که علاوه بر ربوی بودن بسیاری از معاملات آن، ساختارهای بسیار سخت و فراسایشی برای دریافت تسهیلات و اخبار پیوسته‌ای از اختلاس‌های کلان و حتی رو به رشد در دهه اخیر از آن سبب آشفتگی بیشتر مردم شده است، از سوی دیگر دولت‌های کنونی نیز چندان عزمی برای اصلاح آن نداشته‌اند همین امر نیز بر دلزدگی مردم افزوده است. نمود آن را می‌توان در اغتشاشات آبان سال ۹۸ در آتش زدن بانک‌ها دانست که نشان از انزجار بسیاری از مردم از بانک‌ها بیش از هر مکان دیگر می‌باشد. با این حال هم چنان بیشترین استقبال و حمایت در میان مسئولان بلندپایه جمهوری اسلامی - با فاصله زیاد از دیگر مقامات کشوری - هم چنان از رهبری انجام می‌گیرد. ادامه این روند و عدم ورود رهبری به ریز فعالیت‌های مسئولان و از طرف دیگر نگاه یک جانبه بخش قابل توجهی از مردم که رفع مشکلات موجود را تنها در دست رهبری می‌دانند سبب خواهد شد جایگاه رهبری مورد خدشه قرار گیرد.

همچنین در نتیجه آسیب‌شناسی این دوره باید افزود که با بررسی رخدادهای و جنبش‌های ایرانیان در دوران معاصر جنبش‌ها و اغتشاشات در ایران براساس مدل اقتصاد محور نبوده است به این معنی که هیچ‌گاه تنگناهای اقتصادی نتوانسته مردم را وادار به اعتراض گسترده سازد و جنبش‌ها در ایران معاصر تا حال براساس عدم توجه حکومت مرکزی به دال برتر (اسلام) و تشخیص مصداق خیانت به آن بوده است، اما پیچیدگی آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیش از دوران سابق است، چراکه تا پیش از انقلاب اسلامی تشخیص مصداق خیانت علیه منافع عمومی و به ویژه دال برتر - اسلام - با روحانیت بوده است، اما با تبلیغات بسیار وسیع علیه روحانیت و مقصر نشان دادن ایشان در مشکلات کشور، اگر اعتماد عمومی به این طبقه اثرگذار سلب گردد در آن صورت ممکن است دال برتر و اولویت اول آن نیز دچار

خدشه گردد و از اولویت اصلی ایشان خارج شود. همچنین نکته بسیار مهم آن است اگر طبقه متوسط روحانیت و طلاب که به طور معمول از همه طبقات اجتماعی هستند، دل‌بستگی خود را به نظام موجود اسلامی به دلایل گوناگون از دست دهند و به رخداد‌های پیش‌رو حساسیت نشان ندهند، سرعت واگرایی مردم نیز نسبت به پدیده‌های انقلاب و به خصوص دال برتر شدت خواهد گرفت، این مهم از آنجا تقویت می‌شود که تاریخ انقلاب اسلامی نشان داده است که در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و پیشبرد جنگ تحمیلی، طبقه متوسط روحانیت همواره پیش‌گام بوده‌اند (ر.ک: منشور روحانیت) و با حضور مستمر خود در نقاط مختلف کشور، مردم را نسبت به کنش‌های اجتماعی بر می‌انگیختند، باید توجه داشت اگر این دسته از روحانیون به این باور برسند که زعمای کشور صداقت کافی را در برابر ایشان و دال برتر ندارند به طور طبیعی واگرا خواهند شد و این امر آسیب بسیار مهمی برای ادامه کار جمهوری اسلامی خواهد شد امری که تاکنون چنین نبوده است.

افزون بر این موارد تبلیغات سو علیه دستاوردهای قابل توجه در بیش از چهل سال از عمر جمهوری اسلامی توانسته برخی را به خصوص نسلی که آگاهی از دوران پیشین نداشته‌اند با تردید مواجه سازد. این‌گونه از تبلیغات افزون بر آن که توسط دشمنان جمهوری اسلامی به دفعات تکرار می‌شود با شگفتی فراوان در داخل نیز توسط برخی از رسانه‌های وطنی دامن زده می‌شود که نتیجه آن دل‌سردی و ناامیدی در میان برخی از جوانان می‌باشد. با همه این احوال مشکلات کنونی کشور به‌رغم فراوانی آن نسبت به ادوار گذشته بسیار کمتر می‌باشد و به راحتی با همتی والا می‌توان از کمند آن جست.

نتیجه‌گیری

نوشتار کنونی این نتیجه را رهنمون می‌کند که انقلاب اسلامی در قالب گفتمان مقاومت تنها در ذیل دال برتر اسلام معنی‌بخش می‌باشد و نقطه کانونی ایرانیان در این انقلاب توجه به اسلام و پیروی از رهبری که وی را نماد اسلام می‌دانستند. بنابراین توجه به ریز متغیراتی همانند اقتصاد گرچه در جنبش‌های اخیر در ایران از جمله انقلاب اسلامی تأثیرگذار بوده است، اما نظریه مقاومت تنها مبتنی بر این دست از ریز متغیرات نبود بلکه اساسی‌ترین عنصر مهم در این نظریه توجه به دال برتر بوده است، در این میان چالش اساسی در ایران پس از انقلاب اسلامی عدم توجه برخی از مسئولان به گفتمان اسلام می‌باشد که دل‌زدگی ایرانیان را فراهم ساخته است.

منابع

۱. احمدی کچایی، مجید (۱۴۰۲ش)، «بررسی تطبیقی نقش استقلال در حفظ قلمرو سرزمینی در حکومت دینی در مقایسه با حکومت‌های پادشاهی ایران معاصر (از قاجار تا کنون)»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۶۷.
۲. حقیقت، سید صادق (۱۳۸۴ش)، «گفتمان و مطالعات اسلامی در ایران»، *فصل‌نامه پژوهش‌های اطلاع‌رسانی*، سال ششم، شماره ۲۱-۲۲.
۳. راجی، سید محمد حسین (۱۴۰۰ش)، *صعود چهل ساله*، ترجمه: سید محمد رضا خاتمی، قم: نشر معارف.
۴. سریع القلم، محمود (۱۳۶۹ش)، *توسعه جهان سوم و نظام بین‌الملل*، تهران: سفیر.
۵. سعید، بابی (بی‌تا)، *هراس بنیادین، اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*، ترجمه: دکتر غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، بی‌جا: بی‌نا.
۶. فوران، جان (۱۳۷۷ش)، *مقاومت شکننده*، ترجمه: احمد تدین، تهران: رسا.
۷. لک‌زایی، نجف (۱۳۸۳ش)، «مقاومت شکننده، جان فوران»، *زمانه*، شماره ۲۱.
۸. لکلاو، ارنستو؛ شان‌تال، موفه (۱۴۰۲ش)، *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی*، ترجمه: محمد رضایی، تهران: نشر ثالث.
۹. محمودی، سید مهدی (۱۳۹۵ش)، *منشور روحانیت: پیام تاریخی و مهم حضرت امام خمینی (ره) خطاب به روحانیون سراسر کشور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، سی و ششم.
۱۰. مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۹۵ش)، *فتنه ۸۸ در قلاب دوربین*، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. مقدمی، محمد تقی (۱۳۹۰ش)، «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن»، *معرفت فرهنگی/ اجتماعی*، سال دوم، شماره ۲.
۱۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: KHAMENEI.IR

Zionism is a serious challenge to Iran's Islamic revolution with the foundational government approach

Dr. Saeed Bakshi ¹

Hassan Shamabadi ²

Mohammad Kazemi Bunchari ³

Abstract

Zionism is a dangerous thought that arose several centuries ago and has continued until now, and the Zionists are currently active on a global level and dominate the important world centers and media. The danger of Zionism for Islam and Muslims is certain, and they have tried to dominate the affairs of Muslims, and in various cases, they have not shied away from war and violence against Muslims. After the Islamic revolution of Iran, the enmity of global Zionism and the Zionist regime started with the Islamic revolution, and they did not fail to make any effort or move to attack this revolution; Cultural invasion, creating political problems, imposing economic sanctions, preventing scientific progress, and threats and military actions have been the most obvious examples of these hostilities. It seems that the cause of these hostilities, in addition to the economic, cultural and... damages that the Islamic Revolution has inflicted on global arrogance and Zionism, is that the Zionists have realized that this revolution is on the way to laying the groundwork for The emergence of the savior of the world of humanity and his world government is imminent, and the continuation of this path will face serious danger to the existence of Israel and Zionism.

Keywords: Islamic revolution, foundation, emergence, Zionism, challenges

1. Assistant professor and faculty member of Allameh Tabatabai University

2. Doctoral student of Qur'an and Orientalists of Al-Mustafa Al-Alamiya University(Responsible Author)

3. Master's degree in hadith sciences, majoring in the interpretation of works of the University of Quran and Hadith



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفتاد و یکم / بهار ۱۴۰۳

صهیونیسم چالش جدی در برابر انقلاب اسلامی ایران با رویکرد حکومت زمینه ساز*

سعید بخشی^۱

حسن شم‌آبادی^۲

محمد کاظمی بنچاری^۳

چکیده

صهیونیسم یک تفکر خطرناک است که چند قرن پیش به وجود آمده و تاکنون ادامه داشته است و صهیونیست‌ها در زمان فعلی، در سطح جهانی در حال فعالیت هستند و بر مراکز و رسانه‌های مهم جهانی نیز تسلط دارند. خطر صهیونیسم برای اسلام و مسلمانان از امور قطعی است و آنان تلاش کرده‌اند تا بر امور مسلمانان تسلط پیدا کنند و در موارد مختلف، از جنگ و خشونت علیه مسلمان نیز ابایی نداشته‌اند. بعد از انقلاب اسلامی ایران، دشمنی صهیونیسم جهانی و رژیم صهیونیستی با انقلاب اسلامی آغاز شد و از هیچ تلاش و حرکتی در جهت ضربه زدن به این انقلاب کوتاهی نکردند؛ تهاجم فرهنگی، ایجاد مشکلات سیاسی، اعمال تحریم‌های اقتصادی، جلوگیری از پیشرفت علمی و تهدید و اقدامات نظامی از بارزترین نمونه‌های این دشمنی‌ها بوده است. به نظر می‌رسد علت این دشمنی‌ها، علاوه بر لطمه‌های اقتصادی، فرهنگی و... که انقلاب اسلامی بر استکبار جهانی و صهیونیسم وارد کرده است، آن است که صهیونیست‌ها متوجه شده‌اند که این انقلاب در مسیر زمینه‌سازی برای ظهور منجی عالم بشریت و حکومت جهانی ایشان، قرار دارد و ادامه این مسیر موجودیت اسرائیل و صهیونیسم را با مخاطره جدی روبرو می‌کند.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی، ظهور، صهیونیسم، چالش‌ها.

مقدمه

یکی از موضوعات مهم که ابعاد مهم دینی، سیاسی، اجتماعی و تاریخی و... دارد، موضوع یهود و بنی اسرائیل است که سابقه چندین هزار ساله دارند و تاریخ پر فراز و نشیبی داشته‌اند.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (saeidbakhshy@atu.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری قرآن و مستشرقان جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول) (Hasan.sham.abadi21@gmail.com).

۳. کارشناسی ارشد علوم حدیث گرایش تفسیر اثری دانشگاه قرآن و حدیث (mohammadkazemi1359@gmail.com).

در عصر حاضر، بخش مهمی از یهودیان جهان در قالب صهیونیسم، به فعالیت سیاسی و... در سطح جهانی پرداخته‌اند و بر بسیاری از مراکز مهم جهانی نیز تسلط پیدا کرده‌اند. صهیونیسم از موضوعاتی است که جای تحقیق و پژوهش فراوانی دارد و البته تاکنون پژوهش‌ها و تحقیقات فراوانی نیز پیرامون آن صورت گرفته است. یکی از ابعاد صهیونیسم، که پژوهش حاضر نیز درصدد تبیین آن است و کمتر بدان توجه شده، آن است که دشمنی صهیونیسم جهانی با انقلاب اسلامی از امور واضح و قطعی است که از ابتدای انقلاب اسلامی وجود داشته است.

از طرف دیگر این انقلاب با هدایت و رهبری امام خمینی رحمه الله علیه و مقام معظم رهبری، مقدمه‌سازی برای ظهور را جزء اهداف اصلی خود قرار داده است که نتیجه آن به مخاطره افتادن موقعیت اسرائیل در منطقه و کشورهای اسلامی است این مخاطره به گونه است که **إن شاء الله** منجر به حذف اسرائیل به فرموده امام خمینی رحمه الله علیه این غده سرطانی از منطقه می‌گردد (موسوی خمینی، ۱۳۸۳ ش: ج ۱۰، ۱۵۹). چنانچه رهبری معظم انقلاب نیز در سخنرانی خوشان در سال ۱۳۹۴ تصریح کردند که «رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید».

این پژوهش درصدد تحقیق و کاوش در این موضوع است که ارتباط انقلاب اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور توسط انقلاب را تبیین کند و سپس مشخص این موضوع را مورد بحث قرار دهد که بخش مهمی از دشمنی‌های صهیونیسم با این انقلاب ناشی از همین مقدمه‌سازی برای ظهور است. به تعبیر دیگر، تقابل و دشمنی صهیونیسم با انقلاب اسلامی از ابتدای انقلاب بوده است و هم اکنون نیز ادامه دارد که البته ریشه‌های این دشمنی، فراتر از مسائل اقتصادی و سیاسی و... است. یکی از علل مهم این دشمنی، آن است که انقلاب اسلامی از آغاز، یکی از اصلی‌ترین اهداف و رویکردای خود را مقدمه‌سازی برای ظهور منجی بشریت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف قرار داده است که بنیان ظالمان و ستمکاران را نابود می‌سازد.

معناشناسی صهیونیسم

واژه صهیونیسم از کوه صهیون در قدس و به طور کلی، سرزمین مقدس گرفته شده است (المسیری، ۱۳۷۴ ش: ۸) و به کسی که دل باخته کوه صهیون باشد، صهیونیسم اطلاق می‌شود (میخائیل ایوانف، ۱۳۸۶ ش: ۸۱). گفته شده این کوه در جنوب غربی بیت المقدس و زادگاه حضرت داوود علیه السلام و محل استقرار حضرت سلیمان علیه السلام بوده و گاهی نزد یهودیان به معنای شهر قدس و شهر برگزیده و مقدس به کار می‌رود (واعظی، ۱۳۷۹ ش: ۱۱).

صهیونیسم در اصطلاح، جنبشی است که هدف آنها به زعم خودشان، بازگشت یهودیان^۱ به وطن اصلی شان یعنی فلسطین می باشد که صهیون هم پایتخت آن می باشد. قرن ۱۹ آغاز این تفکر بود و بعد از وعده بالفور و تعهد انگلستان مبنی بر کمک و ایجاد وطنی قومی برای یهودیان که به رسمیت شناخته شد و محقق گردید (معین، ۱۳۷۱ ش: ج ۵، ۱۰۴۶). همچنین گفته شده است که صهیونیسم، حرکتی است که در همه ادوار تاریخ از سوی یهودیان وجود داشته اند و تاریخ، رنگ و نژاد و خون خودشان را برتر و والاتر از دیگران می دانستند و برای بازگشت به اورشلیم همواره در تلاش بوده اند (گارودی، ۱۳۷۷ ش: ۵۶).

همچنین گفته شده که صهیونیسم، کسی است که به عشق صهیون، تارک مادیات شده و به مراسم مذهبی و نماز در آن مکان پرداخته است. لذا یهودیان هنگامی که در صهیون مستقر شدند کار نمی کردند بلکه امورات آنها از طریق صدقات اقلیت های یهودی که از اقصى نقاط جهان فرستاده می شد امرار معاش می کردند و زندگی در فلسطین، یک کار دنیایی به شمار نمی رفت، بلکه یک امر معنوی محسوب می شد که در آخرت پاداش نصیب او شود (المسیری، ۱۳۷۴ ش: ۱۲۳). البته طبق دیدگاه روزه گارودی فیلسوف فرانسوی در بیان هویت صهیونیسم، یهودیان صهیونیست هیچ اعتقادی به دین و خدا و پیامبر و وحی ندارند و رنگ دینی به خود گرفته اند و از اعتقادات مذهبی یهودیان سوء استفاده می کنند (گارودی، ۱۳۷۷ ش: ۵۶).

به نظر می رسد صهیونیسم یک پدیده جدید است که در دوران جدید پا به به عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در بستر دین یهودیت نهاد که از یک جهت ریشه در خوی نژادپرستانه و سایر صفات منفی قوم یهود دارد و از جهت دیگر با در اختیار داشتن امکانات عصر مدرن به صورت فراگیر به دنبال مقاصد شیطانی و قدرت طلبانه خویش است.

ابعاد صهیونیسم

صهیونیسم دارای ابعاد گوناگونی است که با کاوش در این مسئله می بینیم صهیونیسم تقسیم بندی و اقسام مختلفی ذکر کرده اند، اما ما آن را در سه گونه اصلی سیاسی، فرهنگی و مذهبی تقسیم می کنیم هرچند به نظر می رسد صهیونیسم حقیقتی واحد با اهداف گوناگون است که مهم ترین آنها صهیونیسم سیاسی بوده و پیگیر بازگشت یهودیان به فلسطین است.

۱. برای آشنایی اجمالی با پیشینه یهود (ر.ک: بخشی، ۱۳۹۶ ش: ۴۱-۴۳).

۱. صهیونیسم فرهنگی

صهیونیسم فرهنگی با مهاجرت یهودیان به فلسطین، مخالف است و در انتظار ماشیح یعنی رهایی بخش به سر می‌برند، این نوع از صهیونیسم، در تقسیم‌بندی دیگری به دینی و غیردینی تقسیم می‌شود. صهیونیسم دینی، اعتقادشان بازگشت به سرزمین موعود به دست خداست و این کار به دست بشر امکان‌پذیر نیست. صهیونیسم دینی، نیز بر دو گونه است صهیونیسم یهودی و صهیونیسم مسیحی^۱ و این گروه صهیونیسم دینی و فرهنگی را یکی دانسته‌اند. در مقابل صهیونیسم دینی، صهیونیسم غیردینی قرار دارد که صهیونیسم لائیک هم گفته می‌شود که با تکیه بر استدلال‌های تاریخی و سیاسی و علمی بر اسکان یهودیان در فلسطین مشروعیت می‌بخشند (جنتی، ۱۳۸۴ ش: ۲۰۸-۲۱۰). صهیونیسم سکولار در غرب که در محافل فیلسوفان رمانتیک ظاهر شد که با احتجاجات علمی و تاریخی به اسکان یهودیان در فلسطین تأکید می‌کردند. این صهیونیسم تحت عنوان صهیونیسم غیر یهود یا اغبار نام گرفت (گارودی، ۱۳۷۷ ش: ۲۵-۳۰).

۲. صهیونیسم دینی

صهیونیسم مذهبی یک ایدئولوژی ترکیبی از صهیونیسم و یهودیت است. صهیونیسم مذهبی یا صهیونیسم دینی، با تفسیر عرفانی از سرزمین و مردم یهود با سرزمین اسرائیل دارد. صهیونیسم با ترکیب احساسات مذهبی یهود و ملی‌گرایی و با استفاده از یهودستیزی برخی کشورها، یهودیان را به مهاجرت به فلسطین تشویق می‌نمود (المسیری، ۱۳۷۴ ش: ج ۶، ۴). خاخام آبراهام اسحاق کوک از برجسته‌ترین نمایندگان صهیونیسم مذهبی به شمار می‌رود. او به یک ایده‌پردازی برای یهودیان نسبت به سرزمین فلسطین پرداخته و می‌گوید با استقرار یهودیان در فلسطین می‌توان در زندگی حضور زنده یهود را به وضوح دید و تجلی روح الهی در قوم یهود مشروط به استقرار در سرزمین اسرائیل است (همان: ۲۹-۳۳). کوک این عقیده را داشت که صهیونیسم جنبشی مذهبی عمیق است که برای تقوا و دین داری از مواهب خاص

۱. مسیحیت، دارای سه فرقه اصلی کاتولیک، ارتدکس و پروتستان است. مسیحیت کاتولیک و ارتدکس به خاطر نظام سلسله مراتب کلیسایی کمتر دچار فرقه‌گرایی شده‌اند، اما مسیحیت پروتستان به خاطر نداشتن مرجعیت واحد، فرقه‌های بسیار زیادی دارد. مسیحیت صهیونیستی، مربوط به یکی از فرقه‌های پروتستانی به نام «اونجلیکال» یا «انجیل‌گرا» است که به ظاهر کتاب مقدس تأکید دارند. آنان با این اعتقاد که بازگشت عیسی مسیح (ع) ، مشروط به بازگشت یهودیان به فلسطین است؛ از تشکیل حکومت یهودیان در سرزمین اشغالی حمایت می‌کنند. این باور که در میان بیشتر مسیحیان مقبولیت ندارد، در ایالات متحده آمریکا از نفوذ و قدرت زیادی برخوردار است (مفتاح، ۱۳۹۹ ش).

بهره می گیرد که قوم یهود از آن بی بهره نیست و قائل به این بود که معنویت درونی و اعمال فردی هر یک از یهودیان بر قداست قوم می افزاید (اپستاین، ۱۳۸۸ ش: ۳۷۹-۳۸۱).

۳. صهیونیسم سیاسی

جنبش صهیونیسم به عنوان یک تشکل سیاسی، توسط تئودر هرتزل بنیان گذاری شد. او در سال ۱۸۹۶ کتاب دولت یهود را منتشر کرد و تصریح کرد تنها راه حل مشکل، ایجاد دولت مستقل یهودی در سرزمین متعلق به یهودیان میسر می باشد. هرتزل در اولین کنگره صهیونیستی که در شهر بال در کشور سوئیس تشکیل داد اعلام کرد که چون مشکل یهود، بین المللی است، پس همه ملل هم در حل این مشکل بکوشند. او همچنین اعلام کرد که سنگ بنای خانه ای که ملت یهود در آن سکنا خواهد گرفت را بنا می کنیم و صهیونیسم به دنبال وطن ملی - یهودی در فلسطین با ضمانت قانونی و شناسایی بین المللی است (اوبراین، ۱۳۶۹ ش: ۵۲).

صهیونیسم سیاسی مسئله عمده اش این است که مسئله صهیونیسم را کاملاً جدید ارائه دهد و دولتی یهودی تأسیس کرد که همه یهودیان در آن جمع شوند (گارودی، ۱۳۷۷ ش: ۵). آنان در صدد بود تا علاوه بر ایجاد یک وطن یهودی، تلاش کند تا قانون بین الملل آن را ضمانت کند و به رسمیت بشناسد (جریس و خلیفه، ۱۳۸۱ ش: ۵۱۸).

هرتزل کاملاً به خداوند شکاک بود و گرایش سیاسی بود نه مذهبی. لذا صهیونیسم را به شکلی نو و جدید مطرح کرد و تفکرات سیاسی اش را می توان در سه جمله خلاصه کرد:

۱. یهودیان دنیا در هر کشوری که باشند در مجموع یک قوم را تشکیل می دهند؛

۲. یهودیان در بین اقوام و مللی که زندگی می کنند قابل ادغام نیستند؛

۳. یهودیان در هر زمان و مکان تحت آزار و اذیت بوده اند (گارودی، ۱۳۶۹ ش: ۳۷).

به نظر می رسد راه حل هایی که تئودر هرتزل ارائه کرد نفی ورد ادغام و تحلیل (یهودیان در ملت های دیگر) نکته ای قابل توجه است. این موضوع که یهودیان باید در یک مکان خالی و بدون مدعی استقرار پیدا کنند بدان معناست که نباید به مردم بومی اهمیت داد و در واقعیت نیز این امر مشهود و از سیاست های مسلم و اصولی صهیونیسم سیاسی است که بدترین خسارت های مادی و معنوی را به مردم فلسطین وارد ساخته است.

اهمیت فوق العاده یهود از منظر قرآن

قرآن کریم بیش از همه انبیاء به انبیای بنی اسرائیل به ویژه حضرت موسی علیه السلام، اوصاف

یهود، کارشکنی آنان و... پرداخته^۱ طبق تحقیق و استقصای نگارندگان مقاله و مطالعه یک دور قرآن با رویکرد یهودپژوهی به این نتیجه رسیدیم، حداقل بیش از یک ششم آیات قرآن و حداکثر یک پنجم آن درباره قوم یهود و انبیای بنی اسرائیل، است. اختصاص این حجم از آیات نشان از اهتمام ویژه قرآن به قوم یهود و گویای این نکته است که یهود دشمن اصلی مسلمانان و یا یکی از دشمنان مهم آنان است و باید مسلمانان همواره در طول تاریخ به این دشمن استراتژیک توجه داشته باشند، قرآن در صفحه به صفحه و گاهی در آیه به آیه، مسئله یهود را مطرح و آنها را جلوی چشم مسلمانان قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد حکمت چنین مواجهه‌ای، هشدار و زنگ خطر برای مسلمانان در طول تاریخ است هم‌چنان که در دوران معاصر به ویژه دروان کنونی، قدرت رسانه‌ای، سیاسی، اقتصادی یهود با محوریت رژیم صهیونیستی اسرائیل و در نتیجه جنایت وحشیانه آنان علیه مردم مظلوم فلسطین و سایر مسلمانان را مشاهده می‌کنیم.

مواجهه تاریخی یهودیان با اسلام

دشمنی یهودیان و صهیونیسم کنونی با اسلام و جریان‌های برخاسته از آن، موضوع جدیدی نیست و حتی ریشه در قبل از اسلام دارد و دشمنی‌های کنونی نیز در تداوم همان دشمنی‌ها به شمار می‌رود. بنابر گزارش‌های تاریخی، یهودیان هم سال‌ها قبل از اسلام و هم بعد از بعثت پیامبر ﷺ و ظهور اسلام، به دشمنی و تقابل با این دین الهی پرداخته‌اند که در ادامه مقداری درباره این موضوع سخن گفته می‌شود.

۱. قبل از اسلام

برخی گزارش‌ها و اسناد تاریخی، یهودیان سال‌ها قبل از تولد پیامبر اسلام ﷺ، درصدد کشتن جد او عبدالمطلب بودند تا از تولد پیامبر ﷺ از نسل او جلوگیری کنند. آنان در ترور عبدالمطلب ناکام ماندند و سپس تصمیم به کشتن فرزندش عبدالله گرفتند و بارها قصد ترور او را داشتند که ناکام ماندند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۵، ۱۱). علاوه بر این، گفته شده که یهودیان، یکی از زنان یهودی که از کاهنان بود را فرستادند تا با عبدالله ازدواج کند و پیامبر ﷺ از این زن متولد شود. آن زن همیشه جلو عبدالله را می‌گرفت و پیشنهاد ازدواج را می‌داد اما بعد ازدواج عبدالله با آمنه دیگر این پیشنهاد را تکرار نکرد و زمانی که عبدالله علت آن را از او پرسید، پاسخ

۱. برای آشنایی اجمالی با یهود از منظر قرآن کریم (ر.ک: بخشی، ۱۳۹۶ش: ۴۳-۴۵).

داد که نوری در پیشانی تو بود که دیگر نیست (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۱، ۲۶).
نیز در یکی از گزارش های تاریخی چنین آمده که زمانی که حضرت محمد ﷺ، نه ساله و به قولی دوازده ساله بود^۱ ابوطالب عموی پیامبر ﷺ در مسیر تجاری شام نزدیک شهر بصری با صومعه و کلیسای بحیرا مواجه می شود او با دیدن پیامبر ﷺ، صحبت با او... و تطبیق آن با تمام اوصافی که در کتاب ها خوانده بود، به ابوطالب گفت:

او را به شهر و دیار خود بازگردان و از یهودیان محافظت کن که به خدا سوگند اگر آنچه من درباره این نوجوان می دانم، آنها بدانند، نابودش می کنند. ای ابوطالب، بدان که برادرزاده تو در آینده امری بزرگ و عظیم خواهد داشت؛ پس در حفاظت از او تلاش کن؛ بنابراین ابوطالب کارهای تجاری را به شتاب انجام داد و به مکه بازگشت (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ۳۷).

۲. بعد از اسلام

رسول خدا ﷺ وقتی به مدینه هجرت کرد، چند مشکل داشت. یکی از مشکلات، یهودیان مدینه و اطراف و اکناف آن بودند (سبحانی، ۱۳۸۲ش: ۴۴۶) که پیامبر ﷺ برای حل و برطرف شدن این مشکل، قرار دادی امنیتی دفاعی با یهودیان بست، البته در دو مرحله: الف) یهودیان ساکن مدینه که در دو قبیله اوس و خزرج پراکنده بودند؛ ب) یهودیان قبیله های معروف «بنی قینقاع»، «بنی نضیر» و «بنی قریظه»، بر این که آنان را بر دین و اموال شان تثبیت کرد و به سود و زیان آنان شرایطی مقرر فرمود (جدید بناب، ۱۳۸۵ش: ۴۰). قوم یهود به این نتیجه رسیدند که با تبعیت از دین پیامبر گرامی ﷺ نمی توانند به آرزو و امیال دنیوی خود برسند لذا علیرغم آن که با پیامبر ﷺ پیمان بسته بودند و علیرغم شناخت نشانه های پیامبر ﷺ که در تورات خوانده بودند باز هم به مخالفت با آن حضرت پرداختند. خصلت هایی مانند مال پرستی و ترس از خطرات مادی به نوعی از شجاعت یهودیان کاست که باعث شد برای جبران آن دست به خیانت بزنند و برای ضربه زدن به نهال نوپای اسلام کارهایی از جمله جاسوسی بر ضد مسلمان ها، مانع سازی برای اتحاد و همبستگی و تمسک به اصل مشهور «تفرقه بینداز و حکومت کن» انجام دادند (همان: ۶۶) و مهم تر از همه ایجاد ناامنی، از طریق فتنه انگیزی، توسط یهودیان بنی قینقاع، بنی نضیر، بنی قریظه و خیبر نام برد (همان:

۱. به گفته ابن اثیر و جمعی دیگر، حضرت نه ساله بود (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ۳۷). طبق بعضی از گزارش ها نیز آن حضرت، دوازده ساله بود (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۸۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۲۲۹).

(۵۱) که بعضی از آنها بدون درگیری، شکست خوردند و بعضی پس از درگیری به شکست منتهی شد، که البته پیامبر ﷺ با همه آنان طبق مفاد پیمان نامه‌ای که با آنان بسته بود رفتار کرد و عده‌ای را تبعید و عده‌ای را نیز اعدام کرد (سبحانی، ۱۳۷۵: ش: ۳۲۲).

فرهنگ زدایی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ابزارهای دشمنان اسلام از صدر اسلام تاکنون بوده است. یهودیان در مدینه فعالیت‌های بسیاری در این باره انجام دادند که مهمترینش القاء شبهات فکری عقیدتی بین مسلمین بود تا از پیشرفت اسلام جلوگیری کنند (جدید بناب، ۱۳۸۵: ش: ۶۶). انکار مسائل مهمی مانند توحید، نبوت و معاد تا از این طریق به اهداف دنیوی خود برسند (همان: ۹۰). طرح شبهاتی مثل نسبت فقر به خداوند متعال (آل عمران: ۱۸۱) اختصاص عالم آخرت برای یهودیان (بقره: ۹۴) دوستی با خداوند (جمعه: ۶) ادعای فرزندان خدا بودن (مائده: ۱۸) مصادره انبیای بزرگ به نفع خویش (آل عمران: ۶۵-۶۸) حب ارتداد مسلمانان (آل عمران: ۶۹) تلاش برای بازگرداندن یهودیانی مسلمان شده از اسلام (آل عمران: ۷۲) مهم‌تر از همه کتمان و تحریف عالمانه واقعیات از نظر درون دینی و برون دینی (بقره: ۷۵، ۱۴۶ و ۱۷۴؛ نساء: ۴۶؛ مائده: ۱۳؛ سبحانی، ۱۳۷۵: ش: ۳۰۱). توییح یهودیانی که مسلمان شده بودند (همان: ۳۰۰) هم جزو فعالیت‌های آنان در این زمینه بوده است. در حوزه اقتصادی هم کارشکنی‌های زیادی داشتند که مانع سرعت پیشرفت اسلام شده بودند از جمله قرض‌هایی که از مسلمین گرفته بودند و امانت‌هایی که مسلمان‌ها به یهودیان می‌سپردند در پس دادن خودداری می‌کردند و می‌گفتند علت ابطال این حقوق، اسلام است (جدید بناب، ۱۳۸۵: ش: ۹۹) و دیگر این که به نزد مسلمین می‌رفتند و به بهانه دلسوزی آنان را از کمک به فقرای مسلمین باز می‌داشتند (سبحانی، ۱۳۷۵: ش: ۳۰۱).

رسول اکرم ﷺ همه طرق مسالمت‌آمیز مانند انعقاد پیمان نامه و دعوت به حق و حقیقت و تحمل یهود و از طرف دیگر احترام به یهودیان مباحثه و مناظره، تحدی و هشدار و تمام طرق را نسبت به یهود امتحان کرد اما روز به روز بر دشمنی یهودیان به اسلام افزوده می‌شد به همین علت، پیامبر ﷺ فرمان جهاد داد و برطبق پیمانی که با آنها بسته بود مجازات‌شان کرد (همان: ۳۱۴).

۳. در عصر حاضر

از آنچه تاکنون ذکر شد روشن می‌شود که دشمنی یهودیان با مسلمانان از همان ابتدای اسلام وجود داشته است و آنان با ابزارهای گوناگون درصدد ضربه زدن به مسلمانان و تسلط بر

آنان بوده اند و دشمنی صهیونیسم با اسلام در زمان کنونی در تداوم همان دشمنی هاست و مسلمانان می توانند با ایمان و استقامت بر این دشمنی ها پیروز شوند.

امروزه مطبوعات، رسانه، خبرگزاری ها، سینما، تئاتر و به طور کلی وسایل ارتباطات جمعی، نقش بسیاری در آگاهی مردم دارند و قدرت دارند نظرات مردم را درباره امور مختلف و حتی در جهت خلاف واقعیت سوق دهند. دنیای غرب به ویژه صهیونیست از این امر مهم غافل نمانده و جهت تسخیر بیشتر مراکز اطلاعاتی چون خبرگزاری ها و رسانه های جهان پیام رسانه ای بین المللی نشریه های کشورهای قدرتمند سینماها شبکه های تلویزیونی و... باتمام توان به نفع خود و ضدیت با اسلام به پیش می روند (جدید بناب، ۱۳۸۶ ش: ۶۹). همچنین از آن جا که مراکز دانشگاهی و علمی برای رساندن پیام و اهداف اصلی مکتب یا گروهی نقش حساس و معین دارند صهیونیست ها جهت نشر و گسترش اهداف شان اقدامات عظیمی مانند تسلط بر دانشگاه ها و متون آموزشی عظیم و کارهایی از قبیل جعل معماری و هنر اسلامی به نام خود مانند ستاره داوود نبی انجام داده اند (همان: ۱۵۱-۱۵۲).

صهیونیست ها برای رسیدن به اهداف شان از مهم ترین امر یعنی تسلط بر اقتصاد جهان و به دست گرفتن مراکز اقتصادی و تجاری غفلت نکرده اند به عنوان مثال کل شرکت های نفتی صهیونیستی فعالیت شان در مناطق عربی و اسلامی است که این نشان دهنده این است که قصدشان خلع سلاح مسلمین و هدفشان تسلط بر جهان می باشد (همان: ۱۶۹).

اشغال فلسطین و آورده کردن ملت آن و ایجاد رژیم غاصب صهیونیستی در قلب کشورهای اسلامی نیز در راستای ضربه زدن به مسلمانان بوده است. صهیونیست ها بر طبق اهداف معین، تصمیم قطعی شان این شد که تشکیل حکومت شان در فلسطین باشد و به همین خاطر مقدمات این کار را فراهم کردند و در کشتار و قتل و عام بر هیچ کس ترحم نکردند و از نازی ها سبقت گرفتند اما مردم از وحشی بودن شان آگاه نیستند (همان: ۱۷۷). صهیونیست ها به اشغال و جنایت در فلسطین اکتفا نکردند و به دلیل اهمیت خاص راهبردی و حاصلخیزی اقتصادی خاورمیانه توجه خاصی به این منطقه کرده اند و با حربه های مختلف کوشش کردند نبض سیاست و اقتصاد این منطقه را به دست بگیرند و با نفوذ بر سیاستمداران کشورهای خاورمیانه برای به انحراف کشاندن مردم و حکومت، تلاش های بسیاری کرده اند تا چهره ای منفی از اسلام رحمانی به نمایش بگذارند و مانع نشر اسلام در جهان شوند (همان: ۱۸۲-۱۸۳). علاوه بر این، سقوط رژیم بعث عراق و تسلط آمریکا بر این کشور فرصتی طلایی بود برای حضور رژیم صهیونیستی در عراق و پتانسیل عراق برای اسرائیل از نظر اقتصادی یکی از

مهم‌ترین دلایل دلایل حمله آمریکا به عراق بود به علت این که عراق سرشار از منابع نفتی با ارزش و عظیم می‌باشد و عراق دارای دو حوزه نفتی است یکی در جنوب که بزرگ‌ترین منطقه نفتی این کشور است و یکی هم در شمال که ذخایر نفتی این دو حوزه به قدری عظیم است که با کل ذخایر نفتی آمریکا، روسیه، چین و مکزیک برابری می‌کند؛ رابرت فیسک می‌گوید:

بوش به نفت عراق چشم دوخته بود و هدفش از حمله فقط نفت بود. به نظر من اگر در بغداد یک حکومت آمریکایی مستقر گردد آمریکایی‌ها به ۱۱۲ میلیارد بشکه نفت دسترسی پیدا می‌کنند (رابرت، ۱۳۸۲ ش: ۸).

انقلاب اسلامی ایران و زمینه‌سازی ظهور

براساس ادله و شواهد مختلف می‌توان چنین استظهار کرد که انقلاب اسلامی ایران، حکومتی زمینه‌ساز ظهور است و علت اصلی دشمنی استکبار جهانی و صهیونیسم‌ها با این انقلاب به همین موضوع برمی‌گردد نه صرفاً مسائل سیاسی و اقتصادی و امثال آن.

درباره دلایل مقدمه‌سازی ظهور توسط انقلاب اسلامی، سخن بسیار است که به قسمتی از آن پرداخته می‌شود.

۱. آیات و روایات

الف) آیات و روایات عام

آیات و روایاتی که به صورت عام مسئله مبارزه با ظلم و ظالم، جهاد با کفار و مشرکین، دفاع از مظلوم، امر به معروف و نهی از منکر، اقامه دین، اقامه قسط، اقامه حدود و... را مطرح می‌کنند بر ادعای ما دلالت دارند.

همچنین روایاتی که در آنها دلایل غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) را خوف از جان (میرباقری، ۱۳۹۵ ش: ج ۱، ۳۱۳-۳۱۵)، نبود بیعت ظالمان (همان: ۳۱۶-۳۱۷)، ظلم و کوتاهی مردم در حق خودشان و یا عدم آمادگی (همان: ۳۱۸)، امتحان انسان‌ها (همان: ۳۱۹)، خروج مومنان از صلب کفار (همان: ۳۲۱)، عدم تکمیل یاران (همان: ۳۲۲)، دانسته این دسته از روایات (حدود ۳۱ روایت) به لحاظ فراوانی قابل توجه و اجمالاً معتبر می‌باشند.

بدیهی است که انسان‌ها و به طریق اولی حکومت‌ها، در ارتفاع موانع مذکور و زمینه‌سازی برای ظهور نقش‌آفرین هستند. چه بسا توجه معصومین و یادآوری این مسائل به همین دلیل است.

ب) روایات خاص

روایاتی که در آنها به طور خاص از مردمان سرزمین فارس (ایران) با ویژگی دستیابی به دین یا ایمان تمجید شده (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱۰، ۴۲۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۱۷۳). این روایات در کتب معتبر و منابع دست اول اهل سنت نیز موجود است (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۸، ۶۲؛ آیتی، ۱۴۰۰ش: ۱۱).

روایات مربوط به شهر قم و نقش مردم آن در آخرالزمان (میرباقری، ۱۳۹۵ش: ج ۴، ۸۶-۹۱ تعداد ۳ روایت) وجود اصحاب امام زمان در قم (همان: ۵۰۰ تعداد ۳ روایت) خروج (و قیام) مردی از قم (همان: ۲۷۶) وجود یاران امام زمان علیه السلام در طالقان (همان: ۵۰۱-۵۰۳ تعداد ۳ روایت) روایات خروج و قیام مردمانی از مشرق زمین که زمینه ساز حکومت مهدی علیه السلام خواهند بود (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ۸۷). گنجی شافعی از عالمان اهل سنت می گوید:

این حدیث، حسن و صحیح است که توسط ثقات و افراد مورد اعتماد نقل شده است (گنجی شافعی، ۱۳۶۲ش: ۴۹۱؛ نیز ر.ک: میرباقری، ۱۳۹۵ش: ج ۴، ۲۹۸ تعداد ۵ روایت و ۴۹۸ تعداد ۳ روایت؛ کورانی، ۱۳۶۸ق: ج ۲، ۲۰۰) در ادامه برخی از این روایات چنین دستور می دهد که «هر يك از شما یا بازماندگان شما این مردمان را درك کند، به آنان پیوندد؛ حتی اگر برای پیوستن به آنها لازم باشد از روی برف بخزد؛ زیرا آن پرچم ها، پرچم های هدایت است» (همان: ۲۰۰). پافشاری آنها بر مسیر حق تا زمان احقاق حق شان از نکات برجسته برخی از این روایات است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۷۳). همچنین روایات مربوط به قیام خراسانی نیز شاهد بر ادعای ما می باشد (میرباقری، ۱۳۹۵ش: ج ۴، ۲۷۱-۲۷۴ تعداد ۱۰ روایت) و در برخی روایات تمام یا اکثریت ۳۱۳ نفر یار اصلی امام زمان علیه السلام از عجم ها (غیر عرب) دانسته شده (همان: ۴۹۳).

۲. سخنان رهبران انقلاب اسلامی ایران

امام خمینی رحمته الله علیه از آغاز پیروزی انقلاب اعلام نمود که این انقلاب با ظهور حضرت بقیة الله عجل الله فرجه الشریف ارتباط دارد و این انقلاب، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش: ج ۲۱، ۱۰۸). به همین دلیل ایشان به مسئولان هشدار داده و گوشزد می نماید که:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (ارواحنا فداه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار

دهد(همان: ۳۲۷).

مقام معظم رهبری نیز که ادامه‌دهنده راه امام خمینی رحمته الله علیه است بارها بر زمینه‌سازی ظهور توسط انقلاب اسلامی ایران تأکید کرده است. از جمله در بیانیه‌ای که موسوم به «بیانیه گام دوم» در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ به مناسبت چهل سالگی انقلاب صادر کردند، به جوانان چنین خطاب کرده است:

دهه‌های آینده دهه‌های شماسست و شمائید که باید کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷).

چالش‌سازی صهیونیسم برای انقلاب اسلامی

با توجه به اهداف آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران به ویژه مسئله زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام، صهیونیست‌ها جمهوری اسلامی ایران را مانعی بزرگ در برابر اهداف پلید خویش می‌دیدند، لذا از هیچ تلاشی برای دشمنی و چالش‌سازی برای این انقلاب دست برنداشتند (شیرودی، ۱۳۸۱ ش: ۱۹۸). همان‌طور که در صدر اسلام و قبل از آن نیز بارها تلاش کردند تا مانع تولد، رشد و پیشرفت اسلام شوند و فتنه‌ها و جنگ‌ها به پا کردند.

بیان این نکته لازم است که بیشتر چالش‌هایی که از ابتدای انقلاب تاکنون برای جمهوری اسلامی ایجاد شده، توسط کشور آمریکا بوده است که متأسفانه تحت تسلط و نفوذ بسیار بالای صهیونیست‌ها قرار دارد. رخنه چهره‌های برجسته یهودی صهیونیست در عرصه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آمریکا به قدری عمیق و گسترده است که تقریباً هیچ تصمیمی در سطوح عالی این کشور گرفته نمی‌شود مگر آن‌که فرقه یهودی - صهیونیستی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر آنها تأثیر بگذارد (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ آذر ۱۴۰۲). از این رو، در واقع صهیونیست‌ها در حال تقابل با انقلاب و اهداف والای آن هستند و از دولت آمریکا نیز بیشترین استفاده را در این مسیر می‌کنند.

دشمنی صهیونیسم با انقلاب ابعاد گسترده‌ای دارد که در چند بعد فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... به این موضوع پرداخته خواهد شد.

۱. چالش فرهنگی

فرهنگ از جمله مهم‌ترین مسائلی است که برای سعادت و پیشرفت مادی و معنوی جوامع

مورد نیاز است و سلامت فرهنگ یک جامعه، سبب رشد و شکوفایی آن جامعه خواهد بود و انحراف فرهنگی نیز موجب حرکت جامعه در مسیری نادرست و پر از خطر و زیان خواهد گردید. بخش مهمی از فعالیت های صهیونیست ها در سطح بین المللی، در بخش فرهنگی است که ابعاد گسترده ای دارد. آنان با تسلط بر سینما، خبرگزاری ها و... نبض فرهنگ بسیاری از جوامع را در دست خود گرفته اند مثلاً از سینما به عنوان یکی از مهم ترین شاخصه های دوران مدرن یاد می شود. در حال حاضر در دوره ای به سر می بریم که مسئله گذر از جنگ نظامی و رو آوردن به قدرت نرم، مسئله ای جدید پیش روی دانشمندان حوزه های مرتبط با جوامع انسانی گشوده شده است و در این بین رسانه های تصویری مخصوصاً سینما جلوه بیشتری دارد. صهیونیسم تسلط کافی بر شرکت های بزرگ تولید فیلم از قبیل فاکس گلدن برادران وارنر پارامونت که تحت سلطه صهیونیست است، دارد. صنعت سینما در آمریکا دست یهودیان است و اکثر کارپردازان، صهیونیست ها هستند. علاوه بر این، چنگال اختاپوسی صهیونیسم به شبکه های تلویزیونی کشورهای اروپایی نیز رسیده است. صهیونیسم با صنعت سینما، فضائل اخلاقی را ذبح و مفاسد را ترویج می کند (الرفاعی، ۱۳۷۷ ش: ۴۳-۴۶).

سیطره و تسلط صهیونیسم بر رسانه های فراگیر و خبرگزاری های جهان امری غیرقابل انکار است و اهدافی که راشون خاخام یهودی در سال ۱۸۶۹ در سخنرانی خود در شهر پراگ با موضوع تسلط کامل بر رسانه های جمعی اعلام کرد، محقق شده است. از نگاه او، این رسانه ها، دومین ابزار تسلط بر جهان محسوب می شوند. تلاش برای به دست گرفتن جریان های اصلی خبر رسانی و مطبوعات با صرف هزینه های سرسام آور در سراسر دنیا، وابستگی بزرگ ترین رسانه های خبری دنیا مانند رویتر آسوشیتد پرس یونایتد پرس و نشریات معتبری مانند نیویورک تایمز واشنگتن پست تایمز دیلی اکسپرس و صدها نشریه دیگر به لابی صهیونیست ها حاصل تلاش های بی وقفه قوم یهود است (لک علی آبادی، ۱۳۹۲ ش: ۲۰). مقام معظم رهبری نیز در این باره می فرماید:

امروز دنیا، دنیای گفتمان تبلیغ تبیین و رسانه است. امروزه در برابر شما امپراتوری عظیم خبری دشمنان اسلام قرار دارد که در اختیار صهیونیست ها می باشد و امروزه یک اتوبان یک طرفه خبر و از طرف دیگر اتوبان تحلیل از رسانه های خبری به طرف تفکر عمومی دنیا جاری است (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش بین المللی رسانه های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۰ ش)

علاوه بر این، سازمان های بین المللی مانند یونسکو، که از آشکارترین فعالیت این سازمان،

تشویق ملت‌ها به مراکز فساد، سینما، تئاتر و برجسته کردن زندگی مرفهین بی‌درد و هنرمندان و کمونیست‌ها در کتاب‌های درسی است تا به صورت انسان‌هایی عظیم و والا جلوه کنند، از دیگر موارد تسلط یهودیان بر مراکز فرهنگی بین‌المللی است (الرفاعی، ۱۳۸۱ ش: ۱۰۶-۱۱۶).

یکی از چالش‌هایی که صهیونیسم در تقابل با انقلاب اسلامی در پیش گرفته است، تقابل فرهنگی است. چرا که فرهنگ یکی از شاخصه‌های اصلی جامعه ایرانی است و این فرهنگ نیز از گذشته تاکنون، آمیختگی زیادی با آموزه‌های دینی دارد. صهیونیسم جهانی با شیوه‌های گوناگون درصدد منحرف ساختن و ضربه زدن به این فرهنگ اصیل و دینی بوده است. آنان این هدف را با شیوه‌های گوناگون از جمله تهاجم فرهنگی و ترویج سبک زندگی غربی دنبال می‌کنند و در این راه از ابزار رسانه‌ها استفاده فراوانی می‌کنند. یکی از متفکران غربی درباره خطرات نفوذ یهودیان در سینما و نقش آن در انحطاط اخلاق و فرهنگ چنین می‌گوید:

یهودیان به واسطه دست گرفتن خبرگزاری‌ها، جهان را آن‌گونه که می‌خواهند به تصویر می‌کشند نه آن‌طوری که حقیقت دارد و خوراک جوان‌های ما را به وسیله فیلم‌های سینمایی که خودشان می‌خواهند به جوانان مان تحویل می‌دهند و آداب فرهنگ و سجایای اخلاقی که سالیان سال توسط معلم مربی و والدین یاد گرفته‌اند، در آن واحد از جوان‌ها می‌زداید (الرفاعی، ۱۳۸۱ ش: ۴۴).

نقش رسانه‌ها در تغییرات فرهنگی در کشور اسلامی ایران آن‌چنان برای صهیونیست‌ها اهمیت دارد که بنیامین نتانیاهو یکی از مقامات رژیم صهیونیستی معتقد بود که بهترین راه ایجاد دگرگونی در ایران، استفاده از ماهواره‌های فوق‌العاده قوی است که بتواند برنامه‌های هالیوود را در ایران پخش کند (روزنامه کیهان، ۱۵ مهر ۱۳۸۰). در حال حاضر، اینترنت و فضای مجازی، فرصت‌های بی‌نظیری برای ارتباط، دستیابی به اخبار، کسب و کار و فعالیت‌های مفید فرهنگی فراهم آورده است، ولی در عین حال، محلی برای ترویج مفاسد اخلاقی و افکار کفرآمیز و سبک زندگی غربی، بدحجابی و بی‌حجابی و غیر آن است که از طریق گوشی‌های تلفن همراه و... به راحتی در دسترس همگان است و آن‌گونه که باید، با این هجمه سنگین رسانه‌ای مقابله نمی‌شود و وظیفه مسئولان فرهنگی است که با تدبیر و تلاش جهادی، با این هجمه رسانه‌ای ویرانگر مقابله نمایند.

از جمله چالش‌های فرهنگی، جریان «مسیحیت صهیونیستی» است که علاوه بر ابعاد فرهنگی، دارای ابعاد سیاسی، نظامی و... نیز می‌باشد. از فعالیت‌های جریان مسیحیت صهیونیستی:

- آماده سازی ذهنی مردم و سعی در القای آموزه های آخرازمانی توراتی با استفاده از رسانه های غربی به ویژه فیلم های سینمایی هالیوود و بازی های کامپیوتری طی سه دهه اخیر، مخدوش نشان دادن چهره اسلام و مسلمانان در دنیا به ویژه خرافه و اسطوره خواندن باور به مهدی موعود؛

- تمسک به حربه قریب الوقوع جلوه دادن ظهور مسیح، برای محتوم نشان دادن سلطه یهودیت و مسیحیت بر کل جهان در هیئت حکومت جهانی؛
- تلاش برای فرقه سازی (شیخیه، بابیت و بهائیت و...) و سعی در ایجاد تفرقه میان شیعیان که مهد اندیشه اصیل و حقیقی مهدویت در میان آنان است (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰ ش: ۹۰-۹۳).

یکی از نتایجی که می توان از این مطالب گرفت آن است که یهود در دوران پیش از ظهور در تلاش و تلاطم است تا رقیب جدی خود در زمینه آخرازمان یعنی اسلام شیعی را بر زمین زند و با تمام قوای خود اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی تلاش دارد تا آنچه را که از کتاب تحریف شده خود توهم نموده و مطابق با اغراض شیطانی است به منصفه ظهور رساند و آرمان خیالی از نیل تا فرات را در قلب عالم اسلام ایجاد نماید (بخشی، ۱۳۹۶ ش: ۴۷).

۲. چالش سیاسی

بعد سیاسی یکی از برجسته ترین ابعاد جمهوری اسلامی به شمار می رود که به تغییر نظام شاهنشاهی و تبدیل آن به نظام مردم سالاری دینی اقدام کرد. این نظام، چون بر پایه مردم سالاری و قوانین دینی پایه گذاری و شعار نه شرقی و نه غربی شده بود، می توانست الگویی برای بسیاری از کشورهای تحت سلطه باشد، لذا از سوی استکبار جهانی و صهیونیست ها و... به شدت مورد دشمنی قرار گرفت و از همان ابتدای پیروزی انقلاب، با توسل به ابزارهای مختلف مثل تحریک قومیت های مختلف در ایران علیه جمهوری اسلامی ایران بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب، کودتای نافرجام نوژه، حمله آمریکا به ایران و شکست مفتضحانه آنان در صحرای طبس، تحمیل جنگ هشت ساله ایران و عراق و خسارت های برآمده از آن، اعمال تحریم های فلج کننده، فتنه های گوناگون مثل فتنه سال های ۷۸، ۸۸، ۹۶ و ۹۸ و ۱۴۰۱ و حمایت مستقیم آمریکا و اسرائیل از اغتشاشگران، همگی درصدد به شکست کشاندن نظام جمهوری اسلامی و جلوگیری از موفقیت آن بوده و علاوه بر قطع رابطه سیاسی از سوی ایالات متحده آمریکا، به فعالیت های تخریبی مانند ترور شخصیت های مهمی همچون

شهید بهشتی و رجایی، صیاد شیرازی و... به ویژه شهید سپهبد قاسم سلیمانی پرداختند. این چالش سازی در طول سال ها، تقابل با جمهوری اسلامی ادامه یافت. در این راستا می توان به ناکارآمد نشان دادن جمهوری اسلامی و ناکارآمد جلوه دادن دین در اداره جامعه در عین کارآمدی، تلاش برای منزوی ساختن جمهوری اسلامی در سطح بین الملل، تحریم شخصیت های مختلف سیاسی کشور، بدنام کردن مسئولان سیاسی با شیوه های گوناگون مانند شایعه و دروغ و یا مطالب حقیقی، تقابل سازی میان ایران و همسایگان، ایجاد تفرقه بین مسلمانان، چالش سازی برای کشورهایی که با ایران، ارتباط سیاسی و اقتصادی و... دارند، اشاره نمود.

یکی از دیگر از ابعاد چالش سیاسی صهیونیسم در بعد سیاسی آن است که صهیونیسم، بسیاری از سازمان های عظیم جهانی را تحت سلطه خود درآورده است مانند مجمع عمومی سازمان ملل متحد که از ابتدای تأسیس، یهود بر آن تسلط داشته است (شورای امنیت) که در حقیقت به اجرای نقشه صهیونیست ها علیه جمهوری اسلامی می پردازد. آنان همچنین، با برنامه ریزی دقیق توانسته مهم ترین مراکز اطلاع رسانی در دنیا را به دست بگیرند و همین موضوع نیز سبب شده که بتوانند گاهی از طریق این رسانه ها، از لحاظ سیاسی و... بر جمهوری اسلامی فشار وارد سازند. امروزه مهم ترین خبرگزاری ها همچون رویتر، آسوشیتدپرس یونایتدپرس اینترنشنال مجله های فاسد و کفرآمیزی (ساندی تایمز) که هفته ای میلیون ها به چاپ می رسد (نیوز آو د ورد) که هر هفته میلیون ها به چاپ می رسد منچستر گاردین، گرافیک سندی بایبل و مجلات دیگر که تیتراژ بالایی دارند متأسفانه تحت سلطه صهیونیسم جهانی است (خبرگزاری مهر، پنجم مهرماه ۱۳۹۲). نمونه ای از خبررسانی توسط صهیونیست ها، زمان شروع جنگ جهانی دوم و حمله هیتلر به کشورهای اروپایی بود که به خاطر دستیابی به رسانه های خبری، کارهای هیتلر را بزرگ جلوه داد و از کشتارهای جمعی اخبار دروغ به دست مردم رساندند و به دست مردم رساند (اقلیدی نژاد، ۱۳۸۰ش: ۵۷).

۳. چالش اقتصادی

یکی از رویکرهای صهیونیسم در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران، راهکار فشار اقتصادی، تحریم و... است.

در حال حاضر ایران با بی سابقه ترین تحریم ها در تاریخ خود روبروست؛ به طوری که می توان درباره آن اصطلاح جنگ اقتصادی را به کار برد. جنگ اقتصادی به طور خلاصه

عبارتست از استفاده از ابزارهای اقتصادی علیه یک کشور به منظور تضعیف اقتصاد آن کشور و در نتیجه کاهش قدرت سیاسی و نظامی و همچنین تغییر سیاست‌ها یا رفتار و حتی رژیم حاکم بر کشور مورد نظر. تحریم‌ها، بلوکه کردن دارایی‌ها، تعلیق کمک‌ها، ممانعت از سرمایه‌گذاری یا ورود سایر سرمایه‌ها و مصادره اموال و دارایی‌های یک کشور از نمونه‌های مصادیق معمول جنگ اقتصادی می‌باشند (منظور و مصطفی پور، ۱۳۹۲).

یکی از علل این فشارها آن است که صهیونیست‌ها بر بسیاری از مراکز مهم جهانی که با اقتصاد جهانی مرتبط است تسلط دارند؛ مثلاً «سازمان خواربار و کشاورزی» که ظاهراً بر بالا بردن کیفیت سطح تغذیه تشکیل شده است اما در واقع در پی تسلط بر سبک زندگی مردم جهان از طریق مواد غذایی است، یا «مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد» که گرداننده آن یهودیان هستند یا «بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه»، یا «کمیساریای عالی پناهندگان» که کار اصلی آن، اسکان یهودیان در نقاط و مراکز مهم جهان است یا «صندوق بین‌المللی پول» که با مقررات ملت‌های مظلوم و فقیر بازی می‌کنند و امور اقتصادی ممالک ضعیف را به دست گرفته و بازیچه خود قرار داده‌اند، تسلط دارند (الرفاعی، ۱۳۸۱ ش: ۱۰۶-۱۱۶).

جیمز وولسی رئیس اسبق CIA قبل از حمله آمریکا به عراق اظهار داشت به محض تصرف عراق نفت این کشور رابه دست می‌گیریم و با تولید سه میلیون بشکه نفت در روز، عربستان را به زانو در می‌آوریم و اوپک را منحل می‌کنیم و ایران هم مانند قطعه کیکی است که به راحتی می‌خوریم (میثمی، ۱۳۸۴ ش: ۴).

امروزه ایران تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی از سوی غرب قرار دارد که رژیم صهیونیستی در این میان بیشترین سهم را در مجبور کردن غرب مخصوصاً آمریکا برای تحریم علیه ایران دارد (پتراس، ۱۳۸۸ ش: ۲۵۰). یکی از دلایل اعمال این تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی، ضربه سنگین اقتصادی است که انقلاب اسلامی بر پیکره صهیونیسم جهانی و رژیم اسرائیل وارد ساخته است. چرا که با پیروزی انقلاب اسلامی، این رژیم اشغالگر، متحمل خسارات زیادی شد که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. از دست دادن منابع نفتی که علی‌الظاهر تضمین شده تلقی می‌شد؛
۲. از دست دادن یک خریدار مهم کالاهای صنعتی و کشاورزی؛
۳. از دست دادن کشوری که بیشترین امکانات را برای شرکت‌های خدماتی و مالی اسرائیل فراهم کرده بود (الهی، ۱۳۶۵ ش: ۱۳۵).

یکی از تهدیدات پیشرفت اقتصادی ایران برای اسرائیل، در مورد رابطه جمهوری اسلامی

ایران و گروه‌های مقاومت در منطقه است. مخصوصاً حمایت ایران از حزب الله، حماس و جهاد اسلامی از منظر اسرائیل خطرناک تلقی می‌شود. اسرائیل معتقد است که وقتی ایران اقتصاد قدرتمندی دارد به همان اندازه توان بیشتری برای سازمان‌دهی گروه‌های جهادی مخالف اسرائیل و گروه‌های مبارز خواهد داشت. لذا همیشه تلاش کرده است با وارد کردن فشار بر ایالات متحده آمریکا را مجبور به اعمال تحریم‌هایی علیه ایران کند تا در تضعیف توان مالی و اقتصادی ایران سهم به سزایی داشته باشد (متقی، ۱۳۷۶: ۲۹).

از دیگر دلایل اصلی فشارها و تحریم‌های اقتصادی غرب بر جمهوری اسلامی، فشار بر مردم ایران است تا سطح زندگی مردم پائین آمده و تورم، فقر و... گسترش یابد و این مسئله در اعتقاد و رفتارهای دینی و فرهنگی مردم نیز نقش منفی ایفا کند. علاوه بر این، چون مردم به صورت مستقیم و روزانه، با مقوله اقتصاد درگیر هستند، وقتی تحت فشار اقتصادی و تورم و مشکلات اقتصادی قرار گیرند ممکن است از حمایت حکومت دست بردارند و جمهوری اسلامی از پشتیبانی مردمی کافی برخوردار نباشد.

بحمدلله این فشارها تاکنون نتیجه مطلوب آنان را در پی نداشته است و مردم به حمایت خود از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند البته لازم است مسئولان محترم نسبت به مسائل اقتصادی اهمیت بیشتری داده تا آثار تحریم‌ها را به حداقل برسانند اما در عین حال، چون این انقلاب، یکی از اهداف اصلی خود را مقدمه‌سازی برای ظهور دانسته است، لذا مسئولان محترم، در عین حال که تلاش می‌کنند تا مسائل و مشکلات اقتصادی حل شود، نباید از آن هدف والا غفلت نمایند. چنانچه امام خمینی رحمه الله اعتقاد داشت که:

مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۴: ج ۲۱، ۳۲۷).

۴. چالش علمی

در حال حاضر، علم و تکنولوژی در تمام ابعاد زندگی بشر رسوخ کرده است و علم و تکنولوژی، سبب رونق و رشد در همه ابعاد صنعتی، کشاورزی، پزشکی، هسته‌ای و... می‌گردد و تردیدی نیست که توان و پیشرفت علمی، یکی از پایه‌های رشد و پیشرفت هر کشوری است و از ابزارهای قدرت‌سازی و رها شدن از سلطه دیگران به شمار می‌رود. چنانچه در سخنی از امیرالمؤمنین علیه السلام از علم به «سلطان» یعنی عامل اقتدار تعبیر شده (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۲۰، ۳۱۹).

یکی از چالش های مهم غرب و صهیونیسم علیه جمهوری اسلامی ایران، آن است که تا حد توان، مانع از انتقال علم و فناوری و تکنولوژی از کشورهای دیگر به ایران می شوند. چنانچه مقام معظم رهبری در سخنانی به این موضوع چنین تصریح کرده است:

توجه داشته باشید که طرف مقابل [جبهه دشمن] روی این نکته به خصوص توجه دارد، روی این نکته برنامه ریزی می کنند. بر روی همین نقطه «دیپلماسی علمی» برنامه ریزی می کنند و اهداف خودشان را دنبال می کنند. اگر با توجه، با آگاهی، با بصیرت، کار انجام بگیرد، ما کاملاً موافق هستیم. از پیشرفت علمی ما هم راضی نیستند. بخشی از این کارهایی که امروز در زمینه تحریم و امثال اینها مشاهده می کنید، مربوط به همین است که نمی خواهند جامعه ایرانی به این اقتدار درون زا دست پیدا کند؛ که اقتدار علمی، یک اقتدار درون زا است (سایت مقام معظم رهبری، ۱۵ مرداد ۱۳۹۲).

تحریم علمی ابعاد مختلفی دارد به عنوان مثال، طبق گزارش رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران، برای چاپ مقالات محققان ایران در سطح بین المللی سخت گیری می کنند و تحریم علمی نیز در کنار تحریم های اقتصادی و سلامت آغاز شده که باعث کند شدن ارتقای امتیاز علمی ایران می شود. ایشان با اشاره به قطع همکاری با محققان ایرانی و تحریم علمی آنان، تصریح کرد:

به عنوان مثال در آمریکا همکاری اساتید دانشگاه های این کشور با محققان در ایران را قطع می کنند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ فروردین ۱۴۰۳).

یکی از چالش های جدی علمی که کشور با آن روبروست، فرار مغزهاست که نخبگان کشوری به دلایل مختلف به کشورهایمانند آمریکا، انگلیس، آلمان و... مهاجرت می کنند که زیان های بزرگی بر کشور وارد می گردد. مهاجرت یا فرار مغزها، دلایل مختلف از جمله نبود حمایت کافی از بسیاری از نخبگان در کشور دارد. دلایل دیگری نیز وجود دارد؛ به عنوان مثال، تمام ورودی های با رتبه دو رقمی کنکور سراسری دانشگاه های کشور، هر سال از بهترین دانشگاه های دنیا دعوت نامه دریافت می کنند. قریب نود نفر از ۱۳۵ دانش آموزی که در سه سال گذشته در المپیادهای علمی صاحب مقام شده اند، در یکی از بهترین دانشگاه های آمریکا به تحصیل مشغول شده اند (حسن وقوفی، ۱۴۰۰ش: ۵۰).

یکی از موضوعاتی که فشار و تحریم علمی در آن، مشهود است، موضوع انرژی و تکنولوژی هسته ای است، چرا که آینده جهان از آن این گونه انرژی های نو و باارزش است که از

مؤلفه‌های قدرت‌زایی برای کشورها نیز به شمار می‌روند. لذا صهیونیست‌ها نمی‌خواهند ایران به تکنولوژی هسته‌ای دست پیدا کند و در مسائل بین‌المللی، دست برتر داشته باشد. از این رو، با تلاش فراوان از جمله ترور دانشمندان هسته‌ای، درصدد مانع‌سازی در دسترسی جمهوری اسلامی به این دانش هستند.

۵. چالش نظامی

چالش نظامی صهیونیسم علیه انقلاب اسلامی، ابعاد گسترده‌ای دارد که در این پژوهش مجال پرداختن گسترده به آنها نیست. لذا در این جا به گوشه‌ای از این مسئله پرداخته می‌شود.

در اوایل انقلاب، دولت‌های غربی به تحریک و تشویق و تجهیز صدام پرداختند تا به کشور ایران حمله نظامی کند و جنگی هشت ساله را بر این کشور تحمیل کردند که صدها هزار شهید و مجروح و اسیر و... بر جای گذاشت و هنوز هم آثار ناگوار این جنگ ادامه دارد. از نکات عجیب این جنگ آن بود که بین دو کشور مسلمان ایران و عراق صورت گرفت و به جای این که این دو کشور مسلمان، قدرت خود را جمع کنند و با دشمن ثالثی مانند اسرائیل بجنگند، با هم به جنگ پرداختند. همین مسئله تردید انسان را برمی‌انگیزد که پشت پرده تحریک صدام به این جنگ، سرویس‌های اطلاعاتی بیگانگان از جمله صهیونیست‌ها باشند که به صورت غیرمستقیم این جنگ را به راه انداخته‌اند تا ده‌ها سال خود را از خطرات احتمالی این دو کشور مسلمان حفظ کنند چرا که صدام نیز به صورت مستقیم اسرائیل را تهدید به حمله کرده بود و در سال ۱۹۹۱م نیز به آنجا حمله موشکی نمود (ویکی‌پدیا، حمله‌های موشکی عراق به اسرائیل در سال ۱۹۹۱).

بعد از جنگ تحمیلی، بیشترین چالش نظامی که از ناحیه دشمنان از چند دهه قبل تاکنون مطرح شده است، تهدید به حمله نظامی بوده است که به نظر می‌رسد در بیشتر موارد صرفاً تهدیدهای توخالی بوده است و خواسته‌اند از طریق این تهدیدها، به نتایجی همچون ترساندن مردم و مسئولان و در نتیجه امتیازگیری و باج‌گیری، فرار مغزها، فرار سرمایه‌های داخلی و مانع‌تراشی برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی و... برسند. البته جمهوری اسلامی نیز در مقابل تهدید، به سختی تهدید کرده است و از دشمن نه‌راسیده است. چنانچه سال ۱۳۹۲ مقام معظم رهبری در سخنانی چنین فرمود:

رژیم صهیونیستی در قواره و اندازه‌ای نیست که در صف دشمنان ملت ایران به چشم بیاید. گاهی سردمداران رژیم صهیونیستی، ما را تهدید هم می‌کنند؛ تهدید به حمله

نظامی می‌کنند؛ اما به نظرم خودشان هم می‌دانند، و اگر نمی‌دانند، بدانند که اگر غلطی از آنها سر بزند، جمهوری اسلامی «تل‌آویو» و «حیفا» را با خاک یکسان خواهد کرد (بیانات در حرم مطهر رضوی، اول فروردین ۱۳۹۲).

از آثار مثبت این تهدیدهای نظامی، تقویت روزافزون نیروی نظامی، تقویت و آماده‌سازی نیروی انسانی، ساخت تسلیحات نظامی پیشرفته و قدرتمندی به دست متخصصان داخلی ساخته شده که در دنیا کم‌نظیر است و در حال حاضر، توان نظامی جمهوری اسلامی ایران بسیار بالاست به حدی که کمتر کشوری به خود اجازه می‌دهد که حتی فکر تجاوز به این کشور را به ذهن خود راه دهد. بی‌شک مانع اصلی از تجاوز دشمن به خاک، نیروی ایمان و شهادت‌طلبی مردم بوده است که دشمن این موضوع را به خوبی متوجه شده و درصدد تضعیف نیروی ایمان و اراده مردم است.

از دیگر چالش‌ها، ایجاد و حمایت از گروه‌های تروریستی همچون داعش بود که یکی از خطرناک‌ترین جریان‌های تروریستی در چند دهه اخیر به شمار می‌رفتند. آنان در پوشش اسلام، به بدترین جنایات علیه اسلام و مسلمانان پرداختند و سبب شدند حداقل برای مدتی، چهره‌ای خشن از اسلام در بسیاری از کشورها معرفی شود. جنایات‌های این گروه باعث شده است که رسانه‌های غربی به افکار عمومی وانمود کنند که اسلام واقعی همین است. تلاش برای منزوی کردن مسلمان‌ها و ضربه زدن به وحدت اسلامی و همسان‌سازی داعش با جنبش‌های مقاومت فلسطین و لبنان، اهداف بلندمدت رسانه‌های غربی در ترویج اسلام‌هراسی بوده است (رنجبر، ۱۳۹۳: ۵۴).

این گروه ضربه‌های سختی بر دو کشور سوریه و عراق وارد ساختند و اگر جلوی آنها گرفته نمی‌شد و متلاشی نمی‌شدند، می‌توانستند بدترین خطرات امنیتی و نظامی و سیاسی را برای جمهوری اسلامی به همراه داشته باشند.

یکی از اهداف داعش، ضربه زدن به محور مقاومت و کاستن از قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی بود که در نهایت، با حذف این گروه تروریستی، این هدف نیز محقق نشد و قدرت جمهوری اسلامی و نیروهای مقاومت، از گذشته نیز بیشتر شده است.

از جمله آخرین چالش‌های نظامی صهیونیست‌ها، حمله به پایگاه‌های ایران در سوریه و حمله به مواضع جبهه مقاومت در منطقه می‌باشد که بزرگ‌ترین آنها حمله هوایی به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در دمشق در ۱ آوریل ۲۰۲۴ بود که ۷ نفر از مستشاران از جمله فرمانده ارشد نیروی قدس سپاه پاسداران به شهادت رسیدند (پایگاه اطلاع‌رسانی تابناک،

1/301035/fa/tags/www.tabnak.ir/). همچنین ترور اسماعیل هنیه رهبر جهاد اسلامی حماس در تهران در تاریخ ۳۱ جولای ۲۰۲۴ میلادی، یک روز بعد از برگزاری مراسم تحلیف آقای دکتر پزشکیان، نهمین رئیس جمهور ایران (1/2258/fa/tags/www.tabnak.ir/).

تذکر یک نکته ممکن است کسی بگوید بسیاری از چالش‌های ذکر شده مشکلاتی است که از ناحیه کشورهای اروپایی و یا آمریکا و یا سازمان ملل برای ایران ایجاد شده اینها چه ربطی به صهیونیست‌ها دارد؟

همان‌طور که در لابه‌لای مطالب گفته شد در ظاهر گویا این‌گونه است ولی در واقع پشت پرده این قضایا و تحریک‌کننده آمریکا و کشورهای اروپایی، رژیم صهیونیستی است.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت به دست می‌آید که دشمنی یهودیان با اسلام سابقه بسیار طولانی دارد به حدی که تاریخ گواهی می‌دهد که قبل از ظهور اسلام نیز این دشمنی وجود داشته است. بعد از بعثت پیامبر ﷺ نیز کارشکنی‌ها و دشمنی‌های آنان در مقابل اسلام به اوج خود رسید به حدی که پیامبر ﷺ ناچار به نبرد مسلحانه با آنان شد.

بسیاری از یهودیان در چند قرن اخیر در قالب صهیونیسم در سطح جهانی فعال شده‌اند و تلاش زیادی برای تسلط بر رسانه‌ها و سازمان‌های مهم جهانی و بین‌المللی و نفوذ در ارکان حکومتی بعضی کشورها مانند آمریکا داشته‌اند. علاوه بر این، در سده اخیر با اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها، نقش تخریبی و منفی گسترده‌ای در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و... بر علیه کشورهای منطقه به خصوص مسلمانان داشته‌اند و دشمنی دیرینه خود با اسلام و مسلمانان را مانند گذشته دنبال کرده‌اند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنی صهیونیسم جهانی و رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی آغاز شد و آنان درصدد مانع‌تراشی و چالش‌سازی در ابعاد مختلف برای جمهوری اسلامی برآمدند و تلاش کرده‌اند تا قدرت جمهوری اسلامی را در زمینه‌های گوناگون کاهش دهند. مهم‌ترین چالش‌ها بدین شرح است:

چالش فرهنگی: جلوه بارز آن، تهاجم گسترده فرهنگی بر علیه ارزش‌های اسلامی و انقلابی مردم است و می‌کوشند از طریق انتشار فیلم‌های مبتذل از طریق ماهواره و فضای مجازی و... به ترویج افکار و رفتارهای ضد دینی و غربی بپردازند.

چالش سیاسی: در این شیوه تلاش بر آن است که جمهوری اسلامی در سطح ملی و بین المللی نتواند به موفقیت دست یابد و ناکارآمد جلوه کند تا از الگو شدن آن برای دیگر کشورها نیز جلوگیری گردد. زمینه سازی اغتشاشات داخلی و حمایت گسترده از اغتشاشگران نیز یک نمونه از چالش سازی سیاسی است.

چالش اقتصادی: صهیونیست ها با ابزارهای گوناگون از جمله تحریم های گسترده اقتصادی تلاش کرده اند جمهوری اسلامی را در فشارهای سخت اقتصادی قرار دهند تا در دستیابی به اهداف مورد نظرش موفق نباشد و همچنین مردم را نیز از همراهی با انقلاب باز دارند.

چالش علمی: مانع شدن از انتقال تکنولوژی و فناوری به ایران، زمینه سازی برای مهاجرت نخبگان علمی از ایران، مانع سازی در موضوع دانش هسته ای و... سعی در کند کردن رشد علمی جمهوری اسلامی دارند.

چالش نظامی: راه اندازی جنگ تحمیلی از طریق تحریک و تجهیز صدام به حمله نظامی به ایران، تهدید مداوم به حمله نظامی، ایجاد گروه تروریستی داعش و حمایت از آنان و... درصدد تضعیف و ضربه زدن به جمهوری اسلامی بوده اند.

به نظر می رسد علت اصلی این دشمنی ها و چالش سازی ها آن است که انقلاب اسلامی خود را زمینه ساز ظهور منجی عالم بشریت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می داند و تلاش های فراوانی نیز در این زمینه می کند که امید است به حول و قوه الهی و با عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، جمهوری اسلامی از این چالش ها و دیگر چالش های پیش رو با سلامت و قدرت عبور کند ان شاء الله.

منابع

قرآن کریم

۱. اپستاین، ایزو دور، یهودیت بررسی تاریخی، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، ۱۳۸۸ ش
۲. المسیری، عبدالوهاب، ۱۳۷۴، صهیونیسم، ترجمه لواء رودباری، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی تهران
۳. ——— دائرة المعارف یهود، یهودیان و صهیونیسم، ترجمه موسسه فرهنگی مطالعات و پژوهش های تاریخی خاورمیانه، تهران، نشر دبیر خانه کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۳.

۴. الهی، همایون، اهمیت استراتژیک در جنگ جهانی دوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۵، کنفرانس هشتم هرتزلیا.
۵. اقلیدی نژاد علی، روش های پنهان و پیدای صهیونیسم، ماهنامه مبلغان، شماره ۲۴، دی ۱۳۸۰
۶. ایوانف، میخائیل، صهیونیسم، ترجمه رضا اکبری، نشر البرز، تهران، ۱۳۸۶
۷. اوبراین، لی، ۱۳۶۹، سازمانهای یهودیان آمریکا واسرائیل، ترجمه ع ناصری، تهران انتشارات نور
۸. آیتی، نصرت الله؛ بازخوانی اشارات قرآن کریم به جایگاه ایرانیان (سوره جمعه)، مشرق موعود، شماره ۶۰ زمستان ۱۴۰۰.
۹. بخشی، سعید، پورسیدآقایی، سیدمسعود، مواجهه امام زمان علیه السلام با قوم یهود در عصر ظهور، مجله مشرق موعود، شماره ۴۲، ۱۳۹۶ش
۱۰. پتراس، جیمز، نفوذ اسرائیل در آمریکا، ترجمه غدیر نبی زاده، چاپ اول، تهران، انتشارات ابرار معاصر، ۱۳۸۸.
۱۱. جدید بناب، علی، تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵
۱۲. جریس صبری، احمد خلیفه، ساختارهای صهیونیستی، ترجمه قیس زعفرانی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۱
۱۳. جنتی، علی، ۱۳۸۴ش، ساختار دولت صهیونیستی اسرائیل، چاپ اول، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی و بین المللی ابرار
۱۴. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام خمینی، تهران موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۴ش
۱۵. رنجبر شیرازی و همکاران، جریان شناسی داعش چیستی شاخصه ها و راهکارهای مواجهه، تهران، انتشارات سخنوران، ۱۳۹۳
۱۶. رفاعی، فواد عبدالرحمن، نفوذ صهیونیسم، بر رسانه های خبری، ترجمه حسین سرو قامت چاپ دوم، تهران، نشر کیهان، ۱۳۸۱ش.
۱۷. —، نفوذ صهیونیسم بر رسانه های خبری و سازمانهای بیم المللی، انتشارات کیهان،

- تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۸. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۳۷۵، ج ۶.
 ۱۹. شفیعی سروستانی، اسماعیل، مسیحیان صهیونیست و عملکرد آنان در شرق اسلامی، هلال، تهران، اول، ۱۳۹۰ش.
 ۲۰. شیروودی، مرتضی، پروژه صهیونیسم، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۳۶، ۱۳۹۰ش.
 ۲۱. —، فلسطین و صهیونیسم، تهیه کننده: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، [بی جا]، نشر مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۱.
 ۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن تحقیق: محمد جواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ش.
 ۲۳. فیسک، رابرت، حقوق بشر یا نفت، روزنامه همشهری، ویژه نامه نوروز ۱۳۸۲ش.
 ۲۴. کورانی، علی وهمکاران، معجم الاحادیث الامام المهدی، مسجد مقدس جمکران، قم، دوم، ۱۳۶۸ق.
 ۲۵. گارودی، روژه، ۱۳۶۹، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسیرین حکیمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 ۲۶. گنجی، محمد بن یوسف، البیان فی أخبار صاحب الزمان علیه السلام، تهران، دار احیاء التراث اهل البيت عليهم السلام دوم، ۱۳۶۲ش.
 ۲۷. لک علی آبادی، محمد، هالیوود، چاپ دوم، قم، انتشارات هنارس، ۱۳۹۲
 ۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
 ۲۹. مفتاح، احمد رضا، نشریه موعود، عنوان مقاله: مسیحیت صهیونیستی، بهار ۱۳۹۹ش، پیاپی ۱.
 ۳۰. میر باقری، سید محمد حسین، موسوعة الإمام المنتظر، موسسه آینده روشن، قم، اول، ۱۳۹۵ش.
 ۳۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۹۷ق.
 ۳۲. واعظی، حسن، نبرد نابرابر، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۹ش.
 ۳۳. ابراهیم متقی، تحلیل رفتار سیاسی اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست دفاعی، سال پنجم، شماره ۲۹، بهار ۱۳۷۶، ص ۲۹

۳۴. -----، رویه دولت کلینتون ادامه محاصره یا جایگزینی دیگر، مجله راهبردی، ۶، بهار ۱۹۹۵م، ص ۶۸
۳۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱ش.
۳۶. منظور، داوود و مصطفی پور، منوچهر، نشریه سیاست‌های مالی و اقتصادی، بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه، ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات، سال یکم، شماره ۲، ص ۲۴-۲۵، ۱۳۹۲ش.
۳۷. میثمی، لطف‌الله، ۱۳۸۴، نفت امنیت و خروج از غزه، دوماهنامه چشم انداز ایران، شماره دی و بهمن ماه
۳۸. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، اول، ۱۴۰۴ق.
۳۹. حسن وقوفی، فرارمغزها، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی زهد، ۱۴۰۰ش.
۴۰. ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
۴۱. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: اسعد داغر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
۴۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، البدایه و النهایه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
۴۳. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، الصدر، دوم، ۱۴۱۵ق.
۴۴. طبری آملی، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، اول، ۱۴۱۲ق.
۴۵. مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه، اول، ۱۳۷۹ق.

The software elements of the geometry of the world order in the age of Mahdism based on the statements of the Imams of the Islamic Revolution

Mohammad Shamsaldini ¹

Dr. Mohammad Reza Arab Bafarani ²

Abstract

The world is at the moment of transformation of the international order. Almost all thinkers and global thinkers recognize this moment and this evolution. One of the effective players today in the world order scale is the Islamic Front and specifically, the Axis of Resistance. The horizon of the axis of resistance is the new Islamic civilization, and if we witness the effective role-playing of the axis of resistance and the front of Islam, this change in the order can be considered as a bridge for the departure towards the new Islamic civilization. The new Islamic civilization is the pioneer of the Mahdavi world. It is clear that in the Mahdavi era and in the post-emergent world, the world order and the geometry of the world will have a sublime and distinct form. The explanation of this distinct form is the image of the horizon and the ideal perspective of modern civilization and the historical movement of Islam. This research, by examining the sources related to the world order and the image of the Mahdawi era, has extracted the key software elements of the geometry of the world order in the Mahdawi era and has come to the conclusion that the geometry of the world order in the Mahdawi era has two axes: on the one hand It is the foundation of justice and will lead to the emergence of installments, and on the other hand, it is the foundation of wisdom and will provide a divine solution to resolve disputes and conflicts at different levels.

Keywords: World order, geometry of the world, Mahdavi era, foundational justice, foundational wisdom

1. Researcher of Hazrat Vali-Asr University and PhD student of systems management(Responsible Author)
2. Assistant Professor of Future Studies Department of Hazrat Vali Asr School



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفتاد و یکم / بهار ۱۴۰۳

ارکان نرم‌افزاری هندسهٔ نظم جهان در عصر مهدویت مبتنی بر بیانات امامین انقلاب اسلامی*

محمد شمس‌الدینی^۱

محمدرضا عرب بافرانی^۲

چکیده

جهان در لحظهٔ تحول نظم بین‌المللی قرار گرفته است. تقریباً همهٔ اندیشمندان و متفکران جهانی، به این لحظه و به این تحول، معترفند. یکی از بازیگران مؤثر امروز در مقیاس نظم جهانی، جبههٔ اسلام و به طور خاص، محور مقاومت است. افق محور مقاومت، تمدن نوین اسلامی است که اگر نقش‌آفرینی مؤثر محور مقاومت و جبههٔ اسلام را شاهد باشیم، می‌توان این تحول در نظم را پلی قرار داد برای عزیمت به سمت تمدن نوین اسلامی. تمدن نوین اسلامی، پیشگام جهان مهدوی است. روشن است که در عصر مهدوی و در جهان پساظهور، نظم جهانی و هندسهٔ جهان، صورت متعالی و متمایزی خواهد داشت. تبیین این صورت متمایز، تصویر افق و چشم‌انداز مطلوب تمدن نوین و حرکت تاریخی اسلام است. این پژوهش، با بررسی منابع مربوط به نظم جهانی و تصویر عصر مهدوی، به استخراج ارکان محوری نرم‌افزاری هندسهٔ نظم جهانی در عصر مهدوی پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که هندسهٔ نظم جهان در عصر مهدوی، دو رک محوری دارد: از یک سو، عدل بنیاد است و منتج به ظهور قسط خواهد شد و از سوی دیگر، حکمت بنیاد است و راه‌حلی الهی برای حل و رفع اختلافات و تعارضات در سطوح مختلف ارائه خواهد داد.

واژگان کلیدی

نظم جهانی، هندسهٔ جهان، عصر مهدوی، عدل بنیاد، حکمت بنیاد.

مقدمه

تحولات و تغییرات، در مقیاس جهانی، قطعاً مقدرات همهٔ جوامع و کشورها و چه بسا مقدرات همهٔ افراد را تحت تأثیر قرار خواهند داد. یکی از عرصه‌های جهانی که با توجه به هم‌سرنوشت‌ترشدن مردم جهان در اثر پیوندهای شبکه‌ای جهان امروز، تغییر و تحول آن

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹

۱. پژوهشگر دانشکدهٔ حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی‌و) و دانشجوی دکتری مدیریت سیستم‌ها (نویسنده مسئول)
(mohammad.shamsoddini@gmail.com)

۲. استادیار گروه آینده‌پژوهی دانشکدهٔ حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی‌و).

برای و بر همهٔ جوامع، بیشاپیش مهم و اثرگذار است، نظم جهانی است «وضع آرایش سیاسی دنیا در حال یک تغییر اساسی است. یک کار بزرگی دارد در دنیا انجام می‌گیرد».^۱ فرصت تحول و تغییر نظم جهانی و گذر به یک نظام بین‌المللی جدید، فرصت بسیار مهمی است که به ندرت، برای کشورها به دست می‌آید. «دوران فعلی، دوران گذر به یک نظم جدید جهانی است و در کنار بازیگران سنتی، بازیگران جدیدی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، وارد عرصه شده‌اند و در تلاشند جایگاه خود را در نظم جدید پیش رو، تثبیت کنند».^۲ سرعت تحولات، شتابنده و بسیار بالاست و تلاش برای تدقیق تصویر آینده، بسیار اهمیت دارد «هر روز بیشتر روشن می‌شود که هندسهٔ سیاسی عالم و سطح دنیا، در حال تغییر است؛ ... دنیای جدیدی به وجود خواهد آمد. ممکن است ما نتوانیم دقیقاً حدس بزنیم که این دنیای جدید چه شکلی است، لکن مطمئنیم که به تدریج در طول سال‌ها، دنیای جدیدی دارد تشکیل می‌شود».^۳ زمانهٔ جاری، دورهٔ نطفه‌بندی و مراحل آغازین صورت‌بندی نظم آینده است «نظم جهانی در حال تغییر است و نظم جدیدی در حال نطفه‌بندی است. ما طبعاً وظایف مهم‌تری خواهیم داشت. در نظم جدید عالم، جایگاه اسلام، جایگاه جمهوری اسلامی، جایگاه کشور مهم ما، ایران، کجا خواهد بود؟ این را می‌توانیم فکر کنیم، پیش‌بینی کنیم، در راه آن، حرکت کنیم».^۴ الزام حضور پیدا کردن^۵ و ایفای نقش^۶ در نظم جهانی، مستلزم پیش‌اندیشی، پیش‌نگری، پیش‌نگاری و پیش‌طراحی برای آن است.

«امروز جهان در آستانه یک نظم جدید است؛ یک نظم بین‌المللی جدید در پیش است برای دنیا... ایران اسلامی ما وظیفه دارد جوری در این نظم جدید حضور پیدا کند، حضور سخت‌افزاری و حضور نرم‌افزاری، که بتواند امنیت کشور را، و منافع کشور را و ملت را تأمین کند،

۱. امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۹۰/۱۰/۷.

۲. امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۹۳/۵/۲۲.

۳. امام خامنه‌ای مدظله، ۱۴۰۱/۷/۲۲.

۴. امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۹۳/۶/۱۳.

۵. همه‌ی کشورها از جمله کشور ایران اسلامی ما وظیفه دارد جوری در این نظم جدید حضور پیدا کند، حضور سخت‌افزاری و حضور نرم‌افزاری، که بتواند امنیت کشور را، و منافع کشور را و ملت را تأمین کند، در حاشیه نماند، عقب نماند (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۴۰۱/۲/۶).

۶. خودمان را آماده کنیم برای ایفای نقش در پدید آوردن نظم جدید؛ کشور را آماده کنیم برای این‌که نقش‌آفرینی کند. و این هم ممکن نخواهد شد مگر با قوی کردن کشور؛ تقویت کشور متوقف است بر استفاده از همهٔ ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که ما در داخل کشور و در بیرون کشور داریم (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۹۳/۶/۱۳).

در حاشیه نماند، عقب نماند».^۱ این نظم جدید، یک بنیاد نرم‌افزاری دارد که این نظم را تغذیه، معنادار و جهت‌مند می‌کند. جمهوری اسلامی، بنا به مأموریت تاریخی انقلاب اسلامی و بنا به رسالت ذاتی اسلام، مؤظف است که برای طراحی این نظم، چه در سطح نرم‌افزاری و چه در سطح سخت‌افزاری، ایده، طرح و برنامه ارائه و عملیاتی کند و برای ایفای نقش تاریخی خود، نقشه آینده‌سازانه خودش را پیش ببرد. از آن جایی که مطالعه آینده، دو وجه کلی کشف آینده (آینده‌نگری) و ساخت آینده (آینده‌نگاری) دارد، اگر در ساخت جهانی، طرحی برای ساخت آینده نداشته باشیم، قطعاً آینده، طبق میل و اراده دیگران ساخته خواهد شد، نه طبق اراده ما. انقلاب اسلامی، باید نقش فعالی در شکل‌دهی به این نظم جدید جهانی ایفا نموده و برای تأمین زیرساخت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری آن، وارد میدان شود تا با جهت‌دهی این تحول به سمت نظم بین‌المللی مورد نظر، به عنوان پیشگام حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی خورشید ولایت انجام شود. در این پژوهش سعی شده است تا با نگاه به هندسه جهان در عصر مهدوی، عناصر بنیادین و ارکان محوری نرم‌افزاری آن هندسه، برای زمینه‌سازی طراحی‌های محور مقاومت و جبهه اسلام در آن افق، استخراج و ارائه شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱. نظم جهانی

نظم جهانی یا نظم بین‌المللی، یک مفهوم مدرن است که تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. نظم بین‌المللی را «الگوهای رابطه و عمل» برآمده از قواعد، نهادها، قوانین و هنجارها و نحوه حفظ آن توسط همین نهادها و قواعد نیز تعریف کرده‌اند که هم مؤلفه‌های مادی (فیزیکی) و هم اجتماعی دارند (Barnett)، (2021). جورج لوسون نظم بین‌المللی را «روش‌های منظم مبادله میان واحدهای سیاسی منفک که یکدیگر را مستقل می‌شناسند» دانسته است (Lawson)، (2020). از نظر جان میرشایمر نظم بین‌المللی، گروهی سازمان‌یافته از نهادهای بین‌المللی (به عنوان بلوک‌های سازنده نظم)^۲ است که به حکمرانی تعاملات بین دولت‌های عضو کمک می‌کنند (Mearsheimer)، (2019). یکی از موارد مهم در شناخت نظم جهانی، شناخت تاریخچه آن است. متفکران مختلف، نگاه‌های مختلفی به آن داشته‌اند اما به صورت کلی، دوره‌های مختلف این نظم بین‌المللی در دوره مدرن، در جدول زیر ارائه شده

۱. امام خامنه‌ای مدظله، ۱۴۰۱/۲/۶

2. Building Blocks of Order

است.

جدول ۱- دوره‌های تاریخی نظم جهانی (شمس‌الدینی و عرب بافرانی، ۱۴۰۲)

#	نوع نظم	سال	مختصات
۱	نظم پلورال (متکثر)	۱۶۴۸ تا ۱۸۱۵	در سال ۱۶۴۸ میلادی، به دنبال دوره طولانی از جنگ و مخصوصاً جنگ‌های سی ساله مذهبی کاتولیک پروتستان (۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸)، با ظهور مفهوم جدید ملت و دولت ملت، پیمان چندجانبه صلح وستفاليا در اروپا، میان کشورهای اروپایی، منعقد شده و به دنبال از بین رفتن هیمنه کلیسا، سیستم توازن قدرت شکل گرفت. جهان این دوره در اروپا، جهان‌هابی است که بازیگری در سطح بالاتر از دولت‌ها، وجود ندارد و سطح بین‌الملل، سطح کشمکش طبیعی میان دولت‌هاست. در نیمه دوم این دوره، بریتانیا، قدرت غالب دریایی شده و به عنوان عنصر متوازن‌کننده قدرت، نقش‌آفرینی می‌کند اما نظم کلی، یک نظم پلورال است.
۲	کنسرت اروپا	۱۸۱۵ تا ۱۹۴۵	اواخر قرن ۱۸ میلادی، فرانسه و پروس در اروپا قدرت می‌گیرند. با رخداد انقلاب فرانسه در فاصله ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۹، فرایند تغییر نظم، کلید می‌خورد. امپراتوری مقدس روم، به طور کلی محو می‌شود و مشروطه اروپایی، همه‌گیر می‌شود. حرکت‌های ناسیونالیستی، پهنه اروپا را فرا می‌گیرد. ناپلئون بناپارت، در اروپا به قدرت می‌رسد و جنگ‌های ناپلئونی را برای تصرف اروپا، به راه می‌اندازد. شکست ناپلئون، قدرت‌های اروپایی فاتح، یعنی روسیه، اتریش، پروس و بریتانیا را به سمت یک پیمان جمعی در کنگره وین در سال ۱۸۱۵ پیش می‌برد. محصول کنگره وین، نظم جدید کنسرت اروپاست که هدف آن، حفظ تمامیت ارضی کشورها و پایداری توازن قدرت در اروپا بود و این اجازه را به قدرت‌های بزرگ می‌داد تا با اعمال قدرت و نظر جمعی خود، در امور داخلی سایر کشورها مداخله کرده و نیز با واکنش به اقدامات جاه‌طلبانه قدرت‌های دیگر، اهداف منظور را عملی سازند.
۳	دوقطبی	۱۹۴۵ تا ۱۹۹۱	در سال ۱۹۱۴ میلادی، امپراتور اتریش-مجارستان، در سارایوو، به دست یک ملی‌گرای صرب، کشته می‌شود. امپراتوری اتریش-مجارستان، به صربستان حمله کرد. امپراتوری روسیه، به حمایت از صربستان، وارد جنگ می‌شود. امپراتوری آلمان، به حمایت از اتریش-مجارستان، به متحد روسیه یعنی فرانسه، حمله می‌کند. آلمان، برای این حمله، خاک بلژیک را اشغال می‌کند. امپراتوری بریتانیا، متحد بلژیک، به حمایت از بلژیک، به آلمان حمله می‌کند. جنگ گسترده‌تر می‌شود و آمریکا هم وارد این جنگ می‌شود. در نهایت، امپراتوری‌های اتریش-مجارستان، آلمان، عثمانی و روسیه، مضمحل می‌شوند. نتیجه تحقیر مغلوبان و زخم‌های باز، آغاز جنگ جهانی دوم است. انقلاب روسیه، جنگ جهانی اول از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۹ و جنگ جهانی دوم، از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵، اروپا را نابود کرد و زمینه ظهور دو قدرت و قطب غالب را در دو سوی اروپا، فراهم کرد: آمریکا در غرب و شوروی در شرق. نظم دوره

نظم جهانی

سال هجدهم، شماره ۷، بهار ۱۴۰۳

۱۶۴

جدید، یک نظم دوقطبی و دو بلوک شرق و غرب بود که تقابل این دو قطب، عرصه جنگ سرد را رقم زد. نهاد ملل متحد، نهاد محوری نظم این دوره است.			
با فروریختن دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ میلادی، روند افول شوروی، شدت گرفت و نهایتاً در سال ۱۹۹۱، اتحاد جماهیر شوروی، که در سال ۱۹۲۲ تأسیس شده بود، با شکست در جنگ سرد، تجزیه شده و فرو ریخت. زوال شوروی، میدان یکه تازی آمریکا را فراهم کرد. دوره پس از ۱۹۹۱، دوره نظم تک قطبی آمریکامحور است که آمریکا با جهان روا کردن دلار، توسعه فرهنگ و ارزش های آمریکایی و حضور نظامی زمینی، دریایی و امنیتی-اطلاعاتی در همه جهان، هژمونی خود را بسط داد. نشانه های زوال این نظم نیز، بیش از یک دهه است که آشکار شده است.	۱۹۹۱ تا کنون	تک قطبی	۴

امروزه کاملاً روشن شده است که نظم بین المللی لیبرال، دچار مشکل و آشفتگی عمیقی شده است و صفحات تکنیکی زیربنای آن، در حال جابجایی هستند و عملاً برای تعمیر و نجات آن نمی توان کاری انجام داد. در واقع، از همان آغاز، تقدیر این نظم، شکست بود زیرا حاوی بذرهایی نابودی و انهدام خود بود و امروز، وحشت سقوط نظم بین المللی لیبرال، نخبگان کشورهای غربی را وحشت زده کرده است (Mearsheimer)، (2019). طرح مفاهیمی مثل نظم جهانی چینی بر پایه ابتکار یک راه، یک کمربند (Bruno Macaes)، (2020; Waldron)، (2019)، نظم اوراسیایی (Flockhart & Korosteleva)، (2022) و نظم آسیایی (Kissinger)، (2014)، نشان از ظهور گزینه های جایگزین یا موازی، برای نظم موجود دارد. قدرت آمریکا، افول کرده است (Regilme)، (2019) و رهبری و هژمونی فرهنگی و اقتصادی آمریکا و غرب به صورت واضح، توسط کشورهای نوظهور، دچار چالش شده است و همین چالش و تغییر نظم، پژوهشگران را به سمت روش های مطالعه جدید نظم جهانی، سوق داده است (Buscema)، (Sacco, Ferilli &، (2017). ستون های نظم تک قطبی آمریکامحور، متزلزل شده است^۱ و «از همان بیست سال قبل، بیست و چند سال قبل تا امروز، روز به روز آمریکا ضعیف تر شده؛ هم در درون خودش و در سیاست های داخلی اش، هم در سیاست های خارجی اش، هم در اقتصادش، هم در امنیتش، در همه چیزها آمریکا از بیست سال پیش تا امروز ضعیف تر شده، لکن به هر حال امروز دنیا در آستانه یک نظم جدید است. ... یک نظم بین المللی جدید در پیش است برای دنیا»^۲.

۱. امام خامنه ای مدظله، ۱۳۹۳/۶/۱۳

۲. امام خامنه ای مدظله، ۱۴۰۱/۲/۶

آینده نظم جهانی و نظم آینده بین‌المللی نیز یکی از میدان‌های پژوهش پژوهشگران بوده است. سورنسن، در سال ۲۰۰۶ میلادی، با طرح پرسش «چه نوعی از نظم جهانی در حال ظهور است؟»، تلاش می‌کند تا سردرگمی امروز تحلیل‌گران را در نسبت با نظم آینده پاسخ دهد و وضع کنونی را یک «دوره فترت»^۱ می‌نامد که نه نظم جدید آشکار شده است و نه نظم سابق، به صورت کامل از میان رفته است و نشانه‌هایی از هر دو، در میان است (Sørensen، 2006). تراین فلوکهارت، با بیان این نکته که تنوع سیستم بین‌المللی، در حال افزایش است، سه روایت معمول از نظم آینده را بیان کرده است:

روایت چندقطبی، روایت چندشریکی و روایت چندفرهنگی؛ و در نهایت، یک روایت چندنظمی نیز به آنها افزوده است که طبق آن، در یک سیستم بین‌المللی واحد، چند نظم مختلف، شکل خواهد گرفت (Flockhart، 2016).

جف کولگن، با عبور از ایده «تغییر نظم به عنوان یک شیئیت واحد از طریق قاعده‌سازی قوی‌ترین کشور پس از پیروزی در یک جنگ مهم»، با طرح مفهوم هژمونی بخشی،^۲ چگونگی عمل‌گری نظم جهانی را در قالب بخش‌ها و اجزاء، نشان داده و تشریح می‌کند که غالباً در زمان صلح، تغییر می‌کند (Colgan، 2021). تنگ، با طرح سه استدلال اولاً نظم بین‌المللی قاعده‌بنیاد هم‌چنان پابرجا خواهد ماند، اما به طور فزاینده‌ای غرب محوری آن کاسته خواهد شد؛ دوم، شکل دادن به نظم بین‌المللی، بیشتر از پائین به بالا و مناقشه‌برانگیز خواهد شد، نه این که بیشتر از بالا به پایین و تحمیل شود؛ و سوم، اکنون که مومنتوم حرکت به سوی نظم جهانی آمریکایی‌سازی شده متوقف شده است و احتمالاً هرگز شتاب از دست رفته خود را به دست نمی‌آورد، نظم‌های منطقه‌ای حیاتی‌تر می‌شوند؛ معتقد است که نظم (یا نظم‌های) بین‌المللی آینده بیشتر منطقه‌ای و منقطع خواهد شد (Tang، 2018). رند، در گزارشی، متشکل از مقالات تعدادی از خبرگان، با تأکید بر این که هیچ توافق کلی روی شکل نظم آینده جهان در سال‌ها و دهه‌های پیش رو وجود ندارد، و یادآوری این نکته که بشریت در لحظه یک انتخاب اضطراری قرار گرفته است: برافتادن^۳ یا برگزشتن^۴، مهم‌ترین اولویت دوره گذر به نظم جدید را «چندجانبه‌گرایی»^۵ «چندوجه‌گرایی»^۶ معرفی کرده و مقالات خبرگان در این محور را پوشش

1. Interregnum
2. Partial Hegemony
3. Breakdown
4. Breakthrough
5. Multilateralism
6. Polyilateralism

می‌دهد (Bhattacharya et al, 2022). شمس الدینی و عرب بافرانی نیز در پژوهشی، با تبیین محیط سناریوهای نظم جدید جهان، لحظه اکنون را لحظه تعدد معرفی کرده و سناریوهای هشت‌گانه پیش روی نظم جهانی را ارائه کرده‌اند (شمس الدینی و عرب بافرانی، ۲۰۲۳).

۲. حکومت جهانی مهدوی

زارعی و سرپرست سادات در پژوهشی با روش توصیفی و تحلیلی و مطالعه اسنادی با بیان این نکته که تحولات پساکرونایی، به لحاظ تئوریک، ذات ناعادلانه جهانی شدن آمریکایی-اروپایی مبتنی بر مبادی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی مدرن و به لحاظ میدانی و عملیاتی، ناکارآمدی حکمرانی ادعایی نظام جهانی و سقوط فردگرایی در ورطه خود محوری را عیان‌تر از پیش ساخته است، به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه که جهانی می‌شود پرسش بیشتر و جدی‌تر از حقیقت هستی و انسان، گرایش انسان‌ها به سبک زندگی منطبق با فطرت انسانی، سنت‌های الهی و آرزو و انتظار منجی الهی موعود است و این‌گونه پرسش‌ها و گرایش‌ها، «دین فطری اسلام» و «مهدویت» را بیش از پیش در کانون توجهات بشری قرار خواهد داد (زارعی و سرپرست سادات، ۲۰۲۰). خنیفر، زروندی و زروندی، با بیان این موضوع که امروزه دنیا شاهد تحولات و دگرگونی‌های گسترده و شگفت‌آوری در عرصه اقتصاد، ارتباطات، فرهنگ، سیاست، معاهدات و امور بین‌الملل در راستای جهانی شدن است و در جهان معاصر، مدعیان و نظریه‌پردازان جهانی شدن رو به فزونی نهاده‌اند، به موضعه و رویکرد تشیع در این موضوع پرداخته و معتقدند که شیعه نیز با ارایه نظریه «حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» در طول قرن‌ها و سال‌های متمادی، داعیه‌دار اصلی جهان شمولی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و... بوده است چرا که در اسلام، به ویژه در مکتب تشیع، توجه به آینده و تشکیل حکومت جهانی واحد براساس قسط و عدل و تحت رهبری امام معصوم، جایگاهی ویژه دارد که این مسئله در تاریخ اسلام، به نام مهدویت مطرح شده است و از توانمندترین عوامل رشد و بالندگی جامعه اسلامی است و بقای اسلام و شیعه در گرو این حقیقت بزرگ است لذا آنها تلاش کرده‌اند تا از مباحث مطرح در زمینه جهانی شدن، ضمن ارائه چشم‌اندازی از آن، پلی برای فهم و درک حکومت جهانی مهدوی زده و اشتراکات و امتیازات حکومت عدل جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در آیات قرآن کریم و روایات اسلامی بارها و بارها با عناوین مختلف به آن اشاره شده است با جهانی شدن را بررسی کنند (خنیفر، زروندی، زروندی، ۱۳۸۹). عزیزی و سلیمانی در پژوهشی با بیان مجموعه‌ای از آیات و روایات، در پی

تبیین ویژگی‌هایی از ساختار حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رفته و علاوه بر ختم بحران‌های جهانی، ویرانی کاخ‌های گمراهی، آرایش جامعه به فرهنگ عشق حقیقی و عدالت و صداقت، جریان چشمه‌های حکمت و دانش و پایان سلطه جنگ و خونریزی، در موضوع خاص عدالت به این نتیجه رسیده‌اند که محورهای عدالت در عصر ظهور عبارتند از: عدالت در تساوی حقوق، عدالت در انتخاب افراد شایسته و عدالت در اجرای قانون. حضرت، مدیران صالح، عادل و کارآمد را به کار می‌گمارد، تا عدالت اجتماعی در جامعه جامه عمل بپوشد. در حقیقت عدالت اجتماعی، همان عدالتی است که در حکومت واحد جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برپا می‌شود و برپایی آن، بزرگ‌ترین رسالت جهانی آن امام است. چرا که عدالت مهدوی، استمرار عدالت نبوی و علوی است که تشکیل انقلاب اسلامی زمینه تحقق حکومت جهانی عدالت‌گستر امام را فراهم کرد (سلیمانی و عزیزی، ۱۳۸۸).

روش پژوهش

این پژوهش، یک پژوهش کیفی است که به دنبال شناسایی ارکان نرم‌افزاری هندسه نظم جهان در عصر مهدویت است. برای این منظور، ابتدا از روش کتابخانه‌ای توصیفی و تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. سپس نتایج به پندل خبرگانی عرضه شده و علاوه بر تأیید خبرگان، اصلاحات مورد نظر آنها نیز اعمال شده است. این پژوهش، دو گام اصلی دارد مشتمل بر گردآوری اطلاعات و تحلیل اطلاعات. روش پژوهش در گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای^۱ بوده است که در نسبت با روش میدانی، به معنای مراجعه به منابع و متون دامنه موضوع پژوهش است (رادان، ۱۳۹۷). روش توصیفی یا غیرآزمایشی، شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آنها توصیف شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. این روش، یک روش پژوهش علمی است که برخلاف روش‌های پژوهش آزمایشگاهی، بدون دخالت پژوهشگر در متغیرها، انجام می‌گیرد. در گام تحلیل اطلاعات، روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده است که محتوای به دست آمده در گردآوری، مورد تحلیل قرار گرفت. اساسا تحلیل عبارت است از دست‌یابی به کارکرد واحدهای کوچک‌تر که در درون واحد بزرگ‌تر سامان یافته‌اند. در تحلیل، تأکید روی کارکرد اجزاء است و در واقع تحلیل در مقام پاسخگویی به يك سؤال است: الگوی ساخت (انتخاب و ترکیب) و نقش اجزاء چیست؟ (پاکتچی، ۱۳۸۹). در این پژوهش با استفاده از تحلیل محتوای بیانات رهبران انقلاب اسلامی و برخی از روایات ائمه معصومین،

1. Library research

توصیف و تحلیل بنیادهای نرم افزاری هندسه نظم جهان مهدوی انجام شده و شواهدی نظری برای ارکان نرم افزاری هندسه نظم جهان در عصر مهدویت، به دست آمده است. سپس این نتایج در پیل خبرگانی، مورد تأیید و اصلاح قرار گرفته است.

مباحث تفصیلی

اروپا، زادگاه مفهوم نظم بین المللی است و ضرورت این مفهوم، آن است که اروپا، جنگ خیز بوده است. نظم جهانی موجود که ابتدا پس از جنگ جهانی دوم، به صورت نظام دوقطبی بلوک شرق - بلوک غرب شکل گرفت و با فروپاشی بلوک شرق و انحلال اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ میلادی، به صورت نظام تک قطبی به رهبری آمریکا درآمد، مبتنی بر میراث دیپلماتیک کلمنس مترنیک^۱ اتریشی، بر پایه دوگانه «جنگ - صلح» بنا شده است. از آن جایی که «اروپا، اصلاً یک نقطه جنگ خیز است»^۲ و بزرگ ترین بلایی که جهان اروپا - آمریکایی، پیش روی بشر ترسیم کرده، جنگ بوده است و نه ظلم، نظم پس از جنگ جهانی دوم نیز بر پایه ترساندن ملت ها از جنگ، ساخته شده است. نماد نظم جهانی در این برهه هشتاد ساله، نهادهایی هستند که در ظاهر بر مبنای تأمین صلح و امنیت جهانی شکل گرفته اند اما در واقع، وام دار منافع ابرقدرت ها و به طور خاص آمریکا بوده اند و هر جا که منافع آنها، اقتضا کرده است، جنگ به راه انداخته اند و هر جا که منافعشان اقتضا کرده است، در بوق صلح دمیده اند. از جمله نهادهایی که مظهر این نظم هشتاد ساله هستند، سازمان ملل متحد است که با اتکا بر «محفوظ داشتن نسل های آینده از بلای جنگ که دوبار در مدت يك عمر انسانی افراد بشر را دچار مصائب غیرقابل بیان نموده» پی ریزی شده که در ماده یکم منشور ملل متحد،^۳ از «حفظ امنیت و صلح بین المللی از طریق ممانعت و حذف تهدیدات صلح» به عنوان نخستین هدف ملل متحد یاد شده است. نیز طبق فصل هفتم منشور ملل متحد، شورای امنیت وقتی عملاً وارد میدان می شود و حتی اقدام به حمله نظامی به کشورها می کند که «صلح»، صلح مطلوب منافع آنها، تهدید یا نقض شود و هدف آن هم حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی خوانده شده است؛ و اساساً همه اعضای ملل متحد، به منظور شرکت در حفظ صلح و امنیت بین المللی، متعهد می شوند که نیروهای مسلح و تسهیلات، از جمله حق عبور لازم برای حفظ

1. Klemens Wenzel von Metternich

۲. امام خامنه ای مدظله، ۱۴۰۱/۳/۴

3. <https://www.un.org/en/about-us/un-charter/full-text>
https://www.unic-ir.org/publication/farsi/manshoor/manshoor_melale_motehed.htm

صلح و امنیت بین‌المللی را بنابه درخواست شورای امنیت و بر طبق موافقت‌نامه کلی یا موافقت‌های خاص، در اختیار آن شورا قرار دهند؛ در این ساختار، همه چیز حول صلح و امنیت بین‌المللی، آن هم به تعریف و تبیین طرف قدرتمند در ملل متحد و شورای امنیت، می‌چرخد و در واقع، این موضوع، نرم‌افزار اصلی نظم جهانی را شکل داده است.

صلح، اگرچه ارزش انسانی مهمی است اما طبق تجربه تاریخی هشتاد سال گذشته، تکیه زدن بر مقوله صلح، به خصوص آن جا که معیار، منافع ابرقدرت‌ها و در رأس آنها، آمریکای روبه‌افول است، نتیجه‌ای جز ظلم و بیداد در عرصه جهانی ندارد. غربی‌ها یک راهبرد عملیاتی کلی دارند: همواره در مناطق مختلف جهان، وضعیت نامطلوب خودشان را با راه‌انداختن جنگ بر هم می‌زنند و پس از آنی که وضعیت را به نفع خودشان بر هم زدند، با پرچم صلح، و با میدان‌داری نیروهای پاسدار صلح ملل متحد، وارد شده و وضعیت مورد نظر خودشان را تثبیت می‌کنند. در واقع، سازمان ملل متحد، به عنوان نماد نظم جهانی موجود، از نام زیبای صلح بهره می‌برد،^۱ اما در عمل زمینه را برای ظلم ابرقدرت‌ها و مشروع جلوه‌دادن آن، فراهم کرده و با شعار صلح، ملت‌های ستمدیده را وادار به پذیرش ظلم یا همان انضلامی می‌کند که در شرع مقدس اسلام، حرام و مذموم است.^۲ در نهادسازی آمریکایی، دوقطبی «جنگ و صلح»، محور قرار گرفته‌اند و نهادها، بنا به منافع ابرقدرت‌ها، مسئول ناامن نگه داشتن برخی مناطق جهان و امن نگه داشتن برخی نقاط دیگر هستند. هر جا که منافع‌شان ایجاب کند، جنگ به راه می‌اندازند و هر زمان که منافع‌شان ایجاب کند، با حربه صلح، وارد شده و جنگ را به هر نحوی که بخواهند، مدیریت می‌کنند.

نهادهای بین‌المللی نماد تحقق نظم جهانی به شمار می‌روند و شکل‌گیری هر نظامی در عرصه بین‌الملل بدون نهادسازی امکان‌پذیر نیست. در ادبیات دانش مدیریت، معروف است که ساختارها، رفتار ساز هستند؛ از همین رو، نهادها در ظاهر وظایفی دارند و متولی انجام آن وظایفند اما در باطن، بنیاد معرفتی و ارزشی خود را بازتولید می‌کنند. نهادها، صورت ظاهر مبانی ارزشی یک نظم هستند. نهادهای بین‌المللی، خود مبتنی بر مبانی نظری و معرفتی

۱. «سازمان ملل و قبل از سازمان ملل، جامعه ملل هم، که بعد از جنگ برای به اصطلاح مسائل صلح تشکیل شده بود، امروز ترفند صهیونیست‌ها و پشتیبانان‌شان، که دولت امریکا مهم‌ترین پشتیبان آنهاست، این است که از نام زیبای صلح استفاده می‌کنند» (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۷۸/۱۰/۱۰).

۲. «این که کسی به دیگری ظلم کند و بعد مظلوم را وادار کنند که ظلم او را بپذیرد، بدون این که از طرف ظالم اندک انعطافی به وجود آید و از ظلم خود کم کند، این صلح است یا ننگ است؟! این تسلیم به ظلم است. این همان انضلامی است که در شرع مقدس اسلام، حرام و مذموم است (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۷۲/۶/۲۵).

بنیان‌گذاران نظم جهانی بوده، آن مبانی نرم‌افزاری را بازتولید کرده و از آن پیروی می‌کنند. چنان‌که گفته شد، نظم بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم بر مبنای صلح جهانی و در سایه منافع ابرقدرت‌ها شکل گرفت و موجب به حاشیه رفتن مبارزه با ظلم و ستم در غالب نقاط جهان گردید. از این رو، و در برهه گذار به نظم جدید بین‌الملل می‌بایست در آنچه مبنای شکل‌گیری این نظم است بازنگری اساسی صورت گیرد.

طبق منظومه فکری رهبر انقلاب، صلح همواره باید با عدل همراه باشد. از منظر ایشان، اگرچه صلح یکی از نیازهای بشر است، اما صلح تحمیلی و غیرعادلانه، از جنگ هم بدتر است؛^۱ چراکه صلح نه یک ارزش مطلق، بلکه ارزشی نسبی است؛ برخلاف عدالت که یک ارزش مطلق است و عدالت بد وجود ندارد.^۲ فرموده‌اند:

در دوران جنگ من به خاطر دارم در مذاکراتی که در مجامع جهانی یا مهمان‌های خارجی که می‌آمدند، در هر ملاقاتی که با آنها داشتیم، به ما می‌گفتند صلح چیز خوبی است، شما چرا صلح را قبول نمی‌کنید؟ صلح بهتر است یا جنگ؟ مثل یک بچه‌ای که سنگی را در چاه بیندازد و کسی نتواند آن را بیرون بیاورد. ما می‌خواستیم برای اینها تشریح کنیم که صلح همیشه خوب نیست، همه این گروه‌های مبارز در دنیا که علیه حکومت‌های شان قیام کردند، جنگ راه انداختند. آنها قبل از این جنگ، صلح داشتند و نشسته بودند و زندگی می‌کردند؛ صلح، آن وقتی خوب است که در جهت عدالت باشد. بعد بنده هم به مرور فرمولی پیدا کردم که آنها وقتی می‌گفتند صلح، من می‌گفتم عدل و آنها می‌ماندند. در محاورات بایستی فرمول پیدا کرد تا بتوانی در مقابل فرمول‌هایی که ارائه می‌کنند مقابله کنی، و لذا ما می‌گفتیم عدل بهتر است یا صلح؟ خیلی از صلح‌ها را به خاطر عدل از بین می‌برند. اما با عدل هیچ چیزی مقابله نمی‌کند.^۳

نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که صلح اگرچه ارزشی عالی است اما لزوماً

۱. «امروز دنیا مثل همیشه به آرامش و صلح و امنیت احتیاج دارد. یکی از نیازهای اساسی بشر، صلح است. البته ما همواره گفته‌ایم که صلح باید با عدالت همراه باشد. برای یک ملت، صلح تحمیلی و غیرعادلانه، از جنگ هم بدتر است» (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۸۰/۷/۲۳).

۲. «صلح یک ارزش مطلق نیست، یک ارزش نسبی است؛ یک جایی صلح خوب است، یک جایی صلح بد است، جنگ خوب است. اما عدالت این جور نیست؛ عدالت یک ارزش مطلق است؛ یعنی هیچ جا نداریم که عدالت بد باشد» (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۹۰/۲/۲۷).

۳. امام خامنه‌ای مدظله، جلسه تفسیر سوره بقره، ۱۳۷۰/۸/۸.

عدالت و قسط را تولید نمی‌کند^۱ اما عدل، حتما در نهایت مولد صلح است.

گذار معرفتی لازم برای رسیدن به نظم عدل بنیاد و نهادسازی جهانی مبتنی بر آن، گذار از ایده «جنگ به عنوان بزرگ‌ترین بلای پیش روی بشر» به ایده «ظلم و جور به عنوان بزرگ‌ترین بلای پیش روی بشر» است. یکی از مبانی جدی اعتقادی تشیع، اعتقاد به امامی است که در توصیف او فرموده‌اند:

مهدی هذه الأمة الذی یملأ الأرض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً (هلالی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ۵۶۷).

از این رو، یکی از بسترهای زمین مملو و سرشار از قسط و عدل، نهادسازی عدل بنیاد و قسط بنیاد در جهت مبارزه با جهان سرشار از ظلم و جور است که زمینه بنیادین در جهت حرکت در افق ظهور است. بنابراین، تلاش برای شکل‌گیری نظم جدید جهانی بر مبنای عدل و داد و نهادسازی جهانی برای این نظم جدید مبتنی بر عدالت، از اجزای بنیادین گام دوم انقلاب و زمینه‌سازی برای «طلوع خورشید ولایت عظمی» است. نظر به این مبانی معرفتی، چارچوب نظری عدل بنیادی (قسط) در نرم‌افزار هندسه نظم مهدوی در نسبت با صلح بنیادی، به صورت زیر خواهد بود.

۱. «در یک کوچه‌ای که یک کسی دارد عبور می‌کند، فرضاً دو نفر دارند دعوا می‌کنند؛ بعد آن عابر می‌گوید: «آقا آشتی کنید». آن وقت با زحمت زیاد می‌آید به زور و با افراد، آن دو نفر را از هم جدا می‌کند، در حالی که ملتفت نیست این دعوا بر سر چیست؟ او نمی‌داند این آدم آمده است، در خانه‌ی او وارد شده، پول‌هایش را برده، شیشه‌های خانه‌اش را شکسته، بچه‌هایش را کتک زده، حالا می‌گوید این‌جا مال من است، می‌خواهم بنشینم. اینکه تو آمدی بین این دو نفر را صلح دادی یعنی چه؟ یعنی بیایند خانه‌ای را که آن ظالم، به زور تصرف کرده، بین خودشان تقسیم کنند! آیا واقعا این عدالت است که فرضاً نیمی از خانه‌ی این شخص را آن ظالم بیاورد و بگیرد؟ و آیا این عدالت است که تو در حین عبور، بی‌خبر آمدی یک چیزی گفتی و خواستی بین آن دو نفر را صلح بدهی؟» (امام خامنه‌ای مدظله، جلسه تفسیر سوره بقره، ۱۳۷۰/۸/۸).



شکل ۱- چارچوب نظری عدل بنیادی (قسط) در نرم‌افزار هندسه نظم مهدوی

رکن نرم‌افزاری دیگر هندسه نظم جهانی در عصر مهدوی، تدبیر حل اختلافات، منازعات و معارضات است. در دستگاه معرفتی قرآن کریم، آن موضوعی که تمهید این نقطه کلیدی و بحرانی را متعهد شده است، مفهوم «حکمت» است. حکمت، مهارت و دانش حل و رفع اختلافات است. حاکم کسی است که اختلافات اجتماعی را بر می‌دارد و حکیم کسی است که حکمت از او می‌جوشد. جهان امروز، یک جهان آمریکایی است. در جهان آمریکایی، اختلافات با «هژمونی» از میان برداشته می‌شود. همواره باید یک هیمنه مقتدر مسیطر غالب وجود داشته باشد تا باقی به هوای ترس از او، با هم کنار بیایند. جهان چینی اما به جای هژمونی، «هارمونی» را پیش کشیده است. هارمونی، به دنبال آن است که یک حالت تعادل و توازن میان نیروها را از پایین و از میان خود نیروها شکل بدهد تا اختلافات حل و فصل شود است. «حکمت این است که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید... دعوا کردن و اوقات تلخی کردن و حرف تند زدن، یک وقتی ممکن است به درد بخورد؛ اما این روش عمومی نیست. روش عمومی، حکمت است»^۱. رهبر انقلاب (مدظله) از

۱. امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۹۰/۱۰/۷

همان آغاز زعامت، حکمت را به عنوان یکی از اضلاع مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران طرح کرده‌اند.^۱ حکمت، جان جهان ایرانی است. حکمت، توان احکام و حکم کردن است. وقتی دو چیز که مختلفند یعنی خلاف همدند، در دامن حکمت قرار بگیرند، اختلاف آنها برداشته شده و یکی می‌شوند. حکمت يك حالت و خصیصه درك و تشخیص است که شخص، به وسیله آن، می‌تواند حق و واقعیت را درك کند و مانع از فساد شود و کار را متقن و محکم انجام دهد. حکمت حالت نفسانی و صفت روحی است نه شیء خارجی بلکه شیء محکم خارجی، از نتایج آن است... مراد از حکمت همان محکم کاری و تشخیص است (قرشی، ۱۳۵۴ ش: ج ۲، ۱۶۳). پس حکمت، راه رفتن از معرفت به حقیقت است؛ حکمت، راه رفتن از تعدد به وحدت است. حکمت است که جان و جهان را لبالب از صلح و سلام می‌کند. حکمت، دانش و علم یکپارچه، یک‌دست، بی‌شبهه، بدون اختلاف و بدون نقص و خلل و فرج است که حکیم از خدا می‌گیرد و با استفاده از آن، حکم کرده و اختلافات را محو می‌کند. شیء محکم، شیء واحد است؛ یعنی اختلافات آن به کلی، رفع شده است. در مناظره علی بن موسی الرضا (علیه السلام) با سلیمان، از بیان حضرت ایشان فهم می‌شود که چیزی که بعضی یا جزئی از آن، مخالف بعضی دیگر یا جزئی دیگر از آن نباشد، شیء واحد است^۲ (مجلسی، ۱۳۷۹ ش: ج ۲، ۳۲۳). حاکم و حکومت از این حیث که فرق‌ها و اختلافات را از میان بر می‌دارند، اینگونه نامیده شده‌اند. حکم در قضاوت، از آن روی که رافع اختلاف و تعارض است، حکم خوانده شده است. قضاء در اصل، به معنی «فیصله دادن به امر» است، قولی باشد یا فعلی از خدا باشد یا از بشر. طبرسی ذیل آیه ۱۱۷ بقره فرموده:

قضا و حکم، نظیر همدند و اصل آن به معنی فیصله دادن و محکم کردن شیء است (قرشی، ۱۳۵۴ ش: ج ۶، ۱۷).

تکلیف اکنون و این جای جوامع (مابینکم) را حکم، تعیین می‌کند (شمس‌الدینی و فولادی قلعه، ۱۴۰۰) و حکم یعنی حرف نهایی بی‌چون و چرا که بدان «فصل الخطاب» گفته شده است.^۳ در روایت علوی، در خطبه ۱۸۲ نهج‌البلاغه، در بیان وضع حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در

۱. سیاست خارجی ما باید متکی باشد به سه اصل عزت و حکمت و رعایت تقیه؛ در آن مواردی که باید تقیه کرد (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۶۸/۱۱/۹). عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۷۰/۴/۱۸).

۲. لم یخالف بعضها بعضا، و كان شینا واحدا.

۳. «و شد دنا ملکه و آئینه الحکمة و فصل الخطاب» و ملکش (حضرت داوود علیه السلام) را استوار کردیم و او را حکمت و کلام

دوران غیبت و اغتراب اسلام، چنین آمده است که:

زره‌اش را برای حکمت پوشیده است؛ و با همه ادبش، از اقبال به‌سوی آن و معرفت به آن و تفرغ از همه چیز برای آن، آن را گرفته است؛ حکمت در نزد او، آن گمشده‌ای است که همواره در طلب آن است، و آن نیازی است که از آن می‌پرسد (مجلسی، ۱۳۹۲ق: ۳۹۸).

حکمت، گمشده مؤمن نیز خوانده شده است (مجلسی، ۱۳۹۲ق: حکمت ۸۰، ۷۷۶) و بدون آن، رفع اختلاف و تعارض و تنازع، به معنای واقعی، انجام نخواهد شد. پیداست که کلیدی‌ترین جایگاه برای اعمال و اجرای حکمت، ملک و حکومت است. نظر به این مبانی معرفتی، مبنای نظری حکمت‌بنیادی در نرم‌افزار هندسه نظم مهدوی به صورت زیر خواهد بود.

حکمت، دانش، قوه و فناوری حل اختلاف، منازعه و تعارض است.

حکیم، کسی است که با مهارت و دانش حکمت، موضوعات و مسائل ظاهراً مختلف و متعارض را در یک شیء واحد، جمع می‌کند.



امروز، با دانش و فناوری حکمت (چنانی که حاج قاسم توانست)، می‌توان اختلافات و تعارضات میان اقوام، ملت‌ها، مذاهب، دین‌ها و منافع را حل کرده و آنها را متحد کرد.

شکل ۲- مبنای نظری حکمت‌بنیادی در نرم‌افزار هندسه نظم مهدوی

فیصله‌دهنده عطا کردیم (ص: ۲۰).

۱. قد لبس للحكمة جنتها وأخذها بجميع أدبها من الإقبال عليها والمعرفة بها والتفرغ لها، فهي عند نفسه ضالته التي يطلبها وحاجته التي يسأل عنها، فهو مغترب إذا اغترب الإسلام وضرب بعسيب ذنبه وألصق الأرض بجرانه، بقية من بقايا حجته خليفة من خلأف أنبيائه.

نتیجه‌گیری

نظم جهانی در عصر مهدویت، بر بنیاد قسط و عدل، شکل خواهد گرفت. «ما، خود، چارچوب جدیدی ساخته‌ایم که در آن عدل را ملاک دفاع، و ظلم را ملاک حمله، گرفته‌ایم؛ از هر عادل‌ی دفاع می‌کنیم و بر هر ظالمی می‌تازیم، حال شما اسمش را هرچه می‌خواهید بگذارید. ما این سنگ را بنا خواهیم گذاشت. امید است کسانی پیدا شوند که ساختمان بزرگ سازمان ملل و شورای امنیت و سایر سازمان‌ها و شوراها را بر این پایه بنا کنند، نه بر پایه نفوذ سرمایه‌داران و قدرت‌مندان که هر موقعی که خواستند هرکسی را محکوم کنند، بلافاصله محکوم نمایند» (موسوی خمینی، ۱۳۵۸ ش: ج ۱۱، ۱۶۰). بنای ساختمان بزرگ سازمان ملل و شورای امنیت و سایر سازمان‌ها و شوراها، جهانی بر پایه عدل و قسط و نقش‌آفرینی مؤثر در ایجاد نظم جدید بین‌الملل عدل بنیاد و نهادسازی مبتنی بر آن، مستلزم حضور مقتدرانه در میدان، و تلاش اولاً نرم‌افزاری و سپس سخت‌افزاری، برای آغاز حرکت به سمت آن و قیام عمومی بشریت به سمت قسط جهانی است. برای رسیدن به این منظور، ضروری است که یک وفاق جمعی و اراده کلی در سطوح مختلف جمهوری اسلامی، متمرکز بر این موضوع شکل بگیرد.

پیشنهاد می‌شود که طرح عملیاتی اولیه نظم قسط بنیاد و نهادسازی جهانی مبتنی بر آن جهت ارائه به مقامات عالی کشور، تنظیم و تدوین شود. مبتنی بر آن، طراحی چارچوب دیپلماتیک برای گذار از «صلح و امنیت جهانی» به «قسط و عدالت جهانی»، به عنوان کرسی تحقق واقعی صلح و امنیت در جهان، صورت گرفته و زیرساخت‌های نظری و معرفتی برای تغییر ریل بشریت در سطح نظم جهانی از محوریت شورای امنیت به شورای عدالت، تمهید شود. همچنین نهادهای دیپلماسی غیررسمی همچون مجمع تقریب مذاهب، سازمان تبلیغات اسلامی، جامعه المصطفی و... جهت کنش‌گری در طرح عدل نظم بنیاد، همراه و فعال شوند. شایسته و بایسته است که در جهت پرچم‌داری ایران در حرکت جهانی عدالت، دستگاه رسمی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی، محور تشکیل پیمان‌ها و نهادهای عدل محور و قسط بنیاد شده و در همه منازعات منطقه‌ای و جهانی، مفهوم‌سازی و گفتمان‌سازی معطوف به عدل را طرح و دنبال کند و در هر جنگ یا نزاعی که وجود دارد، علاوه بر تلاش برای صلح، باقی اطراف را در جهت تلاش برای عدل، تحریک و رایزنی کند. نقطه شروع این موضوع، می‌تواند جنگ اخیر غزه باشد. علاوه بر این، چارچوب بنیادین حل اختلافات و تعارضات مبتنی بر عقل توحیدی و حکمت الهی، که منتج به تعمیق و توسعه مفهوم و عملی حکمت خواهد شد، نیز طراحی و تبیین شود.



بنابراین هندسه نظم جهانی مهدوی، دو ویژگی نرم افزاری بنیادین دارد که در سخت افزار آن، یعنی در حکومت جهانی مهدوی، به ظهور خواهند رسید. این دو ویژگی، قسط و حکمت هستند. عدل بنیادی و حکمت بنیادی، ضامن حیات و بقای ملک مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود. هندسه مبتنی بر نظم عدل بنیاد، همانا قسط است و هندسه مبتنی بر نظم حکمت بنیاد، عقل منور. پاسداری از انقلاب اسلامی، وارد مرحله جدیدی شده است و آن، همانا پاسداری از قسط و عدل جهانی است. حرکت به سمت «سپاه عدالت»^۱، صرفا محدود به ایران نیست و برای آغاز، در جغرافیای جبهه مقاومت و سپس در گستره های جغرافیایی بزرگ تر، نهادسازی بین المللی مبتنی بر عدل و قسط، جهانیان را آماده طلوع خورشید ولایت خواهد کرد. از آنجایی که کنش گری در مقیاس نظم جهانی و در فرای مرزها، الزاماتی در درون کشور دارد، پیشنهاد می شود که نقایص حکمرانی در داخل، شناسایی و اصلاح شده و از آنجایی که «رسیدن به هدف های اسلامی - حالا اسمش را بگذارید «نظام اسلامی»، در نهایت «تمدن اسلامی» - جز با حضور مردم، جز با توجه و مبادرت مردم، امکان پذیر نیست؛ باید مردم بخواهند، مردم بیایند، مردم اقدام کنند»^۲، زمینه توسعه پذیرش تنوع فرهنگی مردم در داخل و اتحاد مذهبی در خارج (به طور خاص، اتحاد شیعه و سنی)، به طور واقعی و جدی، در دستور کار قرار بگیرند چرا که «تمدن اسلامی با نگاه به ظرفیت های امروز و حقایق و واقعیات امروز، جز با اتحاد شیعه و سنی امکان پذیر نیست؛ این را تنها یک کشور و یک فرقه نمی تواند انجام بدهد؛ برای این بایستی همه با هم همکاری کنند»^۳.

منابع

۱. پاکتچی، ا (۱۳۸۹ش)، *روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲. خنیفر، ح؛ زروندی، ج؛ زروندی، ن (۱۳۸۹ش)، «جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی»، *فصل نامه مشرق موعود*، شماره ۱۶.
۳. رادان، ف (۱۳۹۷ش)، *مبانی پژوهش و روش تحقیق کتابخانه ای* Retrieved from

۱. خلاف آنچه بسیاری می پندارند، آخرین مقاتله ما، به مثابه ی سپاه عدالت، نه با دموکراسی غرب، که با اسلام آمریکایی است، که اسلام آمریکایی، از خود آمریکا، دیرپاتر است (شهید سید مرتضی آوینی).

۲. امام خامنه ای مدظله، ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

۳. امام خامنه ای مدظله، ۱۴۰۰/۸/۲

- <https://db.ketab.ir/bookview.aspx?bookid=2235458>
۴. زارعی، م؛ سرپرست سادات، س. ا (۲۰۲۰)، «فطرت» و «مهدویت» در نظم نوین پساکرونا بی
 دهکده جهانی، فصل نامه علمی مطالعات قدرت نرم، شماره ۹ Retrieved from
https://www.spba.ir/article_125694.html
۵. سلیمانی، ا؛ عزیزی، ب (۱۳۸۸ش)، «مهدویت و حکومت جهانی در قرآن»، *مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۱.
۶. شمس الدینی، م؛ عرب بافرانی، م (۱۴۰۲)، «نطفه بندی نظم جدید جهانی و سناریوهای هندسه آینده جهان»، *فصل نامه آینده پژوهی انقلاب اسلامی*، شماره ۴.
۷. شمس الدینی، م؛ عرب بافرانی، م (۲۰۲۳)، «نطفه بندی نظم جدید جهانی و سناریوهای هندسه آینده جهان»، *آینده پژوهی انقلاب اسلامی*، شماره ۴: Retrieved from
https://fsir.ihu.ac.ir/article_208150.html
۸. شمس الدینی، م؛ فولادی قلعه، ک (۱۴۰۰)، *سواد آینده؛ مهارت لازم برای زندگی در قرن ۱۵ خورشیدی*، بی جا: بی نا.
۹. علامه مجلسی (۱۳۷۹ش)، *احتجاجات (ترجمه جلد ۹ بحار الأنوار)*. تهران: اسلامیه.
۱۰. قرشی، س (۱۳۵۴)، *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. مجلسی، م (۱۳۹۲ق)، *نهج البلاغه*، قم: دفتر نشر معارف.
۱۲. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۵۸ش)، *صحیفه*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۳. هلالی، س. ب. ق (۱۴۱۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، بی جا: بی نا.
۱۴. وبگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای: <https://farsi.khamenei.ir>
15. Barnett, M. (2021). International Progress, International Order, and the Liberal International Order. *The Chinese Journal of International Politics*, 14(1), 1–22. <https://doi.org/10.1093/cjip/poaa019>
16. Bhattacharya, A., Coulibaly, B., S., Derviş, K., Kharas, H., McArthur, J. W., Narlikar, A., ... Tocci, N. (2022). *ESSAYS ON A 21ST CENTURY MULTILATERALISM THAT WORKS FOR ALL*. Brookings Institution.
17. Bruno Macaes. (2020). *Belt and Road: A Chinese World Order*. LONDON: HURST & COMPANY.

18. Buscema ,M. ,Ferilli ,G. ,& Sacco ,P. L. (2017). What kind of ‘world order’? An artificial neural networks approach to intensive data mining. *Technological Forecasting and Social Change* ,117 ,46–56. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2017.01.010>
19. Colgan ,J. D. (2021). *Partial Hegemony: Oil Politics and International Order*. Retrieved from <https://books.google.com/books?id=g3U-EAAAQBAJ>
20. Flockhart ,T. (2016). The coming multi-order world. *Contemporary Security Policy* ,37(1) ,3–30. <https://doi.org/10.1080/13523260.2016.1150053>
21. Flockhart ,T. ,& Korosteleva ,E. A. (2022). War in Ukraine: Putin and the multi-order world. *Contemporary Security Policy* ,43(3) ,466–481. <https://doi.org/10.1080/13523260.2022.2091591>
22. Fowdy ,T. (2023). Hegemony vs Harmony - Contrasting US and China’s approaches to the Middle East. Retrieved February 1 ,2024 ,from Al Mayadeen English website: <https://english.almayadeen.net/articles/opinion/hegemony-vs-harmony---contrasting-us-and-chinas-approaches-t>
23. Gries ,P. H. (2007). Harmony ,Hegemony ,& U.S.-China Relations. *World Literature Today* ,81(4) ,44–47.
24. Guppy ,B. D. (2023). China seeks harmony not hegemony. Retrieved from Pearls and Irritations website: <https://johnmenadue.com/china-seeks-harmony-not-hegemony/>
25. Kissinger ,H. (2014). *World order: Reflections on the character of nations and the course of history*. <https://doi.org/10.4324/9781912282227>
26. Lawson ,G. (2020). The rise of modern international order. In *The Globalization of World Politics: AN INTRODUCTION TO INTERNATIONAL RELATIONS* (EIGHTH ,pp. 39–53). <https://doi.org/10.1093/hepl/9780198825548.003.0010>
27. Mearsheimer ,J. J. (2019). Bound to Fail: The Rise and Fall of the Liberal

- International Order. *International Security* ,43(4) ,7–50.
https://doi.org/10.1162/isec_a_00342
28. Regilme ,S. S. F. (2019). The decline of American power and Donald Trump: Reflections on human rights ,neoliberalism ,and the world order. *Geoforum* ,102(October 2018) ,157–166.
<https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2019.04.010>
29. Sørensen ,G. (2006). What Kind of World Order?: The International System in the New Millennium. *Cooperation and Conflict* ,41(4) ,343–363.
<https://doi.org/10.1177/0010836706069601>
30. Tang ,S. (2018). The future of international order(s). *Washington Quarterly* , 41(4) ,117–131. <https://doi.org/10.1080/0163660X.2018.1557499>
31. Waldron ,A. (2019). Reflections on China’s Need for a ‘Chinese World Order.’ *Orbis* ,63(1) ,3–10.
<https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.orbis.2018.12.006>

مشرق

سال هجدهم، شماره ۷۱، بهار ۱۴۰۳

Explaining the theoretical and practical steps of Iran's Islamic revolution in order to realize the Mahdavi uprising; with emphasis on Imam Khomeini's thought

Dr. Ayoub Pourqiyumi ¹

Dr. Meisam Rezaei ²

Abstract

The theoretical and practical steps of the Islamic Revolution of Iran, including the establishment of an Islamic state, the creation of extensive social and cultural changes and the transfer of power to the people, the fight against oppression and oppression, etc., played an important role in the realization of the Mahdavi uprising and the promotion of Islamic values and culture. Mahdavi has helped. In this research, which is of an applied-developmental type, using analytical-descriptive method and using library studies, the subject of "theoretical and practical steps of the Iranian Islamic Revolution in the direction of realizing the Mahdavi uprising with an emphasis on the thought of Imam Khomeini?", as The main objective has been investigated. The findings of the research confirm that steps and characteristics such as the connection of this uprising with the Islamic government and the system of Imamate and Ummah while paying attention and emphasizing social justice, distribution of resources, strengthening Islamic unity and fighting against global arrogance and realizing Islamic principles will help to realize the Mahdavi uprising.

Keywords: The Mahdavi uprising, Imamamat and ummah system, Iran's Islamic Revolution, Imam Khomeini's thoughts

1. Member of the Faculty of Islamic Studies, Imam Hossein University(Responsible Author)

2. Member of the Faculty of Urban Engineering Department of Salman Farsi University of Kazeroun



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفتاد و یکم / بهار ۱۴۰۳

تبیین گام‌های نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران در راستای تحقق

قیام مهدوی؛ با تأکید بر اندیشه امام خمینی رحمته‌الله علیه

ایوب پورقیومی^۱

میثم رضائی^۲

چکیده

گام‌های نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران از جمله تأسیس یک دولت اسلامی، ایجاد تحولات اجتماعی و فرهنگی گسترده و انتقال قدرت به مردم، مبارزه با ستم و ظلم و... نقش مهمی در راستای تحقق قیام مهدوی داشته و به ترویج ارزش‌های اسلامی و فرهنگ مهدوی کمک نموده است. در این پژوهش که از نوع کاربردی - توسعه‌ای است، با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، موضوع «گام‌های نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران در راستای تحقق قیام مهدوی با تأکید بر اندیشه امام خمینی رحمته‌الله علیه»، به عنوان هدف اصلی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق مؤید این است که گام‌ها و ویژگی‌هایی چون ارتباط این قیام با حکومت اسلامی و نظام امامت و امت ضمن توجه و تأکید بر عدالت اجتماعی، توزیع منابع، تقویت وحدت اسلامی و مبارزه با استکبار جهانی و تحقق اصول اسلامی به تحقق قیام مهدوی کمک خواهد کرد.

واژگان کلیدی

قیام مهدوی، نظام امامت و امت، انقلاب اسلامی ایران، اندیشه‌های امام خمینی رحمته‌الله علیه.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین رویدادهای بزرگ تاریخی در قرن بیستم بوده است. این انقلاب با رهبری امام خمینی رحمته‌الله علیه و امیدواری به ظهور مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه‌ه مداومت داشت و خود را در چارچوب ایدئولوژی قیام مهدوی قرار داد. قیام مهدوی به عنوان یکی از اعتقادات اسلامی با استناد به آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله و ائمه علیهم‌السلام به فرایندی تحقق یافته است که در آن امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه به عنوان حاکم عادل و مهربان در سراسر

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام (نویسنده مسئول) (ghayoomi@gmail.com).

۲. عضو هیئت علمی گروه مهندسی شهرسازی دانشگاه سلمان فارسی کازرون (m.rezaei@kazerunfu.ac.ir).

جهان خواهد ظهور کرد و دیکتاتوری‌ها و نظام‌های ناعادلانه را به زیر پا خواهد گذاشت. انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر این اعتقاد، با هدف تحقق قیام مهدوی پیش می‌رود. امام خمینی رحمته‌الله علیه، رهبر روحانی و سیاسی انقلاب اسلامی، در اندیشه‌اش به رسالت تحقق قیام مهدوی پرداخته و گام‌های نظری و عملی را برای تأمین زمینه‌های مناسب برای ظهور مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف ترسیم کرد. او از تفسیر قرآنی و حدیثی استفاده کرده و بر عدالت اجتماعی، توزیع منابع، وحدت اسلامی و مبارزه با استکبار جهانی تأکید کرد. همچنین، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری با تأکید بر اصول اسلامی برای ایجاد ساختارهای مناسب جهت رسیدن به قیام مهدوی مورد توجه قرار گرفت.

پس از انقلاب اسلامی، گام‌های عملی برای تحقق قیام مهدوی اندیشیده و مورد توجه قرار گرفت. ایجاد نظام اسلامی با ساختار مناسب جهت اجرای اصول اسلامی، تقویت نهادهای دفاعی و امنیتی برای زمینه‌سازی تمدن مهدوی و ترویج مبانی فرهنگی و اخلاقی اسلامی جهت تربیت نیروی انسانی، گام‌های عملی در راستای تحقق قیام مهدوی بوده‌اند. مسئله‌ای که در این جا مطرح می‌شود، مربوط به تبیین گام‌های نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران برای تحقق قیام مهدوی با تأکید بر اندیشه امام خمینی رحمته‌الله علیه است. به عبارتی، بررسی و تبیین گام‌هایی که از این منظر در انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به هدف نهایی یعنی تحقق قیام مهدوی برداشته شده و شناخت و تحلیل عوامل، ایدئولوژی‌ها و رویدادهایی که در این فرآیند نقش داشته‌اند، مسئله این تحقیق است.

معرفی انقلاب اسلامی ایران و ایدئولوژی قیام مهدوی

نظام اسلامی حاکم بر ایران که ثمره انقلاب اسلامی است از همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب تلاش کرده است با اجرای قوانین اسلامی و تبلیغ باورهای مذهبی، روح دینداری را در مردم زنده نگاه دارد و جان تازه‌ای به آن ببخشد. هدفی که در کلام و رفتار دست‌اندرکاران فرهنگی و سیاسی و اجتماعی جامعه در این چند سال بر آن تأکید شده، اندیشه مهدوی است. این اندیشه به عنوان راهنمای عمل برگزیده شده است تا اهداف متعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی جامه واقعیت به تن پوشد و در واقع جامعه‌ای هم‌تراز و هم‌شان با جامعه‌ای که مورد نظر رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده است، برپا شود؛ جامعه‌ای که زمینه‌ساز ظهور ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف باشد. مهدویت همواره به عنوان رمز حیات و هویت شیعه در قرون و اعصار مطرح بوده است. جامعه و دولت منتظر، با زنده نگه داشتن شعله انتظار

مصلحانه فرج، باید الگویی مناسب برای اقوام و ملل سرگردان دنیا ارائه دهد که امروزه از آن به عنوان دکترین مهدویت یاد می‌شود (پورسیدآقای، همکاران، ۱۳۸۹ ش: ۵-۶).

۱. تعریف و شرح قیام مهدوی

با غیبت امام دوازدهم، شیعیان، مسلمانان و همه جهانیان دچار محرومیتی جانکاه و عمیق شدند. شیعه در این عصر با پذیرش مسئولیت تاریخی خود برای خروج از این محرومیت، چشم به راه موعود و عصر ظهور، به انتظار ایستاد، انتظاری که بار سنگین رسالت زمینه‌سازی برای ظهور را با خود به همراه داشت، چرا که انتظار عمل است و برترین عمل‌ها، جهاد است و بهترین جهادها (افضل جهاد امتی انتظار الفرج). انتظار آمادگی است و زمینه‌سازی (من انتظر امرا تهيأ له)، آمادگی و زمینه‌سازی برای همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها و رهایی از همه حرمان‌ها و محرومیت‌ها انتظار تعهد است و مسئولیت (المنتظر لامرنا کالمتشط بدمه فی سبیل الله) و این همه یعنی رسالت بزرگ شیعه و میثاق تاریخی او در غیبت امام در هر صبح و شام^۱ (پورسیدآقای، ۱۳۸۸ ش: ۱۹).

انتظار قیام یک مصلح بزرگ جهانی، انتظار انقلاب و دگرگونی و تحولی است که وسیع‌ترین و اساسی‌ترین انقلاب‌های انسانی در طول تاریخ بشر است. انقلابی که عمومی، همگانی و جهانی است و تمام شئون و جوانب زندگی انسان‌ها را شامل می‌شود، در این میان انقلابی که بیش از هر انقلاب دیگری در مسیر انقلاب جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ولو در سطح منطقه‌ای و ملی قدم نهاده است، انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ می‌باشد. انقلاب اسلامی ایران نمونه و الگوی بسیار کوچکی از حکومت عدل و داد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. مبانی فکری و نظری، اهداف و عوامل ایجادکننده انقلاب، رهبری و چشم‌انداز آینده آن چیزی است که این دو انقلاب را بیش از پیش به هم شبیه می‌سازد و انقلاب اسلامی ایران در جایگاه نمونه کوچکی از انقلاب جهانی حضرت مهدی مطرح می‌گردد.^۲

۲. جایگاه و اهمیت قیام مهدوی در انقلاب اسلامی ایران

آئین‌های مذهبی چهلم، عاشورا، اعیاد اسلامی، تولد و شهادت پیشوایان دین، از جمله آئین‌ها و مراسم مذهبی بودند که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش اساسی داشتند. ایمان به مهدویت، جایگاه والایی در فرهنگ ناب شیعه دارد. شیعه، حیات و بالندگی خود را مدیون آن

۱. انتظار الفرج صباحا و مساء.

2. <https://shiastudies.com>

است و بر آن اساس زندگی و رشد می‌کند. فرهنگ مهدویت، در شکل‌گیری مبانی فکری و ایدئولوژیکی انقلاب ایران نقشی مؤثر و انکارناشدنی داشت و ایمان به مهدویت، رمز پیروزی انقلاب اسلامی بود. روحیه انقلابی شیعه، بر پایه اندیشه بنیادین مهدویت شکل گرفته و این دیدگاه است که انتظار طولانی مدت و بازگشت نهایی دوازدهمین امام شیعه برای شکل دادن عصر جدید را تبیین می‌کند (Corman, 2011: 21) و پیام وات،^۱ می‌گوید:

اعتقاد به امامت و مسئله انتظار، از جمله ویژگی‌های تشیع‌اند که در اندیشه سیاسی شیعه، نقش مهمی ایفا می‌کنند. این منجی‌گری، تبدیل به یکی از جنبه‌های اساسی اسلام تشیع شد (بلخاری، ۱۳۷۹ ش: ۱۳۰).

اندیشه سیاسی شیعه با آموزه مهدویت همواره پویا و با نشاط بوده و در همه حال نقش اساسی را در قیام مردم ایران ایفا کرده است (تلاشان و همکاران، ۱۳۹۳ ش: ۳۳-۳۴).
فوکو^۲ اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه را موتور محرکه هیجانات اجتماعی شیعه می‌داند و اعتقاد به مهدویت را عاملی می‌داند که مردم را در حالت آمادگی کامل قرار می‌دهد؛ زیرا وقتی انتظار فرج بر هر مسلمان شیعه واجب شد، آنها را در حالت آمادگی کامل قرار می‌دهد. بنابراین، آنها برای هر حادثه‌ای آماده خواهند بود؛ به ویژه این که بر خود واجب می‌دانند زمینه ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه را فراهم کنند؛ پس نه تنها در آمادگی کامل قرار دارند، بلکه اقدام به اصلاح نیز در سرلوحه امورشان قرار دارد. مردم شیعه ایران، برای رسیدن به این آرمان، انقلاب خود را رقم زدند (فوکو، ۱۳۷۵ ش: ۳۶-۳۷).

حامد الگار، اندیشمند مسلمان آمریکایی، اعتقاد به مهدویت را یکی از عوامل زمینه‌ساز انقلاب ایران ذکر می‌کند و می‌گوید:

ریشه انقلاب، به موضوع امامت در دیدگاه شیعه و مسئله غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه و پیامدهای سیاسی آن عقیده ارتباط دارد که تجلی عینی اعتقاد به نیابت است (تلاشان و همکاران، ۱۳۹۳ ش: ۳۴).

اسکاچپول نیز با توجه به مذهبی بودن انقلاب اسلامی ایران، به نقش اسلام شیعی در پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می‌کند و تمایلات شیعی را در انقلاب ایران، از جمله عوامل قاطع و انکارناپذیر برمی‌شمارد و می‌نویسد: اقتدار مشروع در اجتماع شیعه، از دیرباز بین رهبران سیاسی و مذهبی تقسیم شده است؛ به گونه‌ای که هیچ کدام از این رهبران نمی‌توانند به طور

1. William Watt
2. Michl Foucauit

صریحی مدعی نمایندگی کامل اراده امام غائب، یعنی رهبر عالی مقامی که از قرن نهم وارد دوره غیبت شده، باشند (اسکاچپول، ۱۳۸۲ ش: ۲۹)، وی نقش امام خمینی (ره)، به عنوان یک کانون مرکزی برای رهبری انقلاب ایران را پژواکی از انتظار مداوم مردم ایران برای ظهور امام دوازدهم می‌داند (همان: ۱۳۴).

به نظر دکتر «حمید عنایت» وجه مشخصه انقلاب اسلامی ایران، نقش اساسی مذهب تشیع در تکوین و تداوم جنبش انقلابی در چارچوب جغرافیای سیاسی ایران است. وی می‌گوید: مذهب تشیع، ایدئولوژی ذاتی انقلاب ایران و مهم‌ترین منبع تجهیز ایدئولوژیک جنبش اجتماعی مردم است. زمینه بروز انقلاب بر نوعی رویکرد جمعی به مذهب قرار داشت و به‌ویژه نشانگر اعتقاد عمیق به میانی مذهب شیعه بود و در واقع، همین خصلت است که انقلاب ایران را از سایر انقلابات معاصر منفک می‌نماید. حمید عنایت، عنوان «احیای مذهب» را برای کل فرایند تحول تفکر سیاسی شیعه در دوران معاصر مطرح کرده و معتقد است که این پدیده اساساً بر محور ارائه تفسیر نوینی از مفاهیم اصلی شیعه متکی است که هدف آن ایجاد نوعی تحرک سیاسی و ظلم‌ستیزی در چارچوب جغرافیای سیاسی و هویت سرزمینی ایران می‌باشد (الهی‌منش و همکاران، ۱۳۹۴ ش: ۶).

گام‌های نظری تحقق قیام مهدوی در اندیشه امام خمینی (ره)

نقش و تأثیرگذاری شخصیتی چون امام خمینی (ره) در تاریخ معاصر ایران بی‌بدیل است. نقش‌آفرینی در تحول ساختار سیاسی ایران معاصر از سلطنت به نظام جمهوری اسلامی با رهبری حرکت انقلابی مردم ایران در سال ۱۳۵۷ در بسیاری جنبه‌های دیگر لزوم توجه جدی به امام خمینی (ره) و آرا و اندیشه‌های ایشان را در تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد. امام خمینی (ره) شاخصه‌های اصلی گفتمان جدیدی به نام اسلام سیاسی در ایران است. از این رو فهم تاریخ معاصر ایران در چند دهه اخیر فارغ از توجه به گفتمان امام خمینی (ره) میسر نیست؛ زیرا عصر حاضر در نظام جمهوری اسلامی ایران میراث امام خمینی (ره) است و ما در فضایی زندگی می‌کنیم که گفتمان امام خمینی (ره) در آن حضور زنده و تأثیرگذار دارد و هیچ اندیشه و عمل سیاسی بی‌ارتباط با این گفتمان میسر نیست. گفتمان امام تحول جدیدی در اندیشه سیاسی اسلام به حساب می‌آید که براساس نظام ولایت فقیه استوار شده است. به رغم پیشینه طولانی نظریه ولی فقیه در اندیشه سیاسی شیعه تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، چنین نظریه‌های به شکل عملی به حیات سیاسی و فکری جامعه اسلامی وارد نشده بود. امام با

بهره‌گیری از سنت اسلامی گذشته و اجتهادی مبتنی بر زمان و مکان و تبیین شفاف‌تر موضوعات جدید چون نقش مردم در زندگی سیاسی، نظام پارلمانی و نقش و جایگاه آن در قانون‌گذاری و بسیاری دیگر، خود سرآغاز تحول جدیدی در اندیشه سیاسی شیعه شد (شمسا، ۱۳۹۰ش: ۱).

ولایت فقیه، نظریه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله است. امام خمینی رحمته‌الله این نظریه را در سال ۱۳۲۳ در کتاب *کشف الاسرار* مطرح کردند. امام خمینی مطابق نظریه ولایت فقیه هدف عالی حکومت پیشنهادی خود را عدالت خواندند و خواهان رژیم‌های موجود دنیا نیست و تنها ایشان تصریح کردند که عدالت جزء ذاتی هیچ‌کدام از رژیم‌های موجود دنیا نیست و تنها عدالت در حکومت اسلامی ممکن است. ولایت فقیه نظریه‌ای است که ریشه در اعماق سیاسی فقه شیعه دارد و در غیاب امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف ولایت فقیه تنها ولایت و حاکمیت ذاتا مشروعی است که برای شیعیان قابل تصور است و هرنوع حاکمیتی غیر از آن، مصداق حاکمیت طاغوت است (شمسا، ۱۳۹۰ش: ۱-۲).

از مهم‌ترین فرازهای بیانات حضرت امام خمینی رحمته‌الله درباره حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف به این حقیقت اشاره شده است که در دیدگاه ایشان حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف از خاندان پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم و وارث علم و رسالت، ذخیره الهی و ظاهرکننده تمام شریعت خداوند، مکمل دین پیامبران ابراهیمی و منجی امت‌های آخرالزمان است. از منظر حضرت امام خمینی رحمته‌الله هرچند اعتقاد به ظهور مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در معارف شیعی نمود ویژه‌ای یافته، اما این مسئله، مسئله‌ای اسلامی است و شیعه به آن اختصاص ندارد. همچنین از نظر امام خمینی رحمته‌الله ولایت و امامت اوصیای معصوم عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف با ییشوایی ایشان به خاتمیت می‌رسد و انتظار در نگاه ایشان "تکلیفی اعتقادی و اجتماعی" معرفی می‌شود (هدایتی، ۱۳۸۷ش: ۵۵).

امام خمینی رحمته‌الله در پاسخ به کسانی که تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت را باطل می‌دانند، استدلال می‌کند که آنچه در منابع دینی مردود شمرده شده است ادعای مهدویت است و نه تشکیل حکومت و لازمه چنین دیدگاهی، یعنی نفی حکومت، فساد عمومی در جامعه است (موسوی خمینی، ۱۳۷۱ش: ج ۲، ۱۵). امام خمینی رحمته‌الله در نظریه ولایت فقیه خود، ادله عقلی و نقلی متعددی را در ضرورت و مشروعیت حکومت اسلامی در عصر غیبت ارائه می‌دهد (ر.ک: به امام خمینی، ولایت فقیه)؛ روشن است که از منظر امام، تشکیل حکومت مقدمه ضروری شکل‌گیری و توفیق حرکت جهان‌گرایی اسلامی است.

۱. تفسیر قرآنی و حدیثی درباره قیام مهدوی

استنادات قرآنی و روایی فراوانی برای جهان‌شمولی، جهان‌گیری و جهان‌داری اسلامی وجود دارد (حجر: ۳۶-۳۸؛ صف: ۹؛ نور: ۵۵) «هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون» (توبه: ۳۳)، «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون» (انبیاء: ۱۰۵)، «ونرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثین» (قصص: ۵)؛ آیاتی همچون موارد فوق، با قاطعیت تمام، برگسترش جهانی ایمان اسلامی، غلبه قطعی صالحان و کوتاه شدن دست ستم‌کاران و جباران اشاره دارد (مطهری، ۱۳۸۰ ش: ۱۳-۱۴). در روایات، تحقق استقرار کامل دین در جهان و حاکمیت صالحان و مستضعفان، به حکومت جهانی اسلام توسط امام دوازدهم شیعیان تفسیر شده است. در منابع روایی به مبانی جهان‌شمولی، جهان‌گرایی، چگونگی تحقق نظام جهانی اسلامی، ویژگی‌های آن و محقق‌کنندگان این وعده پرداخته شده است (به نقل از: پروانه، ۱۳۸۷ ش: ۲۲۱).

۲. ارتباط قیام مهدوی با حکومت اسلامی و امامت

از دیدگاه امام خمینی (ره) حکومت اسلامی بنابر ضرورت حکم عقل و شرع برپا شده است. ایشان معتقدند که تأسیس حکومت اسلامی در مقابل اندیشه آنارشستی است؛ زیرا هر آن کس که فاقد فلسفه سیاسی باشد، هرج و مرج خواه و منکر ضروریات عقل و شرع است. بدین ترتیب، امام خمینی (ره) پذیرفته است که حکومت در دوران غیبت ضروری است و وضعیت بی‌حکومتی و هرج و مرج در هیچ دوره‌ای مطلوب محسوب نمی‌شود؛ لذا همان‌گونه که در زمان رسول الله (ص) و ائمه اطهار (ع) مطلوب نبوده است، در زمان کنونی و عصر غیبت نیز نامطلوب است. پس نه تنها دوره غیبت فاقد فلسفه سیاسی نیست، بلکه مهم‌تر آن که اسلام فلسفه سیاسی متمایزی دارد. حکومت ولایت فقیه تأسیس یافته بر پایه همان فلسفه سیاسی اسلام است. فلسفه سیاسی اسلام، امامت است. رسول الله (ص) در جای جای دوران بعثت به آشکارسازی فلسفه سیاسی امامت مأمور شدند که مهم‌ترین آن اوقات، واقعه غدیر خم بوده است. امام خمینی (ره) در یکی از سخنرانی‌های ماندگارشان (۱۳۶۵/۰۶/۰۲) فلسفه سیاسی امامت را تبیین کرده و غدیر را محکم‌ترین سند در اثبات امامت دانسته است (مهدوی‌زادگان، ۱۳۹۴ ش: ۱۸-۱۹).

از نظر امام خمینی (ره) اگرچه فقهای جامع‌الشرایط در امامت سیاسی با حضرات

معصومین علیهم السلام مشارکت دارند، اما امامت کلی و معنوی یا همان امامت تکوینی مختص معصومین علیهم السلام است؛ در عین حال، در عصر غیبت کبری فقهای جامع الشرایط دارای نیابت در امر ولایت سیاسی هستند. ولایت فقیه در امتداد ولایت سیاسی معصومین علیهم السلام و در امور سیاسی به همان اندازه ولایت سیاسی معصومین، مشروعیت بخش است، به طوری که اگر اذن شرعی فقیه نباشد، حاکمیت طاغوت می‌شود. بنابراین از نظر امام خمینی رحمته الله علیه دوره غیبت کبری، عصر بلا تکلیفی نیست و ما نسبت به امر سیاسی تکلیف داریم و آن برپایی حکومت اسلامی است، تا مقدمه‌ای برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه باشد. شیعیان در حال انتظار فرج، برای قدرت سیاسی اسلام خدمت می‌کنند. دلیل این تکلیف، اعتقاد به فلسفه سیاسی امامت در عصر غیبت است. استمرار امامت سیاسی در غیبت، ما را به برپایی حکومت اسلامی تکلیف کرده است. فلسفه سیاسی امامت برای مقابله با ظلم و استبداد ارزش می‌نهد و با تفسیر انتظار فرج به معنای دست روی دست گذاشتن مخالف است (همان: ۲۰).

امام خمینی رحمته الله علیه با این بیانات درصدد آشکار کردن معنای واقعی انتظار فرج بودند. به عقیده ایشان دست روی دست گذاشتن، خانه نشینی و تسبیح به دست گرفتن، بی‌حرکی است و چنین کارهایی را نمی‌توان از انتظار فرج استنباط کرد. انتظار فرج، همگان را به حرکت و اقدام عملی و مبارزه سیاسی دعوت می‌کند. در انتظار فرج، طلب سیاسی نهفته است و از همین روست که پیروان امام عصر عجل الله تعالی فرجه نیز تمنا و طلب برپایی حکومت عدالت گستر جهانی حضرت مهدی علیه السلام را دارند. هر جا طلب سیاسی باشد، فلسفه سیاسی هم هست؛ چرا که بحث فلسفه سیاسی، بحث از حکومت مطلوب است و انتظار فرج فاقد فلسفه سیاسی از اساس بی‌معنا است. یعنی نمی‌توان انتظار فرج داشت و فاقد فلسفه سیاسی بود؛ این دو، لازم و ملزوم یکدیگرند و جدانشدنی نیستند. فلسفه سیاسی در زمان انتظار فرج با فلسفه سیاسی عصر حضور هیچ تفاوتی ندارد؛ زیرا دوره حضور و غیبت تفاوت جوهری ندارند تا موجب اختلاف فلسفه سیاسی شوند. همان‌طور که «امامت» فلسفه سیاسی عصر حضور است، در دوره غیبت نیز فلسفه سیاسی امامت پابرجاست. ولایت فقیه نیز با تکیه بر فلسفه سیاسی امامت مشروعیت پیدا می‌کند؛ و در غیر این صورت با حکومت طاغوت هیچ تفاوتی نخواهد داشت (همان: ۲۱).

ایدئولوژی و راهبردهای امام خمینی رحمته الله علیه در انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران یکی از معدود انقلاباتی است که سه عنصر اساسی مؤثر در تکوین و تثبیت یک انقلاب در وجود رهبری آن متجلی گردیده است؛ یعنی می‌توان ادعا نمود که

حضرت امام یکی از معدود رهبرانی است که به عنوان یک فقیه و دانشمند با طرح نظریه ولایت فقیه، خود نظریه پرداز اصلی یک نظام مطلوب، بعد از فروپاشی نظام شاهنشاهی بود. همچنین ایشان به عنوان مهم ترین استراتژیست انقلاب، طی یک فرآیند چندساله زمینه به ثمر نشستن نظام مطلوب خود و حتی مدیریت حکومت جدید پس از ساقط شدن نظام کهن را راهبری نمود و ایضا با درکی عمیق نسبت به شرایط و تحولات سیاسی، تاکتیک‌ها و ابزارهای متناسب با استراتژی مربوطه را به کار بست (دهقانی، ۱۳۹۴ ش: ۴۷). تعدادی از راهبردهای به کار گرفته شده توسط امام خمینی (ره) به شرح ذیل است:

۱. تأکید بر عدالت اجتماعی و توزیع منابع

امام خمینی (ره) عدالت را یکی از مهم ترین ارزش‌های جوامع بشری در همه اعصار و مکان‌ها می‌داند. تأکید و تکرار ایشان بر مفهوم عدالت و مضامین نزدیک به آن در آثارشان گواه آن است که از یک سو عدالت در نزد امام دارای ارزش زیادی بوده و از سوی دیگر مواردی همانند ظلم، جور و... به شدت مورد نفی و طرح واقع شده‌اند. در صحیفه امام مفاهیمی از قبیل عدالت ۴۲۰ بار، عدل ۳۴۶ بار، محروم ۳۸۹ بار، محرومان ۱۰۵ بار، محرومین ۸۶ بار، مستضعفان ۳۱۰ بار، مستضعف ۲۵۵ بار، فقیر ۱۳۸ بار، فقرا ۱۲۵ بار، فقر ۱۱۳ بار، و مصادیق مشابه دیگر نیز بارها به شکل اثباتی تأکید و بر لزوم توجه به آنها بسیار توصیه شده است. در کنار این‌ها مواردی همچون جور ۸۳۸ بار، ظلم ۸۱۲ بار، فساد ۷۸۲ بار و ستم ۲۰۷ بار، به گونه سلیبی ذکر شده و بر حذف و ریشه‌کنی آنها از عرصه جامعه پافشاری گردیده است (آقاپور، ۱۳۸۴ ش: ۷۱).

نگرش و توجهی که امام خمینی (ره) به مسئله قسط و عدالت در جامعه و نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی آن داشته‌اند، بیانگر این امر است که عدالت را نه صرفاً ملکه یا فضیلتی فردی، بلکه خصلت و حالتی اجتماعی می‌دانند. در این نگرش، عدالت خصلت و ویژگی قوانین سیاسی و اجتماعی و نیز ویژگی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی و مهم‌تر از آن، خصلت و ویژگی جامعه انسانی است. به عنوان مثال، ایشان یکی از مهم ترین و شاید ویژگی اصلی حکومت جمهوری اسلامی را تحقق عدالت می‌دانند:

در جمهوری اسلامی زورگویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست... در جمهوری اسلامی برای فقرا رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند... عدالت الهی بر تمام ملت، سایه می‌افکند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ ش: ج ۶، ۵۲۵؛ به نقل از: ایران نژاد و همکاران، ۱۳۹۱ ش: ۱۲۴).

همچنین از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، وضع احکام دین و کلیت دانش فقه و موضوع آن در جهت تحقق عدالت است؛ زیرا احکام همگی اموری ابزاری و وسیله تحقق عدالت در جامعه‌اند:

احکام شرعی قوانین اسلام هستند و این احکام شأنی از شئون حکومت می‌باشند، بلکه احکام، مطلوب بالعرض و اموری ابزاری هستند برای اجرای حکومت و گسترش عدالت (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۷۹ش: ج ۲، ۶۳۳).

۲. تقویت وحدت اسلامی و مبارزه با استکبار جهانی

یکی از مفاهیم راهبردی در اندیشه امام خمینی رحمه الله که علاوه بر ابعاد ملی، جنبه‌های بین‌المللی برای جهان اسلام دارد، وحدت در جهان اسلام است. به اعتقاد امام، مسلمانان برای رشد و تعالی نیازمند وحدت، همبستگی و همدلی هستند و دور شدن از وحدت اسلامی یکی از عوامل استحاله نظام اسلامی و فرایند تمدن‌سازی محسوب می‌شود (جمشیدی‌ها و نیکروش رستمی، ۱۳۹۸ش: ۵۲). امام خمینی رحمه الله، وحدت و اتحاد را اجتماع و باهم بودن در امری واحد می‌دانند (دانشیار، ۱۳۹۳ش: ۹). ایشان مسلمانان را به مثابه دست واحد دانسته که همه در مسئولیت عمومی یکسان هستند، لذا تفرقه جویی در میان ملت‌های اسلامی هیچ‌گونه جایگاهی ندارد:

مسلمین به حسب دستور خدای تبارک و تعالی، ید واحده‌اند نه دو تا دست، ید واحده علی من سواهم. همه مثل این که یک دست، باز دو دست هم نفرموده است؛ برای این که دو دست هم ممکن است این از این طرف برود، آن از آن طرف. نه، دست واحد، همه‌شان مثل دست واحد می‌مانند. مسلم این‌طوری است و اگر مسلمین این‌طور باشند که آن‌طور وحدت باهم داشته باشند که مثل یک دست باشند، ید واحده باشند، این دیگر آسیب بردار نیست... (موسوی خمینی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۲، ۴۰۶).

در اندیشه امام خمینی رحمه الله عمل به آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم» عامل سیادت مسلمین بر قدرت‌های استکباری و استبدادی در جهان است (همان: ج ۱۶، ۳۹). از این رو، امام راحل رحمه الله در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود، به دولت‌ها و ملت‌ها و نخبگان جوامع اسلامی توصیه می‌کنند:

وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام است، کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد، قیام کنید و

علمای اعلام و خطبای محترم کشورهای اسلامی دولت‌ها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند؛ در این صورت، پیروزی را در آغوش خواهند کشید. و نیز ملت‌ها را دعوت به وحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است، بپرهیزند و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند، دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده. اگر این برادری ایمانی با همت دولت‌ها و ملت‌ها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگ‌ترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می‌دهند. به امید روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود (همان: ج ۲۱، ۳۰۹).

۳. تحقق اصول اسلامی در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری

امام براساس معرفت‌شناسی فلسفی و دینی خود اعتقاد دارد که خداوند علم حضوری به تمام هستی دارد و عالم در محضر خداست. از آن‌جا که خداوند خالق انسان است و مصالح و مفاسد بندگان را از خود آنها بهتر می‌داند، براساس فطرت انسان‌ها، قانون وضع می‌نماید و از آن‌جا که فطرت انسان همواره او را به سمت کمال رهنمون و از نقص او را دور می‌نماید، لذا قانونی که خداوند تبارک و تعالی وضع می‌نماید، برای تمام اعصار و نسل‌ها خواهد بود و بشر بما هو بشر، می‌تواند در کلیه قرون از آن قانون در راستای به کمال رسیدن استفاده نماید. بدین خاطر است که اسلام دین کامل می‌باشد و قواعد و قوانین آن نیز برای تمام ابنای بشر خواهد بود و از آن‌جا قوانین الهی اسلامی مطابق با فطرت و حقیقت وجودی انسان می‌باشد، لاجرم برای همیشه و همه زمان‌ها لازم‌الاجرا و اتباع خواهد بود و بدین‌سان به سمت و سوی نسخ و فسخ نمی‌رود. از این رو «حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرام محمد حرام الی یوم القیامه». امام در این مطلب به آیه سه سوره مائده تمسک می‌جوید و معتقد است که براساس مضمون این آیه دین اسلام دین کامل و اتم و اکمل است و از این رو مصون از ابطال و نسخ خواهد بود (شیرخانی، ۱۳۹۸: ۱۳۳).

امام خمینی رحمته‌الله علیه به عنوان نظریه‌پرداز حکومت حاصله از انقلاب اسلامی ایران و رهبر انقلاب، تأکید ویژه‌ای بر تدوین قانون اساسی بر مبنای آموزه‌های اسلامی داشتند، لذا ایشان به مناسبت‌های مختلف، ضمن تأکید بر ضرورت تأسیس نهاد قانون، محتوا و درون‌مایه آن را مورد توجه قرار می‌دهند و قانون اساسی مطلوب جمهوری اسلامی ایران را، قانونی منطبق بر شریعت اسلام و پذیرش مردم می‌دانند. ایشان در این رابطه معتقدند:

قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صددرصد براساس اسلام باشد. و اگر یک ماده هم برخلاف احکام اسلام باشد، تخلف از جمهوری و آرا اکثریت قریب به اتفاق ملت است (موسوی خمینی، ۱۳۷۱ ش: ج ۹، ۳۰۸).

گام‌های عملی در راستای تحقق قیام مهدوی پس از انقلاب اسلامی ایران

بی‌تردید جمهوری اسلامی ایران که بر پایه ولایت فقیه سامان یافته، ضمن درهم شکستن دو هژمونی فکری رایج در دنیا یعنی کمونیسم و لیبرالیسم و اقامه حکومت ولایی، چشم جهانیان را به خود خیره و موجبات بیداری و استکبارستیزی را در عالم رقم زده است. همچنین پیشرفت‌های کمی و کیفی کم‌نظیر ایران در حوزه‌های علمی و تکنولوژیک، باعث شد که صدای شیپور استکبار در باب تعارض علم، دین و حکومت برای گوش جهانیان کم‌اثر یا بی‌اثر گردد و از سوی دیگر گفتمان تعاضد دین و دنیا و الگوی حکومت دینی و ولایی رو به گسترش نهاد (پوررستمی، ۱۳۸۹ ش: ۱۳۰).

امام خمینی رحمته‌الله علیه در راستای ارتقای سطح معرفتی یاران و افزایش آمادگی آنان، به اهداف بلند انقلاب اسلامی پرداخت و تصریح نمود:

به جمهوری اسلامی که ثمره خون پدران تان است، تا پای جان وفادار بمانید و با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم‌الاولیاء و الاولیاء، حضرت بقیه‌الله - روحی فداه - فراهم سازید (موسوی خمینی، ۱۳۷۱ ش: ۳۸).

بر این اساس، امام راحل؛ ابلاغ دکتترین حکومت ولایی و صدور آن را در میان جهانیان، زمینه‌ساز ظهور می‌دانست و در جای دیگر می‌فرمود:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست؛ انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد... باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند (همان: ۳۲۷).

به طور کلی تعدادی از اقدامات عملی انقلاب اسلامی ایران جهت تحقق قیام مهدوی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱. تشکیل نظام اسلامی و ساختارسازی مناسب

زمینه‌سازی ظهور به معنای ایجاد مقدمات ظهور است، با اعتقاد به این که آمادگی در تحقق ظهور تأثیر دارد. در این برداشت، وجود عنصر معرفت و اخلاق در فرد، لازم است؛ ولی کافی نیست. همچنین هدف زمینه‌سازی، پذیرش امر ولایت معصوم است؛ ولی امور دیگر نیز وجود دارد که ذکر نشده است. گفته می‌شود مقدمات ظهور، هم به زمینه‌های فردی ربط دارد و هم به زمینه‌های اجتماعی. اصلاح فرد بدون اصلاح جامعه کفایت نمی‌کند. به علاوه، زمینه‌سازی، هم باید به پذیرش ولایت معصوم بینجامد و هم به تحقق دولت کریمه، حاکمیت جهانی و تعالی همه جانبه انسان‌ها با نقش‌آفرینی در تحولات. از طرف دیگر تشکیلات زمینه‌ساز ظهور با اجتماع به مفهوم کلی آن تفاوت دارد. در اجتماع، افراد و نهادها حضور دارند و روابط اجتماعی برقرار است؛ ولی به صورت تشکیلاتی و منسجم و هدفمند نیست. جوامع دینی، لزوماً تشکیلاتی نیستند؛ چون ممکن است نسبت افراد با یکدیگر، تعریف شده و اهداف و فعالیت در راستای اهداف و فعالیت‌های خاص نباشد. تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، تمام فعالیت‌های خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که امام در راستای محوری و بسط ید معصوم باشد. فعالیت‌های دینی متعدد، همین طور فعالیت‌های تشکیلاتی متعدد می‌توان انجام داد؛ ولی در تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، فعالیت‌هایی تعریف می‌شوند که نسبت به فعلیت ظهور، حالت بالقوه داشته باشند و مستقیماً بتوانند در تحقق ظهور تأثیر بگذارند (هدایت‌نسب، ۱۳۹۹ ش: ۵۲-۵۳).

از نمودهای آشکار انقلاب اسلامی و نقش بیدارکننده آن، بعد سیاسی و اجتماعی آن بود که در کشورهای مختلف و به‌ویژه در کشورهای اسلامی اتفاق افتاد، زیرا اگر تا پیش از انقلاب اسلامی، دین اسلام تنها یک ایدئولوژی مذهبی و معنویت‌گرا تلقی می‌شد، اما انقلاب ایران، جنبه‌های بالقوه سیاسی آن را به فعلیت درآورد و تفکر شیعی با انسجام ساختاری خود در ایران نشان داد که قابلیت تبدیل به یک الگو و مدل جدیدی از نظام سیاسی موفق را دارا می‌باشد (آل‌نبی، ۱۳۹۶ ش: ۱۴۹). انقلاب اسلامی ایران به عنوان تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، یک نوع سازمان به معنی جامعه‌شناختی آن است که ساختار، نسبت اعضا، نوع فعالیت و اهداف آن را زمینه‌سازی ظهور به عنوان تکلیف دینی و نیز ضرورت شیعه‌گری تعیین می‌کند. وجود فواید و ویژگی زمینه تشکیلات‌های زمینه‌ساز ظهور از جمله تشکیلات انقلاب اسلامی، سبب تمایز مفهومی آن نسبت به سایر مدل‌ها شده است. فواید و ویژگی‌های تشکیلات که امور فردی را به امور جمعی تبدیل می‌کنند آن‌گاه، که در حوزه عمل تحقق می‌یابد، به طور مستقیم در تحقق ظهور نقش دارد و جامعه عصر غیبت را به جامعه عصر ظهور پیوند می‌زند. تشکیلات زمینه‌ساز

ظهور انقلاب اسلامی، در حقیقت رابط و واسط میان عصر غیبت و ظهور است و عامل اساسی در برون رفت شیعیان از وضع غیبت و ایجاد فرج جهانی می باشد (هدایت نسب، ۱۳۹۶ ش: ۶۱).

۲. تقویت نهادهای دفاعی و امنیتی

امنیت بین المللی جمهوری اسلامی ایران متناسب با مبانی اسلامی پذیرفته شده در سیاست های کلی نظام و ابتدای حرکت براساس آن، در مقامی متفاوت با مبانی امنیت ملی در غرب است؛ از این رو حوزه امنیت ملی به عنوان یکی از حوزه های امنیت بین المللی جمهوری اسلامی ایران مطرح است و توجه به امنیت امت های اسلامی مفهوم امنیت بین المللی جمهوری اسلامی ایران را در مرزهای وسیع تری در مقایسه با دولت کشورهای غربی قرار می دهد. مفهوم امنیت بین المللی جمهوری اسلامی ایران را در مرزهای وسیع تری در مقایسه با دولت کشورهای غربی قرار می دهد (اسماعیلی و بالایی، ۱۳۹۴ ش: ۲۲).

مهدویت در مباحث دفاعی و امنیتی دارای کارکرد ایدئولوژیک و عملی است. همان طور که بعد از انقلاب اسلامی و در هشت سال دفاع مقدس اثرات محسوس اعتقاد به مهدویت و ظهور حضرت قابل مشاهده بود، در دوران کنونی که کشورهای غربی و مخالف فرهنگ اسلامی و باور به مهدویت در صدد کم رنگ کردن و تضعیف اعتقاد مبنایی شیعه یعنی مهدویت هستند و در این راه از تمام توان رسانه ای و تبلیغاتی استفاده کردند، تبیین همه جانبه اندیشه مهدویت و ارایه آن امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. برای تبیین بعد سیاسی اندیشه دفاعی - امنیتی مهدویت و نگاه عمیق به مباحث مهمی چون: برقراری صلح، امنیت، دشمن شناسی و دفاع و اداره یک جامعه با امنیت کامل باید به همه ابعاد آن پرداخته شود. در این راستا با توجه به جایگاه مهدویت و اهمیت تبیین مباحث مهدوی و الگو گرفتن برای اداره جامعه اسلامی و برقراری و حفظ امنیت همه جانبه در کشور و تقویت بینش بصیرت، دشمن شناسی، تقویت روحیه خودباوری و خدا باوری و قطع وابستگی به دشمنان حمایت از محرومان و گسترش اتحاد بین انسان ها در حکومت جهانی به همین سبب دارای اهمیت است تا بعد سیاسی اندیشه دفاعی امنیتی مکتب مهدویت به عنوان یک الگوی مطلوب تبیین شود (سعدی آرانی، ۱۳۹۵).

۳. ترویج فرهنگ اسلامی و تربیت نیروی انسانی

از نظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) تربیت انسان، لازمه الگو شدن جمهوری اسلامی برای ملت های دیگر اگر جمهوری اسلامی می خواهد پرچم اسلام را در دست بگیرد، می خواهد

خودش به سعادت برسد، دنیا و آخرت خود را آباد کند - هم چنان که قرآن به ما یاد می‌دهد که می‌توان دنیا و آخرت را با هم آباد کرد و باید این کار انجام بگیرد - اگر می‌خواهد به ملت‌های دیگر کمک برساند، که «کنتم خیر امة اخرجت للناس»، شاهد و مبشر ملت‌های دیگر باشد، خب، طبیعتاً نیازهائی دارد: باید انسان‌های شریف، دانا، با استعدادهای جوشان، دارای ابتکار، دارای اخلاق نیک انسانی، دارای شجاعت، قوت خطرپذیری، ورود در میدان‌های جدید، بدون هیچ‌گونه عقدۀ خودکم‌بینی یا خودبرتربینی، انسان‌های دلدادۀ به خدای متعال و متکی به قدرت الهی و دارای توکل کامل، انسان‌های صبور، انسان‌های بردبار و حلیم، انسان‌های خوشبین و انسان‌های امیدوار تربیت کنید. اسلام همه اینها را به صورت بستۀ کامل در اختیار همه معتقدین و مؤمنین خود قرار داده. این بسته را باز کنیم، دانه‌دانه از این مواد استفاده کنیم، بهره‌مند شویم، آنها را بجشیم و درون وجود خودمان ذخیره کنیم. خروجی آموزش و پرورش باید این جور انسانی باشد (بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۴/۰۲/۱۳۹۰).

تأثیر و ارزیابی گام‌های نظری و عملی در تحقق قیام مهدوی

روایات اسلامی بر ضرورت زمینه‌سازی امر ظهور و خوش پیمانی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه له تأکید دارند. از این رو باید دید مهم‌ترین بایسته‌های نظری و عملی و نافذترین اکسیر در سرعت - بخشی به فرایند ظهور و رفع موانع آن چیست (پوررستمی، ۱۳۸۹ ش: ۱۱۹).

۱. شکل‌گیری جامعه اسلامی و گسترش انقلاب اسلامی در جهان

انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه آغاز خیزش بیداری اسلامی در نیمۀ دوم قرن بیستم، شروع دورۀ جدیدی از ظهور اسلام با رویکرد سیاسی را برای جهان اسلام نوید داده و پیروزی برجسته‌ترین حرکت اسلامی در این دوره، سایر حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام را به تکاپو واداشت. ذکر این نکته ضروری است که میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر همه جوامع اسلامی یکسان و یکنواخت نبوده، بلکه با توجه به اوضاع خاص هر منطقه و نیز قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی، درجۀ تأثیر آن متفاوت بوده است و هر اندازه که ملت ایران در نیل به اهداف انقلابی خود با ملت‌های دیگر وجه اشتراک داشته‌اند، به همان نسبت استقبال از این انقلاب گسترده‌تر بوده است. به طور کلی آنچه که بر همگان روشن و واضح است، این است که انقلاب اسلامی ایران تأثیرهای گسترده‌ای را در ورای مرزهای خود داشته و با توجه به پیروان و هواخواهانی که پیدا کرد و به عنوان یک نیروی قابل محاسبه توسط دولت‌های

خارجی و همچنین دولت‌های منطقه عنوان شده است؛ بدان خاطر که «انقلاب اسلامی در ایران به دلیل جذابیت شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیط منطقه و بین‌المللی، پدیده‌ای تأثیرگذار در جهان اسلام بود» (اسپزیتو، ۱۳۸۸ ش: ۲۴۴). در مجموع تأثیر آن بر سایرین از گرایش و پذیرش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب تا الگوبرداری شیوه‌ها و روش‌های اتخاذ شده، از جمله گسترش تظاهرات عمومی علیه نظام‌های حاکم، در نوسان بوده که این وضعیت زمینه‌های تهدید سایرین را فراهم آورده است (طاهری، ۱۳۸۷).

به طور کلی انقلاب اسلامی ایران یکی از متغیرهای مهمی است که در چند دهه اخیر منجر به ایجاد نگرش جدید نسبت به اسلام در جهان شده است. این انقلاب براساس رویکرد فرهنگی درصدد ایجاد همگرایی فرهنگی در میان جوامع اسلامی در جهان می‌باشد و معتقد است که؛ از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند کشورهای مسلمان را به یک انسجام درونی و اجماع جهانی فرا خواند همانا تأکید بر مشترکات دینی و تعامل حول آنها است. از این رو دعوت به وحدت اسلامی براساس تعالیم الهی اسلام از طرف بنیان‌گذار انقلاب اسلامی مطرح می‌شود. این امر در اصول توحید، اسلامی بودن، وحدت و انسجام، عدالت و مبارزه با ظلم و... که برگرفته از اسلام و در بطن ایدئولوژی جمهوری اسلامی است نمود می‌یابد و آرمان‌هایی نظیر اندیشه امامت، بسط عدالت، نابودی ظلم و ستم، نیل به سعادت برای همه انسان‌ها و در نهایت، آرمان جهانی با کانون محوری اسلام را در نظر دارد (ناظمی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۳ ش: ۹).

۲. موانع و چالش‌های تحقق قیام مهدوی

قرن‌های متمادی است که مظلومان و عدالت‌خواهان، منتظر ظهور موعودی هستند که حضور مقتدرانه وی به همراه تشکیل حکومت عدل جهانی و نابودی بساط ظلم و بی‌عدالتی، در کتب آسمانی وعده داده شده و امام مهدی علیه السلام همان موعودی است که اسلام مژده ظهورش را داده، اما این ظهور، بی‌زمینه‌سازی، امری نامعقول خواهد بود. با توجه به گستردگی قیام حضرت مهدی علیه السلام و نیز دشمنان آن حضرت که منسجم و سازمان‌یافته در مقابل حضرت هستند، قالب اقدام برای زمینه‌سازی نیز باید متناسب با قدرت دشمن، لحاظ شود. به همین جهت، دولتی که زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت باشد، بهترین گزینه است (کریم‌زاده و ملایی، ۱۳۸۸ ش: ۲۰۰).

مهدویت، آرمان بزرگ مؤمنان در طول تاریخ است که همه اهداف انبیا و اولیا را در جامعه بشری اجرا خواهد کرد. این آرمان الهی، جریانی است که انسان‌ها را به نفی هرگونه ظلم و ستم فرا می‌خواند و به سوی حق طلبی و عدالت محوری دعوت می‌کند؛ بنابراین دنیای استعمار - که به دنبال سلطه‌گری است - این جریان را مانع اصلی در رسیدن به اهداف شوم خود می‌داند؛ از این رو با انواع وسایل و شیوه‌ها، به مبارزه با فرهنگ مهدویت پرداخته و باعث ایجاد چالش‌هایی در مسیر این آرمان الهی گردیده است (خسرو انجم، ۱۳۹۹ش: ۱۱۴).

نظام سلطه جهانی و جبهه استکبار، برای استمرار بخشیدن به نفوذ و تسلط و حفظ منافع نامشروع خود، با دقت فراوان، امکانات و نقاط قوت جهان اسلام را زیر نظر دارد تا آنها را به - دقت شناسایی کرده و نابود سازد. یکی از این نقاط قوت که در صدر لیست سیاه مورد نظر قرار گرفته است، اندیشه‌های بخش «مهدوی باوری» است که در خط مشی مبارزاتی امت مسلمان از جایگاه استراتژیکی برخوردار است. از این رو نظام سلطه، سناریوهای متعددی را جهت تضعیف و نابودی این اندیشه مقدس طراحی کرده و متناوباً به اجرا گذارده است (العمیدی، ۱۳۸۴ش: ۳۱۵).

استعمار با هدف خارج کردن دین از حوزه سیاست و تثبیت نیروهای غرب‌گرا در ارکان سیاست‌گذاری کشورها و نفوذ و تسلط در آنها و با استفاده از ابزار گفتار، نوشتار و تصویر، به انکار، تخریب، تحریف و جایگزین‌سازی پرداخته است و بدین وسیله توانسته چالش‌های بسیاری در بحث مهدویت ایجاد کند؛ به عنوان مثال در حوزه اعتقادی و فرهنگی، باعث ایجاد چالش برداشت‌های انحرافی گردیده است و همین‌طور چالش استعجال^۱، توقیت، یأس و ناامیدی و... و در حوزه سیاسی و اجتماعی با به وجود آوردن فرقه‌های ضاله و مدعیان دروغین موجب شده است تا جامعه منتظر دچار آفت اختلاف و درگیری، فاصله میان عالمان دین با مردم، ایجاد فتنه و آشوب در میان مردم، مسئولیت‌گریزی و... گردد و از این رهگذر تا حدودی توانسته است به اهداف جزئی خود برسد. اما از آن‌جا که وعده خداوند تخلف‌ناپذیر است و اراده خدا بر این تعلق گرفته که حکومت عدل الهی به دست منجی عالم بشریت، امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جهانی گردد، آنها به هدف اصلی خود که حکومت بر کل جهان است، نخواهند رسید (خسرو انجم، ۱۳۹۹ش: ۱۳۰).

مدل مفهومی

۱. استعجال به معنی عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و تحقق زمینه‌های لازم برای آنست.

تشکیل نظام اسلامی با ساختار مناسب، تقویت نهادهای دفاعی و امنیتی و ترویج فرهنگ اسلامی و تربیت نیروی انسانی بر مبنای ارزش‌های اسلامی از جمله این گام‌ها بودند. این گام‌ها باعث شکل‌گیری جامعه اسلامی و گسترش انقلاب اسلامی در جهان شد و در عین حال با موانع و چالش‌هایی نیز رو به رو شدند. نتیجه آن که در تحقق قیام مهدوی، هم‌چنان مسیر زیادی برای پیموده شدن و موانعی جهت مقابله وجود دارد. اما تمامی این گام‌ها، ایده‌آل‌ها و اندیشه‌ها یک هدف مشترک دارند و آن اجرای اراده الهی است. تمامی تلاش‌ها باید به سوی ارتقای فرهنگ اسلامی و تحقق نظام امامت و امت و همچنین عدالت اجتماعی با هدف ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک تمرکز کنند. این هدف همواره سزاوار تلاش و جهاد است و برای دستیابی به آن باید پژوهش‌ها و تحلیل‌ها ادامه یابند.

پیشنهادهای

- ترویج فرهنگ اسلامی و آموزش ارزش‌ها و اصول اسلامی در جامعه به عنوان بستری برای تربیت نیروی انسانی مطلوب؛
- تأکید بر عدالت اجتماعی و توزیع منابع به صورت منطقی و عادلانه، و ترویج نظام آموزشی مناسب؛
- بررسی آسیب‌شناسانه عملکرد عملیاتی گام‌های نظری و عملی در راستای تحقق قیام مهدوی پس از انقلاب اسلامی ایران؛
- شناسایی راهکارهای مبارزه با موانع و چالش‌های موجود در مسیر؛
- بررسی عملکرد و تأثیر گسترش انقلاب اسلامی در جهان.

منابع

قرآن کریم

۱. اسپوزیتو، جان ال (۱۳۸۲ ش)، *انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن*، ترجمه: محسن مدیر شانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲. اسکاچپول، تدا (۱۳۸۲ ش)، «دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران»، ترجمه: محمدتقی دلفروز، *فصل‌نامه مطالعات راهبردی*.
۳. ایران نژاد، ابراهیم؛ جمشیدی، محمدحسین؛ فرشباغیان، احمد (۱۳۹۱ ش)، «عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، شماره اول.

۴. آقاپور، علی (۱۳۸۴ش)، *بررسی تحقق عدالت اجتماعی پس از انقلاب اسلامی ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: پژوهشکده امام خمینی رحمته الله علیه و انقلاب اسلامی.
۵. آل نبی، سیدمحسن (۱۳۹۶ش)، «انقلاب اسلامی آغاز ظهور یا زمینه ساز ظهور»، *فصل نامه پژوهش های مهدوی*، شماره ۲۰.
۶. بلخاری، حسن (۱۳۷۸ش)، *تهاجم یا تفاوت فرهنگی*، تهران: انتشارات بیتا.
۷. پروانه، محمود (۱۳۸۷ش)، «دیالکتیک تنافع (مبتنی بر اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه)»، *فصل نامه دین و سیاست*، شماره ۱۷ و ۱۸.
۸. پوررستمی، حامد (۱۳۸۹ش)، «حکومت ولایی و زمینه سازی ظهور»، *فصل نامه مشرق موعود*، شماره ۱۳.
۹. پورسیدآقای، سیدمسعود (۱۳۸۸ش)، «زمینه سازی ظهور»، *فصل نامه مشرق موعود*، شماره ۱۰.
۱۰. پورسیدآقای، محسن؛ فهمیده قاسم زاده، محمد؛ عمرانی، مهدی (۱۳۸۹ش)، «راهنمای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه ساز، براساس مدل SWOT»، *فصل نامه مشرق موعود*، شماره ۱۵.
۱۱. تلاشان، حسن؛ احمدی، حسن؛ دهقانی، محمد (۱۳۹۳ش)، «نقش مکتب تشیع در پیروزی انقلاب ایران از دیدگاه مستشرقان»، *فصل نامه شیعه شناسی*، شماره ۴۷.
۱۲. جمشیدی ها، غلامرضا؛ نیکروش رستمی، ملیحه (۱۳۹۳ش)، «وحدت و تفرقه امت اسلامی در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه»، *دوفصل نامه جستارهای انقلاب اسلامی*، شماره ۲.
۱۳. حسینی خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۰ش)، *بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور*.
۱۴. خسرو انجم، اکرم (۱۳۹۹ش)، «استعمار و چالش های مهدویت»، *نشریه داخلی انجمن علمی پژوهشی مهدویت*، شماره ۳.
۱۵. دهقانی، جواد (۱۳۹۴ش)، «بازخوانی اصول استراتژی و تاکتیکی امام خمینی. فرآیند رهبری ایشان در تکوین انقلاب اسلامی ایران»، *فصل نامه سیاست*، شماره ۷.
۱۶. سعدی آرانی، مهدی (۱۳۹۵ش)، *طرح پژوهشی تبیین بعد سیاسی اندیشه دفاعی - امنیتی مکتب مهدویت*، استاد راهنما: دکتر عباسعلی فرزندی.
۱۷. شمس، محمد (۱۳۹۰ش)، *جایگاه ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه*، طرح پژوهشی، مرکز

- پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۸. طاهری، سیدمهدی (۱۳۸۷ش)، «انقلاب بیدارساز: نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهان اسلام»، *فصل‌نامه بگناه حوزه*، شماره ۲۴۸.
۱۹. العمیدی، سیدثامر هاشم (۱۳۸۴ش)، *در انتظار ققنوس*، ترجمه: مهدی علیزاده، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چهارم.
۲۰. فوکو، میشل (۱۳۷۵ش)، *ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند*، تهران: نشر نی.
۲۱. کریم‌زاده، اصغر؛ ملایی، حسن (۱۳۸۸ش)، «بررسی رسالت‌ها و راه‌بردهای فرهنگی - تربیتی دولت زمینه‌ساز»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۱۰.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰ش)، *قیام و انقلاب مهدی (عج)*، تهران: انتشارات صدرا.
۲۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۱ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۴. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۷ش)، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، هفتم.
۲۵. مهدوی‌زادگان، داود (۱۳۹۴ش)، «امام خمینی (ره) و فلسفه سیاسی انتظار (ولایت فقیه؛ دولت انتظار)»، *فصل‌نامه سیاست متعالیه*، شماره ۱۱.
۲۶. ناظمی اردکانی، مهدی؛ داودی، مهدی؛ امامی، احمدعلی (۱۳۹۳ش)، «آرمان جهانی اسلام در اندیشه فرهنگ انقلاب اسلامی»، *فصل‌نامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، شماره ۹.
۲۷. هدایت‌نسب، نسترن (۱۳۹۹ش)، «تبیین مفهوم تشکیلات جامعه زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی (عج)»، *فصل‌نامه مطالعات مهدوی*، شماره ۵۰.
۲۸. الهی‌منش، محمدحسن؛ حسینی، سید محمدامین؛ هاشمی، راضیه (۱۳۹۴ش)، «نقش ایدئولوژی انقلاب اسلامی در هویت بخشی جغرافیای سیاسی ایران»، *فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۳.

29. Jeffry R. Halverson & Steven R. Corman, "Egypt and Iran", *A tale of two*, 21/02/2011

30. <https://shiastudies.com>